

## تاریخچه سوسیالیسم فمینیستی

و

### دیدگاه‌های نظریه‌پردازان سوسیالیست - فمینیست

توضیح □ نکته

در آستانه هشتم مارس ۱۳۹۹ مجموعه مقالاتی را که در سال ۱۳۷۸ تحت عنوان درباره سوسیال-فمینیسم ترجمه کرده بودم □ توسط نشر بیدار در آلمان به چاپ رسیده بود را بازنگری کرده □ □ باره به چاپ میدهم. بحثهای طرح شده در این مقالا □ همچنان از مسائل مهم □ مطرح جنبش زنان چپ است □ هنوز جای دارد در مورد آنها به بحث □ تبادل نظر پرداخت. به ویژه آنکه نسلی جوان □ پرشور پا به میدان نهاده □ آگاهانه □ معقول دارد جنبش را به پیش می‌برد.

□ نکته در این میان قابل تأمل است:

□ آنکه در طی بیست سالی که از این ترجمه گذشته مباحث مهمی همچون اینترسکشنالیتی یا درهم‌تنیدگی (به انگلیسی: Intersectionality) به شکل جامع تری مطرح شده است. در این مجموعه در بخش "انتقادهایی به نظرا □ هارتمن" تا □ دی به این گفتمان پرداخته شده است، البته بدین استفاده از خود مفهوم (concept). اینترسکشنالیتی چارچوبی تحلیلی است برای شناسایی نظامهای درهم‌تنیده قدر □ بر پایه طبقه، جنسیت، گرایش جنسی، سن، تعلق ملیتی یا نژادی که جدا از یکدیگر □ جود ندارند بلکه در

هم تنیده‌اند. این نظریه که در ابتدا برای تحقیق پیرامون سرکوب زنان رنگین‌پوست در جامعه آغاز شد، امری زه از سوی محققین □ فعالان سوسیالیست فمینیست بیش از پیش برای توضیح □ تحلیل نظام قدر □ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فمینیسم اینترسکشنال بر این باور است که همه جنبه‌های تبعیض آمیز هویت اجتماعی □ سیاسی (جنسیت، نژاد/ملیت، طبقه، گرایش جنسی، معلولیت □ غیره) در هم تنیده شده‌اند. به عنوان مثال، یک زن کرد یا آذری، به‌طور هم‌زمان می‌تواند مورد تبعیض طبقاتی، ملی □ جنسیتی باشد. ر□ یک‌کرد اینترسکشنالیستی می‌گوید برای توضیح اینکه ستم موجود بر زنان از کجا می‌آید، نمی‌توان فقط به یک تحلیل تک‌محور بسنده کنیم، چراکه زنان به گره‌های طبقاتی، قومی، مذهبی، نژادی □ جنسیتی مختلف تعلق دارند □ این باعث کنش □ کنش ر□ ابط اجتماعی با همدیگر می‌شود. در نتیجه تحلیل ما از مسله زن باید چند بعدی باشد.

به نظرم جای دارد در سال‌های پیش‌□ محققین □ فعالان جنبش زنان به این مفهوم □ شکل استفاده از آن در چارچوب جنبش زنان ایران توجه کنند.

به نظرم جای دارد در سال‌های پیش‌□ محققین □ فعالان جنبش زنان به این مفهوم □ شکل استفاده از آن در چارچوب جنبش زنان ایران توجه کنند.

□ م آنکه به خاطر دارم □ قتی بیست سال پیش کار بر ر□ ی مبحث سوسیال فمینیسم را آغاز کردم هدفم غنی سازی توبره تئوریک زنان چپ □ سوسیالیست بود. زنان لیبرال، ملی گرا، نو اندیش دینی سکولار در جنبش

زنان ایران □ ضور پر رنگی داشته □ دارند. فعالان آنان چه در سطح آکادمیک □ چه در سطح فعال جنبش زنان نقش بزرگی در پیش بردن جنبش عظیم زنان علیه استبداد مذهبی موجود دارند. جنبش زنان ایران برای پیشروی به همکاری‌ها □ ائتلاف □ متنوع مابین سوسیال فمینیست‌ها □ زنان لیبرال، ملی گرا، نو اندیش دینی سکولار نیاز دارد. اما در عین □ال سوسیال فمینیست‌ها نیاز دارند صف مستقل خود را هم به لحاظ تئوریک □ هم سازماندهی مشخص □ ممتاز کنند. خطر امر □ ز نیر □ های "چپ" عقب مانده نیستند. ما دیگر □قت □ انرژی خود را نباید صرف بحث با سبیل کلفتهایی کنیم که □تی به جنبش مستقل زنان با □ر ندارند. ما باید □قت □ انرژیمان را بر بار □ری تئوریک □ سازماندهی عملی سوسیال فمینیسم در جنبش زنان ایران بگذاریم.

سالها پیش گفتیم □ من هنوز بر این با □رم زنان □ جنبش زنان در تحولا □ سیاسی آتی در ایران نقش مهمی خواهند داشت. نگرانی من از آن است رهبری این جنبش، پس از رسیدن به هدف مشترک □ضع پایه ای ترین قوانین برابری □ عدالت جنسیتی، به دست آن بخش از زنان بیافتد که مسله زنان را به "درصد سهم زنان از مدیریت کارخانجا □ شرکتها" □ در صد زنان در مدیریت بورس تهران □... کاهش می‌دهند.

آزاده شکوهی

## تاریخچه سوسیالیسم فمینیستی

و

### دیدگاه‌های نظریه‌پردازان سوسیالیست - فمینیست

#### آزاده شکوهی

##### پیش‌گفتار

مبحث فمینیسم<sup>1</sup> یکی از اصلی‌ترین موضوعات کار پژوهش‌گران و دانشجویان رشته‌ی مطالعات و تحقیقات زنان (Women Studies)، رشته‌های علوم انسانی و تا علوم طبیعی است. در عین حال این مبحث کاربرد سیاسی دارد و در جنبش‌های طبقاتی - ملی - قومی - محیط زیست و زنان مورد تفحص و کاربرد قرار می‌گیرد. از آن‌جا که «فمینیسم را دیگر نمی‌توان نادیده گرفت» از آن‌جا که مقالات و تئوریک و کلاسیک فمینیستی تاکنون به زبان فارسی در دسترس پژوهش‌گران، دانشگاهیان و فعالان جنبش‌های اجتماعی نبوده است، دست به کار ترجمه کتابی که در دست دارید شدم.

---

<sup>1</sup> (The groundling of modern feminism – N.F.Cott-1986)

عامل دیگری که مرا به ترجمه‌ی این کتاب تشویق کرد این بود که □ جهی از فمینیسم را مطرح کنم که می‌تواند منافع اکثریت عظیم زنان در ایران را نمایندگی کند □ نه فقط منافع بخشی از زنان مرفه □ ر □ شن فکر جامعه را. در این کتاب ابتدا مر □ ری خواهیم داشت به تاریخچه کوتاهی از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان سوسیالیست - فمینیست از قرن هیجدهم میلادی تا به امر □ ز. سپس مقاله‌ی هایدی هارتمن (اقتصاددان □ پز □ هش‌گر) تحت عنوان «سرمایه‌داری، پرسالاری □ جدایی شغلی بر اساس جنسیت» به چاپ رسیده است.

هارتمن در این مقاله تلاش می‌کند ر □ شن سازد چگونه تقسیم کار بر اساس جنسیت موجب فر □ دستی زنان در جوامع بشری شده است. □ معتقد است که نظام پرسالاری، قبل از □ ره‌ی سرمایه‌داری □ جود داشته است □ با پیدایش سرمایه‌داری تنها خود را با آن تطبیق داده است. هارتمن با مراجعه به □ اقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که نه تنها سرمایه‌داری بلکه اتحادیه‌های مردانه کارگری در تحکیم جدایی شغلی بر اساس جنسیت نقش داشته‌اند. هارتمن نتیجه می‌گیرد که شکل‌گیری جنسیت اجتماعی (Gender) ناشی از جدایی شغلی بر اساس جنسیت است.

زیلا ایزنشتاین در مقاله «ساختن یک تئوری از سرمایه‌داری پرسالارانه □ سوسیالیست فمینیسم» تلاش دارد تفلا □ زنان سوسیالیست با زنان سوسیالیست - فمینیست را توضیح دهد. □ می‌خواهد ر □ شن کند که سوسیالیست‌ها خواهان درك □ تغییر نظام سرمایه‌داری هستند در □ مالی که

سوسیالیست - فمینیست‌ها برای درک وابستگی جانبی سرمایه‌داری پدرسالاری تغییر این نظام تلاش می‌کنند. ایزنشتاین به اهمیت تحلیل‌های مارکسیستی در رابطه با طبقه تولید سرمایه‌داری تأکید می‌رزد اما در عین به برخی دیدگاه‌های تحلیلی مارکس انگلس انتقاد دارد معتقد است ماتریالیسم تاریخی باید تعمیم یابد ارتباط زنان با تقسیم کار بر اساس جنسیت رابطه‌ی زن با تولید تولیدمثل را در بر گیرد. ایزنشتاین به دیدگاه‌های جبرگرایانه‌ی بیولوژیکی رادیکال فمینیست‌ها انتقاد می‌کند به تعریف سوسیالیست - فمینیست اصول بنیادین تئوریک آن می‌پردازد.

در مقاله دیگری از هایدی هارتمن تحت عنوان «ازدواج ناخشنود مارکسیسم فمینیسم پیش به سوی یک اتحاد پیش‌تر» پدرسالاری از دیدگاهی ماتریالیستی تحلیل می‌شود.

هارتمن مقاله را با این جمله آغاز می‌کند: «ازدواج مارکسیسم فمینیسم مثل ازدواج زن مرد در قانون انگلیس بود.<sup>1</sup> مارکسیسم فمینیسم یکی هستند آن یکی هم مارکسیسم است.» هارتمن معتقد است نابرابری‌های این ازدواج تصادفی نیستند سعی در کشف دریافتن نابرابری‌ها دارد. در این مقاله ابتدا به دیدگاه‌های مارکسیستی از زمان مارکس انگلس تا به امروز در رابطه با مسئله‌ی زنان علت نابرابری جنس می‌پردازد

---

<sup>1</sup> در قوانین انگلیس زن و مرد متأهل یکی انگاشته می‌شوند و آن یک شوهر است.

تلاش می‌کند نشان دهد که مقولاً □ مارکسیستی نقش جنسیت را نادیده گرفته‌اند (Gender blind). در ادامه این مقاله هارتمن به طرح ایده مارکسیسم - فمینیسم قابل استفاده‌تر می‌پردازد □ نتیجه می‌گیرد زنان □ مردان هر □ در سرنگونی سرمایه‌داری سهیم هستند اما هر یک منافع جنس خالص یا نیز دنبال می‌کنند. معلوم نیست سوسیالیسمی که برای آن جنگیده شده برای زنان □ مردان یکسان باشد. برای ساختن یک سوسیالیسم انسانی نیاز هست که مردان از امتیاز □ شخصی چشم‌پوشی کنند □ زنان چون گذشته از □ ظایف مهم □ یاتی‌شان چشم‌پوشی نکنند بلکه بجنگند تیز □ نافذ □ دقیق □ تا اگر شده با تهدید.

بالاخره مبحث پایانی کتاب اختصاص به برخورد □ نقد چند پژ □ هش‌گر سوسیالیست - فمینیست به نظریا □ هارتمن دارد □ پاسخ □ به این نقدها. برای مثال □ سعی می‌کند به این سوال □ پاسخ دهد: چرا پدرسالاری تغییر شکل می‌دهد اما نابود نمی‌شود؟ نقش انقلابی مردان چیست؟ نقش لیبرال فمینیست‌ها چیست؟ راه □ ل‌های امر □ زی کدام‌ها هستند؟

مسئله‌ی فمینیسم هرگز تنها «مسئله زن» نبودن است. مسأله اصلی فمینیسم جست □ جوی علت نابرابری زن □ مرد □ یافتن دلیل تسلط مرد بر زن بوده است. امید به آن که این کتاب که شامل ترجمه آثار کلاسیک □ بنیادین دیدگاه‌های سوسیالیستی - فمینیستی است، ر □ زن‌هایی باشد برای پژ □ هش‌گران □ فعالین اجتماعی که همت به درك □ تغییر نهاده‌اند.

استکهلم

ژان - 2005



## تاریخچه سوسیالیسم فمینیستی

و

### دیدگاه‌های نظریه‌پردازان سوسیالیست - فمینیست

#### آزاده شکوهی

#### تاریخچه

فلورا تریستان (1803-1844) را می‌توان اولین زن سوسیالیست - فمینیست نامید. [۱] از یاران سوسیالیست‌های تخیلی [۲] نویسنده‌ی کتاب‌های پُرشماری از جمله «اتحادیه‌ی کارگری» بود که خود در خیابان‌های پاریس آن را به کارگران می‌فروخت. به گمان [۳] هنگامی که مردان کارگر [۴] قوق برابر برای زنان کارگر قائل شدند آن‌گاه راه را نه فقط به [۵] ی سوسیالیسم بلکه به [۶] ی فمینیسم هم گشوده‌اند. [۷] می‌نویسد: «کارگران مطمئن باشید [۸] در دفترچه‌هایتان یادداشت کنید. بیانیه‌ی [۹] قوق زن به [۱۰] دی منتشر می‌شود. از سنت به قانون راه می‌یابد [۱۱] در عر [۱۲] بیست [۱۳] پنج سال در کتاب قانون فرانسه برابری مطلق زن [۱۴] مرد به ثبت خواهد رسید. آن زمان برادران من، فقط آن زمان است که جامعه‌ی انسانی به [۱۵] جود خواهد آمد»<sup>۱</sup>

در فرانسه [۱۶] آلین گر [۱۷] ه سوسیالیست - فمینیست در سال 1879 در [۱۸] بزب کارگران فرانسه با هدف برابری کامل [۱۹] جنس در جامعه [۲۰] زندگی خصوصی پا گرفت.

<sup>۱</sup> تریستان، *Vnion*، ص. 74- فصلنامه‌ی اول.

پاولا مینک (Paula Mink) (1839-1901) که از عناصر فعال کمون پاریس □ از اعضای این گروه سوسیالیست - فمینیست بود در یکی از نامه‌هایش می‌نویسد: «ما معتقدیم خواسته‌های زنان عبارتند از رهایی از استثمار، در تملک بودن... □ به ویژه رهایی از سیستم تبعیض میان دست‌مزد زنان □ مردان □ هر آنچه که به دنبال دارد.<sup>1</sup>

آنا کولیس‌کیوف (Ann Kuiscioff) (1845-1925) ایتالیایی یکی از بنیان‌گذاران □ حزب کمونیست ایتالیا نیز از زمره □ لین زنان سوسیالیست - فمینیست بود. □ عقیده داشت: «مبارزه‌ی طبقاتی هرگز مؤثر □ پیر □ نخواهد شد، مگر آن میلیون‌ها زنی که در بازار کار رقیب مردان هستند □ مزد بسیار کمتری نسبت به آنان دریافت می‌کنند به آن بی‌بوندند. شما مردان مطمئن باشید تا زمانی که زنان جدا از جنبش عمومی اجتماعی باشند تمام امیدهای شما برای بهبود □ وضعیت‌تان شکست می‌خورد.»<sup>2</sup>

آنا از سخنان بیل که می‌گوید: «توده‌ی زنان از □ ستم رنج می‌برند یکی ستم سرمایه □ دیگری □ ابستگی اقتصادی - اجتماعی به مرد □ هدف فقط برابری زن □ مرد نیست. □ ابستگی انسانی به انسان دیگر □ جنسی به جنس دیگر باید از میان بر □ د.»<sup>3</sup> به عنوان تکیه‌گاهی برای پیشبرد بحث‌های خود استفاده می‌کند.

---

<sup>1</sup> آرشیو Guesde و بخش دوم، صص. 607-618، تاریخ نامه 17 جولای 1889.

<sup>2</sup> نشریه‌ی بوستا ش. 63، ص. 6.

<sup>3</sup> بیل، زن در سوسیالیسم، صص. 4 و 5.

كلارا زتكين (1917 - 1891) از سوسيالدموكراهاي آلماني الكساندر كولنتاي از بلشويكهاي روسيه همواره با تأكيد به برابري زن و مرد براي رهايي زنان تلاش مي‌كردند. كولنتاي در سال 1905 يك كلوب زنان تشكيل داد، سوسيالدموكراهاي روسيه تقاضاي او را براي كمك رد كردند و او را زاسولچي يكي از زنان رزمندهي انقلابي را متهم كرد كه در صفوف حزب سوسياليست شكاف مي‌اندازد.<sup>1</sup>

كولنتاي كه مصرانه در طرح مسائل زنان در سطح جنبش تلاش مي‌كرد به همين دليل مورد سوءظن بود، تنها قتي در سال 1915 رسماً به بلشويكها پيوست و در كنگره‌ي شانزدهم حزب به عضويت كميتي مركزي درآمد و توانست متحديني چون لنين و سوردلوف (Sverdlov) بيابد، موفق شد طرح بورژوازي زنانه در حزب را به تصويب برساند. زباني چون كرپسكايا، ز. ليلي‌نا (Z. Lilina) اينسا آرماند (I. Armand) از نظر او كولنتاي را مائيت مي‌كردند و توجه به مسائل يژه‌ي زنان را ياتي مي‌دانستند. آرماند سردبير لينين و زنامه‌ي كارگري يژه‌ي زنان بود كه در سال 1914 منتشر شد.

كولنتاي يكي از عناصر مهم مؤثر در تصميمگيريهاي پس از انقلاب اكتوبر پيرامون مسائل يژه‌ي زنان بود. از جمله مي‌توان به مصوبه‌ي كنگره‌ي سال 1919 اشاره كرد: ايجاد امكانات عمومي مثل غذاخوريها، رختشوييها و مهدكودكهاي جمعي براي كاهش بار كار خانگي از دوش زنان. او براي او را د

---

<sup>1</sup> نشريه‌ي بوستا، ش. 2، ص. 196.

زنان به سطح رهبري □ بز تلاش بسيار كرد. در سال 1919 بخش زنان كميتهي مركزي تشكيل شد.

با مرگ لنين، كولنتاي عزيزترين □ قويترين متحد خود را از دست داد. مخالفتها □ خصومتها عليه □ □ بخش زنان كميتهي مركزي عملاً فعاليتهاي آنان را فلج مي ساخت.

در سال 1926 قتي قانون جديد خانواده به تصويب رسيد كولنتاي آن را قانون بورژوايي ناميد. بيست سال بعد □ با تحقير □ تمسخر نوشت: «اتحاد شوروي راه را براي □ □ د زنان به انواع فعاليتهاي خلاق باز گذارده □ البته همزمان تمامي شرايط لازم براي انجام □ ظايف طبيعي مثل مادري، تربيت فرزندان □ كدبانوي خانه بودن را نيز فراهم ساخته است.»<sup>1</sup>

شكل گيري ايده □ جنبش سوسياليست - فمينيستي به شكل امر □ زيش به سالهاي 1960-1970 در كشورهاي آمريكا □ بریتانیا برمي گردد. در آمريكا سوسياليسم - فمينيسم از در □ ن جنبش چپ، كه شامل جنبش عظيم ضد جنگ □ جنبش دانش جويي مي شد، سر بر آرد. سوسياليست - فمينيست ها معتقد بودند سرمايه داري □ مردسالاري هر □ نوعي از ستم هستند □ ستم جنسي از سرمايه داري نشأ □ گرفته است. آنها خواستار تغيير ساختار اقتصادي - سياسي جامعه □ ر □ ابط □ اكم ميان زن □ مرد بودند □ به يژه بر مبارزه عليه ستم جنسي □ نقش مردسالاري در تعيين ارزشها تأكيد داشتند. هدف آنها تركيب □ ايجاد پيوند ميان □ نظريه ماركسيسم □ فمينيسم بود. □ ول اين نظريه اتحاديههاي

<sup>1</sup> كولنتاي، زن در اتحاد شوروي، ص 378.

مستقل زنان شکل گرفت. در آمریکا میان سال‌های 1969-1975 هفده اتحادیه‌ی مستقل زنان وجود داشت که اعضای آن اغلب زنان سفیدپوست 20 تا 30 ساله‌ی مجرد از طبقه‌ی متوسط بودند. زنانی که به این اتحادیه‌ها می‌پیوستند عقاید گوناگونی داشتند از ضدامپریالیست‌های آتش گرفته تا زنانی که مسئله‌ی رب ابط جنسی نگاه‌داری پرورش کودک برایشان مهم بود.

عمر متوسط این اتحادیه‌ها چهار سال بود. کارن هانسن (Karen Hansen) استادیار رشته‌ی جامعه‌شناسی در دانشگاه براندس (Brandes) از فعالان سوسیالیست - فمینیست علت شکست اتحادیه‌های مستقل زنان آمریکا را چنین ارزیابی می‌کند:

«الف - پیوند بسیار گرهي نزدیک اتحادیه‌ها با چپ (البته نه با سازمان یا چپ خاصی). زنان پویایی انرژی چپ پراکنده‌ی از دست رفتن هوادارانش، تأثیر مستقیم بر فعالیت‌های اتحادیه داشت.

ب - ضرورت گرایش‌های عقیدتی بسیار متفاو تقسیم‌بندی‌های درنی. پ - ظایف سیاسی سنگینی که بر ش اتحادیه گذارده شد که متناسب با ظرفیت برنامه‌ی اعضا اتحادیه نبود.»

جنبش آزادی‌بخش زنان بریتانیا در سال‌های دهه‌ی 1970 با ایده‌ی مارکسیسم درآمیخت. لین زنان سوسیالیست - فمینیست بریتانیا جولیت میچل (Juliet Mitchell) شیلا بوتام (S. Rowbotham) مارگریت بار (M. Barrett) هستند. آن‌ها نیز بر مسائلی چون طبقه، جنسیت، مردسالاری انگشت می‌گذارند معتقدند با گنجاندن مفاهیم تولید مثل، کار خانگی نگاه‌داری

پرش كودك در نظريه‌ي ماركسيستي شيوه‌ي نويني براي سازماندهي □  
مبارزه‌ي زنان يافته‌اند. در انگليس سازمان‌ها □ گر □ ه‌هاي زنان بسياري تشكيل  
شد كه سوسياليست - فمينيست‌ها در آن‌ها همچنان فعالند.  
به‌طوركلي تئوري سوسياليسم - فمينيسم با برخورد انتقادي به فمينيسم به دليل  
ديدگاه تنگ‌نظرانه‌اش به مسائل گوناگون سياسي - اجتماعي، عدم پيش‌برد موفق  
مبارزه ضدسرمايه‌داري، انفعال، مخالفت با مسأله‌ي طبقه □ نژاد، □ برخورد  
انتقادي به ماركسيسم به دليل عدم توجه كافي به مسأله‌ي جنسيت، توليد مثل □ كار  
خانگي، شكل گرفت.<sup>1</sup>

#### ديدگاه‌هاي چند تن از نظريه‌پردازان سوسياليست - فمينيست

جوليت ميچل (متولد 1940) از □ لين نظريه‌پردازان سوسياليست - فمينيست،  
استاد دانشگاه ليدز □ از فعالان جنبش فمينيستي در دهه‌ي 60 ميلادي، معتقد  
است زنان نيمي از بشريت □ جزء جدائي‌ناپذير □ غير قابل‌تعويض جوامع  
بشري‌اند. آن‌ها در نحوه □ شرايط زيست انساني نقش بنيادين بازي مي‌كنند اما در  
اقتصاد، سياست □ مسائل اجتماعي به □ اشيه رانده شده‌اند؛ □ دقيقاً همين امر،  
يعني داشتن نقش بنيادين □ نقش □ اشيه‌يي در آن □ □ د، براي آن‌ها مصيبت‌زا □  
گشوده بوده است. در كتاب معرف □ فزن: طولاني‌ترين انقلاب ميچل به رابطه‌ي  
توليد □ توليد مثل اشاره مي‌كند. □، همچون فايرستون (Firestone) فمينيست،

---

<sup>1</sup> زن، طبقه و نظريات فمينيستي، گ. هانسن - ج. فيليسون، ص.  
1.

معتقد است مارکسیسم توانایی تولید مثل زن □ پی آمدهای آن را نادیده گرفته است □، برخلاف فایرستون، عقیده دارد تحت ستم □ فر □ دست‌بودن زن از دگرگونی‌های تاریخی در چهار ساختار: تولید، تولید مثل، جنسیت □ اجتماعی شدن نگهداری □ پر □ رش کودکان سرچشمه گرفته است. این چهار ساختار تجزیه‌ناپذیرند □ در چارچوب خانواده ترکیب می‌شوند. میچل معتقد است □ ابط سرمایه‌داری بر پایه‌ی اقتصاد استوار است در □ مالی که پدرسالاری از طریق فرهنگ □ ضمیر ناخودآگاه کنترل می‌شود. □ ضمن تأکید بر این که هنوز از طریق کار است که در شرایط طبیعی □ جوامع تغییراتی ایجاد می‌شود □ تا انجام يك انقلاب در تولید □ وضعیت زنان بهبودی نخواهد یافت، بر آن است که زن را تنها از طریق تغییر □ رادیکال در چهار ساختار اشاره شده می‌توان رها کرد. به نظر □ دستیابی به این تغییر □ نیازمند انقلاب در شرایط مادی □ □ انی است.

جست □ جو برای شناخت نشانه‌های تغییر □ □ ر □ انی، میچل را به تجزیه □ تحلیل □ ان □ که □ انه سوق داد. انتقاد مشخص جولیت میچل به مارکسیست‌های سنتی عدم توجه کافی به □ □ وظیفه‌ی همواره تحمیل‌شده به زنان، یعنی کار خانگی □ نگهداری □ پر □ رش کودک، است.<sup>1</sup>

باربارا اهرن رایش (B. Ehrenreich) که از سال 1983 دبیر □ م سوسیال دموکرات □ های آمریکا است □ کتاب **کشف طبقه** را به رشته تحریر در □ رده در مورد سوسیالیسم - فمینیسم می‌نویسد: «در □ اسط‌دهه‌ی 70 از يك سو

<sup>1</sup> فمینیسم مدرن، م. موم، صص 89-91.

فمینیست‌های رادیکال با تمایلا □ جدایی‌طلبانه نسبت به مردان □ ر□□ یه‌یی افراطی نسبت به خیانت لایزال آنان درگیر مبارزه بودند □ از سوی دیگر فمینیست‌های چپ با تمایلا □ مارکسیست - لنینیستی. این □ گر□ ه با ایجاد فضایی سالم □ سیاسی سوسیالیسم - فمینیسم را به □ جود آ□ ر دند. ایده‌یی که نه با آن در تناقض بودند □ نه خیانت به دیدگاه‌های گوناگونشان به شمار می‌آمد. «. اهرن رایش معتقد است اگر مردسالاری □ سرمایه‌داری □ نظام جداگانه بودند، به هم تبدیل نمی‌شدند □ یکدیگر را تقویت نمی‌کردند - اگر مبارزه‌ی صرف علیه مردسالاری انسان‌ها را آسیاب□ ار □ ر خودشان نمی‌چرخاند □ می‌شد عملی □ اقی □ ملموس انجام داد. آن‌گاه کافی بود که فقط یک سوسیالیست یا فقط یک فمینیست باشی. اما در برابر نظام در هم‌تنیده‌ی سرمایه‌داری - مردسالاری تنها می‌توان آینه‌ی مقابلش سوسیالیسم - فمینیسم را قرار داد.<sup>1</sup>

ساندرا مورگن (S. Morgen) مدرس رشته‌ی مطالعات □ زنان در دانشگاه ماساچوست □ نویسنده‌ی کتاب‌ها □ مقالا □ پُر شمار در نشریات □ جامعه‌شناسی □ زنان معتقد است سوسیالیسم - فمینیسم سه دیدگاه مشخص در رابطه با مساله‌ی ایدئولوژی □ آگاهی مطرح می‌کند که می‌توان در تکامل تئوری‌های مارکسیستی از آن‌ها استفاده کرد.

الف - ارائه‌ی چارچوب‌هایی برای تجزیه □ تحلیل رابطه‌ی ایدئولوژی - شناخت □ شرایط تاریخی. این چارچوب‌ها بر پر □ سه‌ی شکل‌گیری □ دگرگونی آگاهی متمرکز شده‌اند.

---

<sup>1</sup> نشریه‌ی سوسیالیست ریویو، ش. 73 ، صص. 48-57.



ب - تجزیه □ تحلیل مشخص در رابطه با طبقه □ جنس.

ج - تکیه بر عوامل تاریخی - مادی □ ر □ انی - ناخودآگاه که نظریه‌های شناخت □ عمل سیاسی را شکل داده □ تکامل بخشیده‌اند.

به نظر مورگن □ نظریه‌ی مارکسیسم □ فمینیسم پیش‌انگاشت‌های بنیادی مشترک بسیاری در رابطه با ایدئولوژی - شناخت دارند که اغلب نادیده انگاشته شده‌اند. هر □ آنچه را که تامپسون (J. Thompson) درک انتقادی از ایدئولوژی نامیده □ این که ایدئولوژی به‌طور اساسی به فرایند دستیابی به قدر □ گره خورده است را پذیرفته‌اند. مارکسیسم □ فمینیسم برای تولید، تحکیم □ ارتقاء ایدئولوژی □ شناخت بر فرایندهای اجتماعی □ تاریخی متمرکز شده‌اند.<sup>1</sup>

جو دیت □ ن آلن (J. Vanallen) از فعالان جنبش ضدآپارتاید □ سوسیال دموکرات □ های آمریکا که چندین سال در آفریقا پیرامون مسائل زنان □ در رابطه با سرمایه‌داری آفریقایی □ جنبش توده‌ی دموکراتیک آفریقایی جنوبی □ نقش زنان در آن تحقیق کرده است به آکادمیسین‌های مارکسیست - فمینیست اشاره می‌کند □ می‌گوید: «ما باید به شیوه‌ی ایدئولوژیکی - تشکیلاتی با برقراری □ ابط محکم‌تر میان آکادمیسین‌های سوسیالیست - فمینیست □ فعالان تشکیلاتی سوسیالیست - فمینیست در □ ر □ رکت اجتماعی □ ارد شویم □ استراتژی عملی کار □ چپ اتخاذ نماییم.» به نظر □ ن آلن مارکسیست - فمینیست‌هایی هستند که معتقدند بد □ ن توجه به جنس، نژاد □ مسائل کار خانگی □ نگرانی □ پر □ رش کودک نمی‌توان دیدگاه اقتصادی داشت یا مارکسیست - فمینیست‌هایی که معتقدند بد □ ن توجه به

---

<sup>1</sup> همان، ص. 283 .

سلسله مراتب جنسیت □ نژاد □ کنترل تولید □ سیستم رفاه ثانویه □ اختلافات □  
تبعیضا □ جنسی نمی‌توان به قدر □ دلتی فکر کرد. ما باید آنچه در توان داریم  
انجام دهیم تا این تحلیل‌ها را به سوی چپ سوق دهیم. در هر صورت □ رفقای مرد  
ما که طی سال‌های 70 میلادی یک □ جین مقالا □ مارکسیست □ - فمینیستی  
خوانده‌اند □ پیرامون آن بحث کرده‌اند، باید بتوانند ما را در امر هر چه بیش‌تر  
دیالکتیکی کردن نظریه‌ی مارکسیست □ - فمینیست یاری دهند.<sup>1</sup>

البته راپینگ (E. Rapping) استاد رشته‌ی فیلم □ سینما در دانشگاه آدلفی  
نیویورک □ از همکاران نشریا □ فمینیستی چپ در باره‌ی انگیزه پیوستن به  
سوسیالیست □ - فمینیست‌ها می‌گوید: «مسائلی چون مادریت، خانواده □ جامعه  
برایم اهمیت داشت □ برای مقابله با مردسالاری در خانواده □ جنسیت □ ارد  
مبارزه شدم.» □ خواسته‌های سوسیالیست □ - فمینیست‌ها را چنین بیان می‌کند: «به  
جای □ لی‌نعمت‌داشتن ما خواهان آزادی فردی، نگره‌داری □ پر □ رش مشترک  
کودک □ مسئولیت‌پذیرفتن جامعه در قبال خانوادگی انسانی هستیم؛ به جای  
پیوندهای خونی برای کسب ارث، ما خواهان مالکیت عمومی □ کنترل □ اشتراک  
منابع همگانی هستیم؛ به جای ساختار سلسله‌مراتب □ ار □ نه، ما خواهان  
نهادی‌شدن دموکراسی هستیم تا هر یک از ما دارای قدر □ □ اهمیت باشیم؛ به  
جای یک هنجار برای زن شایسته، ما خواهان شناخت □ شناسایی اختلافات □  
بی‌کران نه تنها در طبیعت، آرز □ ها □ امیال زنان بلکه □ تا در رابطه با □ وضعیت  
مادی □ - معنوی‌شان با توجه به گذشته‌ها □ زندگی متفقا □ تی که داشته‌اند، هستیم؛ به

<sup>1</sup> همان منبع، ش. 77، صص. 81-91.

جاي تقسيماتي چون "دختر خوب"، "دختر بد" ما خواهان حق انساني، حق آزادي جنسي، حق انتخاب براي مادر بودن يا نبودن هستيم.<sup>1</sup>

شيلار بوتام از متفكران فعالان جنبش زنان بریتانيا نویسندهي كتاب *هوشیاری زنان، دنیای مردان* از ضرر ر پیوند جنبش سوسیالیست - فمینیستی با جنبش طبقه‌ي کارگر سخن مي‌گوید. علت آن را چنین بیان مي‌کند: «تنها زنان کارگر هستند که تجارب کاملی از ستم یگانه دارند، آن‌ها به علت مل آثار رانی ستم جنسي در محل کار خانه رابطه‌ي یگانه خاصی نسبت به تولید اقتصادي دارند، اگر چه شکل این رابطه در طول تاريخ متفاو بوده است.»

بوتام معتقد است تبعیضا جنسي تملك زن توسط مرد پیش از سرمایه‌داري هم جود داشته است. پدرسالاري محصول کنترل توانایی تولید زن خود زن توسط مرد است. این نوع کنترل در جوامع پیشاسرمایه‌داري به شکل دیگری جود داشته است. مثلاً در رهي که يك انسان در تملك انسان دیگری بود. البته این شکل با شیوه‌ي تسلط سرمایه‌داري که در آن سرمایه‌دار مالك کنترل‌کننده نيروي کار نه خود کارگر است، تفاو دارد.

بوتام به‌طور قطع نمی‌تواند تعیین کند که چه عواملی در طول تاريخ موجب تحمیل ستم بر زنان شده اما مورد را دس مي‌زند: کم‌توانی فیزیکی زن نیاز به ماییت در باران بارداری.

---

<sup>1</sup> همان منبع، ش. 73، ص. 545.

به نظر ر. بوتام آنچه در عصر. اضر به ما مربوط است مبارزه با پی آمدها. ر. داشتن این ستم بر زنان است که اگرچه در جوامع پیشاسرمایه‌داری هم. جود داشته، اما در این د. ران شکل. یژه‌یی به خود گرفته است. ر. بوتام نتیجه می‌گیرد که برای تأثیرگذار بودن فعالیت. تلاش‌های مارکسیست - فمینیست‌ها، تعیین رابطه‌ی مردسالاری. نتایج. اصل از آن با استثمار طبقاتی ر. راسیسم از. ظایف عمده‌ی ماست.<sup>1</sup>

هایدی هارتمن (H. Hartmann) مسئول انستیتو تحقیقاتی زنان در. اشنگتن. نویسنده‌ی کتاب *پدرسالاری بورژوازی طرف مرافعه سوسیالیست - فمینیسم*. نویسنده‌ی مقاله‌ی معر. ف «از د. اج ناخوشایند مارکسیسم. فمینیسم، پیش به سوی یک اتحاد پیش. تر» همچون ر. بوتام معتقد است مردسالاری پیش از پیدایش سرمایه‌داری. جود داشته. جدایی جنسی در مشاغل علت اصلی ستم بر زنان است.

به نظر ر. د. نظام سرمایه‌داری. پدرسالاری گرچه از یکدیگر جدایند اما بر هم تأثیر می‌گذارند. اشکال متقابل ستم هستند چرا که هر د. نظام مردها را در به‌دست‌گرفتن قدر. یاری می‌دهند. سرمایه‌داری از طریق ایجاد جدایی جنسی در مشاغل. دست‌مزدها. پدرسالاری از طریق ارجاع زن به چار دیواری خانه. ستاندن بی‌اجر. کار خانگی. .

هارتمن می‌نویسد: «مارکسیست‌ها می‌گویند مسائل فمینیسم از تضاد طبقاتی اهمیت کمتری دارد. میان صفوف طبقه‌ی کارگر تفرقه می‌اندازد. تحلیل‌های

---

<sup>1</sup> همان، صص. 92-97 .

مارکسیستی که دیدی دقیق □ اصولی به قوانین تکامل تاریخی، به یژه سرمایه، دارد مسئله جنسیت را نادیده انگاشته است. تحلیل های فمینیستی که خصالت سیستماتیک □ ابط سلطه مرد بر زن را افشا می کند مسائلی چون تاریخ □ دیالکتیک را نادیده گرفته است.»

هایدی هارتمن اساس ایده مارکسیسم - فمینیسم را چنین تعریف می کند: «برای درک دلایل رشد □ تکامل سرمایه داری □ تحت ستم قرار گرفتن زن در این جوامع باید از تحلیل های مارکسیستی به یژه در رابطه با □ ش های تاریخی □ ماتریالیستی □ از تحلیل فمینیسم در رابطه با شناخت مردسالاری به عنوان یک ساختار تاریخی - اجتماعی استفاده کرد.»

به نظر هارتمن مبارزه علیه سرمایه □ مردسالاری بد □ ضرور زنان که بار این ستم □ گانه را به □ ش می کشند شکست خواهد خورد.

هارتمن تأکید می کند تجزیه □ تحلیل مردسالاری در تعریف مختصا □ سوسیالیسمی که می خواهیم □ یاتی است. زنان □ مردانی که برای براندازی سرمایه داری می رزمند دل بستگی های خاص جنسیت خود را □ فظ می کنند. برای ساختن یک سوسیالیسم انسانی نه فقط توافق عام پیرامون اشکال جدید جامعه □ انسان سالم که به طور مشخص تر سلب □ قوق □ امتیاز □ یژه ی مردان ضر □ ری است. □ ما زنان نباید همچون گذشته در مورد فوریت □ اهمیت □ ظایفمان کوتاه بیابیم. باید بجنگیم. برا □ نافذ، □ تا اگر شده با تهدید.

هارتمن □ استراتژی را برای فعالان مارکسیست - فمینیست پیشنهاد می کند:

«الف - مبارزه براي سوسياليسم بايد مبارزه‌يي باشد كه همه‌ي گر ههاي زينفع در آن متحد شوند. زنان نبايد اعتماد كنند كه مردان پس از انقلاب آن‌ها را آزاد خواهند ساخت چرا كه معلوم نيست لاً چگونگي رهايي زنان را بدانند، ثانياً ضرر آن را دريابند. به علاوه منافع شخصي‌شان هم ايجاد مي‌كند كه ستم به زنان ادامه داشته باشد. پس، ما زنان بايد سازمان مستقل خود را داشته باشيم □  
پايه‌ي قدر □ خودمان را تحكيم كنيم.

ب - تبعيض‌هاي جنسي اعمال‌شده بر زنان در محيط كار در ره‌ي سرمايه‌داري به آنان آموخته تا نيازها □ ر ابط انساني □ جانبه را دريابند. درالي كه مردان عليه سرمايه‌داري جنگيده‌اند زنان مي‌دانند براي چه جنگيده‌اند جايشگاه مرد در نظام سرمايه‌داري - مردسالاري موجود موجب شده كه مردان نياز انسان براي بلوغ □ تكامل، اشتراك □ پررش در يك جامعه‌ي فارغ از سلسله‌مراتب □ مردسالاري را درك نکنند. □ تا اگر ما زنان آگاهي آنان را ارتقاء دهيم باز هم ممكن است مقام از دست داده □ ضعيت موجود را انتخاب كنند.  
مردها چيزي بيش از زنجير هایشان را از دست مي‌دهند.

پس، ما زنان ماركسيست - فمينيست بايد رزم مشتركی را عليه سرمايه‌داري □ مردسالاري سازمان دهيم. ما بايد تأكيد كنيم جامعه‌يي مي‌خواهيم كه در آن شناخت ر ابط انساني □ جانبه زن □ مرد به آزادي منجر مي‌شود □ پررش،

تربیت □ نگهداری [کودک] امری همگانی است □ نه یک عمل ستمگرانه‌ی شرم □ ر. جامعه‌ی که در آن زن به □ ماییت کاذب مرد نیازی ندارد.<sup>1</sup>

میشل بار □ (M. Barrett) مدرس رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاه لندن که تز خود را به پژوهش پیرامون نظرات □ □ یوجینیا □ لف اختصاص داده □ نویسنده‌ی کتاب *ستم بر زنان در دنیای امروز* است، علت ستم □ ارده بر زن را □ □ د خانواده می‌داند که شامل زن، مرد □ کودکان است. به نظر □ خانواده با فلج کردن زن از طریق استفاده از □ به عنوان تولیدمثل‌کننده □ ارضاء‌کننده‌ی نیازهای مرد راه‌های دسترسی □ را به کار □ استقلال مالی کنترل می‌کند. خانواده به عنوان زیربنای ایدئولوژی جنسیت، تبعیض جنسی در محل کار را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد چرا که نقش زن در محل کار □ خانه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

بار □ در تعریف مارکسیسم - فمینیسم می‌گوید: «پایه‌ی اساسی ایدئولوژی مارکسیستی استثمار □ ارزش اضافی است اما به‌طور مشخص به جنسیت استثمار‌کنندگان □ تولیدکنندگان ارزش اضافی اشاره‌ی نشده است. تحلیل مارکسیستی از کاپیتالیسم بر محور کار - سرمایه متمرکز شده □ جنسیت را نادیده انگاشته است. اساس تئوری فمینیسم که مثل مارکسیسم شاخه‌های گوناگونی دارد بر شکل رابطه‌ی □ جنس بنا نهاده شده است. □ اما مارکسیسم - فمینیسم که بنیاد تضادهای اجتماعی را بر تضاد کار □ سرمایه می‌داند بر نحوه سازمان‌یابی جنسیت، کار خانگی، تغییر □ تاریخی در شیوه‌ی تولید □ اشکال مختلف استثمار □ ایجاد ارزش اضافی به‌طور □ بزه تأکید می‌کند.»

<sup>1</sup> همان، 0 صص. 98-110 .

بار □ سپس به رابطه‌ی فمینیسم □ مردان اشاره می‌کند □ می‌گوید: «هدف فمینیسم تغییر زن یا مرد یا هر دو نیست بلکه تغییر ر □ ابط آن‌ها است. این هدف بر پایه‌ی جنبش رهایی‌بخش مستقل زنان تحقق خواهد یافت که استراتژی آن بیش‌تر بر پایه‌ی هم‌گامی با مردان استوار است تا جدایی‌گرایی مطلق مردهای سوسیالیست، مثل سایر مردان، قدر □ سیاسی □ امتیاز □ اجتماعی خود را در □ ضور جنبش رهایی‌بخش مستقل زنان از دست خواهند داد. اما آن‌ها، تاکنون، نشان داده‌اند که به‌ر □ مال بیش از سایر مردان از مبارز □ فمینیست‌ها □ مایت می‌کنند □ از نظر سیاسی به آن توجه دارند. □ البته این امر نه از ر □ ی خیرخواهی □ سخا □ مندی مردان سوسیالیست بلکه از جهان‌بینی، برنامه □ اهداف سیاسی آنان ریشه می‌گیرد. از آن‌جایی که ستم جنسی بر زنان جزئی از ساختار سرمایه‌داری است. پس مبارزه برای رهایی زن □ مبارزه برای سوسیالیسم نمی‌تواند جدا از هم پیش ر □ د.

جامعه‌ی سوسیالیستی که در آن تبعیض‌های جنسی اصل آزادی □ برابری را تباه کرده باشد برای هیچ سوسیالیستی قابل‌تصور نیست.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> همان، صص. 111-115.



سرمایه‌داری، پدرسالاری

و جدایی شغلی بر اساس جنسیت

### هایدی هارتمن

به نظر می‌رسد تقسیم کار بر اساس جنسیت (sex) در سراسر تاریخ بشری فراگیر بوده است. در جامعه‌ی ما تقسیم کار بر اساس جنسیت شکلی سلسله‌مراتبی دارد، مردان در رأس □ زنان در قاعده‌ی آن قرار دارند. گرچه علم تاریخ □ انسان‌شناسی □ آکی از آن است که تقسیم کار همواره سلسله‌مراتبی نبوده است. موضوع مورد بحث این مقاله توسعه □ تکامل □ اهمیت تقسیم کار بر اساس جنسیت است. به نظر من موقعیت اجتماعی کنونی زنان ریشه در تقسیم کار بر اساس جنسیت دارد. من معتقدم اگر زنان خواهان دستیابی به موقعیت اجتماعی برابر با مردان هستند □ اگر زنان □ مردان خواهان رشد کامل توانمندی انسانی خود هستند، نه تنها ماهیت سلسله‌مراتبی تقسیم کار، بلکه اصل تقسیم کار بر اساس جنسیت نیز باید ملغی گردد.

بنابر این به نظر می‌رسد پرسش‌های □ لیه برای تحقیق این باشد که □ لاً: چگونه تقسیم نسبتاً مساوی □ برابر کار بر اساس جنسیت تبدیل به تقسیم کار نابرابر می‌شود، ثانیاً: چگونه در دنیای مدرن تقسیم سلسله‌مراتبی کار به کار مزد □ ری گسترش یافت. بسیاری از مطالعات □ انسان‌شناسانه نشان داده است فرآیند □ لیه،

قشربندي بر اساس جنسيت، همزمان با رشد توليد □ بار □ ري، تخصص □ در هم‌تافتگي جامعه پيش آمد. براي مثال به □ اسطه‌ي پيدايش گش □ رزي مستقر ، مالکيت خصوصي □ يا □ لت. در □ راني که جامعه بشري از شکل ابتدائي به شکل «متمدن» فرا □ ئيد. بر اساس اين ديدگاه سرمايه‌داري پديده‌يي نسبتاً متأخر است اما پدرسالاري، يعني □ ابط سلسله‌مراتبی میان زنان □ مردان که در آن مردان چيره □ زنان فر □ دست‌اند ، پيش‌تر □ جود داشته است.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> من پدرسالاري را مجموعه‌يي از روابط اجتماعي مي‌دانم که داراي پايه‌ي مادي است و در اين روابط سلسله‌مراتب و همبستگي میان مردان حاکم است که امکان کنترل بر زنان را براي آنان فراهم مي‌سازد. بنا بر اين پدرسالاري نظام ستم مرد بر زن است. روبين مي‌گويد براي ارجاع به آن قلمرو خارج از نظام اقتصادي (که همواره هم با آن [نظام] هم‌تراز نيست)، [يعني] جايي که قشربندي جنسيتي بر اساس تفاوت‌هاي میان دو جنس توليد و باز توليد مي‌شود، بايد از اصطلاح «نظام جنس/جنسيت» استفاده کنيم بنا بر اين [از نظر او] پدرسالاري شکليات نظام جنس/جنسيت، از نوع سلطه‌ي مردانه، است. روبين در ادامه مي‌گويد «پدرسالاري» بايد متعلق به جوامع چادرنشيني - شباني، آن‌گونه که در عهد عتيق توصيف شده، باشد جايي که قدرت مرد با پدري يکسان بود. (نگاه کنيد به گ. روبين، [مقاله‌ي] «ميادله‌ي زنان»، [در کتاب] به طرف انسان‌شناسي زنان، ويراسته‌ي رينا زپ ريتز، نيويورک انتشارات مانتي ريويو، 1975 ؛ همچنين نگاه کنيد به فصل سوم اين کتاب.) من با روبين در نکته‌ي اول که طرح مي‌کند موافقم اما فکر مي‌کنم نکته‌ي دوم او کاربرد «پدرسالاري» را به شدت محدود مي‌کند. اين برچسب خوبي است براي تمامي جوامعي که مردان در آن چيرگي دارد. ويانا مولر («شکلگيري دولت و ستم بر زن: نمونه‌ي مطالعاتي از انگليس و ولز» سال 1975) تعريف گسترده‌تري از پدرسالاري مي‌دهد: «يك نظام اجتماعي که در آن جاگاه زنان در اصل به عنوان افراد تحت قيمومت شوهران، پدران و برادرانشان تعريف مي‌شود،» در هر حالي که قيموميت وجوه اقتصادي و سياسي دارد. مولر با تکیه به بحث کرن ساکس اين را طرح مي‌کند. [در مقاله‌ي] «بازديد انگلس: زن، سازمان توليد و مالکيت خصوصي» [از کتاب] زن، فرمک، و جامعه (مشخصات کتاب و ويراستاران از قلم افتاده !!).

بحث من این است که نظام پدرسالاری، پیش از سرمایه‌داری □ وجود داشته است. در این نظام مردان کنترل نیر □ ی کار زنان □ کودکان را در خانواده به عهده داشتند □ به‌بین‌ترتیب فن سازمان‌دهی □ کنترل سلسله‌مراتبی را فرا گرفتند. پیدایش دستگاه‌های □ آنتی □ نظام‌های اقتصادی استوار بر مبادله‌ی گسترده‌تر □ □ □ ده‌های بزرگ‌تر سبب جدایی □ وزه‌ی عمومی از □ وزه‌ی خصوصی گردید. همین امر کنترل شخصی مردان بر نیر □ ی کار زنان را دچار اختلال کرد. به دیگر سخن، با به‌میدان‌آمدن نهاد‌های فراگیر جامعه، سیستم کنترل مستقیم شخصی به سیستم کنترل غیرمستقیم غیرشخصی تبدیل گردید. مکانیزم‌های قابل دسترس مردان عبار □ بودند از: 1- تقسیم سنتی کار بر اساس جنسیت □ 2- فنون سازمان‌دهی □ کنترل سلسله‌مراتبی. این مکانیزم‌ها در فرایند بعدی، یعنی در □ □ گسترش تقسیم کار بر مبنای جنسیت به نظام دست‌مزدی طی □ ان پیدایش سرمایه‌داری در □ پای غربی □ ایالات متحده، تعیین‌کننده بودند.

پیدایش سرمایه‌داری در قرن 15 تا 18 میلادی، با نابودی بسیاری از نهاد‌های کهن □ خلق نهاد‌های جدید، همچون بازار «آزاد» کار، پایه‌های کنترل پدرسالارانه‌ی استوار بر اقتدار نهادینه‌شده را مورد قرار داد. □ نه‌دید به‌کشاندن همه‌ی زنان □ کودکان به بازار کار □ از آن طرق نابودی نهاد خانواده □ پایه‌ی

---

پدرسالاری به عنوان یک نظام حاکم در میان مردان همچنان که میان مردان و زنان در مقاله‌ی دست‌نویس «ازدواج ناخوشایند مارکسیسم و فمینیسم: پیش‌به‌سوی یک اتحاد نوین» نوشته‌ی هایدی هارتمن و امی بریدگس ((بریزز ؟ انگلیسی است؟)) بیشتر توضیح داده شده است.

سیطره‌ی مرد بر زن (یعنی کنترل بر نیروی کار زن در درون خانواده).<sup>1</sup> اگر گرایش نظری سرمایه‌داری ناب این بود که تمامی تقابل‌های قراردادی با کم بر موقعیت کارگران را از میان بردارد تا تمام کارگران را در بازار [کار] برابر سازد، پس چرا زنان همچنان در بازار کار پائین‌تر از مردان قرار دارند؟ پاسخ‌های ممکن به این پرسش بسیارند، از دیدگاه‌های نئوکلاسیک که این روند را هنوز ناکامل با به دلیل کاستی‌های بازار ناتمام می‌دانند، تا دیدگاه رادیکال که معتقد است تولید نیاز به سلسله‌مراتب دارد. تا اگر بازار به شکل‌صوری مستلزم «برابری» باشد.<sup>2</sup> به نظر من تمامی این توضیحات یک چیز را نادیده می‌گیرند: آن نقش مردان — مردان عادی، مردان از هر نوع، مردان کارگر — در زیر دست نگاه‌داشتن زنان در بازار کار است. دیدگاه رادیکال، مشخصاً بر نقش مردان به عنوان سرمایه‌دار تأکید دارد که با ایجاد سلسله‌مراتب در فرایند تولید فقط قدر خود را دنبال می‌کنند. سرمایه‌داران این کار را با تقسیم بازار کار (از

---

<sup>1</sup> بنا بر درک مارکس و انگلس رشد سرمایه‌داری زنان و کودکان را وارد بازار کار و لذا خانواده را منحل می‌کند. با وجود اشاره‌ی انگلس به ستم مردان بر زنان در چارچوب خانواده (منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت، سال 1972 (این سال انتشار نسخه‌ی مورد نظر از کتاب است اگر نام ناشر حذف شود معنای دیگری می‌دهد)) او هنوز آن را ستمی استوار بر کنترل نیروی کار زن نمی‌بیند، در هر صورت او ظاهراً برای از دست رفتن خانواده‌ی تحت سیطره‌ی مرد سوگوار است. (نگاه کنید به کتاب او وضعیت طبقه کارگر در انگلیس در سال 1844 [انتشارات دانشگاه استنفورد، کالیفرنیا، 1968] صص 164-161).

<sup>2</sup> برای شرحی بر این دیدگاه نگاه کنید به R. C. Edwards - M. Reich - D. M. Gordon در مقاله‌ی «تکه‌تکه شدن (تجزیه‌ی؟؟) بازار کار در سرمایه‌داری آمریکایی» و کتابی که ویراستاری کرده‌اند تجزیه‌ی بازار کار، 1975.

جمله بر اساس نژاد، جنس، قوم) □ با دامن زدن به اختلاف در میان کارگران انجام می‌دهند. بحث من این است که مردان کارگر برای □ فظرفر ایند تقسیم کار بر اساس جنسیت نقشی سرنوشت‌ساز را بازی کرده □ بازی می‌کنند.

به نظر من تقسیم کار بر اساس جنسیت، مکانیزم اساسی جوامع سرمایه‌داری برای □ فظ برتری مردان بر زنان است، چرا که در بازار کار دست‌مزد کمتری را به زنان تحمیل می‌کند. دست‌مزد کمتر زنان را به مردان □ ابسته □ آنها را تشویق به ازد □ اج می‌کند. زنان متأهل ناگزیر از انجام کار خانگی برای همسران خود هستند. به این ترتیب مردان، هم از داشتن دست‌مزد بالاتر □ هم از تقسیم کار در خانه سود می‌برند. این نوع تقسیم کار خانگی، به نوبه‌ی خود موقعیت زنان را در بازار کار تضعیف می‌کند. پس بازار کار تقسیم سلسله‌مراتبی خانگی کار را تد □ م می‌بخشد □ بر عکس. این ر □ ند نتیجه‌ی کنونی ادامه‌ی گنیش متقابل □ نظام در هم‌تنیده‌ی سرمایه‌داری □ پدرسالاری است. پدرسالاری هنوز بسیار نیر □ مند است □ تصور ز □ ال آن توسط سرمایه‌داری بعید به نظر می‌رسد، پدرسالاری آشکال سرمایه‌داری مدرن را تغییر می‌دهد همان‌طور که رشد سرمایه‌داری نهادهای پدرسالارانه را دگرگون می‌سازد. نتیجه‌ی همسازي متقابل سرمایه‌داری □ پدرسالاری چرخه‌ی شیطنانی برای زنان آفریده است.

بحث من با دیدگاه‌های سنتی اقتصاددانان نئوکلاسیک □ مارکسیست تق □ دارد. این □ پدرسالاری، این نظام اجتماعی با پایه‌های مادی، را نادیده می‌گیرند. اقتصاددانان نئوکلاسیک گرایش به تبریئهی نظام سرمایه‌داری دارند □ جدایی مشاغل [بر اساس جنسیت] را به عوامل بر □ ن‌زادی *ایدئولوژیك*، همچون

ر یکرد جنس‌گرایانه (Sexist) ، نسبت می‌دهند. اقتصاددانان مارکسیست گرایش دارند جدایی [جنسی در] مشاغل را به گردن سرمایه‌داران بیاندازند. نقش مردان کارگر تأثیر قرن‌ها ر ابط اجتماعی پدرسالارانه را نادیده بگیرند. من امیدم ارم بتوانم توافقی [میان این د] برقرار کنم

استدلالی را که در بالا خلاصه کرده‌ام در زیر آن را بیش‌تر توضیح خواهم داد شاید اثبات پذیر نباشد. امیدم ارم این بحث به جای انکارناپذیری بل پذیري خود را ارائه کند. قسمت اول مقاله به بررسی کوتاه مدارك توضیحا موجود در ادبیا مردم‌شناسی پیرامون ایجاد ر ابطه‌ی سلطه - ابستگی میان زن مرد اختصاص دارد. در قسمت دوم به مراجع تاریخی مربوط به تقسیم کار بر اساس جنسیت در ران پیدایش سرمایه‌داری ران انقلاب صنعتی در ایالات متحده انگلستان می‌پردازد. این بخش بر گسترش ر ابط سلطه - ابستگی میان زن مرد به بازار کار مزدی نقش کلیدی مردان در فظ تقسیم کار بر اساس جنسیت در نتیجه سیطره‌ی مردان، متمرکز است.

#### دیدگاه‌های مردم‌شناسانه پیرامون تقسیم کار بر اساس جنسیت:

برخی مردم‌شناسان، سیطره‌ی مرد را بدین‌گونه توضیح می‌دهند که این پدیده از آغاز شکل‌گیری جوامع انسانی وجود داشته است. شری آرتر ( Sherry Ortner) می‌گوید در واقع «نسبت زن به مرد مثل طبیعت است به فرهنگ» به عقیده‌ی ی فرهنگ ارزش طبیعت را تنزل می‌دهد؛ زنان با طبیعت پیوند

دارند □ در تمامی فرهنگ‌ها زن را به طبیعت نزدیک‌ترند می‌دانند<sup>1</sup> □ به این دلیل خوار □ بی‌ارزش شمرده می‌شوند. نظر □ ی با نظر میشل ر □الد (Michelle Rosaldo) که بر جدایی □ وزه‌ی عمومی - خصوصی تأکید دراد،<sup>2</sup> □ با نظر کلود لوی اشترا □ س (Clavde Levi - Straus) که معتقد است فر □ دستی زنان در فر اگر د شکل‌گیری جامعه به □ جود آمده، خوانایی دارد.

لوی اشترا □ س بر آن است که فرهنگ آن‌جا آغاز شد که مردان برای پی‌ریزی پیوند محکم میان خانواده‌ها به مبادله‌ی زنان دست زدند — به این طریق **اجتماع** شکل گرفت. در □ قیقت به نظر □ میان خانواده (قلمر □ خانگی که در آن زن به

---

<sup>1</sup> ش. ب. اورتنر «آیا نسبت مرد به زن مثل طبیعت به فرهنگ است؟» ، نشریه‌ی مطالعات زنان (Feminist Studies) ، شماره 1 ، بخش 2 ، سال 1972 صص. 5-6: «جهانی‌بودن فرودست‌یزنان و این واقعیت که این فرودستی در هر نوع سامانه‌ی اجتماعی و اقتصادی و در هر جامعه با هر درجه از پیچیدگی، وجود دارد به من نشان می‌دهد که ما در برابر چیزی بسیار ژرف و ریشه‌دار و بسیار سرسخت ایستاده‌ایم، چیزی که تنها با پاره‌ی تغییرات در شماری از وظایف و نقش‌ها در نظام اجتماعی و یا حتا با تغییر کامل ساختار اقتصادی درمان نمی‌شود.»

اورتنر به‌ویژه پایه‌ی بیولوژیک هم‌پیوندی زنان با طبیعت و تنزل توأمان این دو را رد می‌کند. تفاوت‌های بیولوژیکی «تنها در چارچوب نظام‌های ارزشی تعریف‌شده‌ی فرهنگی مفهوم فرادست/ فرودست می‌یابند. (ص. 9) توضیح بیولوژیکی، البته یکی از دلایل مهم فرودستی فراگیر زنان است. من هم برحق‌بودن این توضیح را قبول ندارم و در این‌جا به این بحث نمی‌پردازم. البته روان‌شناسی زنان در پشتیبانی از نظریه‌ی فرهنگی که زنان را به طبیعت نزدیک‌تر می‌داند نقش بازی می‌کند؛ همان‌طور که اورتنر، به پیروی از سیمون دوبوار، بحثی مجاب‌کننده ارائه می‌کند. (صفحات 12-14) مقاله‌ی اورتنر با اندکی اصلاحات در کتاب روزالدو و لمفیری با نام *Women Culture and society* تجدید چاپ شد.

<sup>2</sup> M. Z. Rosaldo ، «زنان، فرهنگ و جامعه: یک مرور تئوریک» ، در کتاب روزالدو و لمفیری: *Women culture and society* .

طبیعت نزدیکتر است) □ جامعه تنش اساسی □ جود دارد، □ این خود موجب می‌شود که خانواده‌ها در □ ند مبادله با یکدیگر استقلال خود را از دست بدهد. مبادله‌ی زنان □ ساز □ کاری است که □ ابستگی متقابل خانواده‌ها □ تکوین جامعه را سبب می‌شود. با همین قیاس لوی اشتراک □ س معتقد است تقسیم کار بر اساس جنسیت □ ساز □ کاری است که «□ ابستگی متقابل □ جنس» را سبب شود. این امر همچنین از □ اج‌های دگر جنس‌خواه (Heterosexual) را تضمین می‌نماید، چرا که «□ قتی گفته می‌شود یک جنس باید □ ظایف معینی را انجام دهد به آن معنی است که جنس دیگر □ ق انجام آن‌ها را ندارد<sup>1</sup> بنابراین تقسیم کار بر اساس جنسیت پدیدمی‌فرآید در جوامع بشری است. گرچه تقسیم دقیق □ ظایفی که به عهده زن یا مرد گذاشته می‌شود بسیار متفا □ است<sup>2</sup> به‌علا □ ه چون در

---

<sup>1</sup> C. levi-strauss ، «خانواده» ، در کتاب *Man.Culture and Society* ، ویراستار هری .ل. شاپیرو (نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد، 1971)، صص. 347-348 . «یکی از کارهای مهم این نویسنده دیدارش با قبایل بورورو (Bororo) در مرکز برزیل بوده است. در آنجا مردی را دیده حدود سی ساله، کثیف، رنجور، غمگین و تنها. وقتی می‌پرسد آیا او بیمار است، پاسخ بومی‌ها تکان‌دهنده بود: چه اش است؟ — هیچ چیز نیست. فقط مجرد است. و واقعیت هم همین است، در جامعه‌ی که کار به‌طور سیستماتیک میان زن و مرد تقسیم می‌شود و تنها ازدواج این امکان را به مرد می‌دهد که از دسترنج کار زن از جمله شیش‌زدایی ، نقاشی‌کردن بدن ، کوتاه‌کردن مو، گردآوری و تهیه‌ی غذای خام و پخته (چرا که آمایش خاک و ساختن ظروف به عهده‌ی زن بورورویی است) استفاده کند، فرد مجرد در واقع یک نیمه‌انسان است» (ص. 341) .

<sup>2</sup> برای بحث بیشتر در زمینه‌ی فراگیربودن و متنوع‌بودن تقسیم کار بر اساس جنسیت نگاه کنید به M. J. Herskovits ، *انسان‌شناسی اقتصادی (نیویورک، نورتون، 1965)* ، به‌ویژه فصل 7 و T. Caplow ، *جامعه‌شناسی کار (نیویورک، مک‌گراوهیل، 1964)* به‌ویژه فصل



شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی مردها زنان را مبادله می‌کنند □ زنان مبادله می‌شوند ، مردان بیش از زنان از پیوندهای اجتماعی سود می‌برند □ تقسیم کار بر اساس جنسیت رابطه‌ی سلسله مراتبی است.<sup>1</sup>

در □الی که □لین مکتب اندیشه‌های مردم‌شناسانه، دربرگیرنده‌ی دیدگاه‌های «فراگیری» ، در اصل بر اساس ایده‌های لوی اشتراک □س □ مبادله‌ی زنان بنا نهاده شده بود، نانسی چودر (Nancy Chodorow) ، به پیری □ی از □زال □□ □رتتر ، بر نظریه محبوس □ محدود □د بودن زنان در قلمرو □ خانه تأکید دارد. چودر □ف خاستگاه این محدودیت را در نقش مادری می‌داند. □ فراگیری بودن پدرسالاری را بر این □اقتیت عام استوار می‌سازد که زنان مادرند □ مادر بودن زن خود را از طریق خلق ساختارهای شخصیتی خاص جنسیت باز تولید می‌کند.<sup>2</sup>

□ مکتب نظری اصلی دیگر در رابطه با خاستگاه تقسیم کار بر اساس جنسیت شایان توجه‌اند. این □ مکتب، اگر نه در عمل دست کم در تئوری فراگیری بودن تقسیم کار بر اساس جنسیت را رد می‌کنند. یکی از این □ مکتب، «فمینیست‌های تجدیدنظرطلب» ، معتقد است ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که تقسیم کار برتری جویی مردانه است ، تقسیم کار می‌تواند جدا اما برابر باشد (امری که به

---

<sup>1</sup> برای اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی مبادله‌ی زنان و مفهوم آن برای زنان نگاه کنید به مقاله‌ی روبین ، «مبادله‌ی زنان» .

<sup>2</sup> N. Chodorow ، بازتولید مادری ، (برکلی ، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا ، 1978) ، چودر □ف یک تفسیر بدیل مهم از عقده‌ی ادیپ ارائه می‌کند (نگاه کنید به مقاله‌ی او «ساختار خانواده و شخصیت زنانه» در کتاب روزالدو و لمفیر ، *Women Culture and Society* ;

نظر می‌رسد لوی اشتراک‌س هم‌گه‌گاه به آن اشاره می‌کند)، اما ما هرگز پی نخواهیم برد چرا که جانبداری ناظران مقایسه را غیرممکن می‌سازد. این مکتب به لحاظ فرهنگی به افراط نسبیّت‌مدار است، با این‌جود با تأکید بر دست‌آردهای زنان در نقشان در تقسیم کار به دانش‌آگاهی ما در رابطه با کار □ جایگاه آنان می‌افزاید.<sup>1</sup>

مکتب □م نیز فراگیر بودن تقسیم کار بر اساس جنسیت را رد می‌کند اما، برخلاف نسبی‌گرایان، در پی آن است که با مقایسه‌ی جوامع مختلف متغیرهای سازگار با استقلال کمتر یا بیش‌تر زنان را جداگانه بررسی کند. این مکتب «آریاسونیست (تنوع‌با ر؟؟)» بر اساس مشخصاتی که اعضایش بر آن تأکید دارند به چند بخش تقسیم می‌شود: سهم زنان در تأمین معاش □ کنترل آنان بر این سهم، سامان‌دهی جوامع قبیله‌یی در تقابل با جوامع □لتی (State Society)، مقتضیا □□ ملز□ما □ شیوه‌ی تولید، پیدایش ثر□□□ مالکیت خصوصی، مرزبندی میان □وزه‌های خصوصی □ عمومی.<sup>2</sup> بررسی کامل این ر□یکردها در

---

<sup>1</sup> بسیاری از مقالات مجموعه‌ی روزالدو و تمفیر از این گونه‌اند. (به‌طور مشخص نگاه کنید به کارهای Stack و Collier)، همچنین نگاه کنید به مقاله‌ی «جایگاه زنان: منظر و واقعیت»، نشریه *Anthropological Quarterly* 40، ش. 3، سال 1967، صص. 97-108.

<sup>2</sup> برای ارائه‌ی مثالی از یک تأکید ویژه، R. B. Leavitt می‌نویسد: «مهم‌ترین نشانه‌ی جایگاه زن در هر کجا □ میزان شرکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او بر اموال و تولیدات خودش است، هر دو عامل به نظام خویشاوندی در جامعه مرتبط به نظر می‌رسند.» («زنان در فرهنگ‌های دیگر» در *Women and sexist society*، ویراسته‌ی ویویان گورنیک و باربارا ک. موران، نیویورک: کتابخانه‌ی نیوامریکن، 1972، ص. 396) در یک تحقیق تاریخی که از جمله در پی آن است تا مسأله‌ی جایگاه زنان را مورد

این‌جا غیر ممکن است اما با آردن چند مثال از این [نوع] ادبیا می‌خواهم رابطه‌ی این متغیرها را با به‌جود آمدن تقسیم کار بر اساس جنسیت نشان دهم. ++در میان (کونگ‌ها) قبیله‌ی شکارچی-گردآور در جنوب غربی آفریقا (نامیبیا)، زنان از استقلال-نفوذ زیادی برخوردارند. به‌نظر دراپر Draper این امر نتیجه آن است که:

60 تا 80 درصد غذای قبیله با همکاری زنان تهیه می‌شود- زیر نظر آنان تقسیم- توزیع می‌گردد.

در د-جنس به یک اندازه از محل زندگی- اقامت خود-ار می‌شوند- تحرك مردان شکارچی- زنان گردآور به یک اندازه است (زنان در-ین جمع‌آوری نیازهای زندگی به محافظت مردان نیازی ندارند)

انعطاف‌پذیر بودن نقش‌های جنسی- تمایل افراد بالغ برای انجام کارها- وظایف جنس مخالف (با این استثناء که زنان به شکار نمی‌روند- مردان پاك کردن بینی- مدفوع کودکان را به‌عهده نمی‌گیرند):

عدم-جود اعمال فیزیکی خشونت

تعداد کم (17 تا 65 نفر)- قابل تغییر اعضای هر گر-ه.

---

توجه قرار دهد جوانه مکنامارا و سوزانه ویمپل («قدرت زن در خانواده در اروپای سده‌های میانه (قرون وسطا ؟؟): 500-1100» نشریه‌ی *Feminist Studies 1*، ش.3 و 4، 1973، صص. 141-126). در بحثشان پیرامون ازدست‌رفتن جایگاه زنان در این دوره بر جدایی دو حوزه‌ی خصوصی- عمومی تأکید شده است

کلبه‌ها گردآگرد محل برافروختن آتش با نظم عمومی<sup>1</sup> بسته قرار دارند.

در<sup>2</sup> آخر سال‌های 1960 زمانی که پاتریشیا دراپر Patricia Draper این تحقیق را انجام داد برخی از اعضای قبیله کونگ در دهکده‌های کوچک سکونت گزیدند. در این دهکده‌ها مردان به دامداری زنان به کشاورزی مشغول بودند، همچون سایر گروه‌ها (مثلاً بانتو‌ها Bantu) که قبلاً مستقر شده بودند. در این حالت کشاورزی آماده کردن غذا نسبت به جمع‌آوری نیازهای زندگی بیشتر را از زنان می‌گرفت، اگرچه آنان گاهگاه به جمع‌آوری هم می‌پرداختند اما شیوه‌های کشاورزی، زنان را بیشتر به خانه بسته می‌کرد. اما برعکس، دامداری مردان امکان تحرک برقراری ارتباط با جنبه‌های متنوع زندگی دنیای خارج از قبیله را بیشتر می‌کرد: به‌طور نمونه ارتباط با مردم قبیله بانتو. درگیری در سیاست، انجام کارمزدی دستیابی به دانش پیش‌رفته (مثلاً در رابطه با یوانا اهلی). این نقش‌های جنسی جدید با انعطاف‌ناپذیری بیشتری<sup>2</sup> حفظ می‌شد. دختران پسران متفلسف تربیت می‌شدند مردان بیش از آن که با زنان مشترکاً در مالکی تسهیم باشند آن را از آن خود می‌دانستند. درجه‌بندی افراد به اعتبار مقام شخصیت ارزش‌گذاری‌های متفلسف آغاز شد.

خانه‌ها دائمی خصوصی شدند دیگر دایره‌ارکنار هم قرار نداشتند. زنان به‌یژه اساس می‌کردند که گروه به‌طور کل کمتر توانایی نظار<sup>2</sup> تأیید رسمی

<sup>1</sup> P. Draper، زنان قبیله کونگ، تضادهایی در مساوات‌طلبی جنسی در مقایسه کاشی و غیر متحرک در کتاب به سوی انسان‌شناسی زنان.

<sup>2</sup> منبع فوق و صفحه 108.

اخلاق □ سلوك متأهلين را دارد. بدن شك اين تغيير □ تا انداز مي تحت تأثير فرهنگ غربي مردمدارانه بر ر □ ي قبيله كوناگ صور □ گرفت. طبق مشاهد □ دارا پر Draper نتیجه كلي اين تغيير □، كاهش منزلت □ نفوذ زنان □ بي ارزش □ بي اهميت شدن كار آنان بود. از سوي ديگر برا ي زنان اهميت □ □ د خانواده نسبت به نفوذ كل گر □ ه افزايش يافت. مشخص شدن □ وزه هاي عمومي □ خصوصي، جا يگاه مردان را در □ وزه عمومي □ زنان را در □ وزه خصوصي قرار داد. ارزش □ اهميت □ وزه عمومي ر □ ز به ر □ ز افزايش يافت.

استر بوز □ ر □ پ در مقاله زنان در توسعه اقتصادي درباره مشكلات □ خاص زنان هنگامي كه گر □ ه هاي قبيله يي جهان سومي با زمامداران استعماري غرب تماس پيدا مي كنند به طور مفصل توضيح مي دهد.<sup>1</sup>

نتيجه طبيعي چنين برخورد ي ايجاد تسلط يا قدر □ يابي □ بر تري مردان بود. براي مثال: در □ الي كه زنان زارع بودند، فنون كش □ رزي پيشرفته به مردان آموزش داده مي شد □ يا با □ جود آن كه زاناداره امور تجار □ را در دست داشتند قواعد امور پيشه □ ري □ تجار □ به مردان تعليم داده مي شد. ار □ پائيان با تشويق مردان براي رياست □ □ مائت از خانواده، مسؤليت هاي سنتي زنان را از آنان گرفتند.

طبق نظر ر □ ي لي □ يت Rwoy Leuvitt قبل از □ ران استعمار: در مناطقي چون آفريقا □ جنوب شرقي آسيا جائي كه كش □ رزي تن □ بي □ كش □ رزان زن دست بالا دارند، زنان به شد □ كار مي كنند □ از جانب شوهرانشان هم كمك

---

<sup>1</sup> E.Boserup نقش زنان در توسعه اقتصادي سال 1970.

محدّدي دريافت مي‌کنند اما به لحاظ اقتصادي تا دي مستقل هستند □ امکان تحرك □ رفت □ آمد بر ايشان □ جود دارد □ در جامعه جايگاه معتبري دارند... در ازديج‌هاي سنتي آفريقايي از زن انتظار مي‌رود معاش خود، کودکان، خانواده‌اش □ از جمه شوهرش را از طريق کار کشا رزي تأمين کند.<sup>1</sup> بوزر □ پ Boserup از اين دیدگاه در مورد نقش اقتصادي زنان قبل از نفوذ ار □ پائين مآيت مي‌کند.

ار □ پائين اداره امور محلي را به رهبران مرد سپردند □ شرکت سنتي زنان در امور اجتماعي قبيله را ناديه گرفتند. زنان ساختار هاي □ لتي بسيار سازمان‌يافته □ غير سلسله مراتبي داشتند، امري که استعمارگران از آن مطلع نبودند □ آن را ناديه مي‌گرفتند. در قبيله ايگبو Igbo در نيجريه اين نمونه قابل مشاهده است. جوديت □ ان آلن Judith Van Allen مي‌نويسد، زنان قبيله ايگبو جلسا □ يا ميکيري هايي (Mikiri) برگزار مي‌کردند که عبار □ بود از جلسا □ بحث به شکل دموکراتيک که رهبران رسمي نداشت □ بيان گر منافع زنان در مقابل مردان بود. زنان به □ دليل به اين گونه جلسا □ □ تياج داشتند. □ ل اين که در دهکده‌هاي پدري خود زندگي مي‌کردند □ کمتر ر □ ابط خویشا ندي با يکديگر داشتند. □ م اين که فعاليت هاي اقتصادي مستقل خود، محصول □ تجار □ خود را داشتند که لازم بود در مقابل مردان از آن ها □ فاطت کنند. □ قتي مرد ي، زني را مورد آزار □ اذيت قرار مي‌داد مثلاً قوانين کسب □ کار □ را نقص مي‌کرد □ يا ک □ ش را در مزارع □ ير ها مي‌کرد. زن ها اغلب به شکل گر □ هي قضيه را تلاف ي مي‌کردند.

---

<sup>1</sup> Leavitt نقش زنان در فرهنگ‌هاي ديگر صفحات 412-413.

مثلاً جلوي بد رفتارش را مي گرفتند يا با جار جنجال شبانه به سمت خانه اش مي رفتند. کلبه اش را خراب يا گل انداختند مي کردند. کمي گوشمالی اش مي دادند، زنان گاهي دست به اعتصاب عمومي يا بايکو مي زدند. با در ساي انگليس اعمال سياست هاي مغرضانه نسبت به زنان، زنان قبیله ایگو به شیوة خودشان به مقابله با انگلیسی ها پرداختند. براي مثال تلاش انگلیسی ها براي اخذ مالیات از زنان زارع، ده ها هزار زن در مقابل دفاتر مرکزي مالیاتي نا پیهی به مساحت شش هزار مایل کهد میلیون جمعیت داشت دست به شورش زدند. این شورش «جنگ زنان» نام نهاده شد. «جنگ زنان» از طریق شبکه جلسا زنان در بازار میکیری (Mikri) سازمان دهی شده بود.<sup>1</sup>

ان آلن Van Allen در این مقاله، رند تلاش جلسا زنان در ر یار یی با استعمار انگلیس مبلغین مذهبی را به تفصیل توضیح می دهد.

مولر Muller در تحقیقی درباره رندهای گوناگون شکل گیری دلت از قرن هشتم تا قرن پانزدهم، زال جامعه قبیله ای انگلوساکسون ها لش ها شکل گیری دلت ملت انگلیس را دقیقاً مورد بررسی قرار می دهد.

مولر می نویسد: به لحاظ تاریخی گذار از قبیله به دلت تمالاً بزرگترین نقطه عطف جایگاه زن بوده است. این به معنای انکار این اقعیت نیست که در جامعه قبیله ای، یعنی جامعه قبل از شکل گیری دلت، تغییر زیادی در جایگاه زنان

---

<sup>1</sup> V.Allen روی مردی نشستن: استعمار و مفقود شدن نهادها  
یزنان ایگو نشریه Canadian Journal African Studies بخش 2 سال 1972  
صفحات 169-170-174-175. انگلیسی ها فکر می کردند مردان، زنان  
را به مبارزه ترغیب می کنند در حالی که مردان به  
تعداد بسیار کم در شورشها شرکت می کردند.

□ جود نداشته است. □ البته در برخی جوامع قبیله‌یی زنان □ تماماً در جایگاهی نازل‌تر از مردان قرار داشته‌اند. ما بر این باوریم که علل این تقابل □ها می‌تواند در شرایط مادی‌ای باشد که موقعیت‌های اجتماعی □ اقتصادی متقابل □ را بوجود می‌آورد، همان‌گونه که در جوامع دارای □لت چنین □ضعیتی صادق است.<sup>1</sup>

□ یانا مولر Viana Muller تأکید می‌کند در قبایل □لش □ انگلوساکسون □فظ □ فوق فردی چنان تثبیت شده بود که به □ فوق پدرسالارانه رئیس خانواده هسته‌یی تعلق نداشت بلکه جز □ □ فوق گر □ه اجتماعی بزرگتر گولی (Gwely یعنی گر □ه خویشا □ندی مرکب از چهار نسل) بود.<sup>2</sup> زن □ مرد قبیله تا بزرگسالی سهمی از □ شام داشتند. □ شام معیشت شخص آنان را تأمین می‌کرد □ مانع □ ابستگی افراد به یکدیگر می‌شد. به این ترتیب اگرچه در سیستم قبیله‌یی به ارث بردن زمین به نسبت پدری □ اقامت‌گزینی به مسکن پدری بستگی داشت. اما زن متأهل از امکان تأمین مستقل معاش اقتصادی برخوردار بود. زنان در شبکه خویشا □ندی خود □ شوهرانشان به لحاظ سیاسی شرکت داشتند. زن همچون مرد در قبال بزمکاری‌های فرزندان مسئول بود □ مسئولیتا عمال خلاف □ی به عهده خودش □ یا خویشا □ندان نسبی‌اش □ (نه شوهرش) بود.

مراسم □ سنت‌های قبیله‌یی با پیدایش □لت □ به زن □ال رفتند: می‌توانیم مشاهده کنیم که اقتدار عمومی مردان - در مقابل اقتدار اجتماعی آن‌ها - از طریق ساختار سیاسی □ هبا پیدایش □لت نفوذ خود را اعمال می‌کند. افزایش یافته است. از

<sup>1</sup> مولر «شکل‌گیری دولت» مقاله چاپ نشده.

<sup>2</sup> منبع فوق صفحه 14.



آن جایی که منافع دلت در جدا کردن منابع تدارکاتی قبیله (شامل زمین، نیر، ی کار) نهفته است، استفاده از جدایی سنتی بین د جنس در کار تقسیم منابع قبیله‌یی جای دادن آن در هرم ر ابط سلسله مراتبی در داخل خانه (شوهر بر فراز زن، فرزندان) در خارج از خانه (مالک بر فراز دهقان، رعایا) به کار گرفت.<sup>1</sup> شاه دستور تأسیس ادارا، نا، یه‌یی را بدن توجه به وزه قضایی قبیله‌یی صادر کرد، مأموران خود را بدن توجه به اقتدار ر ساي قبایل برگمارد ر تکالیفی را بر عهده مردان به عنوان رئیس ر د خانواده گذاشت. گر ه های قبیله‌یی مسئولیت‌های جمعی خود را در قبال اعضا از دست دادند ر قوق گر ه یزنان ر کودکان از آن‌ها سلب گردید ر تحت سلطه شوهران خود قرار گرفتند. کار زنان به‌جای آن که عمومی ر در آمدش به‌نفع گر ه خویشا ندان باشد، خصوصی شد ر در آمدش به جیب شوهر رفت. آن‌طور که مولر اشاره می‌کند، تمأ در جوامع قبیله‌یی تمایلا آشکاری ر جود داشته که پیش شرط‌های لازم برای جود آمدن د لتي با سلطه مردان ر سلسله مراتبی را فراهم کرده است، زیرا به‌همان نسبت ر تمال شکل‌گیری د لتي زنورانه فراهم نبوده است. از میان این تمایلا می‌توان برای مثال به این نمونه‌ها اشاره کرد: مردان صا ب زمین بودند ر یا بیش‌تر در عملیا ر نظامی در مناطق د رتر شرکت می‌کردند.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> منبع فوق صفحه 25.

<sup>2</sup> مثال‌های آورده شده در مورد زنان قبایل کونگ-ایگبو-انگلساکسون و سایر گروه‌های بحث شده در کتاب نقش زنان نوشته Boserup همگی این مساله را طرح می‌کنند کهر وند توسعه دولت یا شکل‌گیری دولت یا پیروزی و غلبه سایر مردمان به‌شدت برای مکانیسم گسترش سلسله مراتبی و تسلط مردان مهم بوده

این خلاصه‌ی بود از تحقیقا □ متعدد نظریا □ مکتب سوم علم مردم‌شناسی، مکتب تنوع گرایان که بهر □ شن شدن کاهش جای گاه اجتماعی زن کمک می‌کنند. به‌منظر آن‌ها افزایش قشر بندی بر اساس جنسیت به‌مواز □ ر □ ند عمومی قشر بندی اجتماعی صور □ گرفت (که دستکم در بعضی موارد ظاهراً به افزایش مازاد اجتماعی، برای تأمین منافع گره‌های فوقانی در هرم سلسله مراتبی، بستگی دارد □ از آن تغذیه می‌شود) نتیجه آن‌که، تنزل جایگاه اجتماعی زن در جامعه در شرایطی رخ می‌دهد که:

زن به‌علت تغییر □ در شیوه تولید □ تنزل ارزش سهمش در تقسیم کار، کنترل بر امور معیشتی خود را از دست می‌دهد.

نقشش در کار، بیش‌تر خصوصی □ خانوادگی می‌شود تا اجتماعی □ خویشا □ ندی.

برخی مردان قدر □ خود را بر مردان دیگر از طریق دستگاه □ لت □ با ارتقاء جایگاه مردان فر □ دست در خانواده‌هایشان □ ر □ یار □ قرار دادن □ د خانواده با جمع خویشا □ ندان.<sup>1</sup>

---

است. در واقع، نقش جنگ و امپریالیسم این سوال را بیش آورد که آیا دولت تأسیس آن موجب پیدایش خانواده پدرسالار شد یا خانواده پدرسالار دولت را خلق کرد. T.Victorisz به‌طور قطع شکل‌گیری روابط اجتماعی پدرسالارانه در جوامع ماقبل پیدایش دولت راه را برای قدرت‌گیری مردان در سطح عمومی (برای مثال قدرت اداره آپارات‌های دولتی) و خصوصی شدن قدرت پدرسالاری در درون خانواده، نقش داشته است. همچنین این خصوصی شدن به‌طور قطع - و هم‌زمانی آن با کاهش قدرت قبیله - توسط دولت تقویت شد.

<sup>1</sup> این نکته به‌ویژه توسط مولر تأکید شده است و همچنین توسط کونگها نشان داده شده است. مولر می‌نویسد: مردان اگرچه از

به این ترتیب تقسیم کار بین زن □ مرد بیشتر جنبه سلسله مراتب به خود می‌گیرد. زنان مستقیماً تحت کنترل مردان قرار می‌گیرند، امری که توسط نهادهای اجتماعی همچون □لت □ مذهب تقویت □ مایت می‌گردد. طبق نظریه این مکتب مردم‌شناسی، پدرسالاری همیشه □ جود نداشته است بل که با تغییر شرایط اجتماعی پدید آمده است □ به‌علا □ ه مردان در این تغییر □ سهم بودند. زیرا آن‌ها از این تغییر □ سود می‌بردند، مردان از باز تولید پدرسالاری نفع □ سهم می‌بردند.

با □ جود آن که در میان مردم‌شناسان هنوز بحث‌های زیادی درباره منشأ پیدایش پدرسالاری □ جود دارد □ تحقیقا □ بیش‌تری لازم است تا صحت □ اعتبار این تعبیر □ تفاسیر □ شن شود، به‌نظر من □ زنه مدارك □ دلایل ارائه شده صحت آن را تأکید می‌کند. در هر صورت □ اغلب مردم‌شناسان بر سر این که پدرسالاری بسیار قبل‌تر از سرمایه‌داری □ جود داشته است توافق دارند، هرچند در مورد منشأ پیدایش پدرسالاری اختلاف نظر دارند.<sup>1</sup> در انگلیس، همان‌طور که

---

عضو قبیله به دهقان نزول یافتند به‌عنوان رئیس خانواده شناخته شدند و البته با داشتن قدرت در سطح عموم توسط دولت و مذهب و سطح خانواده بدین صورت که دولت- کلیسا آن‌ها را آقایان همسران‌شان اعلام کردند. کتاب شکل‌گیری دولت صفحه 35. Stone, Hill<sup>1</sup> هر دو به‌تشریح انگلستان به‌عنوان جامعه‌ای پدرسالار می‌پردازند. جامعه‌ای که در آن خانواده هسته‌ای، دولت و مذهب بسیار قوی بودند. رجوع کنید به C.Hill جامعه و آیین پاکدینان مسیحی سال 1964 به‌ویژه بخش 13. L.Stone، بحران آریستوکراسی 1558-1641. سال 1967. به‌ویژه بخش 11. پژوهش‌های آمارگیری نفوس اخیراً نشان داده که شکل‌گیری خانواده هسته‌ای قبل از وقوع انقلاب صنعتی به‌وقوع پیوسته است. رجوع کنید به P.Laslett کارخانگی و خانواده در دوران قدیم سال 1972 به‌خاطر کمبود اطلاعات و جا و به‌خاطر آن که من می‌خواهم اول در مورد

خواهیم دید، شکل‌گیری  $\square$  لت مَهر پایانی است بر جامعه قبیله‌ی انگلو ساکسون  $\square$  طلوع جامعه فئودالی به‌نظر می‌رسد، در کل جامعه فئودالی گرایش به‌خصوصی کردن زندگی خانوادگی  $\square$  افزایش قدر  $\square$  مردان در خانواده محکم‌تر می‌شود، زیرا نهادهایی چون  $\square$  لت  $\square$  کلیسا از این تمایلا  $\square$  مایت می‌کنند. از زمان پیدایش سرمایه‌داری یعنی از  $\square$  ران قرن پانزدهم تا پایان قرن هیجدهم، خانواده هسته‌ی پدرسالار دهقانی، به  $\square$  د  $\square$  اصلی تولید در جامعه تبدیل می‌شود.

### پیدایش سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی:

$\square$  ند اصلی پیدایش سرمایه‌داری در انگلیس  $\square$  ایالا  $\square$  متحده انباشت  $\square$  لیه بود. این انباشت  $\square$  لیه برای استقرار سرمایه‌داری ضرر  $\square$  ری بود.<sup>1</sup> انباشت  $\square$  لیه  $\square$  ند  $\square$  گانه‌ی بود که پیش شرط‌های لازم برای توسعه میزان تولید را فراهم  $\square$  رد. نخست، کارگران آزاد  $\square$  پس از آن سرمایه فر  $\square$  ان می‌بایست انباشت می‌شد.  $\square$  لی از طریق  $\square$  صارکشی  $\square$  انتقال مردم از ده  $\square$  زمین‌هایشان (یعنی پایگاه معیشتی آنان). به‌طوری که مجبور باشند برای دست‌مزد کار کنند.  $\square$  می از طریق ریشه  $\square$  اندن  $\square$  توسعه مزارع کوچک‌تر  $\square$  سرمایه کارآگاهی، از طریق امکانا  $\square$  بانکی

---

مفهوم و شکل‌گیری پدرسالاری و دوم در مورد شیوه شکل‌گیری پدرسالاری در یک جامعه که براساس مزد- کار بنا نهاده شده بحث کنم من از بحث در مورد عروج و سقوط فئودالیسم و شکل‌گیری تولید دهقانی بر محور خانواده پرهیز می‌کنم و بر مرحله بعدی یعنی عدم انضمام تولید بر محور خانواده، ایجاد نیروی مزد- کار و پیدایش جدایی جنسیتی در مشاغل در دوران سرمایه‌داری متمرکز می‌شوم.

<sup>1</sup> رجوع کنید به مارکس، آنچه انباشت اولیه خوانده می‌شود. در کتاب سرمایه سال 1967 قسمت 1 بخش 8 و هایمر روبینسون کروزه و راز انباشت اولیه نشریه Manthy Review شماره 23 بخش 4 سال 1971 صفحات 36-11.

گردآوری شده، از طریق افزایش گسترده سرمایه تجاری، از طریق تجار □ برده □ بهره‌مکنی استعماری عملی گردید.

با شکل‌گیری نیروی کارگر □ رشد میزان تولید که همزمان با پیدایش سرمایه‌داری رخ داد به بعضی لحاظ بر زنان تأثیر توان‌فرسائی داشت تا بر مردان، برای درک □ فهم این تأثیر اجازه دهید نظری بی‌افکنیم بر کار زنان قبل از آن □ تغییراتی که در جریان آن رخ داد.<sup>1</sup> در قرن 15 □ 16 کشت □ رزی □ منسوجا □ پشمی (نوعی صنعت ضمیمه کشت □ رزی) □ انواع □ رف □ پیشه‌ها در شهرهای کوچک منابع اصلی معاش مردم انگلیس بودند. در مناطق ر □ ستایی مردان در مزارع کوچکی که یا متعلق به خودشان بود یا اجاره کرده بودند، کار می‌کردند. زنان ر □ ی قطعه زمین خانه کار می‌کردند، باغچه‌ها □ باغ‌های میوه □ یوانا □ را نگهداری می‌کردند □ تولید لنبیا □ را به‌عهده داشتند، آن‌ها همچنین امور ریسندگی □ بافندگی را عهده‌دار بودند، بخشی از آنچه تولید می‌کردند در بازارهای کوچک برای ارائه به دها □ شهرهای کوچک □ بزرگ به فروش می‌رفت، به این ترتیب زنان بخش قابل توجهی از درآمد نقدی خانواده □ معاش آن به‌صورت □ جنس را تأمین می‌کردند. علاوه بر اجارمنشینان □ دهقانان، طبقه کوچکی از زنان □ مردان مزد بگیر نیز □ جود داشتند که ر □ ی مزارع بزرگتر

---

<sup>1</sup> این نقل تکیه بر نوشته A.Clark در مقاله «زندگی کاری زنان در قرن 17» سال 1920 دارد. گفته او توسط دیگرانی تأیید شده است از جمله B.L.Hutchins زنان در صنعت مدرن سال 1915، G.Hill زنان در زندگی انگلیسی از قرون وسطی تا دوران جدید دو جلد سال 1896. F.W.Tickner. زنان در تاریخ اقتصاد انگلیس سال 1923. I.Pincheck. زنان کارگر و انقلاب صنعتی 1750-1850 سال 1969.

کار می‌کردند □ گهگاه اجارمنشینان □ زنان‌شان کار مزدی هم انجام می‌دادند. البته بیشتر از زنان.<sup>1</sup> در قرن هفدهم □ هیجدهم که زارعین خرده‌پا زمین‌هایشان را به‌عالت □ جود ملاکان □ زمین‌داران بزرگ از دست دادند. زنان‌شان نیز منبع اصلی درآمد □ معاش خود را از دست دادند در □ مالی که مردان تا □ دزیادی توانستند به انجام کار مزدی □ ی □ آ □ رند. به این ترتیب زنان که از کار □ ی قطع زمین‌های خانه‌شان محروم شده بودند، به‌طور نسبی از بی‌کاری بیشتر رنج می‌بردند □ خانواده نیز به‌طور کل، از بخش مهمی از امکان معاش خود محروم شده بود.<sup>2</sup> در قرن هیجدهم بازار صنایع نساجی گرم شد □ تاجران انگلیسی دریافتند می‌توانند از نیر □ ی کار کشا □ رزان انگلیسی که با صنعت نخ‌ریسی □ بافندگی هم آشنا بودند، استفاده کنند. تاجران، نخ □ پشم را برای بافتن □ ریسیدن توزیع می‌کردند □ به این ترتیب سیستم صنعت خانگی □ ی به □ جود

---

<sup>1</sup> زنان و مردان انگلیس طی قرن‌ها به‌عنوان کارگران کشاورزی اشتغال داشتند. Clark کشف کرد که در قرن هفدهم دستمزد مردان از زنان بالاتر بوده و وظایفی که در کار داشتند متفاوت بوده است، اگرچه مهارت و قدرت یکسان داشته‌اند. (زندگی کاری زنان صفحه 60) دستمزد برای کار کشاورزی و (سایر مشاغل) اغلب توسط مسئولان محلی تعیین می‌شده است. این تفاوت در میزان دستمزدها انعکاس دهنده جایگاه اجتماعی زنان و نرم‌های اجتماعی آن دوره می‌تواند باشد. به‌نظر می‌رسیده زنان مثلاً چون کمتر غذا می‌خورده‌اند یا مثلاً کمتر سیگار می‌کشیدند پس دستمزد کمتری هم لازم دارند. (رجوع کنید به کار زنان از L.Oren (Clark-Pinchbeck این امر را در دوره 1950-1960 با دلیل و مدرک ثابت کرده (منبع شماره 53)

<sup>2</sup> مشکل بیکاری زنان در روستاها در بحث اصلاح قانون فقرا مورد اشاره قرار گرفته است. بخاطر راه حل پیشنهاد شده بود که به خانواده‌های روستایی اجازه حفظ داده شود. زنان در کارمزدی کشاورزی بیشتر به کار گرفته شوند. (رجوع کنید به کار زنان نوشته Pinchbeck صفحات 84-69).

آردند که بسیاری از خانواده‌های رانده شده از روستا را به اشتغال می‌داشت. این سیستم سفارشی، اما نارسا بود. پیچیدگی در امر توزیع جمع‌آوری شاید مهم‌تر از آن می‌زا کنترل کارگران رند تولید (مثلاً کارگران می‌توانستن هر وقت خواستند استراحت کنند، نوبتی کار کنند یا جناس را کش برند.) از افزایش تولید بر سبب نیاز تجار جلوگیری می‌کرد. برای حل این مشکلات ابتدا در پایان قرن هیجدهم رسیدگی سپس در ایل قرن نوزدهم بافندگی در کارخانه‌ها سازمان داده شد. کارخانجات نساجی ابتدا در مناق رستایی شروع به کار کردند تا هم از نیروی کار زنان کودکان بدان محدودیت‌های اصناف شهری استفاده کنند هم از نیروی جریان آب در رستاهای سود ببرند. وقتی رسیدگی صنعتی شد، زنانی که در خانه‌شان به کار ریسندگی مشغول بودند بیشتر بیکار شدند در حالی که بازار کار برای دست‌بافان مرد گسترش یافت. زمانی که بافندگی هم ماشینی شد بازار کار بافندگانی نیز محدود گردید.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> رجوع کنید به مقاله S. Marglin روسا چه می‌کنند؟ ریشه‌ها و کارکردهای سلسله مراتب در تولید سرمایه‌داری نشریه Review of Radical Political Economics شماره 6 بخش 2 سال 1974. صفحات 60-112 برای بحث درباره‌ی انتقال از Putting-out به کارخانجات. تقسیم مشغال بر اساس جنسیت در صنایع نساجی چندین بار تغییر کرد. Hutchins می‌نویسد هر چه در تاریخ عقب‌تر می‌رویم بیشتر متوجه می‌شویم که هدایت‌گران صنعت زنان بوده‌اند. در قرن هفدهم مردان بافندگان ماهری شدند و غلبه گفته می‌شد آنان مهارت و قدرت بیشتری دارند امری که برخی بافندگان یا کارخانه‌داران به آن نیاز داشتند. افزایش تقاضا برای بافندگان در اواخر قرن هفدهم موجب اشتغال بیشتر مردان شد. وقتی بافندگی ماشینی شد زنان بودن دکه با دستگاه‌های بافندگی کار می‌کردند و مردان بیکار شدند. وقتی دستگاه‌های دیگر بافندگی که به قدرت و نیرو احتیاج داشت وارد کارخانجات شدند، مردان دوباره جای کارگران زن را گرفتند. جابه‌جایی‌های مشابه در آمریکا نیز

به این ترتیب صنعت خانگی که با ظهور سرمایه‌داری خلق شده بود، بعدها به علت رشد □ توسعه‌ی صنعتی سرمایه‌داری از بین رفته □ نابود شد. در این پر□ سه زنان، کودکان □ مردان مناطق ر□ ستایی هر یک به نوعی از جابه‌جایی‌ها □ گسیختگی‌ها رنج می‌بردند. زنان، بیش از مردان در اثر صنعتی شدن کشا□ رزی گرفتار بیکاری شدند، آن‌ها در سیستم تولید خانگی □ یا کارخانجا □ □ لیه به عنوان نیروی کار مورد استفاده قرار گرفتند. اغلب این‌گونه استدلال می‌شود که مردان در مقابل کار کردن در کارخانجا □ مقا□ مت نشان می‌دادند چرا که نمی‌خواستند استقلال خود را از دست بدهند در □ الی که زنان □ کودکان مطیع‌تر □ انعطاف‌پذیرتر بودند. اگر □ اقعیت امر چنین ست پط این‌گونه شیوه‌های رفتاری ناشی از ساختار اقتدارمدارانه است پس این شیوه‌های رفتاری کشا□ رزی خانگی، قبل از سازمان‌دهی سرمایه‌دارانه 8 صنعت در میان زنان □ مردان تسلط داشته است. بسیاری از تاریخ‌دانان نظر می‌دهند که در □ ن خانواده مردان سر□ ر □ زنان، با □ جود آن که بخش بزرگی از معاش خانواده را تأمین می‌کردند تحت تابعیت بودند.<sup>1</sup>

---

صورت گرفت. لازم به یادآوری است که هم مردان و هم زنان در روندهای گوناگونی از صنعت نساجی اشتغال داشتند و به نوعی در حاشیه صنعت نساجی بودند و این امر به نوبه خود در دوران Putting out تشدید شد. (رجوع کنید به کارگران زن قسمت‌های 6-9)

<sup>1</sup> رجوع کنید به «زندگی کاری زنان» نوشته‌ی Clark «زنان کارگر» نوشته‌ی Pinchbeck و «ساختن طبقه‌ی کارگر انگلیس» نوشته‌ی E.P.Thompson سال 1963.



شاید هرگز نتوانیم از اقعیت‌های ساختار اقتدار در درون خانواده در دوران پیش از صنعتی شدن آگاهی یابیم، زیرا بیش‌تر آنچه که می‌دانیم ریشه در ادبیا تجویزی دارد یا شامل دیدگاه‌هایی است که از یک طبقه‌ی خاص جانبداری می‌کند، به علاوه در رابطه با نظرا مردم در آن دوران آگاهی ناچیزی داریم. در عین حال مدارك مربوط به زندگی خانوادگی، دست‌مزدهای نسبی استاندارد زندگی نشان می‌دهد که زنان در خانواده تابع فرمان‌بردار مردان بودند. این نتیجه‌گیری با ادبیا مردم‌شناسانه که در قسمت قبلی مقاله بدان اشاره کردیم مطابقت دارد. آن توضیح چنین بود که پیدایش رباط اجتماعی پدرسالارانه به مواز پیدایش قشر بندی‌های اجتماعی لیه پیش رفته است. علاوه بر این، تاریخچه‌ی کارخانجا تازه تأسیس شده در آن دوران نشان می‌دهد که سرمایه‌داران از ساختار اقتدارمدارانه در آن دوره نهایت استفاده را به عمل آوردند. زیرا زنان کودکان، هم به علت رباط ماکم در درون خانواده هم به علت تغییرا اساسی در کار کشا رزی که آن‌ها را بیکار می‌کرد به لحاظ اقتصادی دچار تنگ‌دستی می‌شدند.<sup>1</sup>

رند انتقال به سرمایه‌داری در شهرها شهرك‌ها نسبت به رستاها کمی متفلا بود، اما هدف، برقراری همان رباطی بود که نام بردیم: یعنی زنان

---

<sup>1</sup> در واقع کارخانجات اولیه از نیروی کار کودکان فقیر که بی‌خانواده بودند و توسط اتوریت‌ها و مسئولین به کارخانه‌داران سپرده می‌شدند، استفاده می‌کردند. این کودکان شاید بی‌چاره‌ترین‌ها و آسیب‌پذیرترین‌ها بودند.

□ مردان در ساختار اقتدار خانواده جایگاه متفلاً تي اشغال مي‌کردند □ در شهرها □ شهرک‌ها يك سيستم صنعت خانوادگي سرمايه‌داري غلبه داشت: يك خانواده صنعت‌گر در خانه براي توليد کالا به قصد مبادله کار مي‌کرد. افراد بالغ خانواده در صنف‌هاي خاص خود که کارکرد اجتماعي، مذهبي □ يا نعتي داشت سازمان یافته بودند. زنان □ مردان در تجار □ صنايع خانگي، غالباً □ ظايف متفلاً تي داشتند: مردان اغلب کارهايي را انجام مي‌دادند که مهار □ بيشتري نياز داشت، زنان در آماده کردن موادخام براي مر □ ل نهايي توليد کار مي‌کردند. مردان که معمولاً رئيس □ □ د توليد بودند، جایگاه استغادکار را اشغال مي‌کردند. زنان به طور معمول به صنعت شوهر تعلق داشتند □ نقش ضميمه را بازي مي‌کردند، دختران به ندر □ براي آموختن رفه‌يي به کارآموزي مشغول بودند □ در نتيجه به ندر □ مي‌توانستند شاگرد - استاد شوند. زنان متأهل در □ نند توليد شرکت مي‌کردند □ □ تمالاً مهار □ هاي مهمي نيز مي‌آموختند، اما فقط در □ رتي که بيوه مي‌شدند □ ن کنترل توليد را به دست مي‌گرفتند □ در آن صور □ صنف‌شان اجازه مي‌داد زنان بيوه، کارآموز □ يا شاگرد استخدام کنند. مردان جوان معمولاً در صنف خود (مثلاً با دختران استادکار هم‌پيشه) از □ اج مي‌کردند. در □ اقع، زنان ختران جوان در اين سيستم نقش مهم □ خاصي به عنوان کارگران اضافي يا موقت داشتند، زيرا صنف‌شان اجازه‌يي استخدام کارگر اضافي

غریبه □ خارج از خانواده را نمی‌داد □ دختران □ زنان جوان بدون شک  
مهار □ های سودمندی را تا هنگام ازدواج فرا می‌گرفتند.<sup>1</sup>  
با این همه به نظر می‌رسد دختران با دقتی که پسران تعلیم می‌دیدند، آموزش  
نمی‌دیدند □ به عنوان افراد بالغ جایگاه □ مقامی برابر با مردان هم  
صنفشان به دست نمی‌آوردند.

با □ جود آن که در اکثر □ رفته‌ها مردان کارگران اصلی □ زنان دستیار  
آن‌ها بودند، برخی □ رفته‌های دیگر چنان □ ابسته به جنسیت بودند که صنعت  
خانوادگی نتوانست بر آن‌ها مسلط شود.<sup>2</sup> نجاری □ کلاه □ زی زنان از جمله  
چنین □ رفته‌هایی بودند. مردان نجار □ زنان کلاه □ دستیاران □  
کارآموزان‌شان را استخدام می‌کردند □ به این ترتیب جایگاه استادکار  
صنعتگر را کسب می‌کردند. به نظر کلارک Clark اگرچه برخی  
رفته‌های زنان مثل کلاه □ زی مهار □ زیادی می‌خواست □ به لحاظ صنفی  
سازمان‌دهی شده بود، اما بسیاری از پیشه‌های زنان به سختی قابل  
سازمان‌دهی صنفی بودند، زیرا اغلب این‌گونه □ رفته‌ها به سادگی قابلیت

---

<sup>1</sup> Hutchins، «زنان در صنعت مدرن، 16» O.J.Jocelyn «کارآموزی  
انگلیسی و کار کودکان» سال 1912. صفحات 149-150 درباره‌ی کار  
دختران، Clark «زندگی کاری زنان» قسمت 5. درباره‌ی سازمان  
صنعت خانوادگی در شهرها.

<sup>2</sup> پیش از قرن هفدهم صنایع و حرفه‌ها به لحاظ جنسیت  
تقسیم‌بندی شده بودند. کار بسیار بیشتری باید در رابطه با  
شیوه‌ی توسعه اصناف انجام شود تا ماهیت سازمان‌های زنان و  
تقسیم کار بر اساس جنسیت روشن شود. چنین اقدامی ما را در  
پی‌گیری دقیق عوامل و علل نزول جایگاه زنان از دوران جامعه  
قبیله‌ای تا دوران فئودالیسم و تا دوران شکل‌گیری  
سرمایه‌داری یاری می‌دهد.

نداشتند که انحصاری شوند. زنان به عنوان بخشی از وظایف خانگی‌شان هنر نساجی، خیاطی، تهیه غذا، تاق‌دی‌کسب، کار تجاری را می‌آموختند.

در قرن هفدهم هیجدهم میلادی نظام صنعت خانگی اصناف در مقابل تقاضا برای تولید بیشتر فراهم شد. سرمایه‌داران سازمان‌دهی تولید در سطح وسیع‌تر به میزان گسترده‌تری را آغاز کردند. تولید با رشد گسترش مؤسسه‌ها از خانه فاصله گرفت. جدا شد. زنان از شرکت در صنایعی که در آن دست‌یار مردان بودند محروم شدند، از آنجایی که این صنایع دیگر در خانه، جایی که زنان متأهل ظاهراً به قصد انجام کارهای خانگی در آن حضور داشتند، پیش برده نمی‌شدند. با وجود این بسیاری از زنان به دلیل ضرورت نیاز در صنایعی که به شیوهی سرمایه‌دارانه سازمان یافته بود، تقاضای کارمزدی داشتند. زمانی که زنان وارد بازار کار شدند، روشن شد که آنان نسبت به مردان از موقعیت فراتری برخوردار گشته‌اند. لاً: درست مانند ران کشتارزی به شیوهی سنتی به زنان دست‌مزد کم‌تری پرداخت می‌شد، ثانیاً: زنان ظاهراً کمتر از مردان مهارت داشتند. شغل‌های نامطلوب‌تری نصیب‌شان می‌شد. ثالثاً: زنان نسبت به مردان از سازمان‌دهی تشکل ضعیف‌تری برخوردار بودند.

از آنجایی که فکر می‌کنم توانایی مردان در سازمان‌دهی خود نقش قاطع مهمی در محدود کردن شرکت زنان در بازار کارمزدی داشت، می‌خواهم در ابتدا مدارکی در تأیید این ادعا که مردان دارای سازمان‌دهی بهتری

بودن ارائه دهم □ سپس دلایل احتمالی مبنی بر برتری آنان را در این زمینه به بحث بگذارم. نظر من این نیست که مردان همیشه □ همهجا یا در همه‌ی امور توانایی بیشتری برای سازمان‌دهی داشتند، اما آنان □ تماماً در انگلیس، در این □ رهی خاص □ در □ وزه‌ی تولید اقتصادی از چنین توانایی برخوردار بودند. □ لین مدرک □ شن □ مشخ برای نشان دادن برتری آنان، اصناف آن □ ران است. در این اصناف □ رفته‌های مردانه نسبت به □ رفته‌های زنانه سازمان‌دهی بهتری داشتند □ در □ رفته‌هایی که زنان □ مردان همکار بودند، مردان جایگاه برتری داشتند □ زنان به قدر □ در سلسله مراتب پیشرفت پذیرفته می‌شدند. □ م این که مدارکی □ جود دارد که نشان می‌دهد در قرن شانزده □ هفده میلادی □ رفته‌های مردانه رشد کردند اما □ رفته‌های زنانه □ ذف شدند. مثلاً □ رفته پزشکی، یعنی از طایق انحصاری کردن مهار □ های علمی جدید □ یا با همیاری □ لت. □ رفه‌ی مامایی عملاً توسط مردان از بین برده شد. آجوسازی نمونه‌ی دیگری از این □ رفته‌ها بود. آجوسازان مرد، اجمنی را سازمان‌دهی کردند □ عریضه‌ی را جهت گرفتن □ ق انحصاری آجوسازی (به ازاء مالیاتی که برای هر لیتر آجوسازی می‌پرداختند) به شاه ارائه دادند. به این ترتیب موفق شدند آجوسازان کوچک را مجبور کنند از آنان آجوسازی بخرند.<sup>1</sup> سوم آن که به نظر می‌رسد در □ ران

---

<sup>1</sup> رجوع کنید به «زندگی کاری زنان» نوشته‌ی کلارک صفحات 231-221، در مورد آجوسازان و صفحات 284-242 در مورد حرفه‌های پزشکی.

شکل‌گیری سرمایه‌داری صنعتی مردان توانایی بیشتری برای سازمان‌دهی خود به عنوان کارگران مزدبگیر داشتند. همان‌طور که در ادامه‌ی مقاله خواهیم دید، با نهادی شدن تولید کارخانه‌ی، مردان از سازمان‌های کارگری‌شان جهت محدود کردن زنان به بازار کار استفاده کردند.

به نظر من برای توضیح این که چرا مردان در انتقال توانایی بیشتری برای سازمان‌دهی داشتند باید به رشد گسترش روابط اجتماعی پدرسالارانه در خانواده هسته‌ی که توسط دولت مذهب تقویت می‌شد، توجه داشته باشیم. این پویا به‌طور مختصر در قسمت‌های قبلی مقاله در رابطه با انگلوساکسون‌ها در انگلیس توضیح داده شد. از آن‌جا که جایگاه برتر مردان توسط دولت تحکیم تقویت می‌شد آنان در حوزه سیاست به مثابه رئیس خانواده در خانواده به مثابه رئیس تولید نقش داشتند. تمایل مردان ساختارهای تشکیلاتی بیشتری را در خارج از خانواده توسعه دادند. زنان که در خانه موقعیت فر دست‌تری داشتند از مایه‌ی هم‌مرد بودند، از امکان کم‌تری در سازمان‌دهی برخوردار بودند. به این ترتیب شناخت آ‌هی مردان در رابطه با امر سازمان‌دهی ناشی از جایگاه آنان در خانواده سیستم تقسیم کار بود. رشن است تحقیقا بیشتر پیرامون سازمان‌ها تشکلا در قبل در طی انتقال لازم است تا رشن شود ساز کارهایی که مردان توسط آنان توانستند بر فضای عمومی کنترل یابند، چه بوده است.

در نتیجه، سازمان‌دهی سرمایه‌دارانه صنعت، در جابه‌جایی کار از خانه به کارخانه اسباب افزایش فرآیند دستی زنان □ اهمیت نسبی □ یطه‌ی تسلط مردان را فراهم ساخت. لازم است به خاطر داشته باشیم تسلط مردان قبل از دوران سرمایه‌داری هم □ جود داشت □ این تسلط قطعاً بر جهت‌گیری □ شکل سرمایه‌داری اثر گذاشت. همان‌طور که آلیس کلارک Alice Clark می‌گوید، با جدایی کار از خانه، مردان برای تولید صنعتی کمتر به زنان □ نیاز داشتند، اما زنان به لحاظ اقتصادی بیشتر به مردان □ ابسته شدند. درست مثل زنان آفریقایی که در قسمت‌های قبلی مقاله از آنان صحبت کردیم، زنان متأهل انگلیسی نیز که زمانی □ سیله‌ی معاش خود □ فرزندان‌شان را تامین می‌کردند تبدیل به مستخدمین خانگی شوهران‌شان شدند. مردان با □ ذف زنان از صنعت، تحصیل □ سازمان‌های سیاسی بر کنترل □ نظار □ خود در □ وزه‌ی تکنولوژی، تولید □ بازاریابی افز □ دند.<sup>1</sup> زمانی که زنان □ ارد بازار کار مزدی شدند، جایگاه آنان توسط سرمایه‌داری

---

<sup>1</sup> منبع فوق قسمت 7. زارتسکی «سرمایه‌داری، خانواده، زندگی خصوصی» نشریه Socialist Revolution شماره‌های 13 و 14 سال 1973. زارتسکی در این مقاله روایتی مشابهی از تاریخ دارد اما نتایج متفاوتی ارائه می‌دهد. سرمایه‌داری تقسیم مشاغل بر اساس جنسیت در دوران سرمایه‌داری تشدید شد و این توهم را به وجود آورد که زنان برای شوهران‌شان کار می‌کنند. در واقعیت، زمانی که در خانه به انجام کار خانگی مشغول بودند برای سرمایه‌داری کار می‌کردند. به نظر زارتسکی شرایط امروزی بیش‌تر ریشه در سرمایه‌داری دارد تا پدرسالاری. سرمایه‌داری نتایج ناشی از تقسیم کار بر اساس جنسیت را افزایش داد و پدرسالاری علت در خانه نماندن مردان را روشن کرد، این که زنان در خانه هم برای مردان و هم برای سرمایه‌داری کار می‌کنند نیز واقعیتی است.

□ پدرسالاری به شکلی □ واضح □ ر □ شن، محد □ د □ مشخص گردیده بود. کنترل مردان بر نیرو □ ی کار زنان توسط سیستم کارمزدی دگرگونش شد اما از بین نرفت. در بازار کار جایگاه مسلط مرد بر اساس، جدایی جنسی مشاغل تعیین شده بود. شغل های زنانه دستمزد کمتری داشتند، غیرماهرانه □ غیرتخصصی ارزیابی می شدند □ اغلب فاقد امکان کسب تجربه برای کنترل □ نظار □ بودند.<sup>1</sup> مردان جدایی بر اساس جنسیت در بازار کار را تحکیم □ تقویت کردند. آنان از همبستگی اتحادیه‌ی شان جهت استحکام تقسیم کار خانگی استفاده می کردند. لازمی این نوع تقسیم کار این بود که زنان مسئولیت انجام کارهای خانگی، کارهای طاقت فرسای ر □ زمره □ نگهداری از فرزندان را عهده‌دار شوند. جایگاه فر □ تر زنان در بازار کار در خانواده رابطه‌ی □ جانبی با هم داشتند که هر یک به تقویت دیگری کمک می کردند. ر □ ند صنعتی شدن □ تأسیس نظام کارخانه‌ی، به خصوص در صنایع نساجی، نقش همبستگی اتحادیه‌های مردان را به خوبی نشان می دهد. کارخانجات □ نساجی در ابتدا کودکان را استخدام کردند اما با رشد این نوع

---

<sup>1</sup> W.Lazonick «تئوری مارکسیستی و توسعه نیروی کار در انگلیس» تز دکتری سال 1975. در این تز مطرح می شود که درجه اعتبار و قدرت کارگر به نوع جنسیت او بستگی داشت. بافندگان صنعت نساجی مرد بودند تا امکان کنترل روند تولید و کار زنان ریسنده را داشته باشند. در کارخانجات ریسندگی، کارگران اصلی مرد بودند تا کار سایر کارگران (اغلب پسران جوان) را نظارت و رسیدگی کنند. جایگاه مردان به عنوان رئیس خانواده موجب شد که به ریاست واحدهای تولیدی هم گمارده شوند و یا برعکس. ارگچه این امر قطعاً محتمل است، من فکر می کنم پژوهش بیشتری مورد نیاز است. تز Lazonick در این حوزه بسیار با ارزش است. (به ویژه قسمت چهارم: تکه تکه شدن نیروی کار: زنان، کودکان و ایرلندی‌ها).



کارخانجا □ استفاده از نیروی کار زنان بالغ □ تمامی خانواده نیز آغاز شد. در عین حال که در مورد تعداد زنان متأهل کارگر بسیار مبالغه شده است، به نر می‌رسد در هر صورت □ تعداد این زنان به اندازه‌ی بوده است که موجبا □ عکس‌العمل □ نگرانی شوهران‌شان □ طبقاً □ بالا را در رابطه با کار خانگی □ نگهداری از فرزندان برانگیزد.<sup>1</sup>

اسملسر Smelser می‌گوید در کارخانجا □ □ لیه نظام صنعتی □ نظار □ مرد اغلب □ فظ می‌شد. برای مثال مردان بافنده فرزندان یا اقوام خود را استخدام می‌کردند □ گاه کل خانواده در یک کارخانه □ در تمام طول زمان کار گرد آمده، مشغول به کار می‌شدند.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> شاید 25 درصد از زنان کارگر کارخانجات نساجی متأهل بودند. رجوع کنید به «زنان کارگر» نوشته‌ی Pinchbeck «همسران و مادران در دوران صنعت ویکتوریایی» نوشته M.Hewitt سال 1958. یادآوری این نکته هم است که کارگران کارخانجات اکثراً مرد بودند. اغلب زنان به شکل (کلفت) مستخدمین خانگی کار می‌کردند.

<sup>2</sup> اسملسر «تغییرات اجتماعی و انقلاب صنعتی» سال 1959 قسمت 9. محققین دیگری نیز این نظر را داده‌اند که در مواردی درجه‌ی متنابھی از کنترل خانوادگی بر برخی از جنبه‌های روند کار وجود داشته است. رجوع کنید به تحقیق T.Hareven درباره‌ی آسیای‌های New Hampshire برای نمونه دوران خانواده و دوران صنعتی شدن: رابطه خانواده و کار در یک شهر Planned Corporation Town طی سال‌های 1900-1924. در نشریه Journal of urban History، شماره 3 سال 1975 صفحات 365-389.

M.Anderson «ساختار خانواده در قرن 19 در Lancashire» سال 1971. در این کتاب در مورد پایه آمار نفوس بحث می‌شود که: امکان استخدام دستیاران برای گردانندگان اصلی کار اگرچه وسیع صورت می‌گرفت اما در هیچ دوره‌ای موجب جا افتاده شدن شکل استخدامی والدین - فرزندان نشد. (صفحه 116) همچنین رجوع کنید به بحث A.Hirsch در «سرمایه‌داری و خانواده‌های کارگری در صنایع نساجی بریتانیا در دوران انقلاب صنعتی» سال 1975.

اما تغییر را تکنولوژیکی چنین امکانی را زبهر از مشکل‌تر محدودتر کرد. قوانین کارخانجا که زمان کار کودکان را محدود می‌کرد بر مشکل «نظام کارخانه‌یی خانوادگی» افزود.

نیاز به نیروی کار طی سال‌های 1820-1830 نظام کارخانه‌یی خانوادگی را فقط کرد.<sup>1</sup> اما در سال 1840 مردان کارگر خواست کاهش ساعت کار کودکان نه تا سیزده ساله به هشت ساعت کار در روز ممنوعیت استخدام کودکان زیر نه سال را مطرح کردند.

بنا به نظر اسملسر Smelser این امر الدین را با مشکل تعلیم مراقبت کودکان بهر می‌ساخت، به عنوان راه‌ل، مردان کارگر طبقاً متوسط بالا پیشنهاد کردند که زنان هم از کارخانجا کنار گذارده شوند.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> تلاش گردانندگان اصلی در کارخانجات در سال‌های 1820-1830 راهی بود برای محافظت از روابط سنتی بین بزرگسالان و کودکان جهت دوام و بقاء ساختار دستمزدها و برای محدودیت استخدام کارگران به صنایع برای حفظ اتوریتة اقتصادی پدر خانواده. (تغییرات اجتماعی نوشته اسملسر صفحه 265) Lazonick بحث می‌کند که منفعت اساسی کارگران نه در حفظ تسلط خانواده در صنایع بلکه حفظ زندگی خانواده در خارج از محیط کارخانه و کار بود. به نظر اسملسر تلاش در سال‌های قبل از 1840 به خاطر بنیادی کردن ساعات مساوی کار در طول روز برای کارگران بود امری که تمایل به این داشت خانواده را در کارخانه نگه دارد در حالی که بعد از سال 1840 کارگران مرد پذیرفتند که زنان و کودکان در خانه بمانند.

<sup>2</sup> شاید زنان کارگر خودشان خواهان قوانین حفاظتی برای بهبود شرایط کار بودند اما بدون شک برخی به درآمد ناشی از ساعات طولانی نیاز داشتند. اغلب زنان کارگر در آسیابها جوان و مجرد بودند و احتمالاً قوانین حفاظتی به سودشان بود. زنان مجرد اگرچه توسط آسیابها از تسلط مستقیم خانواده «رها» بودند. (در این مورد در سال‌های 1800 بحث بود) اما با شرایط موجود در بازار کار در همان جایگاه نگاه داشته

به نظر می‌رسد انگیزه طبقات بالا در عصر یکتوریا، عصری که به زنان تا دی‌دی ارج گذاشته شد، علیه هتک رمت اخلاقی اهمیت به نژاد نسل آینده انگلیس در باز تولید طبقه کارگر بوده است.

لرد شافتسبری Shaftesbury می‌گوید تأثیر اخلاقی نظام بر مردان اسفانگیز است. اما تأثیر آن بر زنان بی‌اندازه شدید است، نه فقط بر آنان بلکه بر خانواده‌شان جامعه تا می‌توانم اضافه کنم فاسد کردن مردان در کشور به اندازه کافی بد است اما فاسد کردن زنان مثل این است که آب یا در سرچشمه آن زهر آلود کنی.<sup>1</sup>

انگلس هم دلایل مشابهی در این رابطه ارائه داده است، می‌نویسد: «طبق گزارشات کارخانه‌ها دقیقاً شاهد تصدیر مشابهی هستیم که در تکرارند، کار زنان تا ساعت زایمان، ناتوانی زنان برای انجام امور خانگی، اهمال زنان در رابطه با کار خانگی کودکان، بی‌زاری بی‌علاقگی واقعی به زندگی خانوادگی سقوط اخلاقی (demoralization) علاوه بر این‌ها کم کردن امکان اشتغال مردان، به‌سازی دائمی ماشین‌آلات، استقلال

---

شدند. آنان به خاطر سن و جنسیت‌شان و به خاطر تبعیض جنسی در مشاغل و درآمدهای ناچیزشان امکان خودکفا شدن را نداشتند. مردان طبقه حاکم، به‌ویژه آنان که در کارخانجات بزرگ درگیر بودند، شاید در رابطه با قوانین حفاظتی کارخانجات و برای حذف رقابت‌های نابه‌جا نقش داشتند. مردان کارگر و مردان طبقه حاکم شاید برای حفظ جایگاه بدتر مردان در خانواده و بازار کار با هم تشریک مساعی داشته‌اند.

<sup>1</sup> M.Merryweather مقاله «زندگی کارخانه‌ای» در کتابی اثر هیل به نام زنان در زندگی انگلیسی 200: 2 اصل مقاله در بحث‌های پارلمانی d.Hansard 3 سال 1842.

ز □ درس فرزندان از خانواده، مردانی که توسط زن □ فرزندان شان تأمین معاش می‌کنند □ غیره □ غیره.<sup>1</sup>

در این جا انگلس درباره‌ی دلایل مخالفت □ اعترا □ مردان نسبت به چنین □ وضعیتی اشاره دارد. □ ظاهراً بین □ صندلی می‌نشیند؛ از طرفی با نظرا □ □ دیدگاه‌های مردان □ طبقاً □ بالا موافق است، □ از طرف دیگر از اتحایه‌های صنفی به عنوان سازمان‌های نخبگان مردان بالغ که فقط در فکر منافع خودشان هستند □ نه به فکر منافع زنان یا کودکان کارگر غیرمتخصص سخن می‌گوید.<sup>2</sup>

این که مردان کارگر استخدام زنان را تهدیدی برای مشاغل خود ارزیابی می‌کردند چندان تعجب‌آور نیست، آن هم در يك نظام اقتصادی که رقابت بین کارگران از مشخصاً □ آن بود. این که زنان دست‌مزد کم‌تری دریافت می‌کردند این تهدید را تشدید می‌کرد. اما چرا عکس‌العمل □ تلاش مردان کارگر □ ذف زنان کارگر بود □ نه سازمان‌دهی آنان. این چرا را نمی‌توان تنها از طریق سرمایه‌داری توضیح داد بلکه باید آن را از طریق □ ابط پدرسالارانه بین زنان □ مردان تشریح کرد: مردان می‌خواستند مطمئن شوند زنان به انجام □ ظایف لازم در خانه ادامه می‌دهد.

انگلس □ اقعیهی را که □ تمالاً در دهه‌ی 1830 اتفاق افتاد را گزارش می‌کند. مردان بافنده گلاسکو Glasgow يك اتحادیه مخفی تشکیل داده

---

<sup>1</sup> انگلس شرایط زندگی طبقه کارگر در انگلیس در سال 1844 صفحه 199 سال 1892.

<sup>2</sup> مرجع فوق قسمت xv

بودند. کمیته برای سر تمامی اعتصاب‌شکنان جایزه‌یی تعیین کرد □ با نقشه قبلی آتش‌سوزی‌هایی در کارخانه‌ها به راه انداخت. یک کارخانه که زنان اعتصاب‌شکن جای مردان را در کنار ماشین‌های بافندگی گرفته بودند به آتش کشیده شد. خانمی به نام مک فرسون Macpherson مادر یکی از این دختران کشته شد □ مسئولین ماجرا به خرج اتحادیه به آمریکا فرستاده شدند.<sup>1</sup> خصومت نسبت به رقابت زنان جوان که غالباً مهار □ کمتری داشتند □ دست‌مزد کمتری هم دریافت می‌کردند، بسیار معمول بود. اما در هر □ ال □ تا کارمزدی زنان متأهل کمتر قابل بخشش □ معافیت قرار می‌گرفت.

در سال 1846 قطع‌نامه‌یی برای درخواست به ده ساعت کار در □ ز از سوی یکی از کمیته‌های مردان کارگر به‌طور □ واضح اعلام داشت به امید □ زی است که این‌گونه برخوردها از بین بر □ د: «□ شن است که تمامی تلاش‌ها برای بهبود شرایط اخلاقی □ جسمی زنان کارگر کارخانجات □، اگر □ ساعا □ کار آنان کاهش نیابد، بد □ ن نتیجه خواهد ماند. در □ قیقت ما می‌خواهیم تا آن‌جا پیش بر □ یم که بگوییم زنان متأهل با انجام □ ظایف خانگی بسیار بهتر مشغول خواهند شد تا از طریق اطاعت از □ رکت خستگی‌ناپذیر ماشین‌آلا □ کارخانجات □، بنابراین ما به امید □ زی هستیم که زیاد □ ر هم نیست، □ زی که شوهر توانایی تهیه معاش همسر □ خانواده‌یی

---

<sup>1</sup> انگلس شرایط زندگی طبقه کارگر در انگلیس در سال 1844 صفحه 251 سال 1968.

را داشته باشد □ لازم نباشد که همسرش کار سخت □ طاقت‌فرسای کارخانجا □ نخریسی را تحمل کند.<sup>1</sup>

سرانجام، اتحادیه‌های مردانه دریافتند که نمی‌توانند همه‌ی زنان را از کار بی‌کار کنند، اما بر خوردشان همچنان مبهم بود. از بخش شعبه‌ی محلی، نامه‌ی به اتحادیه کارگری زنان، در سال 1889 جهت تشویق زنان کارگر به تشکل □ سازمان‌دهی به □ جود آمده بود، نوشته شد. در این نامه چنین آمده بود: «خواهشمندیم فردی را برای سازمان‌دهی به این شهر بفرستید اگر زنان این شهر نتوانند سازمان‌دهی □ متشکل شوند، می‌بایست نابود شوند.»<sup>2</sup>

□ وضعیت رقت‌انگیز زنان در بازار کار، توسط تاریخ‌دانان □ اقتصاددانان انگلیسی در □ آخر قرن بیستم به شیوه‌های گوناگون تشریح شده است. برخی منطق اتحادیه‌های مردانه، مبنی بر این که جای زنان در خانه است □ دست‌مزد مردان باید افزایش یابد را مورد تأیید قرار داده اند. برای مثال ایوی پینچ‌بک Ivy Pinchbeck می‌نویسد: «انقلاب صنعتی یک پیشرفت □ واقعی بود چرا که منجر به این فر □ شد که دست‌مزد مردان باید در □ دی

<sup>1</sup> سملسر. «تغییرات اجتماعی»، 301 همچنین Pinchbeck از هیئت نمایندگی یک کمیته به نام West Riding Short-Time نقل قول می‌کند که خواهان «بیرون انداختن تدریجی زنان از کارخانجات» بودند زیرا، «خانه مراقبت از خانه، کار در خانه، جایگاه واقعی زنان است.» Gladstone از این ایده استقبال کرد و آن را مکمل قوانین مقتضی دانست: مثلاً ممنوع کردن کار زنان در کارخانه بعد از ازدواج و در طی مدت زندگی مشترک با شوهرش. Pinchbeck در کارگران زنان صفحه 200 شماره 3، از آگهی دهندگان منچستر و سالفورد 8، 1842.

<sup>2</sup> نقل‌قول شدن در «مردم معمولی در سال‌های 1746-1946» نوشته‌ی R.Postgate-G.D.M. cold صفحه‌ی 432 سال 1949.

باشد که نیاز خانواده را برآورده سازد □ زمینه را برای نظر □ برداشت مدرن‌تری فراهم کند، طبق این برداشت زنان متأهل با تربیت کودکان □ کار در خانه کمک اقتصادی شایسته‌یی را بر عهده می‌گیرند.<sup>1</sup> برخی دیگر معتقدند این سیستم تنها موفقیت نازل اقتصادی زنان را جلب می‌سازد. مراجعه به ادبیا □ این دوران به □ یژه نشریه‌ی اکونومیک جورنال (Economic Journal) □ مقالا □ فلا □ ست □ را □ بن □ ب □ اجورث دارای اهمیت خاص است، زیرا تقریباً چهارچوب هم‌هی توضیحا □ مربوط به موقعیت زنان در بازار کار را فراهم می‌آورد. علا □ ه بر این، این مراجع به نوعی بحث مرا در رابطه با این که جدایی جنسی در مشاغل برای موقعیت زنان در جامعه زیان‌آر است □ گرایش اتحادیه‌های مردانه در جهت اعمال این جدایی بوده است، تأیید می‌کند. نویسندگان مختلفی با تمرکز بر □ بحث محوری جدایی جنسی در مشاغل □ گر □ ه‌های غیر رقابتی درباره‌ی اعمال

---

<sup>1</sup> Pinchbeck «زنان کارگر» صفحات 312-313. تاریخ پیدایش سرمایه‌داری و انقلاب صنعتی به روشنی نشان می‌دهد «دستمزد خانوادگی» پدیده‌ی جدیدی است. قبل از سال‌های پایانی 1800 از زنان متأهلی که کار می‌کردند (از طبقات بالا یا پائین) انتظار می‌رفت بتوانند روی پای خودشان بایستند. A.ure یک کارخانه‌دار در سال 1835 می‌نویسد: «زنان کارگر به‌طور کلی دست‌مزد کم‌تری از کارگران مرد دریافت می‌دارند و دست‌مزد کمی که پرداخت می‌شود در این جهت است که آنان به کار مناسب خودشان یعنی خانه‌داری بپردازند و به طرف آسیاب نیابند و به نگهداری کودکان‌شان بپردازند. کتاب «فلسفه صاحبان کارخانه» نوشته‌ی C.Knight صفحه‌ی 475 سال 1835. تکامل و توسعه دست‌مزد خانوادگی را هایدی هارتمن در تز دکترای سرمایه‌داری و کار زنان در خانه طی سال‌های 1900-1930، 1974 بحث کرده است. در این رابطه تحقیقات بیشتری نیاز است تا انجام شود.

اتحادیه‌های مردانه کارگری بحث کرده‌اند. سیدنی وب Sidney Webb در توجیه دست‌مزد پائین‌تر زنان می‌گوید: «تی اگر زنان کار مشابه مردان را در رفته یا صنعت خاص داشته باشند باز هم د میزبان کار زنان به ندرت به پای کار مردان می‌رسد. به کارخانجا سیگار سازی اشاره می‌کند که زنان سیگارهای ارزان‌تری را که مهارت کمتری برای درست کردن آنها لازم بود می‌پیچیدند در حالی که مردان سیگارهای لوکس گران می‌پیچیدند. ب در عین حال نقش اتحادیه‌های مردانه در ممانعت زنان از کسب مهارت را تصدیق کرده این امکان را محتمل می‌داند که زنان تا اگر کار مشابه مردان داشتند باز هم دست‌مزد کمتری دریافت می‌کردند.<sup>1</sup>

میلی سنت فاولت Millicent Fawcett معتقد است شعار دست‌مزد برابر برای کار برابر، برای فریب زنان بود؛ زیرا زنان از کسب مهارت‌های برابر منع می‌شدند، کار آنان (در مقایسه با مردان) در واقع نابرابر بود. از دیدگاه او، جوهر سیاست‌های اتحادیه‌های صنفی حذف زنان در صورت داشتن کارآیی کمتر یا فقط آنان با کارآیی کمتر بود.<sup>2</sup> همان‌گونه که النور

---

<sup>1</sup> S.Webb «دستمزدهای به قول معروف متفاوت پرداخت شده به زنان و مردان در برابر کار مساوی». نشریه Economic Journal شماره 4، 639 سال 1891. رقابت بین زنان و مردان در صنایع در واقع بر سر ارزان‌تر فروختن نیروی کار نیست بلکه مبارزه‌ای است برای حفظ و تأمین شغل‌هایی که درآمد خوبی دارند. صفحه 658.

<sup>2</sup> M.G.Fawcett «مقاله‌ی آقای وب درباره‌ی دستمزدهای زنان» نشریه Economic Journal شماره 1 صفحات 176-173 سال 1892. در بازنگری به مقاله‌ی «زنان در صنعت رنگرزی» نوشته‌ی



را □ بن Eleanor Rathbone در سال 1917 توضیح داد، رهبران مرد اتحادیه، خواهان □ ماییت از دست‌مرد برابر «به عنوان □ سیله‌یی مؤثر جهت □ ذف زنان بودند، در عین آن که به عنوان قهرمانان طرفدار تسل □ ری بین □ جنس هم معرفی می‌شدند.» به نظر را □ بُن بسیاری از پیر □ ان آنان: بیش از رهبران‌شان، در قلب‌هایشان از ایده دست‌مزد برابر برای زنان □ مردان شوکه می‌شدند.<sup>1</sup>

را □ بُن به‌طور جدی بر تف □ نوع مسئولیت‌های زنان در خانواده انگشت می‌گذارد. □ بر □ افعی بودن این تف □ ها تأکید می‌کند □ معتقد است مردان بیش از زنان از خانواده □ ماییت می‌کنند □ برای انجام این امر پول کافی هم طلب می‌کنند. اما □ ضر □ رتاً با این نظم موافق نیست، فقط به سادگی تصدیق می‌کند که اغلب مردم این نوع نظم را «بخش بنیادی ساختار اجتماعی» فر □ می‌کردند:

---

J.R.Macdonald نشریه‌ی Economic Journal شماره 2. صفحات 295-299 سال 1904. Fawcett می‌نویسد که اتحادیه در اسکاتلند تصمیم می‌گیرد که زنان یا باید به اندازه‌ی مردان دست‌مزد بگیرند یا باید استعفاء دهند. صفحه 296. او نقل‌قول می‌کند. مقابله دائمی و هوشیارانه اتحادیه‌ها با تسخام زنان یا آموزش تکنیکی زنان برای دریافت کارهایی با دست‌مزد بالاتر و ی در کارهایی که مهارت لازم داشت (صفحه 297) برای مثال جامعه کارگران ماهر صفاحان لندن تلاش کرد کاری که مهارت فوق‌العاده لازم اشت یعنی ورقه طلایی زدن - که یک کار زنان بود - را به اعضای مرد اتحادیه بسپارد.

<sup>1</sup> E.F.Rathbone «پاداش خدمات زنان» نشریه‌ی Economic Journal شماره یک صفحه 58 سال 1917.

«نظرگاهی که من دنبال کرده‌ام اغلب زنانی را که برای جنس خود اهمیت قائل بودند یا آزار داده □ یا افسرده کرده، چرا که ظاهراً به نوعی بن‌بست □ تنگنا اشاره دارد. اگر دست‌مزد زنان □ مردان □ اقعاً مبني بر شرایط اساساً متفا □ است □ اگر این شرایط غیرقابل تغییر است پس به‌نظر می‌رسد... زنان اعتصاب‌شکنان جلا □ دانی هستند □ برخلاف میل □ نظرشان محکومند هر زمان که در رقابت با مردان قرار گرفتند توقعاً □ آنان را مخد □ ش سازد... اگر □ اقعاً چنین بوده به‌نظر می‌رسد مردان □ ق داشتن با زنان به عنوان جذامیان صنعتی برخورد کنند - که مردان چنین بخر □ ردي را با زنان در عمل انجام داده‌اند. زنان را با توافق در میان خود به □ رفه‌هایی □ اشیه‌یی گسیل دادند، به آنان اجازه دهند خیاطی کنند، برای یک‌دیگر خدمات □ خانگی انجام دهند □ یا به چنان کارهایی فرعی در صنایع بزرگ موادخام گمارده شوند که به قدری یک‌نواخت □ ساده‌اند که مردان رغبتی به انجام آن‌ها ندارند.<sup>1</sup>

جنگ جهانی □ ل، اما، توقعاً □ زنان را ارتقاء داد □ زنان مایل به برگشت به جایگاه سابق خود نبودند (با □ جودی که به اتحادیه‌های مردانه قول داده شده بود کارهای زنان موقتی است) به □ یژه آن که زنان متأهل که شوهران‌شان در جنگ بودند کمک‌هایی □ لتي بر □ سب تعداد نفرا □ خانواده دریافت می‌کردند. را □ بُن می‌نویسد: «□ ل نهایی این مشکل سخت □ قابل تردید به نظر می‌رسد... امکاناً □ ناخوشایندی جهت خصومت‌های طبقاتی

---

<sup>1</sup> منبع فوق صفحات 62-63.

□ جنسي به □ جود مي آرد... □ ل اين مسأله زنان را به □ يژه با مسئلهاي  
انتخاب بين استنمار توسط سرمايه ااران يا فشار □ ستم اتحاديه هاي صنفی  
□ به □ مي سازد. اين بديلي ملامت انگيز است. <sup>1</sup> □ ادامه ي پرداخت  
فوق العاده بعد از جنگ را توصيه مي کند زيرا اين امر تضمين کننده آن  
است که خانواده مجبور نباشد تنها به درآمد مرد متکي باشد □ براي کار  
خانگي دستمزد دريافت مي کند □ زناني که در بازار کار هستند مي توانند  
به طور مسا □ ي با مردان □ ارد رقابت شوند چرا که دستمزدهاي «لازمه»  
تفا □ تي به □ جود نمي آرد. در سال 1918، فلا □ ست Fawcett مطرح کرد  
که دستمزد برابر براي کار برابر هدف قابل تحقيقي است. اصلا □ ا □ در  
بازار کار لازمهاش دستمزد برابر است تا به دستمزد مردان زياني □ ارد  
نشود. به نظر □ ي مانع اصلي در اين راه اتحاديه هاي مردانه □ سنت هاي  
اجتماعي بودند. هر □ اين موانع، موجب □ ي □ ردن بيش از □ د در  
شغل هاي زنانه مي شوند. <sup>2</sup>

در سال 1922، ا □ رثنيگ Edjworthng مدل فلا □ ست Fawcett در  
رابطه با جدائي جنسي در مشاغل □ ر □ ي □ ري بيش از □ د در شغل هاي  
زنانه را فرموله کرد: جدائي در مشاغل بنا بر جنسيت موجب □ ي □ ري  
بيش از □ د در شغل هاي زنان شد، اين امر به نوبه ي خود موجب بالا رفتن  
دستمزد مردان □ پايين آمدن دستمزد زنان شد. اجورث معتقد است

<sup>1</sup> منبع فوق صفحه ي 64.

<sup>2</sup> M.G.Fawcett «دستمزد مساوي براي کار مساوي» نشریه ي 28 Economic Journal شماره ي 1. صفحات 6-1 سال 1918.

اتحادیه‌های مردانه عامل اصلی این امر بودند.<sup>1</sup> می‌گوید مردان به علت مسئولیت‌های خانوادگی باید مزیت برتری می‌داشتند در نتیجه از آن جایی که زنان مسئولیت‌های مشابهی در قبال خانواده نداشتند تا می‌توانند از طریق مردان مایت شوند پس شرکت‌شان در بازار کار دست‌مزدها را پایین می‌آورد. به نظر می‌رسد معتقد است رقابت برابر در بازار کار منجر به کاهش دست‌مزدها می‌شود. این مسئله تا در رابطه با زنان مجرد در مقابل مردان مجرد هم صدق می‌کند، زیرا زنان برای بازدهی کامل بیست درصد کمتر از مردان به مواد غذایی نیاز دارند. در رابطه با این ادعا گویا اجورث به سادگی آن چه ر که افراد دیگر در این مقاله بحث کرده‌اند را جدی می‌گیرد، یعنی این که زنان نسبت به مردان از استاندارد زندگی پایین‌تری برخوردارند. اضرند با دست‌مزد کمتر کار کنند.<sup>2</sup> اجورث نتیجه می‌گیرد محدودیت در مقابل کار زنان باید از میان

---

<sup>1</sup> «فشار اتحادیه‌های مردانه ظاهراً عامل کم شدن تعداد زنان در مشاغل گوناگون شد و دست‌مزد زنان عموماً کاهش یابد.» F.Y. Edgeworth در مقاله‌ی «دستمزد مساوی به مردان و زنان برای کار مساوی» در نشریه‌ی شماره‌ی 32 Economic Journal شماره‌ی 4، صفحه 439 سال 1922.

<sup>2</sup> گرچه استدلال‌های ممکن است تکراری باشند من به اعتبار آن معتقدم. آن‌طور که مارکس گفت دست‌مزدها بر اساس ارزش وسایل ضروری اجتماعی جهت بقا کارگر تعیین می‌شوند و آنچه ضروری است نتیجه تکامل تاریخی عادت به آرامش، سنت فعالیت‌های اتحادیه و غیره است. سرمایه (1: 171) L.Oren تحقیقی بر منابعی که در سطح زندگی طبقه کارگر را بررسی می‌کند، انجام داده است و مشاهده کرده که در خانواده کارگری زنان کم‌ترین میزان غذا، فراغت و پول توجیبی را دارا هستند. (رفاه زنان در خانواده‌های کارگری: انگلستان 1860-1950. نشریه‌ی شماره 1 Feminist studien شماره 3 و 4 سال 1973 صفحات 107-125) این که زنان

برداشته شود اما از آنجا که به دلایل ذکر شده در بالا، رقابت آزاد ممکن است موجب کاهش دستمزد مردان شود، مردان خانوادها باید به نوعی ضررهای ناشی از افزایش شرکت زنان در بازار کار را جبران کنند.<sup>1</sup> توضیحا □ اصلی ادبیا □ انگلیس نظر به این دارد که کم بودن دستمزدها، به علت جدایی در مشاغل بر اساس جنسیت است. این ادبیا □ در رابطه با علت پیدایش این هر □ مورد یعنی کم بودن دستمزدها □ جدایی جنسی در مشاغل توضیحا □ گوناگونی ارائه می‌دهند که به یکدیگر □ بسته‌اند. این توضیحا □ عبارتند از:

1- سیاست‌های □ ذفی اتحادیه‌های مردانه

2- مسئولیت‌های اقتصادی مردان در قبال خانواده

---

مثل گروه‌های مهاجر می‌توانند در شرایط نامساعد هم تولیدمثل کنند یکی از عوامل پایین بودن سطح دستمزد زنان است.<sup>1</sup> نتیجه‌گیری‌های Edgeworth به نتیجه‌گیری‌های اقتصاددانان نئوکلاسیک شبیه است. در پیشبرد تحلیل‌های Fawcett او از واقعیت به انتزاع می‌رسد در حالی که Fawcett متوجه شده بود که زنان به اندازه مردان کارآ و با کفایت هستند، Rathbone هم به این نتیجه رسیده بود اما Edgeworth چسبیده بود به این که مردان لایق‌تر هستند و می‌خواست به لحاظ نظری هم این را ثابت کند. او با جیره فوق‌العاده‌ای که به خانواده‌ها داده می‌شد از دیدگاه نئوکلاسیکی مخالفت می‌کرد و می‌گفت این جیره موجب بالا رفتن مالیات، عدم تشویق سرمایه‌گذاری، تشویق بازتولید طبقه فقیر و کاهش انگیزه مردان برای کار کردن می‌شود. Edgeworth از قول یک خانم بازرگانی نقل می‌کند: «من تقریباً با گفته آن مددکار اجتماعی موافقم که می‌گفت، اگر شوهر برای کار از خانه خارج شود تنها کاری که زنش می‌تواند بکند این است که بنشیند و گریه کند، زیرا اگر او هر کار دیگری انجام داد شوهرش از کار بیکار می‌شود.» (دستمزد برابر» - صفحه 453).

3- تمایل زنان به کار کردن برای دست‌مزد کمتر ( ) عدم توانایی آنان برای کسب دست‌مزد بیشتر) به علت کم‌های مالی [لتی] استاندارد پایین زندگی

4- فقدان [رزیدگی] مهار [زنان]

ادبیا [تاریخی انگلیسی به‌طور جدی بر این نکته که تقسیم کار بر اساس جنسیت منشاء پدیده‌ها دارد، سابقه‌ی طولانی دارد که به سختی می‌توان آن را ریشه‌کن کرد، تأکید می‌رزند. به نظر می‌رسد که توانایی مردان برای متشکل شدن در اتحادیه‌های کارگری (امری که [تمالاً ریشه در آگاهی از تکنیک سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی دارد) یکی از عوامل اساسی است که به آنان امکان [فظ جدایی جنسی در مشاغل] تقسیم کار خانگی را می‌دهد.

با مطالعه‌ی تجارب ایالات متحده در این زمینه این امکان فراهم می‌شود که [لا]: در رابطه با تحولات در زمینه ترکیب جنسیت در مشاغل پژوهش شود. ثانیاً: نقش اتحادیه‌ها به‌یژه در زمینه [ضع قوانین] ماییتی مورد تحقیق قرار گیرد. ادبیا [آمریکایی به‌یژه کارهای آبی] ادیت [الیزابت بکر بر تغییر [تحول در زمینه‌ی جنسیت] اشتغال تأکید دارند] برخلاف ادبیا [انگلیسی بیشتر بر تکنولوژی به منزله‌ی یک پدیده توضیح دهنده انگشت می‌گذارند].<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> رجوع کنید به E.Abbott «زنان در صنعت» سال 1969 و E.Baker، «تکنولوژی و کار زنان» سال 1964.

شرایط ایالات متحده با انگلیس فرق داشت. <sup>1</sup> لاً: تقسیم کار در خانواده‌های دهقانی استعماری به <sup>2</sup> تمال بسیار زیاد، شدیدتر بوده است، مردان در کار مزرعه <sup>3</sup> زنان در کار تولید کالاهای دستی در خانه بودند. ثانیاً: نخستین کارخانجات نساجی <sup>4</sup> لیه زنان <sup>5</sup> مجرد مزارع نیوانگلند را استخدام کردند. تلاشی آگاهانه، <sup>6</sup> تمالاً ضروری صور <sup>7</sup> می‌گرفت تا از ایجاد سیستم کار خانگی پرهیز شود <sup>8</sup> کار مردان در کشت <sup>9</sup> رزی <sup>10</sup> فظ شود. <sup>1</sup> این امر البته به علت تسلط مانوفاکتور به عنوان بخش اصلی اقتصاد بر کشت <sup>11</sup> رزی <sup>12</sup> به علت مهاجر <sup>13</sup>، دست‌خوش تغییر <sup>14</sup> تحول گردید. ثالثاً: با کمبود کارگر نیاز فوق‌العاده به نیروی کار در مستعمرات <sup>15</sup> مرزهای آمریکا امکان بیش‌تری را برای شرکت زنان در <sup>16</sup> رفته‌های غیرسنتی خارج از محیط خانه <sup>17</sup> خانواده فراهم <sup>18</sup> آمد. زنان مستعمرات <sup>19</sup> در <sup>20</sup> رفته‌های گوناگون به کار مشغول بودند. <sup>2</sup> رابعاً: کمبود نیروی کار در <sup>21</sup> رفته‌های گوناگونی در قرن نوزدهم <sup>22</sup> بیستم ادامه یافت امری که در مواقعی به نفع زنان تمام می‌شد. خامساً: <sup>23</sup> دائمی مهاجرین جدید نیروی کار به شد <sup>24</sup> غیرمتجانسی را به <sup>25</sup> جود <sup>26</sup> آمد. این نیروی کار مهار <sup>27</sup> های گوناگون <sup>28</sup> رشد تشکیلاتی متف <sup>29</sup> تضادهای فرا <sup>30</sup> انی را در خود داشت. <sup>3</sup>

<sup>1</sup> E.Abbott «زنان در صنعت» به ویژه قسمت 4.

<sup>2</sup> منبع فوق قسمت 2.

<sup>3</sup> این‌گونه هم‌آوری‌ها اغلب توسط کارفرمایان افزایش می‌یافت. در دوران اعتصاب سیگارسازان در نیویورک سال 1877 کارفرمایان و دختران آمریکایی‌الاصیل غیرمهاجر را وارد کارخانه‌ها کردند. روی جعبه‌های سیگار مهر زده شد «این

تحول اساسي در زمينه‌ي تركيب جنسيت، در كارخانه‌هاي كفش □  
چكمه‌سازي، نساجي، سيگارسازي □ مشاغل آموزشي □ اداري رخ داد.<sup>1</sup> در  
تمامي اين مشاغل به جز نساجي، تحول در راستاين استخدام تعداد بيش‌تر  
زن بود. مشاغل جديد هم براي زنان □ هم براي مردان بازار داشت، اما  
ظاهراً مردان در اغلب اين مشاغل دست بالا را داشتند، البته استثناهاي هم  
□ جود داشت مثلاً در زمينه تلفن‌چي‌ها □ يا ماشين‌نويسي، زنان دست بالا را  
داشتند.

در تمامي مشاغلي كه استخدام زنان □ به افزايش نهداده بود، زنان به □ يژه  
به علت افزايش □ فوق‌العاده تقاضا براي مشاغل خدماتي يا توليدي، به  
كار گرفته مي‌شدند. در □ اخير قرن هفدهم □ ايل قرن هجدهم تقاضا براي  
چكمه به علت جنگ در سال 1812، افزايش تعداد بردگان، رشد عمومي  
جمعيت □ تثبيت مرزها بالا رفت. تقاضا براي استخدام معلمان قبل، در  
جريان □ بعد از جنگ‌هاي داخلي آمريكا با گسترش امكانات □ آموزش  
عمومي، افزايش يافت. تقاضا براي توليد سيگار ماشيني □ ارزان در □ اخير  
قرن نوزده به سرعت بالا رفت. پرسنل دفتري □ اداري بين سال‌هاي 1890

---

سيگارها توسط دختران آمريكايي درست شده است» و بدين ترتيب  
جعبه‌هاي سيگاري بيش از آن چه انتظار مي‌رفت فروخته شد.  
(«زنان در صنعت» صفحه‌ي 207).

<sup>1</sup> خلاصه‌اي كه بر اساس نوشته‌ي Abbott و دلایل مدارك Baker در  
«تكنولوژي و كار زنان» و H.Summer در تاريخ زنان در صنايع  
در ايالات متحده سال 1910» در كميته‌ي كارگري ايالات متحده،  
گزارشي از شرايط زنان و كودكان مزدبگير در ايالات متحده  
سال 1911. جلد نهم.



تا 1930 افزایش یافت، یعنی زمانی که تجار □ متمرکز □ گسترده‌تر شد □ مدیریت، توزیع، □ مل □ نقل، بازاریابی □ ارتباط □ ضر □ ر □ یافت. در بسیاری موارد استخدام زنان، با نو □ ری تکنیکی که تولید را افزایش می‌داد □ نیاز به مهار □ □ تخصص کم‌تری داشت، همراه بود. در سال 1800 کارخانجا □ کفش □ چکمه‌سازی امکانی را برای تقسیم کار فراهم □ کردند، به این ترتیب که به زنان اجازه اده شد کار خیاطی ر □ یه کفش یا چکمه را در خانه‌هایشان انجام دهند. در دهه‌ی پنجاه قرن نوزدهم ماشین خیاطی برای □ خت کفش □ چکمه در کارخانجا □ مورد استفاده قرار گرفت. در سال‌های 1870 استفاده از قالب‌های چوبی کار بسته‌بندی سیگار را سهل‌تر ساخت □ در سال‌های 1880 این نوع کار نیز ماشینی شد. در بخش اداری ماشین تایپ مسلماً ظرفیت تولیدی کارگران دفتری را بالا برد، دستگاه‌های نخ‌ریسی □ ماشین‌آلاتی که در صنایع نساجی عرضه شدند به‌طور سنتی توسط مردان اداره می‌شدند، در بخش چاپ، جایی که اتحادیه‌های مردانه موفق به □ ذف زنان شده بودند، اتحادیه‌ها بر مجهز شدن به ماشین تایپ ریز اصرار داشتند.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> Baker و Abbott عوامل تکنولوژی و تفاوت‌های بیولوژیکی دو جنس را به عنوان دلایل مهم تغییرات در جایگاه شغلی بر اساس جنسیت، ارزیابی می‌کردند. سرعت و وزن زیاد ماشین‌ها با التفات به شرایط جسمی مردان بوده زیرا آن‌ها به لحاظ جسمی قوی‌تر و پرتحمل‌تر بوده‌اند. در عین‌حال نشانه‌هایی هست که می‌گوید هر دو جنس از یک نوع ماشین استفاده می‌کردند مثلاً ماشین‌های ریسندگی. من بحث می‌کنم که این تفاوت‌های ملاحظه شده فقط برای توجیه تقسیم کار امروزی بر اساس جنسیت، تفسیر و استدلال می‌شوند. فشار اجتماعی مکانیزم نیرومند

اهداف اصلی تقسیم دوباره رند کار، ساده کردن وظایف کاری استفاده از ماشین در جهت افزایش تولید، ارزانتر کردن آن افزایش کنترل مدیریت بر رند تولید بود. تقسیم دوباره رند کار معمولاً امکان استفاده از کارگر کمتر متخصص را در برخی ایف فرعی تر پر سه تولید فراهم می کرد. ارزانتر نمودن نیروی کار کنترل نظار بیشتر بر کارگران انگیزه های اصلی مدیریت علمی تلاش های لیه برای سازمان دهی نیروی کار بود.<sup>1</sup> ماشین آلا در این رند کمك کننده بودند نه نیروی محرکه. ماشین آلا، کارگران غیرمتخصص کارگران زن عوامل به هم وابستهی بودند. علاوه بر افزایش تقاضا تغییراتی فنی، اغلب کمبود نیروی کار موجب تغییراتی در ترکیب نیروی کار می شد. برای مثال در صنایع نساجی در سال های 1840 زنان جوان زارع از نیوانگلند به مشاغل زنان طبقاً متوسط برای مثال معلمی جذب شدند، جایی آنان در کارخانجا توسط مهاجران اشغال گردید. در صنایع کفاشی تقاضای رند به افزایش برای جذب نیروی کار با عرضه مناسب نیروی کار تحصیل کرده مذکر با

---

و اداری و مجبور کردن، بود. Abbott مثال های متعددی ر این مورد می آورد. زنی کار ریسندگی را یاد می گیرد و به Waltham برای کار می رود، اما او را نمی پزینند، مرد سر کارگر به او می گوید: «مردان بیانات ناخشنودی ردوبدل می کنند و برای او سخت است که تنها زن کارگاه باشد» و «بعضی از کارگران قدیمی آسیاب New England امروزه (1910) به یاد می آورند که بافندگی آن چنان کار زنانه ای به حساب می آمد که «مرد بافنده» را مسخره می کنند و می گفتند «کار زنانه» انجام می دهد. (زنان در صنعت - صفحه 95 - 92).

<sup>1</sup> رجوع کنید به H.Braverman «کار و انحصار سرمایه» سال 1974 به ویژه قسمت های 3-5.

میزان تقاضا برای جذب نیروی کار در این زمینه برابر نبود. علاوه بر این، تغییراتی که به یژه در ساختار کارهای اداری رخ داد از جذابیت این رشته برای مردان کاست (مشاغل این رفته گسترش یافتند اما کشش جذبه‌ی ایجاد نمی‌کردند). در صورتی که برای زنان استخدام در کارهای اداری در مقایسه با فرصت‌های شغلی‌یابی در جاهای دیگر مناسب بود.<sup>1</sup>

رفته‌ی سیگارسازی به خوبی ضدیت اتحادیه‌های مردانه را نسبت به تغییرات قریب‌الوقوع در ترکیب نیروی کار بر اساس جنسیت در این صنایع تدابیر قانونی مایه‌ی در همین جهت را نشان می‌دهد.<sup>2</sup> سیگارسازی پیش از قرن هجدهم (نوزدهم؟) صنعتی خانگی بود. در آن زمان زنان در مزارع کنکیتی کو سایر مزارع سیگارهای زمختی می‌پیچیدند آنها را در بازارهای محلی می‌فروختند. کارخانه‌های سیگارسازی در ابتدا زنان را استخدام کردند، اما خیلی زود جای‌شان را مردان ماهر مهاجری گرفتند که

---

<sup>1</sup> E.J.Rotella «تبعیض و جدایی در مشاغل و عرضه کار زنان به نیروی کار دفتری در آمریکا سال 1870-1930» (بحث برای ارائه در کنفرانس تاریخ زنان سال 1974). با وجود آنچه امر جدایی و تبعیض و تغییر در مشاغل بر اساس جنسیت، امر تازه شناخته شده‌ای نیست اما در مورد روند این تغییرات مطالعات بسیار بسیار ناچیزی صورت گرفته است. علاوه بر Rotella که درباره‌ی کارگران دفتری تحقیق کرده M.Davies نیز در این‌باره پژوهشی دارد «جایگاه زنان در کنار ماشین تایپ است.» نشریه‌ی 8 Radical America شماره 4 سال 1974 صفحات 1-28. و V.Oppenheimer درباره‌ی این تغییرات در مقاله‌ی «کار زنان در ایالات متحده» سال 1970. بحث‌های اساسی را مطرح می‌کند. و Baker و Abbott تغییرات گوناگونی را مورد بحث قرار می‌دهند.

<sup>2</sup> این نقل بر اساس مباحث Abbott در «زنان در صنعت» قسمت نهم و Baker در «تکنولوژی» صفحات 31-36 می‌باشد.

تولیدشان می‌توانست با سیگارهای لوکس اروپایی از در رقابت درآید. در سال 1860 زنان فقط نه درصد نیروی کار این‌گونه کارخانجات را تشکیل می‌دادند. این تغییر به نفع مردان هم زمان با تغییری بود به نفع زنان، که البته با اعتراض مردان روبه‌رو گردید. در سال 1869 قالب چوبی به همراه آن زنان مهاجر بوهم (که کارگران ماهر سیگارساز در کارخانه‌های مجار - اطریش بودند) وارد بازار شدند.<sup>1</sup> زنان بوهم که توسط کمپانی‌های توتون اسکان داده شده بودند، تقسیم کاری را به‌جود آوردند که بر اساس آن دختران جوان (بعداً شوهران‌شان) توانستند<sup>2</sup> از قالب‌های چوبی استفاده کنند. از ابتدای سال 1873 اتحادیه بین‌المللی سیگارسازان علیه کار سیگارسازی در خانه که امری محدود بود، سرآزادی زیادی راه انداخت (مثلاً در سال 1894 در نیویورک)، در دهه نود قرن نوزدهم کارخانجات به ماشین‌آلات مجهز شدند زنان به عنوان اعتصاب‌شکنان مورد استفاده قرار گرفتند. در این دوره که اتحادیه‌ها به قوانین مایمی روی آوردند.

برخورد اتحادیه‌های بین‌المللی دخانیات با زنان در بهترین حالت دهگانه بود. اتحادیه در سال 1864 زنان را حذف سپس در سال 1867 مجدداً آنان را

---

<sup>1</sup> بنا به نظر S.Gompers Abbott ادعا کرده که زنان اهل Bohemian به عنوان اعتصاب‌شکن آورده شده بودند. («زنان در صنعت» صفحه 197).

<sup>2</sup> این زنان اهل Bohemian بدون شوهر و برای کار در مزارع به آمریکا آمدند. شوهران‌شان که کارگران غیرماهر سیگارساز بودند بعدها به آمریکا آمدند. («زنان در صنعت» صفحه 199).

پذیرفت. این اتحادیه در سال 1875 کارگاه‌ها را از حذف زنان برطرف داشت. اما ظاهراً هرگز کارگاه‌های خیاطی را جریمه نکرد.<sup>1</sup> در سال 1878 کارگاهی در بالتیمور برای دبیر اتحادیه آلف اشتراک سرنامیهی ارسال کرد. در این نامه آمده: «ما از ابتدا با جنبش استفاده از کار زنان در هر شاخه‌ی خواه دسته‌بندی یا سیگارپیچی غیره جنگیده‌ایم.»<sup>2</sup> برای آن که این ابهاماً درگیری‌های ملی - محلی تعبیر نشود، اجازه بدهید پاسخ را از زبان خود اشتراک سر بخوانیم (1879): «ما نمی‌توانیم زنان را از رفته خارج کنیم، اما می‌توانیم سهمیه‌ی رزانه آنان را در کار از طریق قوانین کارخانه محدود کنیم. هیچ دختر زیر 18 سالی نباید برای بیش از 8 ساعت کار در روز استخدام شود، هرگونه اضافه‌کاری باید منع گردد.»<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> در سال 1877 در Cincinnati در یک اعتصاب محلی مردان برای حذف زنان اقدام کردند که ظاهراً هم موفق شدند. بازجوی Cincinnati گفت: «مردان می‌گویند زنان صنعت را می‌کشند. به نظر می‌رسد آن‌ها با کشتن زنان می‌خواهند تلافی کنند.» «زنان در صنعت» صفحه 207.

<sup>2</sup> Baker «تکنولوژی» صفحه 34.

<sup>3</sup> W.D.P.Bliss-J.B.Andrews «تاریخ زنان در اتحادیه‌های کارگری» در کمیته کارگری زنان و کودکان مزدبگیر جلد 10. اگرچه تعداد زنان کارگر سیگارساز سرانجام افزایش یافت اما در بسیاری از حرفه‌های صنعتی دیگر تعداد زنان کاهش یافت مثلاً نساجی و لباس‌دوزی. (رجوع کنید به Abbott «زنان در صنعت» صفحه 320 و مقاله او «تاریخ استخدام زنان در صنایع در ایالات متحده» در نشریه‌ی 14 Journal of Political Economy صفحات 461-501. سال 1906.) H.Summer از آمار کمیته کارگری ایالات متحده نقل می‌کند. (بولتن 175. صفحه‌ی 25-28) مردان مشاغلی را که در آن به مهارت نیاز بود و در واقع از مشاغل سنتی زنان بود به تصرف خود درآوردند، در نتیجه زنان به مشاغلی که در آن نیاز به مهارت و تخصص نبود روی آوردند، هر جا که می‌شد.

از آنجایی که زنان، کارگران غیرماهر بودند ممکن است چنین اقدامی اشتباهاً دشمنی با زنان تعبیر شود. در صورتی که این امر بیش‌تر نشانه‌ی ترس کارگران ماهر از کارگران غیرماهر بود. اتحادیه‌های مردان همچنان از آموزش تخصص به زنان طفره می‌رفتند. این امکان را برای پسران جوان فراهم می‌کردند که این امر در صنعت چاپ البته بسیار واضح آشکار بود.<sup>1</sup>

زنان از دوران استعمار به بعد به عنوان رف‌فچین کار می‌کردند. رفه‌ی که ماهرانه بود اما به کار سنگینی نیاز نبود. آبو و ساد مردان این صنعت را به این اقعیت که این رفه برای زنان مناسب بود نسبت داد. در هر صورت به نظر می‌رسد اتحادیه‌های مردان از ابتدا نسبت به استخدام زنان نظر خوشی نداشتند. در سال 1854 اتحادیه ملی کارگران چاپخانه تصمیم گرفت با فعالیت خود استخدام رف‌فچین زن را تشویق ترغیب نکند.<sup>2</sup>

بکر معتقد است اتحادیه، دختران را از آموزش این رفه محروم داشت. در نتیجه زنان از طریق کارگاه‌هایی که ابسته به اتحادیه نبودند یا به

---

<sup>1</sup> این نقل بر اساس مباحث Abbott و Baker است. دشمنی ورزیدن با آموزش و تخصص‌یابی زنان عمومی بود. اتحادیه بین‌المللی Molders مقرر داشت: «هر عضوی، افتخاری یا فعال، که وقت خود را به تمامی یا بخشاً به یاد دادن اصول کار ریخته‌گری یا هر حرفه‌ی دیگری به زنی بگذارد باید از اتحادیه اخراج شود.» G.Falk «زنان و اتحادیه‌ها: نگاهی تاریخی» چاپ شده به شکل خلاصه در نشریه 1 Womens rights Law reporter صفحات 54-65 سال 1973.

<sup>2</sup> Abbott «زن در صنعت» صفحات 252-253.

عنوان اعتصاب‌شکن آنچه را که می‌بایست آموختند.<sup>1</sup> در سال 1869 در مجمع سالانه اتحادیه ملی کارگری که اتحادیه ملی چاپ‌گران هم عضو آن بود در رابطه با جایگاه خانم سوزان به آنتونی در اتحادیه بحث سختی در گرفت. بی‌بنا به گفته‌ی برخی زنان، فرچین را به عنوان اعتصاب‌شکن به کار گرفته بود. سوزان به آنتونی این اتهام را پذیرفت اما علتش را این مسئله ذکر کرده بود که زنان به هیچ طریق دیگری امکان یادگیری الین را نداشتند.<sup>2</sup> در سال 1870 اتحادیه‌ی چاپ‌گران امتیاز محل یک اتحادیه در شهر نیویورک را برای زنان صادر کرد. مسئول این اتحادیه آگوستا لوئیز که ضمناً منشی اتحادیه چاپ‌گران نیز بود، می‌پنداشت این اتحادیه نمی‌تواند زیاد پایدار بماند، چرا که علی‌رغم اتحادیه زنان از اتحادیه مردان، بی‌می‌از آلی‌مایت نمی‌کرد. «عقیده‌ی عمومی زنان فرچین بر این است که رفتار سرکارگرانی که «خائن» لقب گرفته‌اند همچنین رفتار چاپچی‌ها، کارفرمایان از برخوردهای اتحادیه مردان بهتر بوده است.»<sup>3</sup> در سال 1878 اتحادیه ملی زنان برچیده شد. ظاهراً از دیدگاه مردان، عدم‌مایت عمومی از اتحادیه‌های زنان موفقیت‌آمیز بود، چرا که آبو در سال 1910 می‌نویسد: «اعضای

---

<sup>1</sup> Baker «تکنولوژی» صفحات 39-40.

<sup>2</sup> رجوع کنید به Falk «زنان و اتحادیه‌ها».

<sup>3</sup> E.Flexner «قرن مبارزه» صفحه 136 سال 1970.

اتحادیه‌های دیگر اغلب به شیوه‌های اتحادیه چاپ‌گران به عنوان نمونه‌یی برای کنترل یا عدم استخدام زنان، رجوع می‌کنند.<sup>1</sup>

اتحادیه‌ی چاپ‌گران از پرداخت دست‌مزد برابر برای کار برابر به مثابه شیوه‌یی جهت □فظ میزان دست‌مزد مردان □نه تشویق □ترغیب زنان قویاً پشتیبانی می‌کردند. زنان که تخصص □ مهار □های کم‌تری داشتند نمی‌توانستند توقع □تقاضای دست‌مزد برابر داشته باشند.<sup>2</sup> اتحادیه‌ها از طریق راه‌های مختلف زنان را □ذف می‌کردند از جمله از طریق قوانین □مایتی.<sup>3</sup> در همین رابطه افکار عمومی نسبت به کار زنان به □یژه زنان متأهل، در خدمت اتحادیه‌ها بود. در آن □ره کار زنان در خارج از خانه به عنوان شر اجتماعی نگریده می‌شد که باید از بین برده شود.<sup>4</sup> نظراً □

<sup>1</sup> Abbott «زن در صنعت» صفحه‌ی 260.

<sup>2</sup> Baker مشاهده نمود که مدرک مربوط به دست‌مزدهای برابر در سال 1963 درباره‌ی آنانی بود که بر نیازهای زنان و بر حفظ امنیت شغلی مردان تأکید داشت. («تکنولوژی» صفحه‌ی 419).

<sup>3</sup> Falk «زنان و اتحادیه‌ها» او می‌نویسد اتحادیه از حذف‌های قانون استفاده می‌کردند مثلاً: اخراج از کارآموزی، محدود کردن زنان در حوزه کمک‌کننده یا آموزش‌هایی که موجب ارتقاء پیشرفت آنان می‌شد، محدود کردن اعضای زن در اتحادیه‌ها و گذاشتن حق عضویت‌های بالا برای زنان. علاوه بر این اتحادیه‌ها در این دوران یعنی قبل از 1930 علیه متشکل شدن کارگران غیرمتخصص بودند حتی علیه متشکل شدن آن دسته از کارگران غیرمتخصصی که به حرفه خود آن‌ها مشغول به کار بودند.

<sup>4</sup> گروهی چنین رنگارنگ مثل گروه Caroll wright اولین مأمور عالی‌رتبه دولتی در امور کارگری در ایالات متحده، سازمان کارگری سنتی و رادیکال S.Gompers و M.M.Jones هم‌چنین Falk و J.L.Davis منشی حزب کارگر ایالات متحده در سال 1922 و F.Kelley رئیس اتحادیه ملی مصرف‌کنندگان همگی معتقد بودند این موضوع جنبه‌های مختلفی دارد. رجوع کنید به: Baker «تکنولوژی» صفحه‌ی 84 و 400.



«فمینیست‌های اجتماعی» هم که معتقد بودند کارگران زن به علت عدم تشکل از راه‌های گوناگون مورد استثمار قرار می‌گیرند، در همین راستا قرار داشت.<sup>1</sup> فمینیست‌های اجتماعی قصد حذف زنان را از مشاغل مطلوب □ دل‌خواه‌شان نداشتند، اما استراتژی آنان راه را برای حذف زنان از بازار کار هموار می‌کرد. آنان معتقد بودند که باید از زنان کارگر □ مایت شود. (□ ساس می‌کردند این □ مایت ضرر □ دارد) زیرا زنان به مثابه یک جنس Sex از مردان ضعیف‌ترند □ نیاز به □ مایت □ فاظت دارند.<sup>2</sup> استراتژی

---

Falk، «زنان و اتحادیه‌ها» A.C.Hill قوانین حفاظتی برای زنان: سال 1970. بخش‌هایی از این مقاله در کتاب «تبعیض جنسی و قانون: دلایل و راه‌حل‌ها» چاپ شده است. مطالبی بر اساس متون قانون که تحلیل بسیار عالی درباره‌ی قوانین حفاظتی، تبعیض علیه زنان و... ارائه می‌دهد.

<sup>1</sup> W.O, Neill به آن دسته از زنان سوسیال‌فمینیست می‌گوید که در جنبش‌های گوناگون رفرم در اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 شرکت می‌کردند، تا بدین‌ترتیب آن‌ها را از فمینیست‌هایی مثل Stanton و Anthony متمایز سازد. سوسیال‌فمینیست‌ها در وهله‌ی اول در فکر بهبود حقوق زنان نبودند بلکه از حقوق زنان به خاطر مؤثرتر واقع شدن رفرم‌های‌شان دفاع می‌کردند. («همه شجاع بودند.» سال 1969 به ویژه قسمت 3.)

W.H.Chafe در «زن آمریکایی» سال 1972 بحث جالبی درباره‌ی قوانین حفاظتی مطرح می‌کند.

<sup>2</sup> آن چه از قوه مقننه و دادگاه‌ها قابل دسترسی بود، آن چیزی بود که سوسیال‌فمینیست‌ها به دنبالش بودند. از آن‌جا که در Ritchiev.people سال 1895 98-155 دادگاه تعیین کرده بود که جنسیت به تنهایی پایگاه معتبری به قوه مقننه نمی‌دهد تا حق یک فرد بزرگسال را برای بستن قرارداد کار، محدود نماید و یا قانون حداکثر ساعت کار را برای زنان زیر پا بگذارد. از آن‌جا که قانون حداکثر ساعات کار برای کارگران نوانا توسط دادگاه عالی ایالات متحده زیرپا نهاده شده است بنابراین مدافعین قوانین باور دارند که وظیفه‌شان مخرب ساعات طولانی کار نوشته شده است و درباره‌ی احتیاج زنان به «حفاظت ویژه» (رجوع کنید به «تبعیض جنسی.»)

آنان در سال 1908 قتی به یژہ در مولر. ا. رگن دادگاہ عالی قانون  
داکتر ساعت کار برای زنان را به تصویب رساند، موفقیت آمیز بود. طبق  
این قانون «زن» مرد ساختار فیزیکی متفلاً تی دارند، ظرفیت شان برای  
انجام کارهای طولانی به یژہ در الت ایستاده متفلاً است، تأثیر  
سلامتی شان بر سلامتی آتی نژادشان اعتماد به نفس شان که خود را قادر  
به قاق کسب قوق کامل مبارزه برای امرار معاش می کند نیز  
متفلاً است. این تفلاً ها وضع قوانین متفلاً را طلب می کند مؤید آن  
امکاناتی است که طرح ریزی شده اند تا جبران پارهیی از فشارها  
سختی های ارده بر زنان را جبران کند.<sup>1</sup>

در سال 1916 لوئیز براندایز در بونتینگ رگن از اطلاعا موجود در  
رابطه با تأثیرا مخرب طولانی بودن ساعا کار استفاده کرد تا مسئله  
داکتر ساعا کار برای زنان مران را به بحث بگذارد. در بونتینگ  
برخلاف مولر که قوانین داکتر ساعا کار برای زنان اجرا شده بود،  
قوانین داکتر ساعا کار برای مردان به اجرا در نیامده بود. به طور کلی  
اتحادیه ها با جودی که به پشتیبانی از قوانین مایتی در رابطه با زنان  
ادامه دادند، در مورد مردان از این قوانین مایت نکردند. استراتژی

---

<sup>1</sup> Babcock «تبعیض جنسی» صفحه ی 32.

ترجیحی اتحادیه پشتیبانی از قوانین مایته برای زنان بود □ نه پشتیبانی از تشکلیابی آنان.<sup>1</sup>

تأثیر قوانین به علت □ وزه پوششی □ عدم اجرای درستشان محدود بود، با این □ ال در برخی □ رفته‌ها مثلاً چاپ که کار شبانه □ یا ساعاً □ کار طولانی اهمیت داشت زنان به طور کامل از این □ رفته‌ها □ ذف شدند.<sup>2</sup> از آن جایی که امکان آن □ جود داشت که قانون از زنانی که در «□ رفته‌های طاقت‌فرسا» اشتغال داشتند □ مایته کند، بسیاری از زنانی که داشتن در شغل‌های مردانه جا می‌افتادند عملاً کنار گذاشته شدند. پاره‌یی از این زنان علیه این اقدام □ با موفقیت مبارزه کردند، مقل □ متی که امر □ ز هم همچنان به نوعی ادامه دارد. همان‌طور که آن.ث. هیل می‌گوید تأثیر این قوانین به لحاظ اجتماعی □ ر □ انی □ یران‌گر بود. این قوانین جایگاله بیگانه زنان به عنوان کارگر را تثبیت کرد.<sup>3</sup> من در کل این بحث درباره‌ی توسعه □ تکامل کارمزدی در انگلیس □ ایالا □ متحده بر نقش مردان کارگر در محدود کردن □ ضرور

---

<sup>1</sup> در 1914، رای به واگذاری و ترک راه‌هایی که به فرم منجر شد داد. Hill «قوانین حفاظتی کار».

<sup>2</sup> برخی ایالات زنان را به طور کامل از برخی حرفه‌ها حذف کردند: معدن meter reading تاکسیرانی core making راهنمایی ترافیک - اپراتوری آسانسور و غیره (رجوع کنید به منبع شماره 81).

<sup>3</sup> این نتایج بر اساس مقاله A.C.Hill که توسط Baker هم تایید شده گرفته شده است هم‌زمان با آن که زنان از برخی کارهای تخصصی کنار گذاشته شدند، بر اهمیت انجام وظایف خانگی توسط زنان در ادبیات مردی تأکید می‌شد، از طریق جنبش‌های اقتصاد خانه، در کارچ‌ها و دبیرستان و غیره. جنبش جهت تثبیت خانواده هسته‌ای که دارای یک نان‌آور مرد باشد، راه افتاده بود و این امر کاملاً قابل تشخیص بود. (رجوع کنید به «سرمایه‌داری و کار زنان» نوشته‌ی H.Hartmann)

زنان در بازار کار تأکید کردم، اما این بدان معنا نیست که نقش کارفرمایان را نادیده بگیرم. تحقیقا □ اخیر درباره‌ی تئوری تفکیک بازار کار ( Labor market Segmentation) چهارچوب جدیدی برای ارزیابی نقش کارفرمایان به □ جود آورده است.<sup>1</sup> طبق این مدل، یکی از ساز □ کارهایی که موجب تفکیک می‌شود عملکرد آگاهانه □ نه ضر □ رتاً توطئه‌گرانه سرمایه‌داران است. کارفرمایان جهت تشدید اختلاف □ موجود در بین کارگران برای تفرقه انداختن در بین آنان عمل می‌کنند □ به این ترتیب اتحاد طبقاتی آنان را تضعیف □ قدر □ چانه‌زنی‌شان را کاهش می‌دهند.<sup>2</sup> ایجاد مشاغل که ساختار در □ نی پیچیده‌ی دارند، تلاشی در این جهت است. در □ اقع، ایجاد سطوح مختلف شغلی تلاشی برای مخر □ ش کردن ماهیت □

---

<sup>1</sup> Reich-Edwards و Gordon از «تفکیک بازار» استفاده می‌کنند و به پروسه‌ای رجوع می‌کنند که در آن بازار کار به بازارهای کوچک‌تر تقسیم می‌شود که هر یک ویژگی خاص خود را دارند: این بازارهای کوچک می‌توانند لایه‌های متفاوت یک سلسله مراتب باشند و یا گروه‌های متفاوت از یک لایه. (تفکیک بازار کار).  
<sup>2</sup> M.Reich «تبعیض نژادی و توزیع درآمد در میان سفیدپوستان» تز دکترای سال 1973 در این تز مدل تقسیم و تجزیه - فرمان‌روایی مورد بحث عمیق قرار می‌گیرد. در مدل تفکیک بازار کار تمایل در جهت تفکیک و مکانیزم تقسیم و تجزیه - فرمان‌روایی وجود دارد. این امر ریشه در توسعه ناهموار سرمایه‌داری پیشرفته دارد. برای مثال: پروسه‌ی تولید اقتصاد مرکزی - اقتصاد حاشیه‌ای. در واقع به نظر Edwards-Reich و Gordon تفکیک بازار کار در دوران انحصار سرمایه تحقق می‌یابد زمانی که شرکت‌های بزرگ خواهان کنترل وسیع بازار کارشان هستند.

طبقه‌ی جامعه سرمایه‌داری است.<sup>1</sup> بنابراین مدل توضیحی □ لاً: جدایی شغلی بر اساس جنسیت یکی از جنبه‌های ذاتی تفکیک بازار کار در جامعه سرمایه‌داری پیشرفته است، ثانیاً: سرمایه‌داران آگاهانه برای تشدید اختلافات □ جنس تلاش کرده‌اند. بنابراین اگر بحث فوق بر ادامه طبیعی جدایی شغلی بر اساس جنسیت (در □ ران سرمایه‌داری □ ماقبل از آن) □ اقدامات آگاهانه مردان کارگر تأکید داشت.<sup>2</sup> این مدل توضیحی، توجه‌ها را به این نکته جلب می‌کند که اقدامات □ سرمایه‌داران نیز در برانگیختن چنین عکس‌العمل‌هایی از جانب مردان بی‌تأثیر نبوده است.

مردان کارگر در طول تاریخ به عنوان ابزاری برای محدود کردن □ ضرورت زنان در بازار کار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اتحادیه‌های مردان سیاست‌ها □ نگرش‌های اصناف □ لیه را پایه‌گذاری کرده □ در جهت منافع مردان کارگر □ رکت کرده‌اند. سرمایه‌داران بازار کاری را به ارث بردند که در آن جدایی شغلی بر اساس جنسیت نهادی شده بود، □ آنان در اغلب موارد توانایی استفاده از این □ وضعیت را در جهت منافع خود داشتند. اگر سرمایه‌داران بتوانند زنان کارگر ارزان را به جای مردان با تجربه جای‌گزین کنند، چه بهتر، اگر سرمایه‌داران بتوانند کارگران را با تهدید به

---

<sup>1</sup> T. Victorisz «از طبقه به سلسله مراتبی: برخی جنبه‌های بی‌بها درباره‌ی مشکل دگرسازی» متن سخنرانی در کنفرانس Urban Political Economy نیویورک سال 1975.

<sup>2</sup> تقسیم‌بخش بازار کار بر اساس نژاد و جنسیت که حتی در دوران رقابت‌جویی سرمایه‌داری هم وجود داشته است سؤالی در رابطه با سنخیت کار را در چنین دوره‌ای بر می‌انگیزد. سؤالی که Reich Gordon و Edwards در کتابشان به آن اشاره کرده‌اند.

این اقدام تضعیف □ متفرق سازند، این هم مناسب است، یا اگر موفق به انجام هیچ‌کدام نشدند در عو □ می‌توانند از جایگاه‌های متفلاً □ □ جنس در جامعه □ خانواده استفاده کنند، به مردان پاداش دهند □ اتحادشان را البته با □ فظ منافع پدرسالارانه آنان، برای سرمایه بخرند.<sup>1</sup> اگر چه اقدامات □ سرمایه‌داران برای توضیح جدایی شغلی جاری بر اساس جنسیت دارای اهمیت است، تئوری تفکیک بازار کار، درباره‌ی نقش سرمایه‌داران غلو می‌کند □ نقش خود کارگران را در تثبیت تد □ م جدایی در بازار کار نادیده می‌گیرد. کارگرانی که مشاغل بهتر □ مطلوب‌تری دارند محکم به مشاغل خود، پاداش‌های مادی □ منافع فردی‌شان چسبیده‌اند.<sup>2</sup> کارگران از طریق اتحادیه‌هایشان در ایجاد □ ثبات □ ساختارهای شغلی سلسله‌مراتبی □ موازی (یعنی مشاغل مجزا اما نابرابر) نقش داشته‌اند. شاید اهمیت نسبی نقش سرمایه‌داران □ کارگران مرد در نهادی کردن جدایی شغلی بر اساس

---

<sup>1</sup> سرمایه‌داران همیشه نتوانسته‌اند از پدرسالاری در جهت منافع خودشان استفاده کنند. توانایی مردان در حفظ نیروی کار زنان در محدوده خانه تا حد امکان احتمالاً توسعه سرمایه‌داری را در دوره‌ی گسترش آن مختل ساخته است. مقاومت مردان در برابر کار زنان در خارج از خانه، کاری که سرمایه‌داران از آن سود برده‌اند، بدون شك پیشرفت سرمایه‌داری را دچار رکود کرده است.

<sup>2</sup> مارکس، انگلس و لینین همگی به پاداش مادی که آریستوکراسی کارگری به دست می‌آورده اشاره کرده‌اند. مهم است که این پاداش را به منافع خصوصی محدود نکنیم، زیرا در این صورت مشکلات ناشی از تقسیمات درون طبقاتی نادیده انگاشته می‌شوند. Castles و Kosack ظاهراً این خطا را مرتکب می‌شوند رجوع کنید به «عملکرد مهاجرت کارگری به اروپای سرمایه‌دار غربی» در نشریه‌ی New left Review شماره 73 صفحات 12-3 سال 1972. منابع مربوط به مارکس و بقیه را در این مقاله می‌توانید بیابید.

جنسیت در  $\square$  رده‌های متفلسف  $\square$  فرق داشته است. برای مثال سرمایه‌داران در  $\square$  رده‌ی انتقال به سرمایه‌داری ظاهراً امکان تغییر ترکیب جنسی مشاغل را داشته‌اند: زمانی که بافندگان به کارخانجات  $\square$  انتقال یافتند با  $\square$  جودی که اکثر بافندگان دستی مرد بودند، بافندگی به زنان سپرده شد اما کار با دستگاه‌های بافندگی  $\square$  اپراتوری به مردان سپرده شد، با  $\square$  جود آن که زنان پیش از مردان کار با این دستگاه‌ها را آموخته بودند. با رشد  $\square$  توسعه صنایع  $\square$  ثبات  $\square$  ضاع، اتحادیه‌های مردان قدر  $\square$  گرفتند  $\square$  اغلب توانایی گسترش یا منافع  $\square$  عرصه‌های مردانه را  $\square$  حفظ کردند. مردان سرمایه‌دار در  $\square$  رانی که نیازهای اجتماعی  $\square$  اقتصادی به علت افزایش تقاضا برای نیروی کار (مثلاً برای مشاغل معلمی  $\square$  منشی‌گری)  $\square$  به صعود بود، توانایی داشتن بر مردان کارگر غلبه داشته باشند. به این ترتیب در  $\square$  ران تغییر  $\square$  اقتصادی، اقدامات  $\square$  سرمایه‌داران می‌توانست تأثیر بیشتری در نهادی کردن یا تغییر چهره بازار کار جدایی شغلی بر اساس جنسیت داشته باشد. کارگران اما در این  $\square$  رده‌ها فقط به نوعی مبارزه  $\square$  مقابله‌مت دفاعی می‌پرداختند. در  $\square$  رده‌های دیگری مردان کارگر نقش بیشتری در  $\square$  حفظ جدایی شغلی بر اساس جنسیت داشتند، آن‌ها امکان این را داشتند جلوی تخطی یا  $\square$  تار  $\square$  د  $\square$  نیروی کار ارزان زنان را بگیرند.  $\square$  به این ترتیب به منافع جنس خود بیافزایند.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> D.Gordon این «مدل دایره‌وار» نیروی نسبی مستخدمان و کارگران را به من پیشنهاد کرد.

## نتیجه‌گیری:

جایگاه امری‌زنی زنان در بازار کار □ نظم جاری در رابطه با جدایی شغلی بر اساس جنسیت نتیجه رند طولانی همکاری سرمایه‌داری □ پدرسالاری است. من بر نقش کارگران مرد در این رند تأکید دارم زیرا معتقدم این تکیه □ تأکید ضرر □ دارد. اگر زمان رهایی زنان، از فر □ مایگی □ خلاصی مردان از ستم طبقاتی □ استثمار فرا رسیده، مردان را باید مجبور کرد جایگاه مطلوب خود را در بازار کار (در بازار کار □ در خانه) رها کنند.<sup>1</sup> در □ قیقت سرمایه‌داران زنان را به عنوان نیر □ ی غیرماهر □ با دست‌مزد کم به کار گرفته‌اند تا دست‌مزد مردان کارگر را کمتر کنند. این اما هنوز آغاز ماجراست، هم‌بستگی □ همکاری مردان برای □ مایت از جامعه پدرسالارانه، با سلسله مراتب مردانه، رندی گریبان خود مردان را خواهد گرفت. سرمایه‌داران در بالای هرم پدرسالاری رشد می‌کنند، سرمایه‌داری پدرسالارانه جامعه طبقه‌بندی شده به معنای □ افعی کلمه Parexcellence

---

<sup>1</sup> اغلب مارکسیست - فمینیست‌ها سعی می‌کنند با مشکلاتی که تحلیل‌های مارکسیستی بر می‌انگیزانند با اشاره به جایگاه اجتماعی زنان پاسخ گویند، به نظر می‌رسد آن‌ها تضادهای اساسی بین دو جنس را نادیده می‌انگارند ظاهراً به خاطر تأکید بر هم‌بستگی طبقاتی که در میان زنان و مردان کارگر باید وجود داشته باشد. Hartman و Bridges مقاله‌ای در این رابطه دارند که «ازدواج ناخشنود» دوستی می‌گفت (دوست زنی): «مثل این که ما در بیرون راندن Thien از ویتنام بیشتر موفق خواهیم بود تا در وادار کردن مردان‌مان به شستن ظرف‌ها.» این دوست درست می‌گفت.



است. اگر مردان طبقه‌یی که کومت نمی‌کند قرار باشد رها شوند، باید موارد همکاری‌شان با سرمایه‌داری پدرسالارانه را به رسمیت بشناسند □ از منافع مرد سالارانه‌شان چشم‌پوشی کند. اگر قرار است زنان رها شوند، باید علیه قدر □ پدرسالاری □ ساختار سرمایه‌دارانه جامعه بجنگند.

از آن‌جا که تقسیم کار بر اساس جنسیت □ تسلط مردان سابقه‌یی طولانی دارد، ریشه‌کن کردن آن بسیار مشکل خواهد بود □ یژه خلاص شدن از تسلط مردان بد □ ریشه‌کن کردن جدایی شغلی بر اساس جنسیت غیرممکن به نظر می‌رسد. هر □ پدیده به شیوه‌یی پیچیده در هم تنیده‌اند □ لازم است برای محو جدایی شغلی بر اساس جنسیت به تسلط مردان پایان داده شود.<sup>1</sup> برای رهایی زنان تغییر □ بنیادین در تمامی سطوح جامعه □ فرهنگ لازم است من در این مقاله بحث کرده‌ام که بقای شغلی بر اساس جنسیت کلید اصلی فر □ دستی جایگاه زن در جامعه است همچنین با تکیه بر کارکرد نهادهای گوناگون اجتماعی نحوه‌ی چگونگی بقای این سیستم را توضیح داده‌ام. اما نتایج جدایی شغلی بر اساس جنسیت بسیار فراتر از این می‌رسد □

---

<sup>1</sup> در جامعه‌ی ما، کار زنان جایگاهی نازل، دست‌مزدی نازل دارد: «ممکن است جمله زنان درآمد کم‌تری دارند چون در مشاغل کم درآمد کار می‌کنند را با جمله زنان درآمد کم‌تری دارند چون در شغل‌های زنانه کار می‌کنند، جایگزین کرد... تا زمانی که بازار کار بر اساس جنسیت تفکیک شده است، تمامی کارها و وظایفی که توسط زنان انجام می‌گیرد کم اهمیت ارزیابی می‌شوند و در واقع بازتاب جایگاه فرودست زنان در جامعه به‌طور کلی هستند.» F.Blan «جایگاه زنان در بازار کار، نشریه‌ی American Economic Review 62 شماره 4 صفحه‌ی 161 سال 1972.

□ دامنه‌اش □ تا به ضمیر نیمه خودآگاه انسان می‌رسد. ضمیر نیمه خودآگاه انسان بر شیوه‌ی رفتار □ تأثیر می‌گذارد، تأثیر نیمه آگاهانه شیوه‌های رفتاری در شکل‌گیری بخش‌های مختلف نهادهای اجتماعی نقش دارد □ به نوبه‌ی خود توسط این نهادهای اجتماعی تقویت می‌گردد. من معتقدم تحقیق درباره‌ی این پدیده‌های خرد □ کلانی که درباره‌ی آن‌ها بحث کردم، ضروری است. برای مثال به نظر می‌رسد قانون رفتاری دیرینه‌ی □ جود دارد که می‌گوید مردان نمی‌توانند از زنان هم طبقه خود فر □ دست‌تر باشند. چهره‌ی □ افعی این قانون را در رستوران‌ها می‌توان دید، جایی که زنان کارگر رستوران برای دستور دادن به متصدی مردبار دچار مشکل می‌شوند، مگر این که متصدی بار □ وضعیت را □ باره سازمان‌دهی کند به نحوی که بتواند استقلال خود را □ فظ کند. در رابطه با کارهای اجرایی، زنان در این‌گونه کارها در شرایطی موفق هستند که با دیگر هم‌مطرازان خود تماس کم‌تری داشته باشند □ مدیریت تعداد کمی بر عهده‌شان باشد. در میان کارگران صنعتی، زنان بازرس کارخانجات □ کمتر موفق به اصلاح کار کارگران تولیدی مرد می‌شوند.<sup>1</sup> به عنوان یک قانون کلی، مردان نباید هیچ‌گاه کاری را مردانه نیست □ زنان نباید هیچ‌گاه کاری را که زنانه

---

<sup>1</sup> Caplow در «جامعه‌شناسی کار» شکل‌های گوناگون فرمان‌فرمایی و تأثیر شدید آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. H.W. Illensky در «کار زنان: رشد اقتصادی، ایدئولوژی، ساختار» در نشریه Industrial Relations شماره‌ی 3 صفحات 235-248 سال 1968، نیز مفهوم شکل‌های گوناگون فرمان‌فرمایی را برای پدیده‌ی بازار کار به بحث می‌گذارد.

نیست، انجام دهند. برای مثال مردان در امور اجرایی غالباً با مردان منشی دست می‌دهند، ژستی به نشانه‌ی □ ترام، که ظاهراً کمک می‌کند مردان منشی مردانگی‌شان را از دست رفته تلقی نکنند.<sup>1</sup>

مر□له‌ی بعدی که تحقیق در رابطه با آن اهمیت دارد آن است که بفهمیم چگونه این قوانین رفتاری در□نی□باطنی شده‌اند□ چگونه در ساختار شخصیتی افراد بر□ز می‌کنند.<sup>2</sup> در این سطح از شکل‌گیری شخصیت، تلاش‌هایی برای تحقیق در رابطه با چگونگی شکل‌گیری جنسیت اجتماعی gender صور□ گرفته است.<sup>3</sup> یعنی تفلا□های اجتماعی □ جنس که بر اساس تفلا□های بیولوژیکی جنسی‌شان (sex) به□جود آمده است. يك تفسير

---

<sup>1</sup> استفاده از کلمات تابو شده، رشد و حمایت - از ورزش‌های و سایر سرگرمی‌هایی که زنان از آنان استفاده نمی‌کنند، شرکت در فعالیت‌هایی که زنان به آنها علاقه ندارند (مثل عرق خوری، قمار، جوك گویی و پرداختن به مسائل جنسی گوناگون) همگی نشان می‌دهد مردان بالغ به شدت درگیر عکس‌العمل نشان دادن در مقابل نفوذ جنس مؤنث هستند و در نتیجه نمی‌توانند حضور زنان بدون تغییر کلی در شخصیت‌شان، را تحمل کنند. (Caplow. «جامعه‌شناسی کار» صفحه‌ی 239) البته خطوط تقسیم و تفکیک بین مذکر و مؤنث دائماً در حال تغییر است. در دوران‌های مختلف در قرن 19 معلمی، دستفروشی و کار در اداره اصلاً برای زنان مناسب نبود. تغییرپذیری در مرزهای شغل‌های زنانه - شغل‌های مردانه یکی از دلایلی است که لزوم تعیین پرنسب‌های اساسی رفتاری را روشن می‌سازد - اگرچه، نهایتاً البته این احکام خود به وسیله تقسیم کار شکل داده می‌شوند.

<sup>2</sup> Caplow احکام خود را براساس نظریه‌ی فروید توضیح می‌دهد که مردان آزادی را با رهایی از تسلط زنان در دوران بلوغ تعریف می‌کنند مثلاً رهایی و فرار از دست مادران‌شان.

<sup>3</sup> رجوع کنید به "The Traffic in Women" Rubin و J.Mitchell «فمینیسم و روان‌کاوی» سال 1974. که تلاش دارند فروید را با دیدگاهی فمینیستی بازسازی کنند. همچنین S.Firestone در «دیالکتیک جنسیت» سال 1971.

ماتریالیستی از □ قاعیت، نشان می‌دهد شکل‌گیری جنسیت اجتماعی ناشی از جدایی شغلی بر اساس جنسیت است که در □ ند دیالکتیکی به نوبه‌ی خود تقسیم کار را تقویت کند.<sup>1</sup> به نظر من، به دلیل چنین پی‌آمدهای ریشه‌دار جدایی شغلی بر اساس جنسیت، ما نمی‌توانیم این ریشه‌ها را بدون از بین بردن تفلاً □ های اجتماعی بر اساس جنسیت □ بنابراین خود جدایی شغلی بر اساس جنسیت، ریشه‌کن کنیم.

باید برای تهاجم به سرمایه‌داری □ پرسالاری راه‌هایی بیابیم که هم نهادهای توده‌ی اجتماعی □ هم عادات □ عمیقاً دیرینه‌مان را تغییر دهیم، مبارزه‌ی سخت □ طولانی پیش □ ی داریم.

---

<sup>1</sup> برای مثال تقسیم فعلی کار خانگی که در آن عل پرورش و تغذیه کودک به وسیله‌ی زن عمیقاً بر شکل‌گیری شخصیت دختران و پسران به شیوه‌ای متفاوت تاثیر می‌گذارد. برای روایتی غیرفرویدی از این پدیده رجوع کنید به مقاله‌ی بازتولید مادری نوشته‌ی Chodorow.

## ساختن يك تنوري از

### سرمایه داري پدرسالارانه و سوسیالیست فمینیسم

#### زیلا ایزنشتاین

سپاس و قدردانی این نوشته را نخستین بار در سمینار مطالعات و پژوهش‌های زنان در دانشگاه کمرنل در سال 1975 ارائه دادم. مایلم از بوبروسکپ، سارا آیزنشتاین، الن وید، جکی فرالی، ایزل کرامنیک، میرمیام برودی کرامنیک، کارل استیونسن و جودی هامبل به خاطر زحماتی که در رابطه با نسخه‌های قبلی آن کشیدند قدردانی کنم.

---

رادیکال فمینیست‌ها □ مردان چپ، فرق زنان سوسیالیست □ سوسیالیست فمینیست را نمی‌فهمند به همین دلیل تفلاً □ □ فاصله سیاسی ما بین زن بودن □ فمینیست بودن را هم درک نمی‌کنند. برای رفع سوء تفاهما □ میان رادیکال فمینیست‌ها □ سوسیالیست فمینیست‌ها باید فرق بین زنان سوسیالیست □ زنان سوسیالیست - فمینیست مشخص شود. هدف این مقاله برجسته کردن تفلاً □ های مهم زنان سوسیالیست □ زنان سوسیالیست - فمینیست است. این هدف از طریق توضیح تلاش ر □ زافز □ ن سوسیالیست‌ها فمینیست‌ها برای درک □ ابستگی □ جانبه پدرسالاری □ سرمایه‌داری، دنبال می‌شود. تلاشی که آن‌ها در پی‌گیری‌اش تنها هستند، در □ الی که زنان سوسیالیست به درک

□ تغییر نظام سرمایه‌داری متعهد هستند، سوسیالیست - فمینیست‌ها اما به درک نظامی که از سرمایه‌داری پدرسالارانه قدر □ می‌گیرند، فا دارند. من اصطلاح، سرمایه‌داری پدرسالارانه را از آن جهت انتخاب کردم تا بر رابطه متقابل ساختار طبقاتی سرمایه‌داری □ تسلط مردان تأکید کنم. درک رابطه متقابل پدرسالاری □ سرمایه‌داری برای ارائه‌ی تحلیل سیاسی توسط سوسیالیست فمینیست‌ها اهمیت دارد. درک این که پدرسالاری (به شکل برتری مردان) قبل از سرمایه‌داری □ جود داشته است □ در جوامع پیاسرمایه‌داری هم می‌تواند □ جود داشته باشد، لازم است. در عین □ حال در نظام کنونی قدر □، این مساله که در رابطه پدرسالاری با سرمایه‌داری یکی موجب دیگری می‌شود ما را از درک رابطه □ تأثیر متقابل دیالکتیک کنونی این □ نظام باز می‌دارد. برای تغییر این ساختار ستم‌گرانه درک رابطه متقابل آن‌ها اهمیت دارد. در این □ الت سوسیالیست - فمینیست‌ها از تحلیل‌های مارکسیستی فراتر می‌روند □ با نظر □ پراکنده رادیکال فمینیست‌ها نیز مرزبندی دارند. معضل ما ساختار طبقاتی سرمایه‌داری □ ساختار سلسله‌مراتبی جنسی جامعه است.

در رابطه با قدر □، زنان سوسیالیست □ رادیکال فمینیست □ نظرگاه متفا □ دارند. در این تفسیرها، آن‌ها منشاء قدر □ را یا ناشی از جایگاه اقتصادی - طبقاتی □ یا ناشی از جنسیت می‌دانند. انتقاد از قدر □ در نزد رادیکال فمینیست‌ها، بر این پایه استوار است که منشاء قدر □ را در تفا □ های جنسی (زن / مرد) می‌دانند □ غالباً بر پدرسالاری تأکید دارد.

آن‌ها عرصه‌های ر□ ابط اجتماعي توليد يا ر□ ابط اجتماعي توليدمثل،<sup>1</sup> کار خانگی یا کار مزدی، قلمر□ عمومی یا قلمر□ شخصی، خانواده یا اقتصاد، ایدئولوژی یا شرایط مادی، تقسیم کار بر اساس جنسیت یا ر□ ابط طبقاتی سرمایه‌دارانه را به عنوان منبع ستم مورد مطالعه قرار داده‌اند. اگرچه تقریباً تمامی زنان در هر □ سوي اين عرصه‌ها تحت ستم□ اقع مي‌شوند، زنان سوسیالیست آن‌ها را طوری تقسیم‌بندی کرده‌اند که گویا چنین ستمی□ جود ندارد. ارائه چنین تصویر خیالی از زن مانع درک پیچیدگی ستم بر زنان می‌شود. تقسیم ستم به □ بخش□ اقعیت را نادیده می‌گیرد. هدف من در این مقاله این است که يك شیوه‌ي دیالکتیکی را به جاي شیوه تقسیم ستم بر □ بخش، پایه بگذارم.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> شیلا رابوتهام در کتاب «زنان، مقاومت و انقلاب» (چاپ نیویورک، پارتئون، سال 1974) توضیح می‌دهد که در هر تئوری انقلابی لازم است مناسبات اجتماعی تولید و بازتولید بررسی شود.

<sup>2</sup> برای مقاصد ما در این خصوص دیالکتیک به ما یاری می‌دهد بر روندهای مربوط به قدرت متمرکز شویم. بنابراین به منظور درک قدرت لازم است روابط و مناسباتی که تعریف‌کننده‌ی آن است را تجزیه و تحلیل کنیم، نه این که به بررسی آن به مثابه امری جدا از شرایط حقیقی جامعه بپردازیم. هر «لحظه» ای نشان‌دهنده‌ی مناسبات قدرتی است که آن لحظه را تعریف می‌کند. تنها راه درک «لحظه» آن است که آن را به مثابه بازتاب روندهایی که مستلزم به وجود آمدن آن است بفهمیم. این به معنی آن است که در تعریف «لحظه‌ها» آن را بخشی از «لحظه‌های» دیگر بدانیم و نه مجزا از یکدیگر. دیدن اشیاء مجزا از یکدیگر یعنی به مثابه بخشی از این یا آن گزینش، منعکس‌کننده‌ی اندیشه دوگانه‌ی مکتب اثبات‌گرایی است. وقتی سعی کنیم عناصر توضیح دهنده‌ی همه‌ی نهاد قدرت که در هر لحظه تجسم می‌یابد را درک کنیم، مجبوریم درگیری درونی آن و بنابراین روندهای دیالکتیکی قدرت را بپذیریم. نگاه

ترکیب تحلیل‌های رادیکال فمینیستی □ مارکسیستی □ لین قدم‌زری برای فرموله کردن یک نظریه‌ی منسجم، یگانه فمینیستی - سوسیالیستی است. این فرمول‌بندی جدید، سوسیالیسم - فمینیسم، فقط جمع این دو نظریه‌ی قدر □ نیست، بلکه ترکیب □ افعی □ ربط □ در □ نی سرمایه‌داری □ پدرسالاری که به شکل تقسیم کار بر اساس جنسیت تجلی یافته، نیز هست. برای تعریف پدرسالاری سرمایه‌دارانه به عنوان منشاء مشکلات □ باید هم‌زمان سوسیالیسم - فمینیسم را به عنوان راه □ ل ارائه داد. در این بحث من از تحلیل‌های طبقاتی مارکسیستی به عنوان برنهاد □ از تحلیل‌های رادیکال فمینیست‌ها درباره‌ی پدرسالاری به عنوان برابرنهاد استفاده کرده‌ام □ از این □ به استنتاج ترکیب سوسیالیسم - فمینیسم رسیده‌ام. بحث من این است که شناخت از تحلیل طبقاتی، نظریه‌ی پدرسالاری □ ر □ ش دیالکتیکی برای ساختن نظریه‌ی سوسیال - فمینیسم بسیار □ ائز اهمیت است.

**برنهاد: زن به عنوان طبقه**

**مارکس: هستی‌شناسی انقلابی و رهایی زنان**

---

کنید به «گروندریسه» اثر مارکس، نشر مارتین نیکولاس (نیویورک، اینتیج سال 1973) و اثر برتل اولمان تحت عنوان «از خود بیگانگی: برداشت مارکس از انسان در جامعه‌ی سرمایه‌داری» (نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد. سال 1971)



اهمیت تحلیل‌های مارکسیستی در رابطه با تحقیق در مورد ستم بر زنان از جهت ائز اهمیت است. لاً: تحلیل‌های طبقاتی ضرری برای تحقیق در مورد قدر را میسر می‌سازد، ثانیاً: رش تحلیل تاریخی دیالکتیکی را فراهم می‌آرد. اگر چه دیالکتیک (به عنوان رش) اغلب در رابطه با تحقیق پیرامون طبقه تضاد طبقاتی استفاده شده است، اما می‌توان از دیالکتیک برای تحلیل رباط پدرسالارانه ااکم بر هستی زنان در نتیجه برای نشان دادن توان انقلابی زنان نیز استفاده کرد. از دیالکتیک می‌توان برای رشن‌تر ااضح‌تر تعریف کردن این توان استفاده کرد چرا که تحلیل‌های مارکسیستی ابراز درک رباط قدر را فراهم می‌کنند. این رش دیالکتیکی تاریخی را به هیچ عنوان نمی‌توان فقط به استفاده در درک رباط طبقاتی محدود کرد. من می‌خواهم با استفاده از تحلیل‌های مارکس تضاد (تضاد طبقاتی) با اقتباس از رش‌های ا به جنبه‌های دیگر از رباط قدر بپردازم که خود مارکس نسبت به آن‌ها ساسیت چندانی نشان نداده است. به این ترتیب، من از رش مارکس برای بسط درک کنونی‌مان از رباط مادی در جامعه سرمایه‌داری از جمله رباط مادی در سرمایه‌داری پدرسالارانه استفاده خواهم کرد. این رباط توسط نظریه‌های مارکس درباره استثمار از خودبیگانگی به شیوه‌ی درخشان توضیح داده شده است. اکنون در بین زنان سوسیالیست سوسیالیست - فمینیست‌ها بحث‌های زیادی پیرامون اهمیت نظریه استثمار، برای درک ستم بر زنان

□ جود دارد.<sup>1</sup> در نتیجه در این مورد، کوتاه سخن می‌گویم □ به طور □ یژه بر اهمیت هستی‌شناسی دیالکتیکی انقلابی مارکس که در نظریه‌ی از خودبیگانگی □ تجلی یافته، متمرکز می‌شوم. اگرچه بحث اصلی از خودبیگانگی در رابطه با زنان □ کارگران □ به شکلی مشرق در رابطه با کارهای خانگی بدن دست‌مزدمثل کار زنان خانه‌دار است، اما آن چه در این بحث مورد توجه من است نه موضوع بحث مارکس بلکه روش تحلیلی است. بدن تقلیل این تحلیل به طبقا □ تضاد طبقاتی، متجلی در تئوری استثمار، می‌توانیم روش دیالکتیکی موجود در نظریه از خودبیگانگی را تا توان‌مندی □ یژه‌ی انقلابی زنان گسترش دهیم. این به □ یژه بدان معناست که اگرچه نظریه‌ی از خودبیگانگی شامل استثمار هم می‌شود اما نباید فقط به آن تقلیل داده شود.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> در مورد این بحث نگاه کنید به مقاله‌ی ماریا. روزا. دلاکوستا تحت عنوان «زنان و انهدام جامعه» و مقاله‌ی سما جیمز تحت عنوان «جایگاه زن» در کتاب: «قدرت زنان و انهدام جامعه» (بريستول: انتشارات فالینگ وال سال 1972)، و مقاله ایرا گیرشتاین تحت عنوان «کار خانگی و سرمایه‌داری» و مقاله لیزه فوگل تحت عنوان «خانواده‌ی زمینی» در مجله‌ی «رادیكال امریکا» شماره 7 (ماه ژوئیه و اکتبر سال 1973) و شماره‌های چهار و پنج، و مقاله والی سکومب تحت عنوان: «زن خانه‌دار و کار او تحت نظام سرمایه‌داری» در مجله‌ی نیولفت رویو شماره 83 (ژانویه و فوریه سال 1973) و مقاله بی‌مگاس، مارگارت کولسن و وین‌رایت تحت عنوان «زن خانه‌دار و کار او تحت تظان سرمایه‌داری - یک نقد» و مقاله جین کاردیتر تحت عنوان: «کار خانگی زنان» در مجله‌ی نیولفت رویو شماره 89 (ژانویه و فوریه سال 1975).

<sup>2</sup> تصور نمی‌کنم که نظر دوباره‌ی آلتوسری «مارکس هگلی آغازین» و «مارکس مادی» پسین تمایز کمک‌کننده‌ای باشد. بلکه معتقدم که تئوری‌های از خودبیگانگی و استثمار، هرچند در نوشته‌های

نظریه از خودبیگانگی تعهد آن به «یا» نوعی» در جامعه کمونیستی  
ضررتی است برای فهم ظرفیت انقلابی انسان.<sup>1</sup> نظریه از خودبیگانگی  
رابطه بین ماهیت جود را تصریح می‌کند. بدن این رابطه، انسان‌ها در  
جامعه سرمایه‌داری استثمار خواهند شد اما لزماً توان مندی انقلابی نخواهند  
داشت. استثمار، ما را با استثمار شده تنها خواهد گذارد. (بدن جود این  
رابطه که در نظریه از خودبیگانگی مشخص گردیده بدن شالوده‌ی که  
در برگیرنده فرد جامعه باشد.) اما چون در افراد ظرفیتی برای یا  
نوعی در جودشان نهفته است کارگر استثمار شده نیز ظرفیت انقلابی  
دارد. بدن داشتن توان برای یا نوعی ما هنوز بردگان شادمان ارسطو  
بودیم نه پرتله‌های انقلابی مارکس. این تحلیل درباره زنان مردان،

---

مشخصی اولویت‌های متفاوتی به آن‌ها داده شده، در سراسر اثر  
مارکس موجود است. «گروندرویس» دلیل قانع‌کننده‌ای بر این  
موضع‌گیری است نگاه کنید به «گروندریسه» مارکس و بحث دیوید  
مکلنن درباره‌ی اهمیت «گروندریسه» در کتاب او تحت عنوان:  
کارل مارکس: زندگی و اندیشه‌ی او (نیویورک هارپرورد 1973).  
<sup>1</sup> در خصوص بحث انواع، به «دست نوشته‌های اقتصادی و فلسفی  
سال 1844» کارل مارکس (نیویورک، ناشران بین‌المللی، سال  
1964) و «ایدئولوژی آلمانی» (نیویورک ناشران بین‌المللی سال  
1947). و مقاله‌ی «پیرامون مسأله یهود» در کتاب «نوشته‌های  
مارکس جوان پیرامون فلسفه و جامعه» نشر کورت. اچ. گودات و  
لوید. دی. استیون. (نیویورک، انکور بوکس سال 1967) همین‌طور  
نگاه کنید به کتاب: «اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی کارل  
مارکس» اثر شلومو آوینری (نیویورک، مطبوعات دانشگاه  
کمبریج سال 1968) و اثر ریچارد برنشتاین تحت عنوان  
«پراکسیس و عمل» (فیلادلفی: انتشارات دانشگاه پنسیلوانی  
سال 1971) و «از خود بیگانگی» اثر اولمن.

بدین توجه به جایگاه طبقاتی شکل رابطه‌شان با استثمار، صادق است. هرچند فعلیت یافتن این توان بنا به جایگاه طبقاتی افراد متفاو است. مارکس با نظریه از خودبیگانگی، سرشت سرمایه‌داری را مورد نقد بررسی قرار داد. مارکس انگلس سرمایه‌داری را رند کامل تولید کالایی تعریف می‌کنند. مارکس با طرح مسئله استثمار به عنوان ذاین این رند نظریه قدر را بسط توسعه می‌دهد. قدر یا بی‌قدرتی ناشی از جایگاه طبقاتی افراد است. در نتیجه، ستم نتیجه سازمان‌دهی سرمایه‌دارانه بر پایه عدم کنترل قدر است. جامعه سرمایه‌داری کارگرانی را که ارزش اضافی برای بورژوازی خلق می‌کنند. از طریق کار تولیدی استثمار می‌کند، کار اضافی که ذاین سود است نتیجه‌ی تفاو ساعا کار لازم اقعی کارگران است.

کار تولیدی، در معنای اقعی آن برای تولید سرمایه‌داری، کارمزدی است، یعنی کاری که با بخش ارزش‌آفرین سرمایه مبادله می‌شود (بخشی از سرمایه که صرف پرداخت دست‌مزدها می‌شود) نه فقط این بخش از سرمایه را باز تولید می‌کند (یا ارزش‌نیر)ی کار خود کارگر را) بلکه ارزش اضافی نیز برای سرمایه‌دار تولید می‌کند... فقط آن کارمزدی جز تولید به سبب می‌آید که سرمایه را خلق می‌کند.<sup>1</sup> ساختار طبقاتی که در شکل‌های

---

<sup>1</sup> نگاه کنید به «تئوری‌های ارزش اضافه» اثر کارل مارکس، انتشارات پروگرس مسکو سال 1963 شماره یک صفحه 152. همچنین نگاه کنید به «سرمایه» مارکس (نیویورک، ناشران بین‌المللی سال 1967) جلد نخست.

اجتماعي، سياسي □ فرهنگي جامعه تجلي مي يابد، پايداي اقتصادي دارد. جامعه به □ بخش بورژوا □ پر □ لتر تقسيم مي شود. پايه جدائي □ تضاد بين اين □ بر اساس □ ابط آن ها با شيوه توليد است، بنا بر اين استثمار پر □ لتاريا كه از طريق كار توليدي □ ايجاد ارزش اضافي شكل مي گيرد سرچشمه ستم بر □ است.

اين اعلام جرم عليه □ ابط سرمايه داري، از هستي شناسي انقلابي ماركس، از هستي اجتماعي □ انساني نشأ □ مي گيرد. اين اعلام جرم، ديالكتيك بين ماهيت □ □ جود هر فرد را كه به شكل آگاهي انقلابي در جامعه متجلي مي شود يك فر □ اساسي مي داند.

انتقاد به □ ضور طبقا □ در جامعه در شكل از خود بيگانگي □ استثمار □ هستي شناسي انقلابي موجب انتقاد ماركسيسم به تكامل يك نظريه فمينيستي كه نه تنها آگاهي طبقاتي را در بر مي گيرد بلكه از آن نيز فراتر مي □ د. آنچه ارتقا «مسئله زن» را در ماركسيسم به مشكل تبديل مي كند اين شيوه تفكر است، كه ظرفيت انسان ها را به جبري كه جامعه بر آن ها تحميل مي كند نمي داند. ماركس در نظريه از خود بيگانگي با تصويري كه از مفهوم «□ جود نوعي» ارائه مي دهد، يك □ شي انقلابي براي تحليل ارائه مي كند. «موجود نوعي» آن □ جودي است كه نهايتاً به ظرفيت انساني براي كار خلاقانه، آگهي اجتماعي □ زندگي اجتماعي از طريق مبارزه عليه جامعه سرمايه داري نائل مي شود. □ اين ظرفيت ها را در جامعه كمونيستي كاملاً نهادي مي كند.

ساختار اساسي هستي‌شناسي، جود را مطابق جوهرش تعريف مي‌کند، براي مارکس اقيعت چيزي بيش از جود محض است. اين ريش‌رکت به سوي ماهيت انساني را در بر مي‌گيرد اين يك جوهر انساني کاملاً انتزاعي نيست بلکه جوهری است که در زمينه تاريخي قابل درک است. «جود نوعي» مفهومي است که نشان مي‌دهد در جامعه‌ي بدن از خودبيگانگي، انسان‌ها چه امکان‌ها توان‌هايي دارند، اما در جامعه سرمايه‌داري فقط به شکل جوهر جود دارد. اگر اين نظريه را به قضيه‌ي زنان پيوند دهيم، اين هستي‌شناسي انقلابي از امکان رهايي زنان به موازات استثمار ستم بر آنها سخن مي‌گويد. تضاد بين ماهيت جود بنياد آگاهي عمل انقلابي است. امکان ارزيابي انتقادي از هر لحظه خاص را فراهم مي‌کند. ماهيت جود زنان در اين جامعه با هم پيوند نيافته است. زن بيش از آن چه که امر زه از مي‌بينيم، ظرفيت دارد. قطعاً از آن چه که امر ز هست، براي آن چه که در فردا خواهد شد تأثير مي‌گيرد. اما آن چه که امر ز هست نمي‌تواند محدوده ظرفيت‌ها توانايي‌هاي را تعيين کند. اين تحليل البته براي کارگر از خودبيگانه هم صدق مي‌کند. کارگري که از امکان‌ها خلقيت‌ها تواناهايش جدا مانده است باز هم انساني است خلاق اما بالقوه. آن چه هستي‌ضررتاً آن چه که نهفته است. به نظر مارکس جايگاه طبقاتي فرد، آگاهي را تعريف مي‌کند، اگر از ريش هستي‌شناسي انقلابي استفاده کنيم آگاهي فقط محدوده به جايگاه طبقاتي نمي‌شود. اگر بخواهيم زنان را از طريق جنسيت‌شان تعريف کنيم، رباط پدرسالارانه،

آگاهی آنان را تعریف می‌کند □ در نتیجه بر ظرفیت انقلابی آنان دلالت دارد. برای درک □ ابط پدرسالارانه که چگونه مانع تکامل جوهر انسانی می‌شود می‌توان از این روش (امکان انقلابی بازتاب تضاد بنی شرایط □ افعی انسان □ امکانا □ یعنی جوهر انسانی) استفاده کرد. □ افعیت □ ابط اجتماعی در برگیرنده جامعه طبقاتی سرمایه‌داری □ □ ابط پدرسالارانه است به این ترتیب برای مارکس مفهوم «زندگی نوعی» به توان انقلابی زنان □ مردان اشاره دارد.

□ ابط اجتماعی که ظرفیت‌ها، توان‌ها □ آگاهی انقلابی زنان را تعریف می‌کنند بسیار پیچیده‌تر از آن است که مارکس تصور می‌کرد. □ مجموعه‌ی از □ ابط پیچیده‌ی که «زندگی نوعی» برای زنان غیر قابل دست‌یافتنی می‌سازد □ این که فعلیت یافتن این زندگی فقط از طریق نفی جامعه طبقاتی به دست نمی‌آید ندیده بود، در نتیجه، اظهار □ مارکس درباره‌ی زنان عمق محدودی دارند. همان‌طور که خواهیم دید، □ هرگز درباره‌ی پدرسالاری به عنوان یک نظام سلسله‌مراتبی جنسی در جامعه سخنی نگفت. اما نوشته‌های □ درباره‌ی زنان از این جنبه □ ائز اهمیت‌اند که □ متعهدانه تنش‌های بین زندگی نوعی □ اشکال از خودبیگانگی سرمایه‌داری را برای همه انسان‌ها آشکار می‌سازد.

اظهار □ یک‌جانبه درباره‌ی خانواده □ استثمار زنان در «دست‌نوشته‌های پاریس»، «مانیفست کمونیست»، «ایدئولوژی آلمانی» □ «سرمایه» □ جود دارند. مارکس نظریاتش را درباره‌ی خانواده بورژوا □ در «مانیفست

کمونیسست» روشن می‌کند. ربط خانوادگی به سطح ربط پولی تنزل یافته‌اند. بورژوا همسرش را به شکل ابزار تولید می‌نگرد، خانواده امری زی، خانواده بورژوازی، بر چه پایه‌هایی بنیاد گذاشته شده‌اند؟ بر سرمایه ربط سود خصوصی... سخنان ستایش‌گرانه بورژوازی درباره‌ی خانواده ربط تحصیل، درباره‌ی ربط ابط مقدس ربط الدین ربط فرزندان، ربط زبهر ربط انزجار ربط رتر می‌شود، با ربط د صنایع مدرن، پیوندهای خانوادگی بین ورب لئاریا گسسته می‌شود، ربط کودکان تبدیل به کالاهای ساده‌ی تجاری ربط ابزار کار می‌شوند.<sup>1</sup>

ربط ناشی از مالکیت خصوصی تبدیل به شیوه‌ی مابده شده‌اند. توسعه این لویتهای بورژوازی، ربط اجتماعی در درون خانواده را متحول کرد همان‌طور که در ایدئولوژی آلمانی گفته شده خانواده (که مارکس آن را تنها نوع ربط اجتماعی می‌داند) به نیازی فرعی تبدیل شد.<sup>2</sup>

اهمیت مالکیت خصوصی ربط مالکیت به ربط ابط زن - مرد هم تسری یافت. در کتاب «درباره‌ی مسئله یهود» مارکس می‌نویسد: «ربط ابط انسان‌ها، ربط ابط زن ربط مرد غیره، تبدیل به ربط ابطی تجاری شد. زنان مورد خرید ورب فرس قرار گرفتند.»<sup>3</sup> ذهنیت «تملك» ربط ابط نوعی را به ربط ابط مالکیت ربط سلطه ربط از داج را به فاشه‌گری تبدیل می‌کند. در سال 1844 مارکس در

---

<sup>1</sup> «مانیفست کمونیست» کارل مارکس (شیکاگو. مطبوعات کیت وی سال 1954) صفحات 48 و 49.

<sup>2</sup> «ایدئولوژی آلمانی» اثر مارکس صفحه 17.

<sup>3</sup> «درباره مسئله یهود» اثر مارکس صفحه 246.



دست‌نوشته‌هایش می‌نویسد: «نهایتاً این رکت در تقابل قرار دادن مالکیت خصوصی همگانی با مالکیت خصوصی، به شکل یوانی تقابل از دیداج (یعنی شکلی از مالکیت خصوصی انحصاری) با اشتراک زنان نمودار می‌گردد که در آن زن به یک فقره از مالکیت عمومی اشتراکی تبدیل می‌شود. شاید گفته شود که ایده اشتراک زنان، راز این کمونیسم کاملاً نارس لا قید را فاش می‌سازد [این نوع کمونیسم معتقد است] همان‌طور که زنان از دیداج انحصاری به ر س پی‌گری عام می‌رسند، سراسر دنیای ثر (یعنی ذاتی آدمی) از رابطه از دیداج انحصاری با دارنده مالکیت خصوصی به ر س پی‌گری عام با جامعه می‌رسد.»<sup>1</sup>

به نظر مارکس مشکل زنان از آن‌جا ناشی می‌شود که آن‌ها ابزار تولید هستند، در نتیجه راه‌ل را انقلاب سوسیالیستی می‌بیند. در «مانیفست» می‌نویسد: «لغو سرنگونی نام‌کنونی تولید باید همراه با سرنگونی جامعه‌یی باشد که زنان در آن به فاش‌گرایی به شکل عمومی یا خصوصی می‌پردازند.<sup>2</sup> در تحلیل‌های مارکس جود زنان بازتاب ر ابط طبقاتی است. همین ر ابط موقعیت را در در ن بیر ن از دیداج معنا می‌بخشد، در نتیجه سرنگونی سرمایه‌داری شرایط زندگی زنان را تغییر خواهد داد. از دیدگاه مارکس خانواده بورژوازی ابزار جامعه سرمایه‌داری است هیچ ابعاد خاص دیگری ندارد. ستم بر زن نتیجه استثمار ی در جامعه طبقات

<sup>1</sup> «دست‌نوشته‌های» مارکس صفحه 50.

<sup>2</sup> «مانیفست کمونیست» مارکس صفحه 50.

از طریق از دیدن اج بورژوازی ای خانواده است. بی قدرتی زن ناشی از ساختار جامعه سرمایه‌داری است. تقسیم کار بر اساس جنسیت به عنوان تعریفی برای نقش‌های گوناگون جنس، اهداف، اقدامات غیره برای مارکس معنی خاصی ندارند. زنان به عنوان یکی دیگر از قربانیان سرمایه‌داری بدون آن که با پرولتاریا به طور کلی تعلق داشته باشند؟، مورد ملاحظه قرار می‌گیرند، تا تفرقه در فوق طبقه کارگر به جود نیاید. مارکس تعلق‌های جنسی کارکرد یگانه این گروه از تولیدکنندگان که در ساختار قدر نقش بازی می‌کنند را ندیده است. نسبت به نقش زنان در تولیدمثل بیولوژیکی کارکرد مادری آنان کم‌توجه یا بی‌توجه بود، نقش‌هایی که در ایجاد انواع مختلف تقسیم کار در خانواده اهمیت دارند.

در نتیجه، مارکس استثمار زنان مردان را ناشی از یک سرچشمه می‌پنداشت. فرقی می‌کرد که ستم بر آنان در چهارچوب یک ساختار مشابه قابل درک است. آگاهی انقلابی در یک رابطه طبقاتی استثمار محدد می‌گردد. در ادامه مقاله خواهیم دید که فقط با درک متفاتی از سلسله‌مراتب جنسی جامعه به عنوان پدیده‌ی پدرسالارانه می‌توان ستم بر زنان را توضیح داد، ستمی که هم با ستم «کلی» بر پرولتاریا پیوند دارد. هم از آن جدا است. شکی جود ندارد که در جامعه کمونیستی جامعه‌ی که همه در پی نائل شدن به جود نوعی هستند، زندگی هنوز بر اساس تقسیم کار جنسی شکل گرفته است. نقش‌های جنسی وظایف از قبل در نظر گرفته شده برای زنان، تمام از خودبیگانگی آنزای زنان را ضروری می‌سازد. ماهیت

□ جود يکي نمي شونډ. مارکس متوجه نبود براري زنان جدایي جنسي در مشاغل □ در جامعه عدم خلاقیت □ انز □ آگري را به دنبال دارد. □ ازگوني سرمايه داري □ استثمار سرمايه داري □ جود نوعي را (کار خلاق - جامعه اجتماعي - آگاهي انتقادي) براري زنان تضمين نخواهد کرد.

استثمار زنان در طول تاريخ: مارکس □ انگلس در «ايدئولوژي آلماني» بحث تقسيم کار در جوامع ماقبل سرمايه داري را با اصطلاحاتي آشنا مطرح مي کنند. يعني گسترش بيش تر تقسيم کار طبيعي که توسط خانواده تحمیل شده بود. بنا بر اين ساختار اجتماعي به گسترش خانواده محدود مي شد، ابتدا رئيس پدرسالار خانواده پس از □ اعضاي قبيله □ سپس بردگان. بردگي پنهان در □ ن خانواده به تدريج توسعه يافت.<sup>1</sup>

از تقسيم کار «تحمیل شده توسط خانواده» به عنوان پديده يي طبيعي سخن گفته مي شود □ اين تقسيم چه «ضرر □ ري» چه «خوب» است از طرف مارکس □ انگلس پذيرفته مي شوند. تقسيم کار در □ ن خانواده انعکاس جامعه اقتصادي که اين تقسيم کار را تعريف □ □ اطه کرده نيست (آن طور که در مانيفست کمونيست مطرح شده است) بلکه در اين مر □ له □ ليه تاريخي تقسيم کار در □ ن خانواده، جامعه □ تقسيم کار در □ ن آن را شکل مي دهد. تحليل هاي مارکس □ انگلس از خانواده به اين ترتيب ادامه مي يابد: با اين □ جود، تقسيم کار بر اساس جنسيت رشد مي يابد، سپس ان نوع تقسيم کار با توجه به استعدادها يا فضيلت هاي طبيعي مثل قدر □

---

<sup>1</sup> «ايدئولوژي آلماني» اثر مارکس صفحه ي 9.

فیزیکی، نیازها، پیش‌آمدها □ غیره به طور خودبه‌خودی یا «طبیعی» تکامل □ توسعه می‌یابد.<sup>1</sup>

□ لین تقسیم کار تقسیم «طبیعی» کار در در□ ن خانواده بنا بر جنسیت است. عمل تولیدمثل □ پر□ رش کودک آغاز تقسیم کار است.<sup>2</sup> زاییدن کودک یک نوع تقسیم کار را به □ جود می‌آورد، گرچه تمامی ابعاد این تقسیم کار هرگز مورد تحقیق □ بررسی قرار نگرفته است. از طریق همین تقسیم کار است که □ لین نمود مالکیت در در□ ن خانواده شکل می‌گیرد. برای مارکس □ انگلس، این □ یداد هنگامی رخ می‌دهد که همسر □ کودک تبدیل به بردگان شوهر می‌شوند.

این بردگی پنهان در در□ ن خانواده، اگرچه هنوز خام، اما □ لین نوع مالکیت است، با این □ مال در این □ لین مر□ له با تعاریف اقتصاددانان مدرن که مالکیت را قدر □ استفاده از نیرو□ ی کار دیگران می‌دانند، کاملاً همخوانی دارد. به علاوه تقسیم کار □ مالکیت خصوصی تجلی بیش از □ د یکسانی دارند.<sup>3</sup>

در این‌جا جوانه‌های □ لیه، اگرچه هنوز خام، دیدگاه تقسیم کار بر اساس جنسیت را می‌توان مشاهده کرد، اگرچه هیچ‌گونه بحثی در این رابطه به چشم نمی‌خورد. آن چه دیدگاه‌ها را ضعیف □ در نهایت محدود می‌کند این

---

<sup>1</sup> همان اثر صفحه 20.

<sup>2</sup> مقاله «تکوین اولیه خانواده» اثر فردریک انگلس، تجدید چاپ اولین دو فصل «منشء خانواده» انتشارات فری‌پرس (نگاه کنید به فصل دوم صفحه 17) و صفحه 65.

<sup>3</sup> «ایدئولوژی آلمانی» مارکس صفحات 21 و 23.

است که برای مارکس □ انگلس تقسیم کار بر اساس جنسیت یکسان □ منطبق با پیدایش مالکیت خصوصی است: «تقسیم کار □ مالکیت خصوصی تجلی بیش از □ دیکسان دارند.»<sup>1</sup> تقسیم کار به خودی خود کیفیت □ یژه‌یی ندارد. مالکیت ناشی از تقسیم کار ناشی از زاییدن □ پر □ رش کودک فرقی با مالکیت ناشی از □ ابط سرمایه ندارد. در این‌جا هیچ مفهومی که مطرح کند نابرابری‌ها ممکن است ناشی از جنسیت باشد □ جود ندارد. خانواده به عنوان مکانی برای تقسیم کار در جامعه نگریسته می‌شود، اما خانواده خارج از □ ابط مالکیت نقش دیگری ندارد. ایدئولوژی آلمانی □ ی تحلیلی از □ وضعیت زنان □ چگونگی تغییر آن از طریق شرایط مادی ارائه می‌دهد اگر توانایی تولید مثل زنان به عنوان □ لین عامل □ سرچشمه تقسیم کار شناسایی می‌شود، اما هرگز با تقسیم کار سرمایه‌داری مورد بررسی خاصی قرار نمی‌گیرد. تولید □ تولیدمثل در بررسی □ تحلیل رابطه‌شان با تقسیم کار سرمایه‌دارانه در جامعه یکی انگاشته می‌شوند.

طبق نظر انگلس «منشاء خانواده مالکیت خصوصی □ □ لت» سازمان‌دهی اجتماعی جامعه توسط تولید □ خانواده تعیین شده است.<sup>2</sup> انگلس همان

<sup>1</sup> همان اثر

<sup>2</sup> «منشاء خانواده و مالکیت خصوصی و دولت» اثر فردریک انگلس. (نیویورک: ناشران بین‌المللی سال 1942) انگلس در تحلیل خود سه دوره‌ی تاریخی را مشخص می‌کند: توحش، بربریت و تمدن. او در این سه دوره تحول خانواده را دنبال می‌کند. شکل ازدواج منطبق با دوره‌ی توحش، ازدواج گروهی است. در این مرحله خانواده یک گروه است و تنها محدودیت آن ممنوع بودن فعالیت جنسی بین والدین و فرزندان‌شان و بین فرزندان با یکدیگر است. در چنین وضعیتی فرد فقط می‌تواند مطمئن

موضوعي را که در «ایدئولوژی آلمانی» آمده است تکمیل می‌کند: «لین تقسیم کار، تقسیم کار بین زن و مرد برای تغذیه و پرورش کودک است»<sup>۱</sup> لین تخصص اجتماعی ناشی از تخصص زن و مرد در ازدواج همسری است.<sup>۱</sup> نکته‌ی آخری گویا برای انگلس امری واضح بوده است، اما این تخصص چه ریشه و علتی دارد هرگز روشن نشده است. ادعای انگلس این است که لین تخام طبقاتی توأم با (ناشی از) هم‌آری زن و مرد است. کسی نمی‌تواند فکر کند هم‌آری بین زن و مرد، هم‌آری طبقاتی بوده است.

---

باشد به این که مادرش کیست و از همین روست که تبار وراثت به مادر می‌رسد. این دوران را دوران «حق مادری» نامیده‌اند. در دوره‌ی دوم که دوره‌ی بربریت است ازدواج زن و شوهر رواج پیدا می‌کند. تبار پدری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و شکست حق مادی در چشمانداز قرار می‌گیرد. در دوره‌ی سوم یعنی تمدن تک همسری آغاز می‌شود، ازدواج و خانواده پایه‌اش بر مالکیت خصوصی قرار می‌گیرد.

طبق نظر انگلس تحولی که طی این مراحل پدید می‌آید دگرگونی فاجعه‌باری برای زندگی زنان در پی دارد. این دگرگونی شامل «نابودی حق مادی یعنی شکست تاریخی جنس مؤنث بود» (تکوین اولیه» صفحه 75) نقش زن به خانهدای و پرورش فرزندان تنزل داده شد. به موازات این پدیده ثروت جامعه افزایش پیدا کرد و اهمیت موقعیت مرد در خانواده نسبت به موقعیت زن را بالا برد و از دیگر سو انگیزه‌ای بود جهت سوء استفاده از این موقعیت تحکیم یافته جهت از میان بردن نظم سنتی وراثت به نفع فرزندان مرد. «منشاء خانواده» صفحه 14 از نظر انگلس تاریخ نشان دهنده‌ی سیر قهقرایی قدرت زنان از دوران حق مادی در کمونیسم اولیه به مطیع شدن آنان در مرحله دوم بربریت بوده است. با این همه، انگلس توضیح می‌دهند که چگونه و چرا مرحله رابطه جنسی گروهی به رابطه جنسی تک همسری پیش می‌آید. این تحول به اندازه مناسبات خصوصی مالکیت می‌تواند عنصر سازنده‌ی تاریخ باشد. در واقع انگلس نه استدلال که ادعا می‌کند که روابط خصوصی مالکیت تک همسری را ضروری می‌سازد.

<sup>۱</sup> همان‌جا صفحه 65 و 66.

با این وجود انگلس از اختلاف زن و مرد به عنوان اختلاف طبقاتی سخن می‌گوید: در درون خانواده مرد بورژوازی زن پرولتاریت است.<sup>1</sup> اما «بورژوازی» «پرولتاریت» جایگاهی بر اساس رابطه انسان با تولید اقتصادی است نه تولیدمثل جنسی. طبقه‌بندی کردن آن‌ها به این ترتیب موجب رده‌بندی کردن روابط ناشی از تولیدمثل زیرمجموعه روابط ناشی از تولید می‌شود. به نظر متناقض می‌آید که انگلس به روابط مرد و زن در درون خانواده برای توضیح تقسیم کار در جامعه اشاره می‌کند، اما باز هم این روابط را زیر مجموعه تحلیل مربوط به تولید قرار می‌دهد. هیچ توضیحی برای این معما نمی‌دهد زیرا ارائه این توضیح خارج از موضوع‌های تحلیلی است، دیدیم که انگلس نقش لیه تاریخی خانواده را در سازندگی جامعه تصدیق می‌کند، همچنین تأیید می‌کند که سرچشمه تقسیم کار در درون نهاد خانواده بود که به جامعه تعمیم یافته است. با این وجود مقولاً تحلیل انگلس بردگی زن در خانواده را فقط به روابط تولیدی مربوط می‌داند. خانواده از طریق شیوه‌های تولیدی تاریخی تعریف می‌شود نه به عنوان بخشی که در تعریف اقتصاد یا جامعه داشته ایفا کند. قضیه بر عکس شده بود دیگر از خانواده به عنوان سرمنشاء تقسیم کار در کنار روابط اقتصادی سخن گفته نمی‌شود. زندگی اقتصادی سرنوشت خانواده را تعیین می‌کند.<sup>2</sup> انلس به جای

<sup>1</sup> «مانیفست کمونیست» مارکس.

<sup>2</sup> به مقاله «سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی» نوشته‌ی الی زارتسکی در مجله‌ی انقلاب سوسیالیستی، شماره‌های 13 و 14 بخش‌های اول و دوم (ماه‌های ژانویه و آپریل سال 1973) صفحات

آن که تحلیل کند چرا □ چگونه خانواده خود به □ ماییت از یک سیستم اقتصادی دست می‌زند نوشت، خانواده با نابودی سرمایه‌داری از هم پاشیده خواهد شد. □ تحلیل‌اش را در رابطه با «□ لین تقسیم کار» فراموش کرد □ در عو □ خانواده را نه به عنوان یک نهاد □ یژه سیاسی بلکه تنها به عنوان آینه جامعه ارزیابی کرد. انگلس اگرچه به مشکل زندگی زنان در چهارچوب فضای خصوصی خانگی آ"اهی دارد □ آن را تصدیق می‌کند (خارج □ مقابل با تولید اجتماعی) اما این مشکل را به عنوان آینه ر □ ابط تولید □ ناشی از مالکیت خصوصی ارزیابی می‌کند. در این چهارچوب، نقش زن در تولیدمثل (که نقش □ را در تولید محدود □ د می‌کند) مشکل‌ساز ارزیابی نمی‌شود. خانواده برای انگلس عالم صغیر اقتصاد سیاسی شده بود. «خانواده در برگیرنده‌ی مینیاتور تمامی تناقضاتی است که بعداً در سراسر جامعه □ □ لت گسترش پیدا می‌کند.»<sup>1</sup> انگلس از مرد به عنوان بورژوا □ زن به عنوان پر □ لتر در خارج از نهاد خانواده استفاده نمی‌کند. در جوامع بزرگتر جایگاه طبقاتی مردم بر اساس رابطه‌شان با □ سایل تولید تعیین می‌شود □ نه بر اساس جنسیت‌شان، انگلس برای تعریف تعلق طبقاتی از □ یطه‌های گوناگونی از معیارهای متفا □ تی در □ ن □ بیر □ ن از خانواده استفاده کرده است. اگر این طبقه‌بندی‌ها بر اساس پایه‌های قدر □ بنا نهاد

---

69 تا 125 و شماره 15 (ماه‌های می و ژوئن سال 1973) صفحات 19 تا 70. جهت بحثی پیرامون تحولات تاریخی و اقتصادی در خانواده مراجعه کنید.

<sup>1</sup> «منشاء خانواده» اثر انگلس صفحه 57.



شده است، می‌توان این تحلیل را به درون‌بیران از خانواده تعمیم داد. اگر کسی می‌خواهد بگوید که نهایتاً استفاده انگلس از اصطلاح بورژوازی/پرولتر در درون خانواده جنبه اقتصادی داشته است. بدیهی است که مفرضاً دیگری هم هست اگر چنین نبوده است، انگلس نمی‌توانسته تقسیم طبقاتی در خانواده‌ها بکشل مرد/بورژوازی، زن/پرولتر تقسیم‌بندی در جامعه را به شکل مالکیت/عدم مالکیت ناشی از درآمد تولید، ارائه دهد. اگرچه برای انگلس این‌ها نهایتاً یک معنا دارند، اما باید بدانیم ابتدا چه چیزی را در روابط خانوادگی سرمایه‌داری انعکاس می‌دادند؟ به نظر می‌رسد این مفرضاً با قدر ناشی از تفاوت‌های جنسیتی زن/مرد رابطه آن‌ها با تولیدمثل، ربط دارد. اما انگلس این مسئله را درنفا. انگلس اغلب از این معادله‌ی ساده رکت می‌کند: ستم برابر است با استثمار. برای‌ی‌جود طبقاً نشانه بی‌قدرتی است. با این‌جود هسته اصلی درک ستم بر زنان را دریافته است، این که ستم بر زنان بسیار پیچیده‌تر از استثمار زن است. انگلس با‌جود آن‌که تشخیص می‌دهد بردگی خانگی در درون خانواده نهفته است. معتقد است بین بردگی خانگی بردگی بر اساس کارمزدی تفاوتی (در نوع)‌جود ندارد. هر ناشی از سرمایه‌داری هستند. «رهایی زنان تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که آنان بتوانند سיעاً در تولید شرکت کنند □ کار خانگی بخش ناچیزی از وقت آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.»<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> «مساله زنان» نوشته‌ی فردریک انگلس (نیویورک، ناشران بین‌المللی سال 1951).

به نظر انگلس با پایان استنمار سرمایه‌ □ انتقال کارخنگي خصوصي به صنايع عمومي برابري □ اقصي زنان به دست مي‌آيد. عدم درك از تقسيم كار بر اساس جنسيت موجب مي‌شود كه □ تا اگر كار خانگي به خارج از خانه انتقال يابد باز هم اين كار، از نظر انگلس بر □ ش زنان خواهد بود. نتيجه آن كه با مطالعه تحليل‌هاي پرداخته شده توسط ماركس □ انگلس در «ايدئولوژي آلماني» □ سپس تكامل يافته آن را در «منشاء خانواده، مالكيت خصوصي □ □ لت» توسط انگلس، ر □ شن مي‌شود كه به اعتقاد آنان خانواده، □ دافل به لحاظ تاريخي، سازنده تقسيم كار در جاعه بود □ اين امر به نوعي بازتاب اقدام براي تقسيم كار بر اساس جنسيت بوده است. در ابتدا، ساختار خانواده به نوعي ساختار جامعه را تعريف مي‌كند □ بازتاب مي‌دهد. بر اساس مفهوم ماترياليستي، عامل تعيين‌كننده در تاريخ، در تحليل نهايي، توليد □ تجديد توليد زندگي بلا □ اسطه است. اين امر خود خصلت □ جانبه دارد: از يك سو توليد لوازم زندگي، غذا، پوشاك □ پناهگاه □ ابزار لازم براي توليد، از سوي ديگر توليد انسان‌ها، تكثير نوع، هر □ نوع توليد □ درجه رشد □ تكامل كار □ خانواده تعيين‌كننده‌ي سازمان اجتماعي است كه زندگي مردم را در يك □ رهي تاريخي خاص □ در يك كشور خاص تحت سلطه خود دارد.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> «منشاء خانواده، مالكيت خصوصي و دولت» انتشارات الي‌نور ليكوك (نيويورك، ناشران بين‌المللي سال 1972) صفحات 71 و 72.

این تحلیل در بحث مربوط به خانواده در جامعه‌ی سرمایه‌داری یعنی جایی که خانواده به عنوان بخشی از ساختار ر. بنایی که تماماً به عنوان بازتاب جامعه‌ی طبقاتی است از قلم افتاده است، ر. ابط مبتنی بر تولید مثل تابع ر. ابط تولید می‌شود. نکته‌ی مهم این است که ما نمی‌گوییم خانواده آینده‌ی جامعه نیست بلکه خانواده ر. نیاز به تولید مثل آینده‌ی ساختار پدرسالارانه ر. ایدئولوژی پدرسالارانه است. این رابطه‌ی ر. جانبه، بین خانواده/جامعه ر. تولید/تولید مثل است که محتوای زندگی زنان را تعریف می‌کند. تحقیق درباره‌ی ستم بر زنان را باید مبتنی بر شرایط اقتصادی ر. جنسی استوار نماییم. ما خواستار درک نه فقط استثمار اقتصادی بلکه ستم به‌طور کلی هستیم، این انتقاد ر. برای ارزیابی، سهم ر. یژه‌ی مارکس ر. انگلس مهم است، اما این انتقاد ر. نباید منجر به آن شود که تحلیل طبقاتی ر. یا ر. ش تاریخی ر. هستی‌شناسانه‌ی مارکس ر. انگلس را نپذیریم. مسئله این است که ر. ش ماتریالیسم تاریخی باید تعمیم یافته ر. ارتباط زنان با تقسیم کار بر اساس جنسیت ر. جامعه بر اساس تولید ر. تولید مثل را در بر گیرد.<sup>1</sup> تنها در این

---

<sup>1</sup> در اینجا از «ایدئولوژی» به معنی عقاید حاکم بر جامعه استفاده شده (نگاه کنید به «ایدئولوژی آلمانی» مارکس) در این مفهوم آن را تحریف‌کننده‌ی واقعیت و حامی وضعیت قدرت موجود می‌دانند. مشخص‌تر این که ایدئولوژی به معنی نظراتی است که از وضعیت قدرت مرد و قدرت سرمایه‌داری هر دو حمایت می‌کند. مهم است توجه داشته باشیم که گرچه شرایط مادی اغلب به وجود آورنده‌ی شرایط ایدئولوژی‌های معینی است، من ایدئولوژی و شرایط مادی را در رابطه دیالکتیکی با یکدیگر می‌بینم. هر یک تا حدی دیگری را تعریف می‌کند مثلاً این «نظر» که زنان ضعیف و منفعلاند هم تحریف‌ظرفیت‌ها و توانایی‌های

صور □ است که □ جود زن با تمامی پیچیدگی هایش درک می‌شود □ زندگی نوعی برای □ نیز مقد □ ر می‌گردد.

### برابرنهاد: زن به عنوان يك جنس

#### پدرسالاری و رادیکال فمینیست‌ها

آغاز جنبش رادیکال فمینیسم به‌طور سنتی به جنبش‌های زنان در طی سال‌های 69 □ 70 میلادی ربط داده می‌شود که پیوندهای تاریخی مهمی با لیبرال فمینیسم مری □ لستون کرافت، الیزابت کدی، استانتون هاریت تیلور میل دارد، زنانی که بسیار قبل‌تر از کت میلِت Kate Millett درباره‌ی سیاست‌های جنسی صحبت کرده بودند.<sup>1</sup> این زمان به شیوه‌ی ناقصی از قدر □ مردان به خاطر مرد بودن‌شان در جامعه‌ی که به «□ وزه‌های جنسی» تقسیم شده، سخن گفته بودند. آن‌ها با استفاده از اصطلاحاتی نظیر

---

زنان و هم به گونه‌ای توصیف واقعیت است واقعیتی که ایدئولوژی حاکم آن را تعریف کرده است.

<sup>1</sup> تعریف فمینیسم لیبرال به درک رفورمیستی تقسیم جنسی کار مربوط می‌شود. این تئوری‌ای است که محدودیت‌های نقش جنسیت را بازتاب می‌دهد اما پیوند بین نقش جنسیت و تقسیم کار و سرمایه‌داری را درک نمی‌کند. فمینیست‌های لیبرال اولیه که به محدودیت‌های تاریخی زمان خود مقید بودند نتوانستند ساختار قدرت مردانه سرمایه‌داری را توضیح دهند و به جای آن از ارزش‌هایی پشتیبانی کردند که بیش از پیش آن‌ها را در این ساختار درگیر کرد. آن‌ها نه تنها مقید به شرایط مادی (نبودن کنترل بر زاد و ولد و غیره) بلکه به ایدئولوژی لیبرالی آن زمان نیز که از قدرت برداشته‌های جسته گریخته و فردگرایانه ارائه می‌داد، بایبند بودند.

کاست درباره‌ی قدر □ سخن می‌گفتند □ درک ساختار قدر □ که از طریق تقسیم کار □ جامعه بر اساس جنسیت بر آن‌ها تحمیل می‌شد نائل شده بودند. ادعای این فمینیست‌ها رفرمیستی باقی ماند زیرا آن‌ها نتوانستند رابطه‌ی میان ستم جنسی، تقسیم کار □ جامعه بر اساس جنسیت □ ساختار اقتصادی طبقه را توضیح دهند.

امر □ زه رادیکال فمینیست‌ها نسبت به پیشینیان‌شان درک بسیار پیچیده‌تری از قدر □ بر اساس جنسیت دارند. با این درک جدید، درخواست‌های انقلابی برای انحلال پدرسالاری را جای‌گزین مبارزه برای □ ق رأی □ اصلاً □ قانونی کرده است. خانواده‌ی بیولوژیکی، تقسیم سلسله‌مراتبی جامعه بر اساس جنسیت □ نقش‌های جنسی باید مجدداً به‌طور بنیادی سازمان‌دهی می‌شود. تقسیم کار در جامعه بر اساس جنسیت نشان‌دهنده‌ی اساسی‌ترین نوع تقسیم سلسله‌مراتبی جامعه ما بر اساس نقش‌های مردانه □ زنانه است. این امر خود ساز □ کار اصلی کنترل برای فرهنگ مردم‌سالارانه است، همچنین این □ اقعیت را که نقش‌ها، اهداف، اقدامات □ کار به لحاظ جنسی تعیین شده‌اند را تأیید می‌کند. تقسیم کار در جامعه بر اساس جنسیت نشان‌دهنده‌ی کارکرد نظریه است که از تفلاً □ بیولوژیکی بین زن □ مرد استفاده می‌کند تا بین کارکردهای اجتماعی □ قدر □ فردی آن‌ها □ جه تمایز قائل شود.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> پیرامون تفسیرهای کلاسیک تقسیم کار نگاه کنید به کتاب «درباره‌ی انقیاد زنان» اثر اس.میل (نیویورک، فاست سال

رادیکال فمینیست‌ها در بسیاری موارد تحلیل‌های Stanton-Wollstonecroft Taylor را ناکامل □ نظریه‌ها □ سیاست‌های چپ را ناکافی می‌دانند. به نظر آن‌ها، تحلیل‌های موجود رادیکال فمینیست‌ها از جامعه نتوانسته بود رابطه بین ساختار نظام طبقاتی اقتصادی □ سیستم طبقاتی جنسی را توضیح دهد. رادیکال فمینیسم برای جبران □ اصلاح این کمبودهای نظری شکل گرفت □ گسترش یافت. زنان رادیکال فمینیست از تعریف مارکسیستی قدر □ □ معادل قرار دادن ستم بر زنان □ استثمار اقتصادی ناراضی بودند به نظر می‌رسد طبقه اقتصادی مرکز ثقل زندگی آن‌ها نبود.<sup>1</sup> ظاهراً قدر □ بر اساس جنسیت بیش از قدر □ بر اساس اقتصاد می‌بایست مرکز ثقل تحلیل‌های عمیق انقلابی قرار گیرد.

---

(1971) و «امیل» اثر جی.جی. روسو (لندن. جی.جی. دنت سال 1911).

<sup>1</sup> اگرچه مردهای چپ و زنان سوسیالیست غالباً برجسب بورژوازی به فمینیسم رادیکال می‌زنند به نظر من این برداشت ساده‌انگارانه و بنابراین به دلایل چندی مسأله‌زاست. تجزیه و تحلیل فمینیست‌های رادیکال در تحلیل کاستی خود مرز طبقات را درهم می‌ریزد و در این مفهوم هدفش مرتبط ساختن خود با واقعیت هم‌ی زنان است. بنابراین در چارچوب اولویت‌ها این تئوری بین ساختن خود با وقایع هم‌ی زنان است. بنابراین، در چارچوب اولویت‌ها این تئوری بین زنان طبقه کارگر و زنان بورژوا تمایزی قایل نمی‌شود و نارسائی چنین تمایزاتی را می‌پذیرد. در عین حال ریشه‌های این تئوری را بسیاری از زنان که می‌توان زنان طبقه کارگر نامید بسط و گسترش داده‌اند. نادرست است که گفته شود که فمینیست‌های رادیکال زنان بورژوا هستند. آن هم عمدتاً به این دلیل که زن «بورژوا» در چارچوب تجزیه و تحلیل طبقاتی مشخصاً مربوط به زنان هنوز هویتش تعیین نشده است.

رادیکال فمینیست‌ها تاریخ را پدرسالارانه □ مبارز □ تاریخی را ناشی از تضاد □ جنس می‌پنداشتند، □ قایق □ □ اقعیت‌ها بر اساس طبقه جنسی □ نه طبقه اقتصادی شکل می‌گیرند، جنگ بین مردان □ زنان است □ نه بورژوازی □ پرلتاریا، □ ابط بر اساس تولیدمثل □ نه بر اساس تولید تعیین می‌گردند.

رادیکال فمینیست‌ها به پدرسالاری از طریق تحلیل نقش‌های جنسی انتقاد می‌کنند. پدرسالاری یعنی نظام قدر □ بر اساس جنسیت، نظامی که مرد جایگاه برتر را در رابطه با امتیاز □ قدر □ □ اقتصاد داراست. پدرسالاری سازمان‌دهی سلسله مراتب مردانه جامعه است. اگرچه پایه‌های قانونی بنیادهای پدرسالاری □ اضح □ ر □ شن است، □ ابط اساسی قدر □ دست نخورده باقی مانده‌اند. نظام پدرسالارانه از طریق از □ اج □ خانواده، تقسیم کار بر اساس جنسیت □ تقسیم کار در جامعه محفوظ باقی می‌ماند. نقش‌های جنسی به نوبه‌ی خود بخش‌هایی از قدر □ □ ستم هستند. جایگاه زنان در این ساختار قدر □ نه بر مبنای ساختار طبقه اقتصادی‌شان بلکه بر مبنای سازمان‌دهی مستقل پدرسالارانه جامعه تعریف می‌شود. پدرسالاری به عنوان یک نوع ساختار قدر □ بیش از آ، که ریشه در ساختار تاریخی □ اقتصادی داشته باشد ریشه در □ اقعیت بیولوژیکی دارد. منشاء پدرسالاری در قدر □ بار □ ری زن نهفته است، پدرسالاری نمایش □ ر □ کنترل مرد است.

رادیکال فمینیست‌ها با این تحلیل پلی بین این دو بخش جداگانه خصوصی □ عمومی ایجاد کرده‌اند. جنس به مثابه مساله شخصی، مسائل سیاسی هم هستند. زنان بنابر سیاست‌های □ اکم بر جامعه، تحت ستم □ اقع می‌شوند. سیاست‌های جنسی است که به مردان امتیاز می‌دهد □ بر زنان ستم □ ا می‌دارد. ساختار جامعه بر اساس تقسیم جنسی قلمر □ فعالیت‌ها - کار - آرز □ ها □ امیال زنان را محدود می‌کند. «جنسیت مقوله‌یست درباره‌ی منزلت □ جایگاه آن در ارتباط با مفاهیم سیاسی.»<sup>1</sup>

### **شولامیت فایرستون: دیالکتیک جنسیت**

شولامیت فایرستون در کتاب خود تحت عنوان «دیالکتیک جنسیت» آن چه شاید نمونه‌ی از دیدگاه نظری رادیکال فمینیسم باشد را مطرح می‌سازد. فایرستون معتقد است ستم بر زنان بیولوژیکی‌گانه آنان مربوط است. قابلیت تولیدمثل زنان □ خانواده بیولوژیکی از علل اصلی تحت ستم بودن زنان است. ستم در جامعه بر اساس جنسیت است، قدر □ بر اساس جنسیت تقسیم شده است، به دیگر سخن □ اقعیت بیولوژیکی به شکل‌گیری طبقا □ بر اساس جنسیت می‌انجامد.<sup>2</sup> طبق نظر فایرستون: «زنان □ مردان به لحاظ

---

<sup>1</sup> نگاه کنید به «سیاست جنسی» اثر کیت، میلت (نیویورک، دبل. دی سال 1970) صفحه 24.

<sup>2</sup> «دیالکتیک جنس» اثر شولامیت، فایرستون (نیویورک، بنتم سال 1970)



کالبدشناسی متفلاً تند□ در نتیجه از امتیاز□ یکسانی برخوردار نیستند. تسلط يك گر□ ه بر دیگری ریشه در این تفلاً□ بین زن□ مرد دارد.<sup>1</sup> نظر تازه فایرستون در رابطه با طبقه بر اساس جنسیت آشکارا با تئوری‌های کلاسیک مارکسیستی در رابطه با طبقه تفلاً□ دارد. بنابر نظر فایرستون طبقه‌بندی‌های اقتصادی بنابر مالکیت خصوصی□ یا نوع رابطه با شیوه تولید معنایی ندارد. زنان نیز، به عنوان جنسیت، يك طبقه هستند. مردان طبقه دیگری در مقابل طبقه زنان به شمار می‌روند. ببینیم محد□ دیت‌های تحلیل فایرستون کدام است؟ فایرستون در تلاش برای پاسخ‌گویی□ رد نظریه اقتصادی قدر□ به شکلی مصنوعی□ یطه جنسیت□ اقتصاد را از هم جدا می‌سازد (این جداسازی از اشکال□ مهم تحلیل□ در رابطه با خانواده است.) فایرستون به جای آن که رابطه پدرسالاری - سرمایه‌داری را نشان دهد، پدرسالاری را به جای سرمایه‌داری می‌گذارد. از آنجا که تأکید□ بر جنسیت به عنوان ستم اصلی در □ان معاصر□ را از ملا□ظه□ اقعیت‌های پیچیده‌ی در رابطه با این ستم □ر می‌سازد، فایرستون موفق به ارائه يك دیدگاه همه جانبه□ ترکیبی نمی‌شود. این بدان معنی نیست که فایرستون به ستم اقتصادی بر زنان بی‌توجه است، بلکه به این معنی است که □ ستم اقتصادی را منبع اصلی ستم ارزیابی نمی‌کند. فرمول‌بندی یا این / یا آن دربارهی □ضعیت زنان موجب عدم رشد□ تکامل تحلیل‌ها می‌شود. اگرچه فایرستون از ابعاد اقتصادی قدر□ آگاه است اما

---

<sup>1</sup> همان‌جا صفحه‌ی 8.

تأکید □ ملا □ ظاهرش درباره‌ی زنان یا به عنوان موجود □ جنسی □ یا به عنوان موجود □ اقتصادی □ ی را از بحث درباره‌ی شرایط پیچیده زندگی زنان باز می‌دارد. بر اساس این تقسیم، زنان موجوداتی عمدتاً جنسی خواهند بود □ زندگی‌شان یک جانبه ارزیابی می‌شود. جداسازی بر پیچیدگی زندگی زنان غالب می‌گردد. همان‌گونه که تحلیل‌های مارکسیستی قصد ندارد ستم بر زنان را □ یژگی ببخشد، رایدکال فمینیسم هم توان درک □ اقعیت کامل زندگی اقتصادی زنان را ندارد □ در نتیجه از درک □ یژگی شرایط □ جودی زنان عاجزاند. به طور کلی پدرسالاری برای رایدکال فمینیست‌ها ساختار غیرتاریخی قدر □ است.

ایرادی که می‌توان به تحلیل فایرستون پیرامون بیولوژیکی □ برابری گرفت این است که فایرستون ساختار اجتماعی □ تاریخی تحلیل مارکس را نفی می‌کند □ در عو □ بیولوژی زنان را به عنوان □ ضعیفی فانی □ ایستا مورد بحث قرار می‌دهد. □ بیولوژی زنان را ذاتاً ستم‌گرانه می‌پندارد □ آن را در چهارچوب ر □ ابط قدر □ در زمینه فرهنگ □ جامعه تعریف نمی‌کند. مشکل این‌جاست که عدم برابری، مفهومی است که دلالت ضمنی بر مفاد اجتماعی دارد اما فایرستون از آن فقط در اصطلاح □ ا □ طبیعی □ بیولوژیکی استفاده می‌کند. □ قیقتی است که جسم زنان □ مردان به لحاظ بیولوژیکی متفا □ اند، اما سخن گفتن درباره‌ی این □ قیقت تحت عنوان عدم تسا □ ی، یعنی، تقلیل یک

ارزیابی اجتماعی به یک تفافا بیولوژیک<sup>1</sup> فایرستون با از بین بردن تمایز اختلاف بیولوژیک نابرابری بیولوژیک ناخواهانه بخشی از ایدئولوژی پدرسالاری را می‌پذیرد. تصدیق می‌کند که نمی‌توان نظام جنسی تبعیض‌آمیز را بر سبب منشا طبیعی آن توجیه کرد.<sup>2</sup> اما این تبعیض با این اصطلاحها هم قابل توضیح نیست. آن چه در این جا لازم است این است که نشان دهیم چگونه جنسیت زنان در طول تاریخ به شیوه‌های متفاوتی تعبیر تفسیر شده است. مفهوم تحلیل فایرستون این است که بین زن جامعه رابطه دیالکتیکی وجود ندارد، زن بنابر تقدیرش پدیده‌ی بیولوژیک است. به دیگر سخن، به نظر می‌رسد هیچ‌گونه سابقه تاریخی اجتماعی در رابطه قدر میان زن و مرد وجود ندارد. این امر فطرتاً ذاتاً با عدم تساوی بیولوژیکی قابل توضیح است. بیولوژی به خاطر تعاریف فرهنگی سیاسی به خاطر استفاده‌ی که از آن می‌شود برای توضیح تعریف رابطه قدر مهم است. در این حالت پدرسالاری نه یک نظام بیولوژیکی بلکه نظامی سیاسی است تاریخچه خاص خود را دارد. آگاهی از این امر که عوامل

---

<sup>1</sup> ممکن است افرادی بگویند قوی‌تر بودن یعنی برابر بیشتر یا این که بگویند نابرابری به لحاظ زیست‌شناختی وجود دارد زیرا مردان از زنان قوی‌ترند. اما بحث فایرستون این نیست. بحث او از این قرار است که زن چون تولیدمثل می‌کند ریشه نابرابری ما را به وجود آورده است. آبستنی به لحاظ تاریخی زنان را آسیب‌پذیر ساخت، اما امروزه آنها تا این حد آسیب‌پذیر نیستند. فایرستون تز خود را و نه تنها به لحاظ تاریخی درست می‌داند بلکه به عنوان تجزیه و تحلیل جدید و معاصر عرضه می‌دارد.

<sup>2</sup> «دیالکتیک جنس» اثر فایرستون صفحه‌ی 10.

جامع □ عمومی در رابطه با ستم بر زنان تأثیر دارند اهمیت دارد. اما آنگاه که □ یژگی های هستی ما به یک مقوله عام نسبت داده می شوند هستی زنان معنای محدودی می یابد. پدرسالاری در تمام طول تاریخ □ جود داشته است. اما این بدان معنا نیست که بین □ ران های گوناگون تاریخی تفلاً □ تی □ جود نداشته است. □ یژگی ها، معانی عمومی هستی پدرسالاری را شفافیت می بخشند. برای درك □ یژگی زندگی زنان به □ ر □ ند باید توجه داشت:

1- تعریف تاریخ بر اساس مبارزا □ طبقاتی یعنی فنودالیسم -

سرمایه داری - سوسیالیسم

2- تاریخ پدرسالاری آن چنان که در □ ره های یاد شده شکل گرفته است.

با □ جود آن که پدرسالاری در لحظاً □ مشخص شکل های □ یژیهی به خود گرفته درك آن بد □ ن توجه به هستی عامش غیر ممکن خواهد بود. برای مثال برای درك مفهوم مادری، تقسیم سلسله مراتب کار بر اساس جنسیت □ بالاخره خانواده باید به شکل های تجلی پدرسالاری در □ ران های گوناگون تاریخی توجه داشت. این □ ران های تاریخی بخشی از □ اقعیت های پیوسته تاریخی □ فرهنگي هستند. بد □ ن توجه به شکل های خاص □ یژیه پدرسالاری در □ ران های مختلف تاریخی، تعمیم دادن قضیه، غیر □ اقع □ می کنیم مهم است که تفلاً □ ها □ شباهت های پدرسالاری در □ ران فنودالیسم □ پدرسالاری در □ ران سرمایه داری را بدانیم. اگر بخواهیم مطمئن باشیم

که پدرسالاری در جامعه کنونی به یاتش ادامه نمی‌دهد لازم است به یژه از شباهت‌های شیوه اعمال پدرسالاری در ران‌های مختلف تاریخی آگاه باشیم. ر ابط پدرسالارانه در جامعه سرمایه‌داری با ر ابط پدرسالارانه در جوامع پیش سرمایه‌داری مرتبط هستند. عناصر پدرسالارانه‌ای که از ران پیش سرمایه‌داری به جا مانده‌اند را باید به مبارزه طلبید. این عناصر بد آن که سرمایه‌داری نیازی به آن‌ها داشته باشد بر جای باقی مانده‌اند. با مفاهیم سرمایه‌دارانه ر باره تعریف شده‌اند. بقای اشکال پدرسالارانه از ران پیش سرمایه‌داری، تاریخ پدرسالاری را بر ما عریان می‌سازد. چهارچوب نظریا غیر تاریخی غیر اجتماعی فایرستون به یژه در بحث ر پیرامون تکنولوژی محد دیت خود را نشان می‌دهد. به نظر ر، در نهایت تکنولوژی است که زن را از طریق جلوگیری از املگی یا تولیدمثل خارج ر می‌از شر بدنش رها می‌سازد. فمینیسم فرزند طبیعی تکنولوژی مدرن است. به همین دلیل تکنولوژی بنیاد اساس رهایی زن است. در پاسخ به چنین نظری باید تصدیق کرد که جلوگیری از املگی از راه‌های مختلف برای امر رهایی زنان مهم است. اما آیا امکان کنترل جلوگیری از املگی، سقط جنین غیره هرگز به چنان درجه‌ای از تکامل خواهد رسید که به زنان (به لحاظ سیاسی) امکان کنترل تولیدمثل را بدهد؟ شواهد عینی از کشورهای مثل لائوس کامبوج نشان می‌دهد که در این کشورها ق جلوگیری از املگی سقط جنین تا زمانی که جمعیت به د مطلوب نرسد، ممنوع است. برای انقلاب فمینیستی فایرستون ق کنترل بر تولیدمثل

ضرر آري است، اما به نظر غير ممکن مي رسد تکنولوژي چنين انقلابي را براي زنان ميسر سازد.

تحليل هاي آخرين فايرستون غير عقلائي است چرا که مي دانيم تکنولوژي يکي از عوامل اصلي مربوط به ساختار قدر □ در جامعه است. نياز مردان طبقا □ □ اکم رشد □ تکامل تکنولوژي را تعيين مي کند، بنابراين بدن ايجاد تغييراتي در قدر □ آنان ( □ همچنين کساني که اهداف به کارگيري از تکنولوژي را تعيين مي کنند) تکنولوژي نمي تواند رهايي بخش باشد. بايد نسبت به تکنولوژي □ انگيزه هايي که پشت تغيير □ تکنولوژي خوابيده است هوشيار □ منتقد باشيم.<sup>1</sup> مسئله ي کنترل تکنولوژي به مسئله مهم قدر □ مورد نياز □ مسائل ديگري که به شکل هاي مختلف در بحث من مطرح گرديده، اشاره دارد. زنان چگونه مي توانند اقدام انقلابي را در خدمت خودشان سازمان دهی کنند؟ تکنولوژي چگونه پيوندي با ساختار قدر □ اقتصادي - جنسي دارد. پايه توان انقلابي زنان در کجاها نهفته است؟ اگر انقلاب فمينيستي توسط تکنسین ها براي زنان ساخته نمي شود، پس بايد پاسخ به سئوال □ فوق را دقيق تر فرموله کنيم.

---

<sup>1</sup> مهم است بدانيم آيا تحولات تکنیکی و نوآوری هاي مربوط به کنترل زادوولد تنها به مسائل کنترل جمعیت در عصر وجود جمعیت اضافي مربوط است يا بازتاب دهنده ي دگرگوني هاي اساسي مربوط به شیوه ي نگرش به زنان در جامعه است. اين مهم است که آيا هنوز به زنان به عنوان ماشين توليد نوزاد نگريسته مي شود يا نه چرا که اين نظرات مي تواند پيشرفت فني را در خصوص کنترل زادوولد غيرمترقي بداند.

تأکید تحلیل‌های فایرستون بر این است که ستم جنسی را از سازمان‌دهی طبقاتی جامعه جدا سازد، در عین‌حال<sup>۱</sup> ی دریافتی که مصائب اقتصادی ستم بر زنان به هم ربط دارند<sup>۱</sup> دافل تا این<sup>۱</sup> د که هر زنی از این مصائب در رنج به سر می‌برد.<sup>۱</sup>

می‌نویسد<sup>۱</sup> تا زنان تحصیل کرده به اندازه مردان درآمد کسب نمی‌کنند. زن هنگامی که تصمیم به مراقبت از کودکان می‌گیرد از کمبود درآمد رنج می‌برد. همین امر خود بحث کاملاً بیولوژیک در رابطه با نیاز به انقلاب در<sup>۱</sup> ن خانواده را بی‌اعتبار می‌سازد. فایرستون می‌گوید قصد دارد ساختار اقتصادی نظام طبقاتی را به منشاء اصلی‌اش در نظام طبقه جنسی ربط دهد، اما این کار را نمی‌کند.<sup>۱</sup> تا اگر بپذیریم که به لحاظ تاریخی ستم اقتصادی پایه‌ی برای دفاع از ستم جنسی بوده است، امر<sup>۱</sup> ز شاهد آنیم که این<sup>۱</sup> نظام به جانبداری از یک‌دیگر مشغولند<sup>۱</sup> ابستگی<sup>۱</sup> جانب‌ی دارند. اگر این رابطه را با اصطلاح<sup>۱</sup> سببی<sup>۱</sup> جداگانه -<sup>۱</sup> گانه تعریف کنیم، آن را تحریف کرده‌ایم. در نوشته‌های رادیکال فمینیست‌ها چگونگی ارتباط این<sup>۱</sup> نظام غیرقابل تعریف باقی مانده‌اند. قدر<sup>۱</sup> با استفاده از اصطلاح<sup>۱</sup> جداگانه -<sup>۱</sup> گانه تعریف شده است. قدر<sup>۱</sup> در بنیاد اصلی‌اش بر پایه جنسیت<sup>۱</sup> نه اقتصاد قرار دارد. در تحلیل‌های نظری، برای تعریف نقش زنان در قدر<sup>۱</sup>، سرمایه‌داری ناپدید شده است. پیوند میان پدسالاری به عنوان یک نظام قدر<sup>۱</sup> بیولوژی زنان نیز نادیده انگاشته شده‌اند<sup>۱</sup> به جای برداشتی تاریخی از

---

<sup>۱</sup> «دیالکتیک جنس» اثر فایرستون صفحه‌ی 8.

ستم بر زن با جبرگرایي بیولوژیکی ر□ بر□ می‌شویم. □ گانه کردن□ قایع مادی تا آنجا پیش می‌ر□ د که رابطه بین این شرایط□ ایدئولوژی‌های□ مای آن را نیز از هم جدا می‌کند. مارکسیست‌ها□ رادیکال فمینیست‌ها در رابطه با پیوندها□ ارتباطا□ متقابل ایده‌ها□ شرایط□ افعی بحث کافر نکرده‌اند. نباید تعجب کنیم که با □ گانه جلوه دادن□ افعیت، مظاهر ایدئولوژیک□ افعیت هم از هم جدا می‌شود.

### هم‌نهاد: سوسیالیسم فمینیسم

#### استثمار و ستم

تحلیل‌های مارکسیستی به دنبال یافتن توضیحا□ تاریخی برای بررسی □ ابستگی‌های موجود در قدر□ نسبت به ر□ ابط طبقاتی - اقتصادی هستند، رادیکال فمینیسم با□ افعیت بیولوژیک قدر□ سر□ کار دارد. از سوی دیگر سوسیال فمینیسم تحلیل خود را در رابطه با قدر□ براسا منشأی طبقاتی آنو ریشه‌های پدرسالارانه‌اش قرار می‌دهد. در چنین تحلیلی سرمایه‌داری□ پدرسالاری به سادگی نظام‌هایی مستقل□ یکسانی ارزیابی نمی‌شوند. این □ نظام، در□ ال□ اضر،□ ابستگی □ جانبی به یکدیگر دارند.

من به عنوان یک سوسیال فمینیست معتقدم که ستم□ استثمار مفاهیم یکسانی نیستند، گرچه مارکس□ انگلس این مفاهیم را یکسان می‌پنداشتند. استثمار تجلی□ افعیت اقتصادی ر□ ابط طبقاتی سرمایه‌دارانه است. در□ مالی که ستم ناشی از قدرتی است که در چهارچوب ر□ ابط پدرسالارانه□ سرمایه‌دارانه



تعریف می‌شود. استثمار يك ارزیابی توصیفی از نیر□ ی کار زنان □ مردان در جامعه سرمایه داری است، ستم بر زن انعکاس استثمار □ به عنوان کارگر مزدبگیر در جامعه سرمایه‌داری □ هم‌زمان انعکاس ر□ ابطی است که زندگی □ را در سلسله مراتب جنسی پدرسالارانه تعیین می‌کند، ر□ ابطی که □ را به عنوان مادر - کارگر خانگی □ مصرف کننده در نظر می‌گیرد. قدر □□ یا عکس آن ستم، ناشی از، هم جنسیت □ هم طبقه است □ این امر از طریق ابعاد ایدئولوژیکی □ مادی پدرسالاری □ سرمایه‌داری آشکار می‌گردد. ستم در برگیرنده‌ی استثمار نیز هست اما ابعاد پیچیده‌تری از □ اقعیت را منعکس می‌کند. ستم ر□ ابط سلسله مراتب تقسیم کار □ جامعه را بر اساس جنسیت بازتاب می‌دهد. این نظام ستم که بر □ ابستگی متقابل سرمایه داری مو پدرسالاری □ عملاً در زندگی ر□ زمهره ما جریان دارد را من سرمایه‌داری پدرسالارانه نام نهاده‌ام. سرمایه داری پدرسالارانه تجلی همکاری معاصر این □ نظام است، اگر چه تکامل تاریخی سرمایه‌داری پدرسالارانه به □ اسط قرن هیجدهم در انگلستان □ □ اسط قرن نوزدهم در امریکا باز می‌گردد. هر □ □ ره، تکامل ر□ ابط ما بین پدرسالاری □ سرمایه‌داری صنعتی منعکس می‌کند. سرمایه‌داری پدرسالارانه طبقه تعریف از □ گانگی طبقه □ جنس - خصوصی □ عمومی - کارمزدی □ کار خانگی - خانواده □ اقتصاد - شخصی □ سیاسی - ایدئولوژی □ شرایط مادی، فراتر می‌ر□ د.

همان‌گونه که دیدیم مارکس □ انگلس معتقد بودن ستم بر مردان از جایگاه استثمار شونده‌ی ناشی می‌شود که به عنوان کارگر در جامعه سرمایه‌داری □ جود دارد، آنان □ جود زنان را در راستا □ به مواز □ جود مردان ارزیابی می‌کردند. مارکس □ انگلس این □ جود زن □ مرد را معادل هم می‌دانستند چرا که مطرح می‌کردند بردگی خانگی در جوهر □ طبیعت خود به مانند بردگی مزدی است. از آن‌جاکه مارکس □ انگلس شرایط خاص زندگی زنان را در رابطه با بردگی خانگی مورد تحقیق □ مطالعه قرار ندادند، از □ ی غفلت آن را بر □ سب کارمزدی تعریف می‌کردند. آنان زن پر □ لتر را در صورتی استثمار شده ارزیابی می‌کردند که در بازار کار شرکت داشته باشد اگر این زن پر □ لتر، برده خانگی بود □ را به عنوان برده‌ی کار غیرمزدی می‌دیدند. زندگی □ تنها بر □ سب کارمزدی مورد ملا □ ظه قرار می‌گرفت. بردگی خانگی به عنوان یک طبقه‌بندی جنسی مورد توجه قرار نمی‌گرفت. سرمایه‌داری زن را «استثمار» می‌کند، هیچ‌گونه درک □ تصویری از این که سرمایه‌داری پدرسالارانه در هماهنگی با یک‌دیگر چه تعریفی از «ستم» بر زنان ارائه می‌دهند، □ جود نداشت. مارکس □ انگلس نظریه فویرباخ را که می‌گوید شرایط عمومی (طبقه)، شرایط خاص زن را تعریف می‌کند، پذیرفتند.

امر □ زه به □ یژه با توجه به نظرا □ رادیکال فمینیست‌ها ما نه تنها معادل قرار دادن استثمار □ ستم را مشکل‌آفرین ارزیابی می‌کنیم بلکه همچنین می‌بینیم که با استفاده از مقولا □ خود مارکس از کار مولد به عنوان

کارمزدی نمی‌توانیم برده خانگی را به شیوه برده‌مزدی «استثمار شده» قلمداد کنیم. بردگان خانگی اگر بخواهند استثمار شده قلمداد شوند باید دست‌مزد دریافت کنند. زنان به عنوان کارگران خانگی هیچ‌گونه رابطه مستقیمی با دست‌مزد نداشته‌اند. با وجود آن که بهره‌کشی نیرمی‌کار در مورد کارمزدی - کار خانگی صور می‌گیرد (فقط شکل‌های متفاتی دارد) تقلیل ستم به استثمار در تحلیل‌های مارکسیستی در پیوند با معادله ساختار اقتصادی طبقه ساختار قدر در جامعه صور می‌گیرد. من از این اظهار نظر به این ترتیب فاصله می‌گیریم که معتقدم ستم بر زن ریشه در چیزی بیش از جایگاه طبقاتی (استثمار) دارد برای درک کامل رشن ستم بر زن باید به جایگاه در پدرسالاری (به لحاظ ساختاری ایدئولوژیکی) توجه داشت. رباطی اقداماتی‌یژه‌ی نظام سلسله مراتب جنسی در جامعه در چهارچوب ساختار طبقاتی یا درک ساختار طبقه در چهارچوب نظام جنسی جامعه بر فعالیت‌های انسان‌ها در سرمایه‌داری پدرسالارانه سایه افکنده است. این با هم وجود دارند اگر به طور مصنوعی کنار گذارده شود نمی‌توان قضیه را فهمید. در اینجا مهم است یادآوری کنم که در رابطه با این مسائل، پیوند (اقتصادی یا جنسی) ایدئولوژی نمی‌تواند جداگانه مورد بررسی قرار گیرند. زیرا تقسیم کار بر اساس جنسیت در جامعه آن‌چنان که می‌دانیم پایه‌های پدرسالاری را بنیاد می‌نهند دارای اشکال مادی (نقش‌های جنسی) واقعیت‌های ایدئولوژیک (کلیشه‌ها، اسطوره‌ها ایده‌هایی که نقش‌ها را تعریف می‌کنند) هستند، که

در هم تنیده شده‌اند. اگر جود زنان توسط سرمایه‌داری □ پدرسالاری □ از طریق ایدئولوژی‌ها □ نهادهای □ اکم تعریف می‌شود پس درک سرمایه‌داری به تنهایی یا پدرسالاری به طور مجزا، مسئله ستم بر زن را مورد بحث قرار نمی‌دهد. همان‌طور که جولیت می‌چل می‌نویسد: «سرنگونی اقتصاد سرمایه‌داری □ مبارزه سیاسی در این رابطه به خودی خود به معنای تغییر ایدئولوژی پدرسالاری نیست.<sup>1</sup> انقرا □ سرمایه‌داری ضرر □ رتاً به معنای انهدام نهادهای پدرسالارانه نیست. جدایی جنسی در مشاغل به شکل‌های گوناگونی در اتحاد شور □ ی - کوبا □ چین □ جود دارند. □ اقعیت این است که تاریخ این جوامع متفا □ بوده است □ محد □ دیت‌های مبارزه علیه پدرسالاری در الگوهای که در فرهنگ آنان دارای خصوصیا □ معینی است تعریف گردیده است. در زندگی زنان در این کشورها، به □ یژه در چین □ کوبا تحولا □ عظیمی رخ داده است اما نادرست است اگر بگوییم جدایی

---

<sup>1</sup> «تجزیه و تحلیل روان‌شناختی» اثر جولیت، میچل (نیویورک پانتئون، سال 1974) صفحه 414. در جنبش زنان گفت‌وگوی متنوعی بر سر ابعاد مفهوم فمینیسم سوسیالیستی جریان دارد و تا حدودی پرسش‌های مناسب هنوز تنظیم و تدوین می‌شود. در این خصوص جولیت، میچل در اثر خود تحت عنوان: «مالکیت زنان» (نیویورک، پانتئون سال 1971) در صفحه 99 این‌طور نظر داده است: «می‌بایست پرسش‌های فمینیستی را مطرح کنیم ولی سعی کنیم به پاسخ‌های مارکسیستی دست یابیم.» او در کتاب «تجزیه و تحلیل روان‌شناختی و فمینیسم» صفحات 364 و 365 هم‌چنان در تلاش تعریف و توضیح پرسش‌های «مهم» است. در آن‌جا می‌گوید: «به نظرم طرح این که چرا چنین شد؟» و به لحاظ تاریخی چه زمانی چنین پیش آمد؟ هر دو پرسش‌های اشتباهی هستند. فکر می‌کنم پرسش‌هایی که می‌بایست به جای این‌ها طرح شود عبارتند از: «چگونه اتفاق می‌افتد و چه زمانی در جامعه ما اتفاق می‌افتد؟» به دیگر بیان می‌توانیم این‌طور شروع کنیم که هم‌اکنون چگونه اتفاق می‌افتد؟

جنسي در مشاغل □ در جامعه در اين کشورها از بين رفته است. اخيراً در کوبا مسئله جدایی جنسي در مشاغل □ در جامعه در اين کشورها از بين رفته است. اخيراً در کوبا مسئله جدایی جنسي در مشاغل به عنوان مشکلي براي انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. همان طور که مي بينيم، پدرسالاري مقوله بيست در چهارچوب تقاطع فرهنگها، با اين □ ال در جوامع متفلاً □ به شکل هاي متفلاً □ تي از طريق نهادينه شدن سلسله مراتب جنسي تجلي مي يابد. طراً □ ي نقش هاي جنسي در جوامع متفلاً □ فرق دارد اما قدر □ در دست مردان بوده □ هست.

امر □ زه پدرسالاري، يعني قدر □ مردان از طريق نقش هاي جنسي در جامعه سرمايه داري اعمال مي شود، که در خانواده هسته يي نهادي شده است.<sup>1</sup> جوليت ميچل اين قدر □ را با «قانون قتل پيش تاريخي پدر» پيوند مي دهد.<sup>2</sup> ميچل براي يافتن پايه اصلي پدرسالاري در اين جنايت اسطوره يي در بين مردان در سپيده دم زندگي انسان به شکل گر □ ه اجتماعي، بيش تر به رابطه

---

<sup>1</sup> شيللا روبرتس در اثر خود: «آگاهي زن، دنياي مرد» (بالتيمور، پنگوئن سال 1973) اقتدار پدرسالارانه را مبتني بر پايه ظرفيت و توانايي توليد زن و کنترل بر شخص او مي داند. صفحه 17 جوليت. ميچل معتقد است پدرسالاري زنان را اشياء مبادله اي تعريف مي کند که پايه اش بر سوء استفاده از نقش زنان به مثابه زادوولد کننده گذاشته شده است. بنا بر اين جوليت. ميچل بر اين باور است که «مسأله تغيير دادن (پايان دادن) به اين قضيه نيست که چه کسي زادوولد مي کند و چگونه، بلکه مسأله از بين بردن پدرسالاري است.» (تجزيه و تحليل روان شناختي و فمينيسم صفحات 407 تا 408 و 416).

<sup>2</sup> نگاه کنيد به «تجزيه و تحليل روان شناختي و فمينيسم» اثر ميچل.

ایدئولوژی‌هایی که پدرسالاری تولید می‌کند اشاره دارد □ کمتر به نحوه شکل‌گیری مادی آن در ریا □ یار □ بی‌مرد □ زن می‌پردازد. □ ریشه عقده □ دیپ (افسانه‌ی یونانی) را در فرهنگ جهانی پدرسالاری می‌یابد. فرهنگ برای میچل بر اساس نظام مبادله امر □ زی به خصوص در شکل‌های ایدئولوژیک است. برای میچل پدرسالاری مقدم‌تر از سرمایه‌داری است زیرا □ به □ جود عمومی عقده‌ی □ دیپ با □ ر دارد.

من ادعا می‌کنم پدرسالاری از طریق نظم دادن جامعه از طریق جنسیت بر سرمایه‌داری تقدم دارد، نظم □ ترتیب دادن به جامعه به این طریق ریشه در تعابیر ایدئولوژیک □ سیاسی از تفلاً □ های بیولوژیک دارد. به دیگر سخن، مردان از این □ اقعیت که زنان تولیدمثل نوع انسان را به عهده دارند تعابیر خاص خود را برگزیده‌اند □ به لحاظ سیاسی از این تعابیر استفاده کرده‌اند. با توجه به این □ اقعیت معین تولیدمثل □ کنترل سیاسی آن، می‌بینیم که □ ابط تولیدمثل در فرمول‌بندی □ یژه ستم بر زن ریشه دارد. در عین □ ال فرهنگ خاصی از یک □ ره تاریخی به یک □ ره تاریخی دیگر، سلسله مراتب جنسی در جامعه را □ فظ می‌کند. برای من این که □ اقعاً عقده‌ی □ دیپ ابزار درک این فره‌وگ باشد مورد تردی است. امر □ زه تقسیم جامعه بر اساس جنسیت بر پایه تفلاً □ های □ اقعی که سال‌های تحت فشار ایدئولوژیک تحمل شده، □ جود دارد.

شرایط مادی، ایدئولوژی‌های موردنیاز را تعیین می‌کنند، □ ایدئولوژی‌ها به نوبه خود □ اقعیت‌ها را تحت تاثیر □ تغییر قرار می‌دهند. در این‌جا جریانی

بگانه جود دارد. زنان محصول تاریخ اجتماعی خویش هستند □ در عین □ مال زنانمی عوانند زندگی شان را شکل دهند. ماتریالیسم تاریخی از نظر سوسیالیسم فمینیستی این است که اگلهای ر □ ابط تولید در پیوند با ر □ ابط تولید مثل قرار دارد، □ رابطه‌ی مناسب □ تولید بد □ ن پیوند آن با ر □ ابطی که ناشی از جنسیت زنان است، درك □ تعریف نمی‌شوند.<sup>1</sup> □ فرمول‌بندی ایدئولوژیک این ر □ ابط کلید بحث ماست درك ماتریالیستی فمینیستی ما را به سوی درك شرایط خاص زندگی زنان در سرمایه‌دای پدسالارانه سوق می‌دهد. برخورد عمومی مارکسیست‌ها بر اساس طبقه □ رادیکال فمینیست‌ها ر □ سب جنسیت □ اقعیت ر □ ابط قدر □ در زندگی زنان را در هاله‌ی ابهام فر □ می‌برد.

### **پیشگامان ماتریالیست - فمینیست: سیمون دوبوار و جولیت میچل**

سیمون بوار در کتاب «جنس م» □ ر □ ابط متقابل جنسیت □ تاریخ را به نمایش می‌گذارد. □ می‌نویسد: «تقسیم به ب جنس یك □ اقعیت بیولوژیک‌اند نه یك □ یداد در تاریخ انسان» با این □ جود □ می‌نویسد، «ما باید □ اقعیت‌های بیولوژیکی را با استفاده از مفاهیم هستی‌شناسانه، اقتصادی، اجتماعی □ ر □ ان‌شناسانه مورد توجه قرار دهیم.» □ درك می‌کند که

---

<sup>1</sup> نگاه کنید به «زنان مقاومت و انقلاب» اثر رابوتهام که برای استفاده از این مدل ماتریالیسم تاریخی به منظور مطالعه تاریخ مفید است.

مردان، زنان را در نقش «دیگران» تعریف می‌کنند، □ همچنین متوجه است که مونیسم جنسی فر□ید □ اقتصادی انگلس برای تحلیل کامل ستم بر زنان مناسب نیستند.<sup>1</sup>

بینش □ لیه □ بوار توسط جولیت میچل در کتاب «صنف زنان» تکامل می‌یابد. در این کتاب بالرزس، میچل انتقاد □ سخت‌گیرانه‌ی به نظریه کلاسیک سوسیالیستی □ ارد می‌کند. این انتقاد □ پیرامون آن است که نظریه کلاسیک سوسیالیستی مسئله ستم بر زن را به آسانی در چهارچوب خانواده □ بی‌توجه به تف□ □ آن با دیگر ستم‌ها مورد بررسی قرار داده است. □ نمی‌پذیرد که مشکل زنان به این امر تنزل یابد که آن‌ها ظرفیتی برای کار ندارند، امری که فر□ دست شدن زنان را به بنیادهای مالکیت خصوصی ربط می‌دهد □ بر آن تأکید دارد.<sup>2</sup>

میچل چهار ساختار بنیادی برای فرموله کردن ریشه بی‌قدرتی زنان ارائه می‌دهد. «ساختارهای» (1 تولید 2) تولیدمثل (3 جنسیت □ 4) اجتماعی کردن کودکان که مجموعاً چهار بُعد □ جود زنان در جامعه سرمایه‌داری را تعیین می‌کنند. به نظر میچل برای مبارزه علیه ستمی که بر زنان اعمال

---

<sup>1</sup> «جنس دوم» اثر سیمون، دوبوار بخش 19 صفحات 33 و 34 (نیویورک بانتام سال 1952).

<sup>2</sup> نگاه کنید به کتاب «زنان: طولانی‌ترین انقلاب» صفحات 4 و 6 (مقاله، مطبوعات آزاد) اثر جولیت. میچل، همچنین نگاه کنید به فصل دوم همین کتاب و کتاب «مالکیت زن». اشاره شده است که خود نقش اساسی زنان به مثابه کارگری در جامعه را به طور کامل درک نکرده است. او زنان را نیروی کار حاشیه‌ای یا ذخیره نام‌گذاری می‌کند و نه نیرویی که هم برای کار خانگی و هم به مثابه کارگر مزدبگیر ضروری‌اند.



می‌شود ابتدا لازم است انواع ستم‌ها را از یکدیگر متمایز □ منفک نماییم. تولیدمثل کردن یکی از راه‌های طبیعی بچه‌دار شدن است. کارکرد بیولوژیکی مادر □ اقعیتی عمومی □ همیشگی برای تعریف کردن □ جود زن بوده است. زن پر □ رش دهنده □ تربیت کننده است به این ترتیب که «سرنوشت بیولوژیکی □ به عنوان مادر تبدیل به □ رفته فرهنگی □ به عنوان پر □ رش دهنده □ تربیت کننده کودکان می‌گردد.»<sup>1</sup> دلایلی که میچل در رابطه با □ جود تحت ستم زنان اقامه می‌کند بر پایه توانایی تولیدمثل زن □ عواقب اقتصادی □ اجتماعی که ناشی از آن است قرار دارد. توانایی زن برای تولیدمثل، مقاصد □ نیا □ اقتصادی □ اجتماعی □ ی را توضیح می‌دهد. مادری □ جود خانواده را یک ضر □ ر □ تاریخی برای زنان مبدل کرده است. در نتیجه زنان از صحنه زندگی تولیدی □ اجتماعی □ حذف شدند، این □ حذف موجب ایجاد نابرابری بین □ جنس □ بی‌قدرتی برای زنان می‌شود. چهار ساختار نامبرده شده قرار است مشمول فعالیت‌های زنان هم بشوند. تولید یا کار فعالیتی است که هم در داخل □ هم در خارج از خانواده □ جود دارد. تولیدمثل اغلب در چهار چوب خانواده صور □ می‌گیرد در □ مالی که تاثیر ساختار جنسی بر تمامی عرصه‌های زندگی زنان سایه می‌افکند. تربیت □ پر □ رش کودکان که توسط مادر صور □ می‌گیرد، به داخل خانواده □ جامعه در ستم بر زن با هم تشریک مساعی دارند. میچل اما به این نتیجه می‌رسد که با متمرکز شدن بر □ ی بحث اضمحلال خانواده (که فایرستون

---

<sup>1</sup> کتاب: «طولانی‌ترین انقلاب» اثر میچل صفحات 10 و 16.

در يك سوي اين بحث □ انگلس در سوي ديگر آن ايستاده‌اند) ضرر □ رتاً  
شرایط بهبود زندگي زنان □ اصل نخواهد شد. براي ميچل «سوسيالیسم  
□ تماماً نه اضمحلال □ نابودي خانواده بلکه ایجاد تحول □ گوناگوني در  
□ ابط اجتماعي مرسوم □ تحمیل شده به جامعه است.»<sup>1</sup> طبق تحليل ميچل  
خانواده در جامعه سرمایه‌داري همچون ستون □ مایتي اعمال ستم بر زنان  
ستم محسوب مي‌شود. چرا که خانواده هم از سرمایه‌داري □ هم از تقسیم  
کار □ جامعه بر اساس جنسیت □ مایت مي‌کند. به نظر □ ي، سرمایه‌داري  
تضادها □ نفاق‌ها را جزيي از زندگي مردم مي‌شمارد. خانواده پناهگاهی  
آرامش‌بخش در اين دريای تضادها □ نفاق‌ها است. خانواده از يك سو از  
طریق تولید نیر □ ي کار □ از سوي ديگر از طریق ایجاد فضا □ محلي براي  
مصرف به لحاظ اقتصادي از سرمایه‌داري □ مایت مي‌کند.

خانواده نقش ایدئولوژیک هم مي‌یابد چرا که فردگرایی، آزادي □ برابري را  
بنابر ساختارهاي بنيادي جامعه تر □ یج مي‌کند، اگرچه اين تر □ یج □ اين  
شعارها با □ اقعیت‌هاي اقتصادي □ اجتماعي جامعه مغایر □ دارند.<sup>2</sup> اهمیت

---

<sup>1</sup> همان کتاب صفحه 28. جالب است توجه کنیم که میچل در اثر  
خود: «تجزیه و تحلیل روان‌شناختي و فمینیسم» بر مناسبات  
بین خانواده‌ها متمرکز می‌شود و آن را کلید درک زنان در  
فرهنگ پدرسالارانه می‌داند، مناسبات بین خانواده است که  
انسان را از دیگر گروه‌هاي نخستی از نقطه‌نظر فرهنگی متمایز  
می‌سازد. (صفحه 372) بنابراین به لحاظ اجتماعي ضروري است  
ساختار خویشاوندی بدون همسري باشد. روان‌شناسي پدرسالاري که  
میچل به وجود می‌آورد بر پایه‌ي روابط ساختاري خویشاوندی  
پایه‌گذاري شده است.

<sup>2</sup> «مالکیت زن» اثر میچل صفحه 155.

تحليل ميچل در اين است كه □ به ابعاد گوناگون فعاليت‌ها □ نقش‌هاي زنان بد □ انكار ستم طبقاتي □ جنسيت زن، اشاره مي‌كند. □ بر تجربه زنان در □ ابط با عدم برخورداري از قدر □ متمرکز مي‌شود □ علت آن را در اين كه زن به مثابه موجودي جنسي □ بار □ ر، فردي □ متكش كه مسئول پر □ رش □ نگهداري □ تربيت كودكان است مي‌داند. ميچل □ شن مي‌كند كه ستم بر زن از جمله، بر پايه □ مائيت خانواده از نظام سرمايه‌داري، جهت اعمال ستم طبقاتي □ جنسي از طريق ساختارهاي گوناگون است. تحليل‌هاي □ ي امکان باز بيني قدر □ را كه شكل پيچيده‌يي گرفته، فراهم مي‌كند. در پايان با يك مشكل اساسي □ به □ هستيم □ آن اين است كه چگونه رابطه خانواده □ اقتصاد سياسي را در جامعه سرمايه‌داري پدرسالارانه توضيح دهيم.

### **تقسيم كار بر اساس جنسيت**

#### **در سرمايه‌داري پدرسالارانه**

#### **به سوي يك نظريه جديد فمينيستي**

يكي از مشكلات □ در راه ايجاد يك بحث قانع كننده درباره‌ي رابطه سرمايه‌داري با پدرسالاري اين است كه در گفتمان □ زبان □ زمره اين □ به عنوان □ نظام جداگانه بررسي مي‌شوند. براي اجتناب از چنين جدائي اشتباهي من درباره‌ي چگونگي همكاري پدرسالاري □ سرمايه‌داري بر سر ايجاد جدائي جنسي به □ يژه در مشاغل □ جامعه □ سپس در خانواده بحثي را

مطرح می‌کنم. تقسیم سلسله‌مراتبی کار بر اساس جنسیت شکاف‌های موجود در درون خانواده، اقتصاد را عمیق‌تر می‌سازد. بنابر رایج‌ترین تعریف از فعالیت‌ها، اهداف، ارزش‌ها، امیال و پاهای انسان‌ها بنابر جنسیت بیولوژیکی‌شان تقسیم کار، جامعه بر اساس جنسیت پایه ایدئولوژیک، ساختاری پدرسالاری، سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. این مساله زنان مردان را بر اساس نقش‌های سلسله‌مراتبی جنسی تقسیم می‌کند، شالوده‌ی وظایف محوله در وزه خانواده، اقتصاد است.

رابطه‌ی جانبیه پدرسالاری، سرمایه‌داری نشان‌دهنده‌ی قابلیت انعطاف این نظام در رابطه با نیازهای یکدیگر است. به دیگر سخن، وقتی کسی می‌گوید سرمایه‌داری برای کارکرد قاطع خود به پدرسالاری نیازمند است، منظور این است که ریاست برتری مردان به عنوان یک نظام سلسله‌مراتبی جنسی نیاز سرمایه‌داری (نظام‌های قبل از آن) را به اداره، کنترل کردن تامین می‌کند، نظام پدرسالارانه‌ی کنترل، برای اداره جامعه، نظام اقتصادی ضروری است. بنابراین نباید تحت‌الشعاع تحلیل رد. این بحث بر اهمیت نظام کنترل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی که ناشی از مردم‌سالارانه است، تأکید دارد. از آنجا که رابطه‌ی سود سرمایه کنترل اجتماعی به مشکلی نگشودنی به هم گره خورده است. (اما نمی‌توانند به هم تبدیل شوند)، پدرسالاری، سرمایه‌داری به یک‌دیگر در برگیرنده تبدیل شده است، رندی که در آن هر نظام عناصر خاص خود را دارد اما در عین حال به عناصر نظام متقابل نیازمند است.

سرمایه‌داری از پدرسالاری استفاده می‌کند □ پدرسالاری بر اساس نیازهای سرمایه تعریف می‌شود. این سخن ادعای قبلی را مبنی بر این که هر نظام هم‌زمان به نظام متقابل نیازمند است را رد نمی‌کند. هر نظام باید بر اساس نیازهای نظام متقابل خود را سازمان‌دهی می‌کند تا کیفیت‌های خاص آن را محافظت نماید، ممکن است نظام متقابل خصلت خاص □ ارزش یگانه‌اش را بدین ترتیب از دست بدهد. اگر بخواهیم ساده‌تر بیان کنیم چنین می‌گوییم: پدرسالاری به عنوان یک نظام سیاسی (به عنوان یک نظام برتری مردان) با فراهم آوردن سلسله‌مراتب جنسی در جامعه در جهت کنترل سیاسی نمی‌تواند به یک ساختار صرفاً اقتصادی استحاله یابد، در □الی که سرمایه‌داری به عنوان یک نظام اقتصادی ناشی از ارزش اضافی □ سد سرمایه، نظم پدرسالارانه را تغذیه می‌کند. پدرسالاری □ سرمایه‌داری با هم اقتصادی سیاسی جامعه را شکل می‌دهند، نه فقط یکی با دیگری بلکه ترکیبی از هر □ این مهم را به عهده دارد. در این‌گونه ساده کردن قضیه مشکلاتی پیش می‌آید. ساده‌نگری در درجه‌ی □ ل رابطه بین □ د پدیده (سرمایه‌داری - پدرسالاری) را دچار اختلال می‌کند. برای مثال، سرمایه‌داری از نوع خاصی از کنترل برخوردار است که صرفاً از طریق □ ابط اقتصادی طبقاتی در جامعه □ سازمان‌دهی در محل کار، ایجاد می‌گردد. □ البته بزرگترین ایراد مثال فوق این است که یک نوع هماهنگی در تمامی موارد بین □ نظام می‌بیند، در □الی که در □ اقعیت امر بین □ د نظام، به □ یژه هر چه بیشتر به سوی سرمایه‌داری پیشرفته □ رکت می‌کنیم، □ ابط پیچیده‌تر

می‌گردد. تضاد آن‌جا ظاهر می‌شود که زنان از سویی قربانی فشار کارفرمایان □ از سویی دیگر فشار شوهران‌شان می‌شوند. نقش زنان در بازار کار ظاهراً موجب □ ل شدن بخشی از کنترل پدرسالارانه می‌شود، زندگی □ گانه زنان به عنوان مزدبگیر □ مادر □ همسر □ زبهر □ ز عیان‌تر می‌شود. در عین □ حال □ اشیه‌یی شدن زنان در بازار کار يك نوع نظام سلسله‌مراتبی کنترل اقتصادی □ جنسی زنان را بازسازی می‌کند □ ساختار سلسله‌مراتبی جامعه بر اساس جنسیت را دست نخورده باقی می‌گذارد. تمکین به این نظام سلسله‌مراتبی □ کنترل پدرسالارانه در آن‌جا بر □ ز می‌یابد که زنان به خاطر نیاز سرمایه به نیر □ ی کار ارزان به ادام کامل در تمام بخش‌های نیر □ ی کاری راه منجر نمی‌شود. با □ جود آن که نیر □ ی کار زنان ارزش کم‌تری دارد □ ارزان‌تر به فر □ ش می‌رسد، نظام □ فاظت از نظم رایج در جامعه □ ارزان نگاه داشتن نیر □ ی کار زنان، از طریق □ اشیه‌یی نگه‌داشتن زنان در بازار □ فاظت می‌شود. امر □ زه توجیهی که برای دست‌مزد نابرابر □ ر □ ز □ گانه (کارمزدی - کار خانگی) زنان □ جود دارد، کمتر قابل دفاع است. جدایی جنسی □ جامعه قبل از سرمایه‌داری هم □ جود داشته است، اما در □ ران سرمایه‌داری پیشرفته در چهارچوب خانواده هسته‌یی نهادی □ مشخصاً تعریف شده است. جدایی جنسی در مشاغل □ جامعه امر □ زه نسبت به جوامع قبل از سرمایه‌داری ساختار □ کل □ شن‌تری دارد.<sup>1</sup> در جوامع ماقبل سرمایه‌داری خانه □ □ د تولید اقتصادی

---

<sup>1</sup> همان اثر صفحه‌ی 156. نگاه کنید به مقاله‌ی «خانواده‌ها»

بود. مردان، زنان، کودکان در خانه یا مزرعه در کنار هم کار می‌کردند تا نیازهای زندگی را زانه‌شان را تامین کنند. زنان مسئول زاییدن، نگهداری از کودکان بودند اما شکل نیازمندی، سازمان‌دهی کار فاصله نقش جنسی زن، مردم را محدود می‌کرد. این بدان معنی نیست که برابری جنسی بین زن و مرد وجود داشت بلکه منظور آن است که ساختار خاص نوع استفاده از جدایی جنسی در مشاغل در جوامع امری مورد توجه اهمیت قرار گیرد.

با پیدایش سرمایه‌داری صنعتی سازمان‌دهی قدیمی کار تغییر یافت. مردان از شیوه اقتصادی خانگی به شیوه اقتصادی مزدگیری رانده شدند. اما زنان به خانه رانده شدند. همان نقش‌های قدیمی غیرمولد جنسی، بچه‌داری برای‌شان در نظر گرفته شد. البته زنان قبل از سرمایه‌داری صنعتی هم «مادر» بودند اما مادری نقش منحصر به خود آنها در زندگی نبود، با سرمایه‌داری صنعتی زنان تبدیل به «زنان خانه‌دار» شدند. «زنان خانه‌دار» پرلتاریا با هم‌آورد صحنه شدند، نوع کارگر که مشخصه شرایط

---

نوشته‌ی لیندا. گوردن در «مقاله‌ی مطبوعات آزاد» و نوشته‌های ای گوردن، ام.جی. بول و ان. شرون تحت عنوان «زنان در جامعه آمریکا» در مجله‌ی «رادیکال آمریکا» شماره 5 (ماه‌های ژوئیه و اوت سال 1971) صفحه‌ی 4. و اثر میچل تحت عنوان: «تجزیه و تحلیل روان‌شناختی و فمینیسم» و «زنانگی در آمریکا» اثر مری، ایون (نیویورک: ویپوئیتز سال 1975) و «زنان کارگر آمریکا» اثر ا. راکساندال، ال. گوردون و اش. روزبای و «سرمایه‌داری» نوشته زارتسکی.

جامعه سرمایه‌داری پیشرفته به شمار می‌رود<sup>1</sup> کاری که زنان در خانه انجام می‌دادند دیگر کار به حساب نمی‌آمد. کار تولیدی اکنون کار مزدگیری بود، کاری که ارزش اضافی تولید می‌کرد<sup>2</sup> برای سرمایه سود به همراه می‌آورد. «به لحاظ کمی، کار خانگی، که شامل نگهداری از کودکان هم می‌شود، بخش قابل توجهی از تولید اجتماعاً لازم را در بر می‌گیرد. اما در جامعه‌یی که بر اساس تولید کالا پایه‌گذاری شده، کار خانگی غالباً «کار واقعی» محسوب نمی‌شود چرا که تجار<sup>3</sup> بازار کار در آن دخیل نیست.»<sup>2</sup>

شرایط تولید در جامعه، تولید<sup>4</sup> تولیدمثل<sup>5</sup> مصرف در داخل خانواده را تعریف می‌کنند<sup>6</sup> به آن شکل می‌دهند. همچنین شیوه‌ی تولید، تولیدمثل<sup>7</sup> مصرف در خانواده بر تولید کالا تأثیر می‌گذارند این<sup>8</sup> با هم اقتصاد سیاسی را تعریف می‌کنند. در چهارچوب یک اقتصاد سرمایه‌داری، پدیده‌ی سالارانه (جایی که سود<sup>9</sup> جود یک نظام کنترل<sup>10</sup> نظم سیاسی را ضروری می‌سازد<sup>11</sup> در عین<sup>12</sup> مال سود<sup>13</sup> لویت اصلی طبقه<sup>14</sup> اکم است) تقسیم مشاغل<sup>15</sup> جامعه بر اساس جنسیت به یک هدف خاص یاری می‌رساند. تقسیم مشاغل<sup>16</sup> جامعه بر اساس جنسیت، به جامعه از طریق خانواده ثبات<sup>17</sup> می‌بخشد. بدین ترتیب که خانواده چهارچوبی برای قلمرو<sup>18</sup> کار تعیین می‌کند<sup>19</sup> در این چهارچوب کار خانگی یا مزدی ندارد (برای زنان خانه‌دار) یا

<sup>1</sup> «سرمایه‌داری» اثر زارتسکی صفحه‌ی 114.

<sup>2</sup> «اقتصاد سیاسی رهایی زنان» نوشته مارگارت بنستون (فري پرس بامفلیت) صفحه‌ی 15.



مزد بسیار کمی دارد (برای خدمتکاران) □ یا در مقابله با کارمزدی در خارج از خانه مزد بسیار نابرابری دارد. بدیل آخر نشان می‌دهد که زنان چگونه قربانی نظام تقسیم مشاغل بر اساس جنسیت در جامعه طبقاتی می‌شوند. جایگاه آنان در بازار کار مزدگیری بر اساس «زن» بودنشان تعیین می‌شود امری که انعکاس‌دهنده مستقیم شیوه سازمان‌دهی جامعه بر اساس سلسله‌مراتبی جنسی است □ □ اول تامین سود بیش‌تر از سرمایه متمرکز است.

تمامی رندهایی که در رابطه با کار خانگی بوده‌اند به بقاء این نوع از کار در جوامع موجود یاری رسانده‌اند.

1- زنان از طریق انجام □ وظایف نقش‌هایی که برای‌شان در نظر گرفته شده ساختارهای پدرسالارانه را (شامل خانواده - کدبانو بودن - مادری) استحکام می‌بخشند.

2- همزمان، زنان کارگران جدید می‌زایند، کارگرانی برای کارمزدی □ کار غیرمزدی کار خانگی، آن برای مردان □ کودکان جامعه «مراقبت می‌کنند.»

3- زنان با مزد کمتر در کارهای مزدی مشغول به کار می‌شوند.

4- زنان با انجام نقش خود به عنوان مصرف‌کننده به □ وضعیت اقتصادی موجود ثبات □ می‌بخشند. □ به □ یژه این نقش از طریق ایدئولوژی □ بنیادهای پدرسالارانه □ ام □ بقا می‌یابد. به همان طریق که آن سوی تولید، مصرف است، آن سوی سرمایه‌داری نیز پدرسالاری است.

توجه به موارد اختلاف ایدئولوژی پدرسالاری □ زندگی مادی □ آقعی زنان اهمیت به‌سزایی دارد، با □ جود آن که همه زنان به عنوان یک گر □ ه از طریق مادر بودن ( □ کارگر نبودن) تعریف می‌شوند امر □ زه در ایالات متحده 45% زنان به عنوان نیر □ ی کار مزدبگیر در بازار کار اشتغال دارند □ تقریباً تمامی کار خانگی هم به □ ش آنان است. امر □ زه 38/6 میلیون زن شاغلند. «تقریباً یک چهارم زنان شاغل مجردند، نوزده درصد از آنان بیوه یا مطلقه □ جدا شده هستند □ 26 درصدشان با مردانی زندگی می‌کنند که در سال کمتر از 10 هزار دلار درآمد دارند.»<sup>1</sup> از آنجایی که زنان بر اساس ایدئولوژی □ اکم به عنوان کارگر تعریف نمی‌شوند بنابراین برای کاری که انجام می‌دهند مزدی هم دریافت نمی‌کنند □ یا مزد کمتر از مردان دریافت می‌کنند. تعریفی که بر اساس جنسیت زن از □ ارائه می‌شود، زن را به عنوان مادر □ مشغول انجام کار غیرمزدی نگاه می‌دارد □ یا به خاطر فر □ دست بودن کار مزدی با دست‌مزد پایین به □ ارائه می‌شود. در □ ن بحران‌های □ اد بیکاری، زنان قربانیان اصلی بیکاری هستند □ یا به آنان مشاغلی با دست‌مزدهای بسیار پایین پیش‌نهاد می‌شود. □ تا در جوامعی با اقتصاد مزدی باز هم تقسیم مشاغل □ جامعه بر اساس جنسیت به بقاء خود ادامه می‌دهد. ایدئولوژی پدرسالارانه با این تعریف از زن، به عنوان مادر شاغل خود را با این نوع جوامع تطبیق می‌دهد. زن هر

---

<sup>1</sup> نیویورک ششم دسامبر سال 1976 صفحه 69.

□ نوع کار را (کارمزدی - کار خانگی) با دستمزدی کمتر از دستمزد یک کارگر انجام می‌دهد.

بورژوازی از شیوه □ ساختاری که کار زنان در چهارچوب آن انجام می‌شود نفع می‌برد، مردان از کاری که زنان برای آنان در خانه انجام می‌دهند نفع می‌برند. تمامی مردان، از هر طبقه‌یی، البته به شیوه‌هایی متفاوت □، از نظامی که امکان □ رفاهی را از طریق جامعه پدرسالارانه در اختیارشان قرار می‌دهند، سود می‌برند. اگر ایدئولوژی □ ساختار نقش‌های جنسی گوناگون برای مرد □ زن بنیادهای عقیدتی جامعه را تشکیل نمی‌داد، ستم مزبور قابلیت سازمان‌دهی نداشت این ایدئولوژی به همراه نیازهای کاذبی که در □ ن جامعه طبقاتی ایجاد شده‌اند از تقسیم مشاغل □ جامعه بر اساس جنسیت □ راست می‌کند.

□ ماییت □ فاضلت طبقه □ اکم از خانواده نشان‌دهنده تعهد این طبقه به امر تقسیم کار بر اساس جنسیت است، امری که نه فقط سودهای کلان‌تر بلکه نظم سلسله‌مراتب فرهنگی □ سیاسی جامعه را نیز تضمین می‌کند. هنگامی که علیه تقسیم کار بر اساس جنسیت مبارزه می‌شود، به □ یژه هنگامی که این مبارزه نبرد علیه نظم سرمایه‌داری را نیز در بردارد، در □ اقع یکی از پایه‌های بنیادین سازمان‌دهی کار (که به □ یژه در □ ن خانه □ خانواده تأثیرگذار است اما در تمامی جوانب زندگی اجتماعی هم نقش دارد) به مبارزه طلبیده می‌شود. این مبارزه کارهای آزاد (که تقریباً به تمامی جنبه‌های زندگی نفوذ می‌کنند)، کار ارزان □ بنیاد سازمان‌دهی سیاسی □

اجتماعي جامعه، يعني همان سلسله مراتب جنسي را در معر □ خطر قرار مي دهد. نظم □ كنترل ناشي از سازمان دهی قدر □ که در چهارچوب سازمان دهی جامعه بر اساس جنسیت القا شده است بدین ترتیب در هم خواهد شکست. اگر بپذیریم که در جامعه سرمایه داری اساساً □ نوع کار □ جود دارد، کار مزدی □ کار خانگی، متوجه خواهیم شد که باید شیوهی تفکرمان را نسبت به کارگران تغییر داده □ اصلاح نماییم. آنچه در □ ال □ اضر بدان نیاز داریم این است که بفهمیم تفسیرهای طبقاتی چه رابطهی با مسائل زنان دارند. تعلق طبقاتی يك زن اغلب بر اساس جایگاه طبقاتی شوهرش تعیین می شود.<sup>1</sup> یعنی طبقه مقوله‌ی است که تقریباً بر اساس جنسیت مردانه تعریف شده است، زنان به عنوان موجود □ مستقل نگریده نمی شوند، مقولاً □ دچار اغتشاش شده اند. بر اساس کدامین ضابطه □ معیار زنان متعلق به طبقه متوسط هستند؟

«يك خانم منشي که از تحصيل □ فوق ديپلم کالج برخوردار است □ دختر يك آقای دکتر هم هست اما دست مزد ناچیزی دریافت می کند متعلق به طبقه متوسط □ یا □ تا گاهی قشر بالایی طبقه متوسط دانسته می شود در □ مالی که مردمی که راننده تریلی است □ تحصيل □ دبیرستانی دارد اما دست مزدی بسیار بالاتر دارد متعلق به طبقه کارگر □ یا قشر پایین طبقه متوسط دانسته

---

<sup>1</sup> امروزه مفهوم «طبقه» خواه برای تجزیه و تحلیل مردان به کار رود خواه زنان مقوله‌ای پیچیده و مسأله ساز است. این مفهوم پیچیده تر می شود زمانی که با زنان سروکار دارد زیرا این مقوله زنان را در مفهوم «کلاسیک» به مثابه موجودات مستقل به رسمیت نشناخته است.

می‌شود.<sup>1</sup> قتی طرح می‌شود که زندگی یک زن به طبقه متوسط از زندگی یک زن طبقه کارگر متفلاً تر □ آسان‌تر است اما درباره‌ی تفلاً □ زندگی زن طبقه متوسط □ مزد «هم‌طبقه‌اش» چیزی گفته نمی‌شود منظور چیست؟ چرا زنان خانهداری که هیچ‌گونه درآمدی ندارند به خاطر تعلق طبقاتی شوهرشان، از طبقه متوسط دانسته می‌شوند؟ آیا این زن به اندازه شوهرش از آزادی، استقلال، □ کنترل بر زندگی خویش برخوردار است؟ چگونه موفقیت □ با زن مجردی که درآمد ناچیزی دارد قابل مقایسه است؟

«طبیعتاً مردی که مارک طبقه متوسط یا طبقه بالا را (با هر تعریف خاصی که از این مقولاً □ ارائه می‌شود) بر پیشانی دارد دارای پول، قدر □، امنیت □ آزادی انتخاب برتری نسبت به زن □ هم طبقه خود است. اغلب زنان همسر □ مادر هستند □ کاملاً یا تا □ دی به □ مایت شوهرانشان □ بسته‌اند، □ آنچه را که مرد می‌دهد به □ تی □ زی می‌تواند بازپس گیرد.»<sup>2</sup>

عقیده‌ی من این نیست که با این سؤال‌ها مفهوم طبقاً □ را بی‌معنی □ مخدش سازمان □ یا اذعان دارم که زنان منافع طبقاتی ندارند □ یا زنان خانهدار (خدمت‌کاران) طبقه خاص خود را دارند. آنچه من می‌گویم این است که ما باید ابزار مفهومی □ لغوی خود، در رابطه با تفلاً □ قدر □ زنان در رابطه با مردان □ ساختار طبقاتی، را تکامل □ توسعه بخشیم. تنها در این صور □ موفق خواهیم شد تأثیر درك □ دانش‌مان از سازمان‌دهی زنان را مورد توجه

<sup>1</sup> «واقعیت اقتصادی و محدودیت‌های فمینیسم» دستخط شماره 1 (ژوئن سال 1973) صفحه 110.

<sup>2</sup> همان‌جا.

قرار دهیم. يك تحليل طبقاتي - فمینیستی باید از مرزهایی که بر اساس نوع کار زنان در اقتصاد سیاسی کشیده شده (کار در خانه □ کار مزدی) جستجویش را آغاز نماید. یعنی باید میان:

1- زنان شاغل در خارج از خانه، با توجه به ماهر یا غیرماهر بودنشان در بازار کار

2- خدمتکاران، با توجه به این که زنان خانهدار هستند □ یا زنان مرفه که کار نمیکنند.

3- زنانی که هم کار خانگی □ هم کار مزدگیری در خارج از خانه را انجام می دهند.

4- زنانی که از طریق کمک هزینه اجتماعی زندگی می کنند.

5- زنان بیکار

تفاوت □ قائل شویم. همچنین متأهل، مجرد □ یا مطلقه بودن زن نیز در تحلیل نوع کار □ جایگاه طبقاتی □ اهمیت دارد. در همین رابطه تعلق قومی □ نژادی نیز نقش مهمی بازی می کند.<sup>1</sup>

تحقیق □ مطالعه پیرامون آن که زنان گنجانیده شده در مقولاً □ فوق (با □ جود اختلافاً □ طبقاتی مابینشان) چگونه زایمان - نگهداری از کودکان -

---

<sup>1</sup> با وجودی که در این مقاله به مسأله‌ی نژاد پرداخته‌ام، ولی نژاد بخش لازمی برای تجزیه و تحلیل فمینیسم سوسیالیستی است. در بررسی رابطه بین جنس و طبقه، مسأله نژاد را از محدوده‌ی این نوشته کنار گذاشته‌ام. اما معتقدم که مسأله‌ی نژاد برای درک طبقه زنان و هویت جنسی مطلقاً ضروری است. از این لحاظ که این مقاله بحث نژاد را کنار گذاشته است می‌توان گفت بررسی ناکاملی است از ویژگی ستم زنان.

رابطه جنسی - مصرف - هزینه‌ی خانه را تجربه - درک می‌کنند، ضرر - دارد. در این تحلیل طبقاتی - فمینیستی هدف کشف نقشه‌ها - الگوهای گوناگون - بخرنجی است که مفاهیم درهم پیچیده‌شان، آینه‌ی پیچیدگی جدایی‌های طبقاتی - جنسیتی در زندگی - تجربه - اقصی - زمره زنان است.

مدلی که ما با آن کار می‌کنیم توجه مستقیمی به تفاوت‌های طبقاتی در زمینه رابطه بنیادین ما بین سلسله مراتب جنسی جامعه - سرمایه‌داری دارد. چنین تحلیل سوسیالیست - فمینیستی می‌تواند درباره‌ی این - نظام، که ذاتاً - نظام مجزا نیستند - در نتیجه با توجه به پیوستگی‌شان باید مورد توجه قرار گیرند، کاش نمایند. چنین مطالعه - رهیافتی می‌تواند به یکی از برجسته‌ترین هدف‌های رهایی زنان یاری رساند. در - اقص بدین - سیله می‌توان به توانایی زنان برای زندگی در یک محیط اجتماعی - نه یک خانه منفرد شده، توانایی زنان برای کار خلاق - نه کارهایی که - نیاز به فکر کردن ندارد، توانایی زنان برای دستیابی به آگاهی با - ش برخورد انتقادی - نه آگاهی کاذب - توانایی زنان برای طغیان علیه جنسیت ممنوعه با استفاده از مفاهیم جدید جنسیت، پی برد.

چند ملا - ظه درباره‌ی استراتژی:

ببینیم تمامی مب - ث - مقدمات - این مقاله چه اشاره - دلالتی بر استراتژی انقلاب دارد؟ بحث‌های مزبور می‌خواهد نشان دهد که مفاهیم موجود

درباره‌ی استراتژی انقلابی ناکافی هستند □ ما نیاز داریم که آن‌ها را مجدداً مورد بحث □ تأمل قرار دهیم.

□ لاً: مفهوم پراکنده‌ی توان انقلابی، برای اهداف سوسیالیستی - فمینیستی ناکافی است.

ثانیاً: در رابطه با این که آیا این توان، بر اساس تعاریف مارکسیسم کلاسیک، می‌تواند □ افعلاً در ایالات متحده تبدیل به □ افعیت شود بحث □ شبهه بسیار □ جود دارد.

با این □ جود من معتقدم تکامل تئوری □ استراتژی باید مرتبط باشد اما □ وزه فعالیت‌شان را تا □ دی جدا از هم می‌بینیم. تئوری به انسان امکان اندیشیدن به امکان □ جدیدتر را می‌دهد. استراتژی بر اساس این امکان □ جدید بنا نهاده می‌شود. بحث این مقاله به توسعه □ تکامل تئوری سوسیالیست - فمینیست اختصاص یافته بود □ من در رابطه با استخراج استراتژی از در □ ن این تئوری‌ها تردید دارم. استراتژی بهتر است از تلاش‌های سیاسی برای استفاده از تئوری استخراج شود. تلاش مجرد برای تعریف □ استخراج استراتژی از تئوری‌های جدید □ تکامل یافته، گرایش به تحمیل استراتژی‌های انقلابی موجود بر □ افعیت بسیار زیاد می‌شود. فرمول‌بندی‌های موجود درباره‌ی استراتژی تمایل به محدود □ تحریف کردن امکان □ جدید برای سازمان‌دهی تغییر □ انقلابی دارد.

اهمیت استراتژی سوسیالیستی - فمینیستی، در آن □ دی که □ جود دارد، در این است که این استراتژی از مبارزا □ زمره زنان □ هستی □ زانه‌شان



شامل تولید، تولیدمثل، نگهداری از بچه‌ها، مصرف □ اشتغال استخراج می‌گردد. توان آگاهی انقلابی زنان از این □ اقعیت ناشی می‌شود که زندگی زنان زیر سایه سرمایه‌داری - پدسالاری از مسائل شخصی (مثل نوع تغذیه‌ی کودکان‌شان) تا مسائل عمومی مثل مشاغل یکنواخت □ خسته‌کننده‌شان که به مهار □ کمتر نیاز دارد، □ بر اساس جنسیت ارزش‌گذاری شده □ دست‌مزد ناچیزتری دارد در هم کوبیده می‌شود. زنان در بازار کار با دست‌مزد کمتر به کار گرفته می‌شوند □ نظام خانوادگی که کمتر به کارشان می‌آید ثبات □ می‌بخشند. بر پایه این مسائل، آگاهی می‌تواند رشد یابد. ما باید فعالیت‌های سیاسی را سازمان‌دهی کنیم □ بر آگاهی سیاسی‌مان در رابطه با نوع ستمی که بر ما در چهارچوب سلسله‌مراتب □ تقسیم جامعه بر اساس جنسیت □ می‌شود بیافزاییم. ما باید بفهمیم چگونه این همه در ارتباط مستقیم با تقسیم سرمایه‌دارانه کار قرار دارد. آگاهی، همچنین از زندگی □ زمره ما هم می‌تواند نشأ □ یابد. من با نانسی هارسوک Nancy Hartsock موافقم □ قتی می‌گوید «قدر □ فمینیسم از تماس با زندگی □ زمره ناشی می‌شود. □ یژگی فمینیسم معاصر در ابتکار تازه‌یی است که شیوه‌ی تحلیلی است که قدر □ □ توانایی درک □ تغییر زندگی □ زمره را در بر داشته باشد.»<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> «تئوری فمینیستی و تکوین استراتژی انقلابی» اثر ناسی. هارت ساک (دست‌خط منتشر نشده، دانشگاه جان هاپکینز، سال 1976) صفحه 19 بخش‌هایی از این نوشته تحت عنوان «فمینیسم اساسی»

3- شاید کسی بپرسد ما از زندگی رزومه چه کسی صحبت می‌کنیم؟ با جود آن که در بین زندگی رزومه زنان تفاوت‌های واقعی جود دارد، در عین حال نقاط مشترکی بنیاد سازمان‌دهی مابین زنان از طبقه گوناگون را فراهم می‌آورد. تفاوت‌های واقعی باید مشخص شوند بر اساس لویت‌های سیاسی مورد منازع قرار گیرند. تشابه بر اساس رول نقش‌پذیری است که زنان در نظام پدرسالارانه در آن شریکند. مبارزه فمینیستی ناشی از این تشابه‌ها است. بسیاری از سوسیالیست فمینیست‌هایی که من در جنبش زنان با آنان کار کرده‌ام از ابتدا رادیکال فمینیست بوده‌اند آنان ابتدا ستم را به علت زن بودن‌شان اساس کرده‌اند بعد قتی فهمیده‌اند سرمایه‌داری با این نظام ستم‌گرانه کاملاً هم‌پیمان است، به سوسیالیسم نیز متعهد شده‌اند. همچنین زنان خانه‌دار بسیاری متوجه می‌شوند که زندگی رزومه آنان بخشی از یک نظام بسیار وسیع‌تر است. زنان شاغل، ماهر یا غیرماهر که دائماً نگرانی اضطراب مادر شایسته خانه‌دار بودن را با خود مل می‌کنند نسبت به شرایط زندگی گانه خود آگاهی می‌یابند.

مردان چپ زنان سوسیالیست اغلب می‌گویند زنان، به عنوان زن، به علت منزلت‌شان در خانه، به علت خصوصی کردن زندگی‌شان به

علت تعهد □ شان به طبقه شوهر خود نمی‌توانند سازمان‌دهی شوند. اما استراتژی که بتواند به هم‌هی زنان، بد □ ن توجه به تعلق طبقاتی‌شان، دست یابد تاکنون تجربه نشده‌است. دستیابی به این استراتژی طبیعتاً دشوار خواهد بود. اما این ر □ ند با تلاش زنان کنترل زندگی‌شان آغاز شده است.

## ازدواج ناخشنود مارکسیسم و فمینیسم

### پیش به سوی یک اتحاد پیشروتر

#### هایدی هارتمن

از دیدگاه مارکسیسم فمینیسم مثل ازدواج زن - مرد در قانون انگلیس بود. مارکسیسم فمینیسم یکی هستند آن یکی هم مارکسیسم است.<sup>1</sup> تلاش‌های اخیر اما برای ادغام مارکسیسم فمینیسم، ما فمینیست‌ها را راضی نکرده، زیرا مبارزه‌ی فمینیست‌ها به جزء فرعی مبارزه «عظیم‌تر» علیه سرمایه تقلیل داده شده است. برای تدایم آینده مشترکمان به یک ازدواج سالم‌تر یا جدائی نیاز داریم.

نابرابری‌های این ازدواج مثل اغلب وادت اجتماعی تصادفی نیستند. طبق سنت، مارکسیست‌های بسیاری معتقدند که فمینیسم در بهترین حالتش از اهمیت مبارزه طبقاتی می‌کاهد در بدترین حالت موجب تفرقه در صفوف طبقه‌ی کارگر می‌شود. این موضوع سیاسی عملاً موجب جذب زیر سایه قرار گرفتن فمینیسم در مبارزه طبقاتی می‌شود. نکته‌ی دیگر آن است که مارکسیسم با قدر تحلیل‌ی خاص خود اهمیت ویژه‌ی که به سرمایه می‌دهد، توجه به جنسیت را نامفهوم کرده است.

---

<sup>1</sup> در قوانین انگلیس «زن و مرد یکی انگاشته می‌شوند و آن یک شوهر است»  
کتاب تبعیض جنسی براساس جنسیت نوشته Paul Minn 1974 صفحه‌ی 117، با اقتباس از کتاب Commentarien نوشته‌ی K.M.Davidson 1965 صفحات 422-445.

ما در این نوشته این بحث را مطرح می‌کنیم در □الی که تحلیل‌های مارکسیستی دیدگاه اساسی □ دقیقاً به قوانین تاریخی □ به خصوص نسبت به سرمایه مبدل داشته، اما مقولاً □ مختلف مارکسیسم مساله جنسیت را همواره نادیده گرفته است. تنها يك تحلیل □یژه فمینیستی است که خصالت □ابط زن □ مرد را □شن می‌سازد. اما تحلیل فمینیستی نیز به تنهایی کافی نیست. تحلیل‌های مارکسیستی به □یژه □ش‌های تاریخی □ ماتریالیستی آن □ تحلیل‌های فمینیستی به □یژه در تعریف پرسنالاری به عنوان يك ساختار اجتماعی - تاریخی، برای درك رشد □ تکامل جوامع سرمایه‌داری غربی □ وضعیت نامساعد زنان لازم است. در این مقاله يك شیوه جدید تحلیل مارکسیستی - فمینیستی پیشنهاد می‌شود. در قسمت □ل به برخی □دهای گوناگون مارکسیستی به «مسأله‌ی زن» پرداخته می‌شود □ در قسمت □م به آثار فمینیست‌های رادیکال. در قسمت □م عدم کفایت تعاریف ارائه شده از پرسنالاری از سوی فمینیست‌های رادیکال بررسی می‌شود □ برداشتم را از پرسنالاری ارائه خواهم کرد. در قسمت سوم سعی شده با استفاده از قدر □ استحکام مارکسیسم □ فمینیسم پیشنهاداتی درباره‌ی تکامل جوامع سرمایه‌داری □□ وضعیت زنان در جهان امر □ز طرد شود ما تلاش کرده‌ایم از متدلوژی مارکسیسم برای تحلیل اهداف فمینیستی □ تصحیح عدم تعادل در عمل‌کردهای اخیر سوسیالیست - فمینیست‌ها استفاده کنیم □ در عین □ال سعی کرده‌ایم يك تحلیل جامع‌تر از ساختار اقتصادی - اجتماعی جوامع امر □زی پیشنهاد کنیم. در بحث‌مان □شن می‌کنیم که بر اساس بررسی‌های

ماتریالیستی پدرسالاری به طور ساده یک ساختار □ انی نیست بلکه یک ساختار اقتصادی - اجتماعی است. به نظر ما آشنایی با چگونگی سازمان‌یابی این جامعه بر اساس سرمایه‌دارانه - پدرسالارانه به شناخت بهتر این جوامع یاری خواهد رساند.

با اشاره به تنش منافع بین سرمایه‌داری □ پدرسالاری ما بحث می‌کنیم که انباشت سرمایه به تطابق □ جای‌دانی ساختار اجتماعی پدرسالارانه یاری می‌رساند. در این مقاله این نکته که ای □ لوزی جنسیت شکل □ یژه سرمایه‌دارانه به خود گرفته □ موجب تقویت □ ابط پدرسالارانه در سرمایه‌داری شده، طرح می‌کنیم. همچنین به‌طور خلاصه بحث خواهیم کرد که مشارکت سرمایه‌داری - پدرسالاری رشد □ گسترش یافته است در قسمت نتیجه‌گیری (بخش چهارم) این بحث را طرح می‌کنیم که رابطه‌ی سیاسی مارکسیسم □ فمینیسم موجب تسلط مارکسیسم بر فمینیسم در درک چپ‌ها از مسئله‌ی زنان شده است.

برای یک اتحاد مترقی‌تر بین مارکسیسم □ فمینیسم نه فقط به درک □ شن‌تر □ اصلاح شده از رابطه طبقه □ جنسیت نیاز هست بلکه اتحاد جدیدی باید جای‌گزین رابطه‌ی سلطه □ تابعیت، راهنمای سیاست چپ قرار گیرد.

### **1- مارکسیسم و مسئله‌ی زن:**

مسئله‌ی زن هرگز مسأله‌ی فمینیسم نبوده است. مسأله‌ی اصلی فمینیسم جست □ جوی علت نابرابری □ تسلط مرد بر زن بوده است. اغلب تحلیل‌های

مارکسیستی از □ وضعیت زنان به رابطه زن با سیستم اقتصادی بر می‌گردد تا به رابطه زن با مرد. تحلیل‌های مارکسیستی از مسئله‌ی زن سه محور اساسی دارد. این تحلیل‌ها ستم بر زن را در رابطه □ یا عدم رابطه با تولید می‌بیند، زن را جزئی از طبقه کارگر می‌داند □ دائماً رابطه زن □ مرد را تابع رابطه‌ی کار □ سرمایه ارزیابی می‌کند.

الف - مارکسیست‌های □ لیه شامل مارکس، انگلس، کائوتسکی □ لنین شاهد آن بودند که سرمایه‌داری تمام زنان را به طرف کار مزدی سوق می‌دهد آن‌ها شاهد ر □ ند ز □ ال تقسیم جنسی کار بودند.

ب - مارکسیست‌های معاصر مسئله‌ی زنان را در تحلیل □ یا □ ر □ زمره سرمایه‌داری، ادغام می‌کنند. در این دیدگاه تمامی ز □ ایای زندگی ما در □ ال بازتولید نظام سرمایه‌داری است □ ما همه کارگران این نظام هستیم.

ج - مارکسیست - فمینیست‌ها بر کار خانگی □ رابطه آن با سرمایه متمرکز شدند. در این دیدگاه، کار خانگی ارزش اضافی تولید می‌کند □ کارگران خانگی مستقیماً در خدمت سرمایه‌داران هستند.

این سه محور را مورد بحث قرار می‌دهیم:

انگلس در کتاب «منشاء خانواده □ مالکیت خصوصی □ د □ لت»<sup>1</sup> جایگاه فر □ دست زنان را بازشناخت □ آن را به مالکیت خصوصی ربط داد.

---

<sup>1</sup> ف. انگلس منشاء خانواده. مالکیت خصوصی و دولت. نیویورک 1972 با مقدمه‌ای از E.B. Leacock

انگلس می‌نویسد: «در خانواده‌های بورژوازی، زنان باید به مردان خود خدمت کنند. دارای یک همسر باشند، ارثینی برای اموال خانواده تولید کنند. به افزایش آن‌ها ادامه دهند. در بین پراگماتریا چون مالکیت خصوصی وجود نداشت زنان تحت ستم نبودند.» انگلس در ادامه می‌گوید: «زمانی که گسترش کار فردی کثرت رزاق خرد را از صحنه بیرون کرد زنان کودکان، همراه با مردان به ارتش کار پیوستند، اتوریته مرد خانه که رئیس خانه بود زیر گرفته شد. رباط پدرسالاری نابود شد.»<sup>1</sup>

برای انگلس شرکت زن در تولید کلید رهایی بود. به نظر سرمایه‌داری تبعیض جنسی را منسوخ با همه کارگران یکسان رفتار خواهد کرد، زنان به لحاظ مالی مستقل می‌شوند برابر با مردان در انقلاب پراگماتری شرکت می‌کنند پس از انقلاب قتی تمام مردم مزد بگیرند مالکیت خصوصی منسوخ شده، زنان از سرمایه مردان، رهایی می‌یابند. مارکسیست‌ها از مشقت زنان کارگر که در قیقت شغل داشتند (کار مزدی - کار خانگی) آگاه بودند. اما تأکیدشان بیشتر بر خصلت مترقی سرمایه‌داری در فرسایش رباط پدرسالارانه است تا نظام دائمی بر زن در خانه. طبق این نظر در سوسیالیسم، کار خانگی دسته‌جمعی می‌شود زنان از مشقت گانه رها می‌شوند. مفاهیم سیاسی نظرا مارکسیست‌های آلیه رشن است. آن‌ها معتقدند رهایی زن نخست نیاز به آن دارد که زنان

---

<sup>1</sup> ف. انگلس - شرایط زندگی طبقه‌ی کارگر در انگلیس 1958 صفحات 162-166 و 296.



همچون مردان، کارگر مرزدي شوند □ سپس در مبارزه عليه سرمايه‌داري به آن بپيوندند. طبق نظر مارکسيست‌هاي □ ليه سرمايه □ مالکيت خصوصي عوامل اصلي ستم بر زن هستند، همان‌طور که به طور کلي عامل استثمار کارگران نیز هستند.

مارکسيست‌هاي □ ليه با □ جود آگاهي از □ ضعيت اسفناك زنان در آن □ ره نتوانستند بر تفلاً □ هاي تجارب زنان □ مردان در □ ره سرمايه‌داري متمرکز شوند. آن‌ها ر □ ي مسائل فمينيستي يعني چه‌طور □ چگونه زن‌ها به دليل زن بودن‌شان تحت ستم قرار گرفتند متمرکز نشدند. در نتيجه آرمان □ علائق مردان را در ادامه ستم بر زن تشخيص ندادند. همان‌طور که در بخش سوم بحث خواهيم کرد، مردان از انجام ندادن کار خانگي - از انتقال کار بر □ ش زنان □ دختران‌شان □ اشغال جاي بهتر در بازار کار سود مي‌بردند. □ ابط پدرسالارانه سنتي سريعاً توسط سرمايه‌داري باز توليد شد. همان‌طور که مارکسيست‌هاي □ ليه اشاره مي‌کنند □ ابط پدرسالارانه بقايي کهنه □ سنتي نيستند که توسط سرمايه‌داري به سرعت از بين بر □ د، بلکه بر جاي مي‌مانند □ در کنار سرمايه‌داري به بقاي خود ادامه داده □ تقويت مي‌شوند □ چون سرمايه □ مالکيت خصوصي موجب استثمار زن به عنوان زن نمي‌شوند، امحاي آن‌ها به تنهائي به امحاي استثمار زن نمي‌انجامد. شايد معر □ فترين مقالاتي که نشان‌دهنده ي نظر □ مارکسيست‌هاي □ ره ي بعد

است. مقالاتي زارتسكي در نشريه‌ي انقلاب سوسياليستي باشد.<sup>1</sup> اگرچه زارتسكي در توافق با تحليل‌هاي فمينيستي معتقد است كه جنسيت پديده جديدي نيست كه توسط سرمايه‌داري خلق شده باشد،<sup>2</sup> ي تأكيد مي‌كند جنسيت در  $\square$ ران  $\square$ اضر توسط سرمايه‌داري شكل  $\square$ يژه‌يي به خود گرفته است زارتسكي بر تفلا  $\square$ هاي تجارب زنان  $\square$  مردان در  $\square$ ران سرمايه‌داري متمرکز مي‌شود. يك قرن پس از انگلس در  $\square$ ران بلوغ سرمايه‌داري،  $\square$ ي به اين امر اشاره مي‌كند كه سرمايه‌داري زنان  $\square$  مردان را به شكل مسا  $\square$ ي در بازار كار ادغام نكرده است.<sup>2</sup> بلكه سرمايه بين خانه - خانواده  $\square$  زندگي شخصي از يك سو  $\square$  محل كار از سوي ديگر جداييانداخته است. به نظر  $\square$ ي ايدئولوژي جنسيت در  $\square$ ران سرمايه‌داري به علت جدائي بين كارمزد  $\square$

---

<sup>1</sup> الي زارتسكي سرمايه‌داري - خانواده و زندگي خصوصي انقلاب سوسياليستي - بخش اول شماره 13 - 14 ژانويه - آوريل 1973. صفحات 125 - 66 و بخش دوم شماره 15. مه - ژوئن 1973 صفحات 70-19.

الي زارتسكي سياست‌هاي سوسياليستي و خانواده. انقلاب سوسياليستي شماره 19 ژانويه - مارس 1974. صفحات 98-83 و سرمايه‌داري. خانواده و زندگي شخصي. 1976 ماركس، فرويد و محدوديت زندگي روزمره نوشته‌ي Bruce Brown 1973. زندگي روزمره در دنياي مدرن. نوشته هنري لوفور سال 1971.

<sup>2</sup> در اينجا زارتسكي نظريه‌ي ام. فايرستون (در مقاله‌ي تحت عنوان سياست اقتصادي رهايي زنان. مانتي ريويو. شماره 21 بخش 1961. صفحات 27-13) را كه معتقد است زنان نسبت به مردان در مقابله با سرمايه‌داري، رابطه‌ي متفاوت دارند به نظر وي زنان در خانه اجناس مصرفي و مردان در خارج خانه ارزش مبادله توليد مي‌كنند. او كار زنان را ارزش مصرف در شكل ماقبل سرمايه‌داري ارزيابي مي‌كند. زارتسكي بر اين تفاوتها در كار زنان و مردان تأكيد دارد اما هر دو را در قالب سرمايه‌داري ارزيابي مي‌كند.

کار خانگی زهرآگین‌تر شده است. ستم مضاعف بر زنان به علت محرّمیت از کار مزدی است. زارتسکی می‌گوید مردان به علت انجام کار مزدی تحت استثمار هستند در حالی که زنان به علت عدم شرکت در کار مزدی تحت استثمارند. محرّم شدن زنان از کار، ابتدا توسط سرمایه‌سرمایه‌داری به جود آمد زیرا سرمایه‌داری هم در خارج خانه کار تولید می‌کند. هم به کار زنان در داخل خانه نیاز دارد. زنان با بازتولید تغذیه پرورش کارگران مزدگیر نیروی کار جوان به جود آمدن جزیره‌یی از صمیمتی در دریایی از خودبیگانگی در خدمت سرمایه قرار می‌گیرند. به نظر زارتسکی زنان، برای سرمایه‌کار می‌کنند نه برای مردان. فقط جدایی بین خانه محل کار خصوصی شدن کار خانگی ناشی از سرمایه‌داری موجب می‌شود به نظر می‌رسد که زنان برای مردان در خانه کار می‌کنند.

تفاوت بین ظاهر این که زن برای مرد کار می‌کند واقعیت این که زن برای سرمایه‌کار می‌کند موجب جهت‌گیری اشتباه جنبش‌های زنان شد. زنان باید تشخیص دهند که جزئی از طبقه‌ی کارگرند اگرچه در داخل خانه کار می‌کنند.

به نظر زارتسکی پدیدار شدن «زن خانه‌دار» در کنار پرتاریا نشانه‌ی ویژه جوامع پیشرفته سرمایه‌داری است.<sup>1</sup> جداسازی زندگی آن‌ها هم شوهر پرترا هم زن خانه‌دار را تحت ستم قرار می‌دهد. تنها یک باز

---

<sup>1</sup> ا. زارتسکی «زندگی خصوصی» قسمت اول صفحه 114.

تعریف از «تولید» که شامل کار زنان در خانه □ تمامی فعالیت‌های لازم اجتماعی دیگر امکان می‌دهد که سوسیالیست‌ها برای ساختن یک جامعه که در آن این جدایی مخرب از بین برود □ مبارزه کنند. طبق نظر زارتسکی زنان □ مردان باید با هم (یا جداگانه) بجنگند تا قسمت‌های جدا شده زندگی را به هم متحد کنند □ یک سوسیالیسم انسانی که تمامی نیازهای شخصی □ اجتماعی را پاسخگو باشد، بسازند. با شناخت سرمایه‌داری به عنوان ریشه مشکل، می‌توان پایان آن را موجب پایان جدایی‌ها، به هم پیوستن‌ها □ رفع ستم از زن □ مرد دانست.

تحلیل زارتسکی مدیون جنبش فمینیستی است اما □ نهایتاً از اصلاح جهت جنبش فمینیستی سخن می‌گوید. زارتسکی مباحث فمینیست‌ها را در مورد □ جود جنسیت قبل از سرمایه‌داری اهمیت □ کار خانگی برای باز تولید سرمایه قبول دارد. □ تشخیص می‌دهد که کار کاهنگی سخت □ طاقت‌فرساست، آن را تحقیر نمی‌کند □ از مفاهیمی چون برتری مردانه □ «جنس‌گرایی» استفاده می‌کند. اما تحلیل‌های □ نهایتاً بر جدای متمرکز است. بر مفهوم تقسیم، به عنوان ریشه مساله، تقسیمی که به سرمایه‌داری نسبت داده می‌شود مانند بحث «□ وزه‌های مکمل» در □ ائل قرن بیستم، در این بحث طرح می‌شد زن □ مرد اگرچه جدا هستند، مکمل هم‌اند □ به یک اندازه مهم هستند. زارتسکی به طور کلی □ جود □ اهمیت نابرابری بین زن □ مرد را رد می‌کند. تمرکز □ بر رابطه زن، خانواده □ □ وزه خصوصی در سرمایه‌داری است. به قول زارتسکی که می‌گوید «□ تی اگر سرمایه‌داری

□ زن □ ه خصوصی را تعیین کند این سؤال پیش می‌آید که چگونه مرد جز □  
نیر □ ی کار است □ زن در □ وزه خصوصی؟ پاسخ دادن به این سؤال بد □ ن  
مراجعه به پدر سالاری غیر ممکن است. تسلط سیستماتیک مرد بر زن اصل  
قضیه است. به نظر ما شکل خانواده - بازار کار - اقتصاد □ جامعه به  
سادگی در تقسیم کار محدود نمی‌شود بلکه در سیستمی است که مرد را در  
جایگاه برتر □ زن را در جایگاه ر □ تر قرار می‌دهد. همان‌طور که انگلس  
مالکیت خصوصی را در سرمایه‌داری عامل ستم به زن می‌انگارد.  
زارتسکی □ وزه ی خصوصی را جز □ عوامل اصلی بر می‌شمارد. □ معتقد  
است زنان به علت این که کارگران خصوصی خانه هستند تحت ستم □ اقع  
می‌شوند.

انگلس □ زارتسکی جامعه □ خانواده ماقبل صنعتی شدن را، جایی که مردان  
□ زنان □ بزرگان □ کودکان در □ □ د خانواده مدار با هم‌دیگر کار می‌کنند،  
□ همه در زندگی اجتماعی شرکت دارند ر □ ماننیزه می‌کنند. سوسیالیسم  
انسانی زارتسکی خانواده را مجدداً متحد می‌کند □ «کارگاه خوشبختی» را  
برپا می‌کند.

□ قتی از این مسئله صحبت می‌کنیم که سوسیالیسم خواست زنان □ مردان  
است ر □ شن نیست که آیا همه ما برای یک نوع سوسیالیسم انسانی می‌جنگیم،  
آیا همه ما برداشت یکسانی از رزمی که برای رسیدن به آن‌جا لازم است  
داریم □ تا چه □ د سرمایه را به تنهایی عامل ستم کنونی می‌دانیم؟ زارتسکی  
می‌گوید: «به نظر می‌رسد کار زنان برای مردان است اما در اصل برای

سرمایه‌داری است ما می‌گوییم کار زنان در خانواده □ افعالاً برای مردان است، اگر چه قطعاً سرمایه‌داری را هم باز تولید می‌کند. بازسای تصویري از تولید ممکن است به اندیشه ما درباره نوع جامعه‌ی که می‌خواهیم ایجاد کنیم یاری رساند اما از امر □ ز تا ساختن آن جامعه، مبارزه بین مردان □ زنان باید همراه با مبارزه علیه سرمایه ادامه پیدا کند. مارکسیست - فمینیست‌ها مبارزه فمینیستی را تابع مبارزه علیه سرمایه کرده‌اند.

تحلیل نظري م.د.کوستا M.D.Costa درباره رابطه کار خانگی با سرمایه □ جایگاه کار خانگی در جامعه سرمایه‌داری بحث مهمی ارائه کرده است. اما پیرامون رابطه زن □ مرد در کار خانگی بحثی نکرده است جایگاه سیاسی بحثی که م.د. کوستا مطرح کرد، مهم بود. به نظر □ زنان باید برای کار خانگی تقاضای دست‌مزد کنند. این ایده به شکل □ سیعی آگاهی زنان را در جنبش زنان در مورد کار خانگی ارتقا داد □ هنوز در میان گر □ ه‌هایی زنان آمریکا مورد بحث است. کوستا با طرح این که زنان در خانه نه فقط به □ سیله باز تولید نیرو □ ی کار خدمت مهمی به سرمایه ارائه می‌دهد بلکه همچنین با کارشان ارزش اضافی نیز تولید می‌کنند. م.د. کوستا آگاهی چپ را نسبت به مسئله کار خانگی بالا برد □ به بحثی طولانی درباره‌ی رابطه کار خانگی □ سرمایه دامن زد. کوستا با درک فمینیستی از کار خانگی به عنوان کار □ افعی ادعا می‌کند در □ ران سرمایه‌داری کار خانگی کاری است قانونی □ باید برای آن دست‌مزد تعیین کرد. زنان باید برای کار خانگی تقاضای دست‌مزد کنند □ اجازه ندهند به عنوان نیرو □ ی کار سنتی که در آن

به طور مضاعف کار می‌کنند<sup>1</sup> باز خدمات خانگی برای سرمایه را چه مجاهی<sup>2</sup> چه در برابر دست‌مزد به ش کشند. م.د. کوستا پیش‌نهاد می‌کند که زنان با دریافت مزد برای کار خانگی می‌توانند آن را به شکل جمعی سازمان دهند. مراکز عمومی نگهداری از کودکان آشپزخانه‌های جمعی<sup>3</sup> ... تهیه کنند.<sup>2</sup> درخواست دریافت دست‌مزد آگاهی آنان را در رابطه با کاری که انجام می‌دهند بالا خواهد برد<sup>4</sup> متوجه اهمیت اجتماعی<sup>5</sup> خصوصی<sup>6</sup> آن می‌شوند. به این ترتیب<sup>7</sup> این قدم لازم به سوی یک تغییر فراگیر اجتماعی برداشته می‌شود.<sup>3</sup>

به نظر م.د. کوستا اهمیت اجتماعی کار خانگی در نیاز سرمایه به آن هفته است<sup>4</sup> در این جاست که نقش استراتژیک زنان اهمیت می‌یابد. با تقاضای

---

<sup>1</sup> م.د. کوستا. زنان و انهدام جامعه. در قدرت زنان و انهدام جامعه نوشته کوستا - چیمز. 1973 صفحه 78.

<sup>2</sup> جالب است که در مقاله اصلی (منبع شماره 7) کوستا می‌گوید دست‌مزد برای کار خانگی تنها موجب تثبیت نقش خانه‌داری زنان می‌شود. (صفحات 32-34) اما در یک یادداشت (شماره 16 صفحه 52) او از محبوبیت این خواسته و استفاده‌ای که از آن جهت ارتقا آگاهی می‌توان برد سخن می‌گوید از آن پس او فعالانه از این خواسته حمایت می‌کند. رجوع کنید به کوستا. یک اعتصاب عمومی در کارتام بدون دست‌مزد، زنان، کار خانگی و حق دریافت دست‌مزد 1975.

<sup>3</sup> در مقاله آمده است: «ما باید روشن کنیم که در چارچوب دست‌مزد، کار خانگی نه تنها اجناس سودمند تولید می‌کند بلکه بر تولید ارزش اضافی نیز تأثیر دارد.» صفحه 31. در یادداشت 12 آمده است: منظور دقیق ما این است که کار خانگی به عنوان کار، نقش تولیدگراییانه به مفهوم مارکسیستی آن دارد یعنی تولید ارزش اضافی می‌کند، صفحه 52. به اعتقاد ما این ادعا تاکنون چنین سخت‌گیرانه مطرح نشده بود البته مارکسیستها به این ادعا پاسخ مفصلي داده‌اند.

<sup>4</sup> مقالات مربوط به این مبحث:

دستمزد براي کار خانگي □ با رد شرکت □ همکاري در بازار کار زنان مي‌توانند مبارزه عليه سرمايه‌داري را پيش برند. سازمان‌هاي اجتماعي زنان مي‌توانند نسبت به سرمايه‌نير □ ي براندازنده باشند □ پايه‌هاي مبارزه را نه فقط بر اساس مقل □ مت عليه تجل □ ز سرمايه بلکه ساختن جامعه نوين بگذارند.

م.د. کوستا معتقد است مردها در برابر آزادي زنان مقل □ مت نشان خواهند داد مقل □ متي که با متشکل شدن زنان در سازمان‌هايشان صور □ مي‌گيرد.

- 
- ل. فوگل خانواده زميني نشريه آمريکاي راديکال شماره 7- بخش 4-5-1973 صفحات 9-5.
- ج. گارشتاين. کار خانگي و سرمايه‌داري. امريکاي راديکال - شماره 7 بخش 4 و 5.1973 صفحات-151-128
- ج. هاريسون. اقتصاد سياسي کار خانگي. بولتن کنفرانس اقتصاددانان سوسياليست - شماره 3 بخش 1 سال 1973.
- و. اسکامب. زن خانه‌دار و کار او تحت سيطره سرمايه‌داري، نشريه نيولفت ريويو. شماره 83 سال 1974 صفحات 4-23.
- ه. وين رايټ، ب. مگاس، م. کاسان نقدي بر مقاله زن خانه‌دار و کار او تحت سيطره سرمايه‌داري. نيولفت ريويو. شماره 89 سال 1975 صفحات 71-59.
- ج. گاردنير کار خانگي زنان. نيولف ريويو. شماره 89 سال 1975 صفحات 58-47.
- ج. گواق. ج هاريسون، باز هم درباره کار غيرتوليدي و کار خانگي. بولتن کنفرانس اقتصاددانان سوسياليست - شماره 4 بخش 1 سال 1975.
- س. هايملويت. ج گاردنير. م. مکينتاش کار خانگي زنان بولتن کنفران اقتصاددانان سوسياليست - شماره 5 بخش 2 سال 1975.
- و. اسکامب کار خانگي پاسخي به نقدها. نيولفت ريويو. شماره 94 سال 1975 صفحات 96-85.
- ت. في کار خانگي تحليل از کار خانگي و رابطه آن با روند توليد نشريه مجله اقتصاد سياسي راديکال شماره 8 بخش 1 سال 1976 صفحات 8-1.
- س. هيمل و ايت، س موهن کار خانگي و سرمايه. نشريه مجله اقتصاد سياسي راديکال شماره 1 بخش 1 سال 1977 صفحات 31-15.



اما این مبارزه در رسیدن به هدف نهایی سوسیالیسم يك امر جنبي است. برای □ مبارزه زنان انقلابی است نه به دلیل فمینیست بودنشان بلکه به خاطر ضد سرمایه بودنشان. □ در انقلاب جایی برای مبارزه زنان از طریق این که زنان ارزش اضافی تولید می‌کنند □ در نتیجه بخشی از طبقه کارگرند، پیدا می‌کند. این به فعالیت سیاسی زنان مشرق عیت می‌بخشد.<sup>1</sup>

جنبش زنان هرگز در اهمیت مبارزات □ زنان شك نداشته است زیرا برای فمینیست‌ها هدف رهایی زنان است که تنها از طریق مبارزه زنان □ اصل می‌شود. م.د. کوستا در بالا بردن درک ما از طبیعت اجتماعی کار خانگی سهم □ یژه‌یی داشت. اما مثل سایر دیدگاه‌های مارکسیستی دیدگاه □ نیز بر سرمایه □ نه □ ابط بین زن □ مرد، متمرکز شده بود.

این □ اقعیت که زنان □ مردان علائق، اهداف □ استراتژی متفلاً □ تی دارند در تحلیل‌های □ نامفهوم است □ رشن نمی‌شود چگونه سیستم سرمایه‌داری اهمیت □ نقش استراتژیک کار زنان در داخل سیستم را پائین نگاه می‌دارد. در نوشته‌های کوستا سخن‌سرایی فمینیستی □ جود دارد اما □ ی بر محتوای فمینیسم تأکید ندارد.

م.د. کوستا می‌توانست برای مثال طرح کند که اهمیت کار خانگی به عنوان يك رابطه اجتماعی در نقش قاطع آن برای ج □ دانه ساختن برتری مرد است

---

<sup>1</sup> In the u.s. the most often heard polical cnticism of the wages for howework group has been its opportunism.

□ زنان که کار خانگی برایشان است برای مردان کار می‌کنند □ این امر پایه پدرسالاری است.

انگلس، زارتسکی □ کوستا در تحلیل رند کار در درون خانواده به اندازه کافی موفق نیستند. چه کسی از کار زنان سود می‌برد؟ قطعاً سرمایه‌داران اما به طور یقین همچنین مردان که به عنوان شوهر یا پدر خدما □ شخصی را در خانه دریافت می‌دارند. میزان □ محتوی این خدما □ بسته به طبقه - نژاد □ قومیت متفا □ تند اما □ اقعیت □ جودی آنها قابل انکار نیست. مردان استاندارد زندگی‌شان از زنان بالاتر است مثلاً در رابطه با مصرف مواد لوکس □ - وقت فراغت □ خدما □ شخصی.<sup>1</sup> یک دیدگاه ماتریالیستی نباید این امر را نادیده بگیرند.<sup>2</sup> مردان در جای □ دانه ساختن ستم بر زنان نفع مادی دارند.

از آنجایی که اکثریت مردان از الغای سلسله مراتب در پدرسالاری بهره‌مند می‌شوند، در طولانی مد □ ممکن است به آگاهی کاذب منجر شود. اما در کوتاهمد □ کنترل بر نیرو □ ی کار دیگران، کنترلی که مردان در □ طلبانه □ اضر

---

<sup>1</sup> ل. ارن در مقاله‌ی «زنان در خانواده‌های کارگری انگلیس از 1860 تا 1950» نشریه مطالعات فمینیستی شماره 1 بخش 3 و 4 سال 1973 صفحات 125-157.

<sup>2</sup> س. هایمر به نقطه‌ی ضعیفی در تحلیل انگلیس در کتاب منشأ خانواده ... اشاره دارد. علت بروز این نقطه ضعف این است که انگلس از تحلیل روند کار و تولید در درون خانواده سخن نگفته است. انگلس می‌گوید مردان تک همسری را به این علت رواج می‌دهند که می‌خواهند اموالشان به فرزندانشان برسد. هایمر معتقد است در میان خرده‌بورژوازی ارث وسیله‌ای بوده برای آن که فرزندان کار پدران را دنبال کنند. باید به روند تولید و کار و این که چه کسانی از این روند نفع می‌برند توجه داشت.

نیستند آن را از دست بدهند. در حالی که دیدگاه‌های مارکسیست‌های لیبرالیه کار خانگی را نادیده می‌گرفتند به شرکت زنان در بازار کار تأکید داشتند، دیدگاه اخیر بر کار خانگی تأکید دارند تا آن‌دی که نقش جاری زنان در بازار کار را نادیده می‌گیرند. در هر صورت، هر سه دیدگاه تلاش بر جادادن زن در مقوله طبقه کارگر درک ستم بر زن به عنوان ستم طبقاتی دارند. در عین حال هر سه تحلیل به تحلیل‌های فمینیستی نقش ربط زن مرد معترفند. در حالی که «مسائل» ما دقیق تحلیل می‌شوند اما اشتباه درک می‌شوند. تمرکز تحلیل مارکسیستی بر ربط طبقاتی هدف آن درک قوانین شرکت جامعه سرمایه‌داری بوده است. در حالی که ما با آن داریم متدی لوژی مارکسیسم می‌تواند برای فرموله کردن استراتژی فمینیسم مورد استفاده قرار گیرد، دیدگاه‌های مارکسیستی فمینیستی فوق این کار را به شکل واضح روشن نکرده‌اند، یعنی مارکسیسم آن‌ها بر فمینیسم‌شان غلبه دارد. همان‌گونه که گفتیم، علت این امر بخشاً قدر تحلیل مارکسیستی است. مارکسیسم تئوری تکامل، جامعه طبقاتی، رند انباشت در جوامع سرمایه‌داری، بازتولید سلطه طبقاتی تکامل تضادها مبارزه طبقاتی است. جوامع سرمایه‌داری از طریق مطالبات رند انباشت اداره می‌شود، به طور خلاصه از طریق تولید مبادله هم‌آهنگ می‌شود نه مصرف. در یک سیستم سرمایه‌داری تولید تنها زمانی اهمیت خود را باز می‌یابد که قابلیت سودسازي داشته باشد ارزش مصرفی محصولاً فقط يك فر تصادفی است. سود از توانایی سرمایه‌داران در استثمار نیروی کار

پرداخت دست‌مزد کمتر از ارزشی که توسط کارگر تولید می‌شود، اصل می‌آید. انباشت سود به طور سیستماتیک، هم‌زمان ساختار اجتماعی را ابط تولیدی را تغییر می‌دهد. ارتش ذخیره کار، فقر توده مردم در ماندگی اقتصادی بسیاری از اقشار جامعه این رسوایی‌های بشری محصول خود پرده انباشت است. از دیدگاه سرمایه‌داری بازتولید طبقه کارگر «به رتبی می‌تواند به خودش اگذار شود»<sup>1</sup>

سرمایه هم‌زمان ایدئولوژی را خلق می‌کند که پا به پایش رشد می‌کند، ایدئولوژی فردگرایی، رقابت، تسلط در درون آن مابعدی‌طور ویژه ایدئولوژی مصرف. هر کس هر تئوری از تکوین ایدئولوژی دارد آن را به عنوان ارزش‌های مسلط جوامع سرمایه‌داری شامل ساختار تولید، ساختار ویژه اشتغال، سرشت ایدئولوژی، اکم یاری می‌دهد. تئوری مارکس از تکامل سرمایه تئوری تکامل «خدما خالی» است. برای مثال مارکس از رشد پرلتاریا از زوال خرده‌بورژوازی سخن می‌گوید. بریورمن Braverman چند تنی دیگر با جزئیات از ایجاد «جاهایی» برای کارگران دفتری خدماتی در جوامع پیش‌رفته سرمایه‌داری سخن گفته‌اند.<sup>2</sup> سرمایه «جاهای خالی» را ایجاد می‌کند. برایش مهم نیست چه افرادی آن را پر می‌کنند، مقولاً مختلف در تحلیل مارکسیستی، طبقه، ارتش ذخیره

---

<sup>1</sup> تفسیری از جمله مارکس که نوشته است «بقاء و بازتولید طبقه کارگر شرط ضروری بازتولید سرمایه هست و باید باشد، اما سرمایه‌دار انجام این امر را به غریزه حفظ جان و تکثیر کارگران واگذار می‌نماید.» کاپیتال بخش 1 صفحه 572.

<sup>2</sup> هاری. بریورمن. کار و سرمایه انحصاری سال 1975.

کار □ کارگران □ زمزدي هيچ کدام □ شن نمي کنند که چرا افراد ميعني «جاهاي» معيني را پر مي کنند. آن ها هيچ دليلي ارائه نمي دهند که چرا زنان در داخل □ خارج خانه فر □ دست تر از مردان هستند □ چرا بر عکس نيست. مقولا □ مارکسيستي به مانند سرمايه داري نقش جنسيت را نادیده مي گیرند. مقولا □ مارکسيستي نمي توانند بگویند چه کسانی «جاهاي خالي» را پر مي کنند. تحليل هاي مارکسيستي از مسئله ي زن اين مشکل اساسي را تحليل □ بررسي نکرده است.

### **پيش به سوي مارکسيسم - فمينيسم قابل استفاده تر:**

مارکسيسم يك شيوه ي تحليل اجتماعي □ يك ماترياليسم ديالکتیکی - تاريخي است. با به کارگيري اين □ ش در خدمت مسائل فمينيست، جوليت ميچل □ شولاميت فايرستون جهت هاي جديد مارکسيسم - فمينيسم را پيش نهاد مي کنند: ميچل به درستي مي گوید:

«رابطه ما با سوسياليسم نبايد مورد سؤال قرار گیرد بلکه استفاده از سوسياليسم علمي (متد مارکسيستي) به عنوان يك متد تحليل خصلت □ يژه ستم بر ما □ بنا بر اين نقش انقلابي ماست که بايد مورد سؤال □ اقع شود. به نظر من چنين □ شي، همان قدر که تئوري هاي قبلي □ تکامل يافته سوسياليستي آن را درک کرده بايد راديکال فمينيسم هم آن را درک کند.»<sup>1</sup> همان طور که انگلس مي نويسد:

<sup>1</sup> ج - ميچل وضعيت زنان سال 1973 صفحه ي 92.

«طبق درك مادي، عامل تعيين كننده در تاريخ در نهايت توليد □ بازتوليد زندگي بلا □ اسطه است اين امر خود از خصلت □ گانه برخوردار است: يكسو، توليد لوازم ضر □ ري زندگي، غذا، پوشاك □ ابزار لازم براي توليد است □ سوي ديگر، توليد خود انسان يا تكثير نوع انسان است، سازمان اجتماعي كه مردم يك □ ره تاريخي معين در آن زندگي مي كنند، به □ سيله □ نوع توليد تعيين مي شود.»<sup>1</sup> اين نوع تحليل مورد استفاده ميچل قرار گرفت، ميچل در مقاله □ لش «زن طولاني ترين انقلاب» درباره ي بازار كار، توليد مثل جنسيت □ پر □ رش كودكان سخن مي گويد.<sup>2</sup> ميچل شايد به اين علت كه تمام كار زنانه براي □ توليد محسوب نمي شود، كاملا موفق نيست. به نظر □ فقط كار در بازار است كه توليد است □ در ساير موارد خصلت ايدئولوژيك به خود مي گيرند. پدرسالاري كه توليد مثل - جنسيت □ پر □ رش كودك را به شكل □ سيع سازمان دهی مي كند، براي ميچل پايه مادي ندارد. در مقاله «جايگاه زن» □ ي بيش تر بر تكامل □ توسعه ي تحليل كار زنان در بازار كار متمرکز است تا بر تكامل تحليل □ بررسي كار زنان در خانواده. مقاله بيش تر درباره رابطه □ كار زنان براي سرمايه است تا براي مردان، بيش تر از ماركسيسم تأثير گرفته تا راديكال فمينيسم. كتاب بعدي با نام

---

<sup>1</sup> ف. انگلس منشاء خانواده و... مقدمه اي بر چاپ اول صفحات 71-72. در مرحله رشد و تكامل كار از يكسو و خانواده از سوي ديگر جالب است كه در معنا، كار از آن چه در چارچوب خانواده صورت مي گيرد، متمايز گرديده است. اين درست همان نقطه ضعفي است كه ما بر آن انگشت مي گذاريم.

<sup>2</sup> ج- ميچل زنان، طولاني ترين انقلاب نشريه New left Review شماره 40 سال 1966 صفحات 11-37.

«ر» انكلاي» فمینیسم» میچل یك یطه مهم را مورد مطالعه قرار می‌دهد □ آن شکل‌گیری شخصیت زن □ مرد بر اساس تفلا □ های جنسی‌شان است.<sup>1</sup> به نظر می‌رسد میچل می‌خواهد بگوید پدرسالاری در □ هله‌ی □ ل تأثیر □ انی دارد □ در جایی عمل می‌کند که دختر بچه‌ها □ پسر بچه‌ها زن □ مرد بودن را یاد می‌گیرند. میچل بر تولیدمثل جنسیت □ پر □ رش کودک متمرکز می‌شود، اما با جای دادن آن‌ها در بخش ایدئولوژیک ضعف اساسی تحلیل‌هایش را رفع نمی‌کند. □ به □ ضوح می‌گوید پدرسالاری ساختار بنیادین ایدئولوژیک دارد، درست مثل سرمایه که ساختار بنیادین اقتصادی دارد. «ما با □ موضوع مجزا سر □ کار داریم: □ ش اقتصادی سرمایه‌داری □ ر □ ش ایدئولوژیک پدرسالاری.»<sup>2</sup>

اگرچه میچل از درهم تنیدن سرمایه‌داری - پدرسالاری سخن می‌گوید اما عدم موفقیت □ در ارائه یك پایه مادی در □ ابط نیر □ ی کار زن □ مرد برای شخصیت □ جنسیت، استفاده از تحلیل‌هایش را محدود می‌کند. شولامیت فایرستون با تحلیل ماتریالیستی از پدرسالاری بین مارکسیسم □ فمینیسم پلی ایجاد کرد.<sup>3</sup> استفاده □ از تحلیل‌های ماتریالیستی به مانند تحلیل‌های میچل □ جانبه نیست. □ می‌گوید دیالکتیک جنسیت یك دیالکتیک اساسی تاریخی است □ پایه مادی پدرسالاری در کار زن در تجدید تولید نوع قرار دارد. اهمیت کار فایرستون استفاده از تحلیل‌های مارکسیستی

<sup>1</sup> ج- میچل روان‌کاوی و فمینیسم سال 1974 صفحه 20.

<sup>2</sup> ج- میچل روان‌کاوی و فمینیسم سال 1974 صفحه 412.

<sup>3</sup> س. فایرستون دیالکتیک جنسیت سال 1971.

برای تحلیل □ بررسی جایگاه زن است □ همچنین در اثبات □ پایه مادی  
پدرسالاری، که اهمیت آن را باید دریافت. اما نظر □ تأکید زیادی بر  
بیولوژی □ تولیدمثل دارد. آن چه ما لازم داریم بفهمیم این است که چگونه  
جنس (به عنوان يك □ اقعیت بیولوژیک) تبدیل به جنسیت (به عنوان يك پدیده  
اجتماعی) می‌شود. برای یافتن پاسخ لازم است تمامی کار زنان در جایگاه  
تاریخی - اجتماعی‌اش قرار گیرد □ فقط بر تولیدمثل متمرکز شود. اگر  
فایرستون مدلی مدرن □ فمینیستی از متدلوژی مارکسیسم پیش‌نهاد می‌کند  
اما اصرار □ بر تقدم تسلط مرد بر زن به عنوان بنیاد انواع ستم‌ها (طبقاتی  
- نژادی □...) موجب می‌شود تا کتابش بیش‌تر در رده رادیکال فمینیستی  
طبقه‌بندی شود تا رده مارکسیست - فمینیست. این کتاب که کامل‌ترین اثر  
رادیکال - فمینیستی است توسط مارکسیست‌ها مورد نقد قرار گرفته است.

Zaretsky زارتسکی آن را «دفاعیه ذهنیت» نامید □ آنچه در کتاب  
فایرستون برای زنان جالب بود تحلیل □ از قدر □ مرد بر زن □ خشم سالم  
□ علیه این □ وضعیت بود. بخش مربوط به عشق در کتابش برای درک این  
مسئله خواندنی است. این بخش فقط درباره «ایدئولوژی مردانه» که  
مارکسیست‌ها بتوانند با آن سر □ کله بزنند نیست، بلکه تفسیری از نتایج قدر □  
مردان بر زنان است، که زندگی در پدرسالاری را منعکس می‌کند. «مسائل  
شخصی جدا از مسائل سیاسی نیستند» آن‌طور که زارتسکی ادعا می‌کند  
پنداری □ اهی برای داشتن □ ساس بهتر نیست، خواستی است برای شناخت



قدر □ مردان □ علت فر □ دست قرار گرفتن زنان به عنوان يك □ اقبیت  
سیاسي □ اجتماعي.

### راديكال فمینیسم و پدرسالاری:

مهمترین اقدام رادیکال فمینیست‌ها این بود که شعار «مسائل شخصی از مسائل سیاسی جدا نیستند» را طرح کردند. رادیکال فمینیست‌ها معتقدند ناخشنودی زنان ضجه‌های عصبی از بی‌عدالتی نیست بلکه پاسخی است به ساختار اجتماعی که زنان در آن دائماً فر □ دست - تحت استثمار □ تحت ستم قرار می‌گیرند.

جایگاه فر □ دست زن در بازار کار، ساختار عاطفی مردمدار از □ اج‌های طبقه متوسط، استفاده از زن در تبلیغ □، درك □ شناخت از □ ان زن به عنوان □ ان نژند (که توسط □ ان شناسی آکادمیک □ بالینی عمومی شده است) □ موارد مختلف از زندگی زنان در جامعه پیشرفته سرمایه‌داری یکی پس از دیگری توسط رادیکال فمینیست‌ها تحقیق □ بررسی شده است. ادبیا □ رادیکال فمینیستی گسترده است □ نمی‌توان آن را به سادگی خلاصه کرد □ در عین □ ال پیوسته بر □ ان شناسی تأکید دارد. اسناد تشکیلاتی رادیکال فمینیست‌ها عبارتند از جمله «سیاست من».

این اسناد نظیر «مسائل شخصی از مسائل سیاسی جدا نیستند» نشان می‌دهند که برای رادیکال فمینیست‌ها تقسیم طبقاتی اصلی بین □ جنس است □

نیر□ ی محرکه تاریخ تلاش مردان برای اعمال قدر□□ سلطه بر زنان است، یعنی دیالکتیک جنسیت.<sup>1</sup>

فایرستون از فر□ید برای درک این که چگونه پسران□ دختران بر□ سب قدر□ به مردان□ زنان تکامل می‌یابند، طرح تازه‌یی ارائه کرد، خصالت‌بندی□ از صفحا□ مشخصه‌ی «مونت□ مذکر» از نوشته‌های نمونه□ ار رادیکال فمینیستی به شمار می‌آیند.<sup>2</sup> مذکر به دنبال قدر□□ تسلط

---

<sup>1</sup> مقاله سیاست‌های ما از برنامه‌ای برای رادیکال فمینیست‌های نیویورک در کتاب *Rebirth of feminism* سال 1971 صفحات 440-443 «رادیکال فمینیست‌ها» فمینیست‌هایی هستند که معتقدند تحریک اساسی تاریخ به خاطر مبارزات سلطه‌جویانه مردان بر زنان بوده است. «رادیکال در اینجا به معنی ضد سرمایه‌داری، سوسیالیست - چند فرهنگی و غیره نیست بلکه به معنی مشخصی برای باور بخش یا گروهی از فمینیست‌ها است. سایر مقالات رادیکال فمینیستی که احتمالاً رادیکال فمینیست‌های نیویورک را تحت تأثیر قرار داده بود در کتاب رادیکال فمینیست با ویراستاری آ. کودت در سال 1972 یافت می‌شود.

<sup>2</sup> تمرکز بر قدرت، یکی از قدم‌های مثبت فمینیست‌ها در نقد فروید بوده است. فایرستون معتقد است، برای مثال اگر دختران کوچک به آلت تناسلی پسران «حسد می‌برند» به این دلیل است که آن‌ها تشخیص می‌دهند پسران کوچک اعضای طبقه قدرت‌مند آتی خواهند بود و دختران کوچک زیر دست آنان قرار خواهند گرفت. بی‌قدرتی، و نه اختلال روانی، مسئله اصلی زنان بود. اکثراً فمینیست‌ها فایرستون را به خاطر رد سومندی مفهوم ضمیر ناخودآگاه محور انتقاد قرار داده‌اند. در جستجوی یافتن توضیحی برای استحکام و بقا تسلط مردان فمینیست‌های جدید بر تفاوت‌های طبیعی و اساسی شکل‌گیری شخصیت بنابر جنسیت تأکید کرده‌اند. آن‌ها همچنین به ریشه‌های تفاوت‌ها در ضمیر ناخودآگاه و مشکل دائمی چگونگی از بین بردن آن‌ها اشاره کرده‌اند. رجوع کنید به پری دریای و مینوتار (نیمی انسان - نیمی گاو) نوشته‌ی د. دیتراشتاین سال 1977. «بازتولید مادی» نوشته ن. چودروف سال 1978. «تضاد بین تربیت و پرورش و استقلال در رابطه مادر و دختر و در فمینیسم» ج. فلاکس نشریه مقالات فمینیستی شماره 4، بخش 2 صفحات 141-189.

است، از خود مرکز □ فردگر است، رقابت طلب □ مصلحت‌گرا است. «شیوه‌ی فن‌آری» به نظر فایرستون مردانه است. مؤنث پر □ رش دهنده، فلسفی مشرب □ هنرمند است به عبارتی «شیوه‌ی زیباشناسانه» به جنس مؤنث اختصاص دارد. بد □ ن شك اعتقاد به مؤنث بودن «شیوه‌ی زیباشناسانه» برای یونانیان باستان يك شوک تکان دهنده می‌توانست باشد؛ □ اشتباه در همین نکته نهفته است. دیالکتیک جنسیت به □ ایت رادیکال فمینیست‌ها □ یژگی‌های زنان □ مردان را در عصر □ اضربه تمامی تاریخ تسری می‌دهند. ضعف تحلیل رادیکال فمینیست‌ها در این است که بر □ ان‌شناسی تاکید می‌کنند که تاریخ را نادیده می‌گیرد □ قدر □ تحلیل آن‌ها در این است که فقط □ ال را می‌بیند. دلیل این امر نه تنها به □ ش رادیکال فمینیست‌ها باز می‌گردد بلکه در سرشت خود پدرسالاری نیز نهفته است. چون پدرسالاری شکلی از سازمان اجتماعی است که از قابلیت انعطاف فرا □ انی برخوردار است. رادیکال فمینیست‌ها از پدرسالاری برای نشان دادن نظام اجتماعی که مشخصه‌اش تسلط مرد بر زن است استفاده می‌کنند. تعریف کیت میلر تعریف کلاسیک است □ قتی می‌گوید: «جامعه ما... پدرسالاری است. این امر □ اعی را در شکل‌گیری نهادهایی چون ارتش صنایع - تکنولوژی - دانشگاه‌ها - علوم - ادارا □ سیاسی □ مالی می‌توان مشاهده کرد. خلاصه کنم همه ابزارهای قدر □ در جامعه از جمله قدر □ قهر پلیس فقط در دست مردان است.»<sup>1</sup> این تعریف رادیکال فمینیست‌ها از

---

<sup>1</sup> ک. میلر سیاست‌های فمینیستی سال 1971 صفحه 25.

پدرسالاری در همه جوامع دیده می‌شود □ نمی‌تواند مشخصاً □ ویژه هر یک را بررسی کند. استفاده رادیکال فمینیست‌ها از تاریخ به طور نمونه □ از به مواردی محدود می‌شود که □ جود پدرسالاری را در تمامی زمان‌ها □ مکان‌ها نشان می‌دهد.<sup>1</sup> قبل از جنبش‌های زنان برای مارکسیست‌ها □ برای اکثر دانش‌مندان علوم اجتماعی، پدرسالاری سیستم □ ر □ ابطنی بود بین مردان. جوامعی که □ ربط سلسله مراتب در آن‌ها مشخصاً □ ویژه‌ی داشته است. دانش‌مندان جامعه‌شناس بورژوا □ از جوامع سرمایه‌داری با عنفاً یینی چون شایسته - بورکراتیک □ غیرشخصی نام می‌برند، مارکسیست‌ها جوامع سرمایه‌داری را نظام ستم طبقاتی می‌دانند.<sup>2</sup> اما برای هیچ‌یک از این □ نوع دانش‌مندان، نه جوامع تاریخی پدرسالاری □ نه جوامع آموزشی سرمایه‌داری غربی به عنوان نظام‌هایی که □ ربط بین مردان آن‌ها را قادر به تسلط بر زنان می‌کند، شناخته شده نیست.

به نظر ما پدرسالاری را می‌توان چنین تعریف کرد: مجموعه‌ی از □ ربط اجتماعی بین مردان که دارای پایه مادی است. این □ ربط اگرچه سلسله مراتبی است اما نوعی □ ابستگی متقابل □ همبستگی بین مردان در عمل،

---

<sup>1</sup> یک نمونه از تاریخچه این نوع رادیکال فمینیسم در مقاله «برخلاف میل ما، مردان، زنان، تجاوز جنسی» نوشته س. براون میسر سال 1975.

<sup>2</sup> برای آگاهی از دیدگاه علمی بورژوازی از پدرسالاری رجوع کنید به ماکس. وبر. تئوری‌های سازمان جامعه و اقتصاد سال 1964 صفحات 328-357.

ا. فی سیاست‌های جنسیتی مردم‌شناسان دوره ویکتوریا در نشریه مطالعات فمینیستی شماره 1 بخش 3 و 4 سال 1973 صفحات 23-26. ر. نیسبت. سنت جامعه‌شناسانه به ویژه بخش 3 جامعه 1966.

سلطه بر زنان را به جود می‌آورد. گرچه پدرسالاری سلسله مراتبی است □ مردان از طبقا □ - نژادها □ گر □ ه‌های قومی متفا □ جایگاه متفا □ تی را در ساختار هرم اشغال می‌کنند، اما آن‌ها در سلطه مشترکشان بر زنان متحدند. مردان برای باقی نگه‌داشتن این تسلط به یکدیگر □ ابسته هستند □ افراد در هرم سلسله‌مراتبی □ حداقل برای □ فظ □ ضع موجود که منافع □ سیعی نصیب‌شان می‌سازد، تلاش می‌رزند. آنان که در رده‌های بالاتر قرار دارند با □ مایت از سلطه رده‌های میانی بر رده‌های پایین‌تر جایگاه برترشان را در راس هرم پدرسالاری تضمین می‌کنند. تمام مردها علی‌رغم جایگاهی که در هرم مردم‌سالاری دارد □ ضعیف خود را با سلطه بر بعضی از زنان تضمین می‌کنند برخی مدارک مستند نشان می‌دهد، پدرسالاری برای □ لین بار در جوامعی که □ لت شکل گرفته است نهادی می‌شود، □ کم‌انان نشسته بر مسند قدر □ آن‌ها را به ریاست خانواده تعیین می‌کنند (یعنی نظار □ مردان بر زنان □ کودکان) تا مردان در مقابل، بعضی منافع قبیله‌یی را به □ کم‌انان جدید □ اگذار کنند.<sup>1</sup> مردان علی‌رغم جایگاه‌های متفا □ □ □ سلسله‌مراتب □ ار □ نه‌شان در هرم پدرسالاری، برای □ فظ کنترل بر زنان، به یکدیگر □ ابسته‌اند.

پایه‌ی مادی پدرسالاری بر اساس کنترل مردان بر نیروی کار زنان استوار است. مردان این کنترل را از طریق □ ذف زنان از دسترسی به برخی

---

<sup>1</sup> رجوع کنید به مقاله و. مولر «شکل‌گیری دولت و ستم بر زن برخی فرضیه‌های تئوریک و یک نمونه در انگلس و ولز.» نشریه‌ی Review of Radical Political Economics شماره 9 بخش 3 سال 1977 صفحات 21-7.

منابع اصلي توليدي (مثلاً اشتغال در جوامع سرمايه‌داري) □ به □ سيله  
محدود کردن جنسي زنان اعمال مي‌کنند.<sup>1</sup>

از □ اج‌هاي تك همسري □ جنسي كه نسبتاً در گذشته‌ي نزديك شكل گرفته  
شكل مؤثري است كه به كنترل مردان را بر هر □ □ وزه ياري مي‌رساند.  
كنترل □ ابط جنسي، قدر □ بار □ ري □ جنسيت زنان به نوبه‌ي خود موجباً □  
آن را فراهم ساخت تا مردان كنترل نير □ ي كار زنان در رابطه با خدمات □  
شخصي □ جنسي □ پر □ رش كودكان را نيز به دست گيرند.  
خدمات □ زنان به مردان □ آن چيزي كه مردان را از انجام □ ظايف ناخشنود  
(مثل تميز كردن تواليت) مبرا مي‌دارد، هم در خارج □ هم در داخل خانواده  
رخ مي‌دهد. در خارج خانواده مي‌توان از آزار زنان كارگر □ دختران

---

<sup>1</sup> مردان براي كنترل دستيابي زنان به منابع اقتصادي و محدود  
كردن مسايل و روابط جنسي آنان به شيوه‌هاي كاملاً متفاوتي  
متوسل مي‌شوند، اين تفاوتها در جوامع و اقليتهاي قومي و  
زمان‌هاي متفاوت مشاهده شده است. مثال‌هايي كه ما در اين  
قسمت براي توضيح پدرسالاري استفاده کرده‌ايم از تجارب  
سفيدپوستان كشورهاي سرمايه‌داري غربي استنتاج شده است.  
گوناگوني‌ها را در كتاب R.R.Reiter «به سوي انسان‌شناسي زنان»  
سال 1975. و در كتاب «زنان، فرهنگ و جامعه» به ويراستاري  
ل. لامفر- م. روزالدو سال 1974 و كتاب «زنان، مردان،  
خانواده‌ها: يك معبر زيست جامعه‌شناسانه» نوشته‌ي ل. ليبووتز  
سال 1978 مي‌توانيد مطالعه فرماييد كنترل امور و روابط جنسي  
زنان به شدت به جايگاه كودكان گره خورده است. خواست مردان  
و سرمايه‌داران جهت بچه‌دار شدن زنان منجر به تغييراتي در  
شرائط فرومايگي زنان مي‌گردد.

آنجا كه كودكان براي كار لازمند امور و روابط جنسي زن در  
جهت توليدمثل و پرورش كودكان سوق داده مي‌شود. آنجا كه  
كودكان زائد و غيرضروري هسند امور و روابط جنسي زن در جهت  
ديگري تشويق مي‌شود، مردان آن را جهت ارضاء اميال جنسي  
خودشان سوق مي‌دهند. سرمايه‌داران هم از جنسيت زنانه براي  
منافع خودشان سود مي‌برند مثلاً تبليغ اجناسشان.

دانشجو به سیله‌ی رَسایِ مردِ پَرَسورها یا استفاده شخصی از منشی‌ها برای مثلاً درست کردن قهوه یا عشوہ‌گری برای سکسی کردن محیط مثال آرد.

پَرشِ تربیت کودکان، بدن در نظر گرفتن این که قدرِ کار کودکان به شکل بلا اسطه در اختیار پدر قرار خواهد گرفت یا خیر، یکی از موارد مهم جلدانی ساختن پدرسالاری به عنوان یک نظام است. همان‌طور که جامعہ‌ی طبقاتی به سیله مدارس - محلا کار - ہنجارہای مصرف - غیرہ بازتولید می‌شود رِابط پدرسالارانه نیز چنین پَرَسہمی را لازم دارند. در جامعہ ما کودکان به طور عمومی توسط زنان در خانہ تربیت می‌شوند، زنانی کہ به لحاظ اجتماعی نسبت به مردان فر دست تشخیص داده می‌شوند این در حالی است کہ مردان به ندرت به تصویر کار خانگی ظاهر می‌شوند. کودکانی کہ به این ترتیب پَرش می‌یابند، جایگاهشان را در سلسلہ مراتب جنسی می‌آموزند. به هر حال جنبہ‌ی اصلی این رند وزہ‌های خارج خانہ است، جایی کہ رفتار مردمسالارانه آموزش داده می‌شود موقعیت فر دست زن تأکید تقویت می‌شود. مراکزمانند کلیساها - مدارس - آموزش‌گاہ‌ها - باشگاه‌ها - اتحادیہ‌ها - ارتش - کارخانہ - ادارا - مراکز سلامتی سایل ارتباط جمعی غیرہ. پس پایہ مادی پدرسالاری تنها در تربیت کودک در خانہ خلاصہ نمی‌شود بلکہ تمامی ساختارہای اجتماعی را در بر می‌گیرد کہ به مرد این قابلیت را می‌دهد تا

بر نیر□ ی کار زن کنترل داشته باشد، □ در بحث تربیت کودک نیز تأثیر به‌سزایی دارند.

دیدگاه‌های ساختار اجتماعی که پدرسالاری را ج□ دانه می‌سازند تعاریف تئوریک دارند از این ر□ جدا از دیدگاه‌های رابین Rubin بینش ما را نسبت به پدرسالاری با تعریفی که از سیستم‌های جنسیت / جنس (sex-gender) ارائه داده دقیق‌تر کرده است. □ می‌گوید: نظام جنسیت - جنس مجموعه قواعدی است که به □ سیله آن جامعه جنسیت بیولوژیکی را به محصول فعالیت انسانی تبدیل می‌کند. تا از طریق آن این نیازهای جنسی تغییر شکل یافته ارضاء شوند.<sup>1</sup>

ما از جنسیت بیولوژیک، مؤنث یا مذکر به دنیا آمده‌ایم. اما از طریق تعاریف جنسیت که از سوی جامعه به رسمیت شناخته شده به زنان □ مردان تبدیل می‌شویم.

چگونگی خلقت بیولوژیک ما به نوع □ م شیوه تولید که انگلس از آن تحت عنوان تولید خود انسان‌ها □ تکثیر نوع نام می‌برد، مربوط می‌شود. این که انسان‌ها چگونه نوع را تکثیر می‌کنند از طریق شکل اجتماعی آن تعیین می‌شود. اگر انسان‌ها به طور طبیعی از نظر جنسیت چند شکلی هستند □ اگر جامعه به شیوه‌یی که تمامی اشکال ر□ ابط جنسی به شکل برابر امکان بر□ ز داشته باشند سازمان می‌یافت تولیدمثل فقط از برخی تقابل‌های جنسی یعنی تقابل‌های غیر همجنس نتیجه می‌شد.

---

<sup>1</sup> ج. رابین «تردد زنان» در انسان‌شناسی زنان صفحه 159.



تقسیم جنسی نیز ی کار که یک ابتکار اجتماعی جا افتاده در تمامی جوامع تاکنونی بوده د جنس کاملاً جدا به جود می آرد نیاز به قرار گرفتن یک زن یک مرد به دلایل اقتصادی را تشدید می کند این امر موجب جهت یابی نیازهای جنسی به طرف ر ابط غیر همجنس ک مک به تجدید تولید بیولوژیک می شود. در جوامع خیالی تر تجدید تولید جنسی با تکنیک های دیگری تضمین می شود اما به نظر می رسد تقسیم کار بر اساس جنس راه ل جهانی تا به امر ز بوده است. اگر چه به لحاظ تئوریک جدایی جنسی در کار ممکن است نابرابری بین د جنس را افزایش ندهد. اما در اکثر جوامع این امر تاکنون موجب فر دست اقع شدن جایگاه زنان گردیده است. تقسیم جنسی در کار همچنین انواع فرهنگ های جنسی که در آن زنان مردان زندگی را متقا هم تجربه می کنند، پی ریزی تأیید می نماید پایه ی مادی قدر مرد در جامعه ما نه فقط در انجام ندادن کار خانگی امنیت استخدام در مقام های بالاتر بلکه همچنین در آرد آردن فشار های ر انی مرتباً تجربه می شود.

در نظریه ی رابین نظام جنس - جنسیت چگونگی برخورد انسان ها با نیاز های جنسی شان، چگونگی تحقق تکثیر نوع، چگونگی تلقین نرم های اجتماعی به نسل جدید آموزش نقش هر جنس در این رابطه را ر شن می سازد.

این سیستم توضیح می دهد که زن یا مرد بودن چه ساسی را با خود به همراه دارد. رابین بر اهمیت خانواده ( ا د ی که مشخص می سازد نیاز جنسی را با چه کسی می توان بر آ رده ساخت) تکامل رفتار های مشخص

جنسي از طريق تعليم □ تربيت از كودكي □ آن دستگاه اُديبي □ به □ اساسا □  
□ علائق كودكان 3-6 ساله نسبت به جنس مخالف (عقدۀ اُديب) تأكيد مي‌كند.  
علا □ ه بر آن مي‌توان از مفهوم نظام جنس - جنسيت براي كلا □ ش در تمامي  
بنيادهاي اجتماعي پيرامون تعريف □ تقويت سلسله‌مراتبي جنسيت استفاده  
نماييم.

رابين اشاره مي‌كند تئوري نظام جنس / جنسيت مي‌تواند زن‌سالارانه،  
مردسالارانه يا با تسا □ ي همراه باشد. □ اشاره مشخص به چنين نظام جنس /  
جنسيتي يا □ رهبندي تاريخي آن‌ها را در خود دارد.

ما نظام جنس / جنسيت كنوني را پدريسالاري ارزيابي مي‌كنيم زيرا شيوهي  
سلسله‌مراتبي □ تسلط مردانه را نقطه تمرکز خود قرار داده است. طبق نظر  
انگلس توليد اقتصادي (طبق اصطلا □ ا □ ماركسيستي شيوهي توليد) □ توليد  
انسان‌ها در نظام جنس / جنسيت بنيادهاي اجتماعي را كه انسان‌ها در يك  
□ رهي تاريخي □ در يك كشور مشخص داشته‌اند، تعيين مي‌كند. پس كل  
جوامع از طريق تحليل □ بررسي اين نوع توليد □ تجديد توليد انسان‌ها □  
اشياء مي‌توانند مورد شناسايي □ درك □ شن‌تر قرار گيرند.<sup>1</sup> چيزي به نام

---

<sup>1</sup> هيمل، وايت و مومن اشاره دارند كه هر دو وجه يعني هم توليد و هم توليدمثل بايد توانايي بازتوليد خودش را داشته باشد. هيچ‌كدام از اين دو وجه (توليد - توليدمثل) به نهايي كافي نيست. اگر بخواهيم ساده‌تر بيان كنيم چنين مي‌شود: توليد کالا نياز به آدم دارد، و توليد آدم نياز به كالا دارد. ماركس نياز سرمايه‌داري به آدم‌ها را ديد اما اهميتي نداد كه آدم‌ها چگونه توليد مي‌شوند و يا رابطه اين دو نوع توليد چيست. رجوع كنيد به «كار خانگي و سرمايه» نوشته‌ي هيمل وايت و مومن (رجوع شود به منبع شماره 10).

«سرمایه‌داری خالص» یا «پدرسالاری خالص» □ جود ندارد چرا که این □ نظام ضرر □ رتاً با هم □ جود دارند. آنچه □ جود دارد سرمایه‌داری پدرسالارانه، فئودالیسم پدرسالارانه، جوامع شکارچی □ گردآ □ برابر (□ ران نخستین) جوامع □ ابسته به کشت □ رزی مادرسالارانه یا پدرسالارانه □ ... هستند. به نظر می‌رسد بین تغییر □ در یک جنبه از تولید □ تغییر در جنبه دیگر پیوند ضرر □ ری □ جود ندارد. برای مثال یک جامعه می‌توان از سرمایه‌داری به سوسیالیسم انتقال یابد اما پدرسالارانه باقی بماند.<sup>1</sup> اگرچه تاریخ، تجارب □ عقل سلیم به ما می‌گویند که این □ جنبه‌ی تولید آن قدر در هم پیچیده □ □ ابسته به هم هستند که تغییر در یکی موجب تکان □ بحران □ تناقض در دیگری خواهد شد.

سلسله‌مراتب نژادی نیز به این ترتیب قابل درک است. پیچیدگی‌های بیش‌تر در راستای تعریف نظام نژاد رنگ پهنه زندگی اجتماعی که رنگ پوست را به مقوله‌ی اجتماعی تبدیل می‌کند، ممکن می‌گردد. سلسله‌مراتبی نژادی مثل سلسله مراتب جنسی جنبه‌های گوناگون سازمان اجتماعی را بازتاب می‌دهد □ در این □ ال چگونگی تولید □ باز تولید مردم را نشان می‌دهد، سلسله مراتبی جنسی □ نژادی اساساً ایدئولوژیک نیستند بلکه ترکیبی از □ مین جنبه شیوه‌ی تولید یعنی تولید □ تجدید تولید انسان‌ها هستند. شاید دقیق‌تر باشد اگر

---

<sup>1</sup> برای مطالعه یک بحث عالی در مورد چنین حرکتی به سوی سوسیالیسم رجوع کنید به «زنان در حرکت به سوی سوسیالیسم: ملاحظاتی بر نمونه‌چینی.» نوشته ب. وینباوم در نشریه Review of Radical Political Economics شماره 8 بخش 1. سال 1976 صفحات 34-58.

به جوامع امری نه به سادگی «سرمایه‌داری» بلکه «سرمایه‌داری پدرسالارانه با سلطه سفیدپوستان» رجوع کنیم در قسمت سوم مقاله به نوعی از سرمایه‌داری که با نژادپرستی منطبق می‌شود. از قوانین نژادی استفاده می‌کند اشاره خواهیم کرد. مثال‌هایی درباره‌ی رابطه‌ی تنگاتنگ سرمایه‌داری - پدرسالاری خواهیم آورد. رشد سرمایه‌داری جایی هم برای سلسله‌مراتبی کارگران به وجود آورد، اما مارکسیست‌های سنتی نمی‌توانند روشن سازند چه کسی جایی را اشغال می‌کند. سلسله‌مراتب جنسی نژادی مشخص می‌کند چه کسانی جاهای خالی را پر می‌کنند.

پدرسالاری تنها یک سازمان سلسله‌مراتبی نیست، بلکه هر می‌است که در آن افراد مشخص جاهای مشخصی را اشغال می‌کنند. با مطالعه پدرسالاری می‌آموزیم که زنان چرا چگونه تحت ستم سلطه قرار می‌گیرند. مادام که با داریم اگر جوامع شناخته شده پدرسالار بوده‌اند، پدرسالاری را به عنوان یک پدیده‌ی جهانی، غیرقابل تغییر، نمی‌بینیم. پدرسالاری شیوه‌ی رابطه‌ی مردان است که به آن‌ها اجازه تسلط به زنان را می‌دهد، شکل این رابطه در طول زمان تغییر کرده است. قطعاً سلسله‌مراتب منافع متقابل است که از آن اصل مردان می‌شود در طول زمان آزرده شده است. طبقه - نژاد ملیت تا وضعیت تاهل، آشنایی با سکس همچنین سکس در این ساختار قطعاً نقش مهمی بازی می‌کنند. زنان از طبقه، نژادها، ملیت‌ها، وضعیت تاهل میزان آشنایی‌شان با سکس، نیز به درجا متقابل مورد فشار قدر پدرسالاری قرار می‌گیرند. زنان ممکن است خود قدر

نژادي، طبقاتي، ملي □□ تا پدرسالاري را (از طريق □□ ابط فاميلي) بر مرداني که در هرم سلسله مراتبي پايين تر از آنان هستند بر مردان غير خويش □□ ند اعمال کرده باشند.

### **تکرار رئوس مطالب:**

به نظر ما پدرسالاري شيوه‌يي از □□ ابط اجتماعي است که پايه‌يي مادي دارد □□ در آن □□ ابط سلسله مراتب □□ همبستگي بين مردان آنها را قادر مي‌سازد تا بر زنان مسلط شوند. پايه‌يي مادي پدرسالاري در کنترل مرد بر نير □□ ي کار زن است، اين کنترل به □□ سيله‌يي محر □□ م کردن زنان از دست‌يابي به منابع توليدي اقتصادي ضر □□ ري □□ ممنوعيت قاطع □□ ابط جنسي زنان به دست آمده است. مردان کنترل خود را از طريق دريافت خدمات □□ سر □□ يس شخصي از طريق زنان عدم دخالت در کار خانگي □□ پر □□ رش □□ نگهداري کودکان، دست‌رسي بدن زن براي رفع نياز جنسي □□ □□ ساس قدر □□ قدر □□ مند بودن مي‌آزمایند. محورهاي اصلي پدرسالاري که □□ زانه تجربه مي‌شوند. عبارتند از:

از □□ اج □□ جنس مخالف، انجام کار خانگي □□ نگهداري از کودکان به □□ سيله‌يي زنان □□ ابستگي اقتصادي زن به مرد (تحميل شده از طريق سازمان‌يابي بازار کار)، □□ لت □□ تمامي بنگاه‌ها □□ بنيادهاي گوناگوني که بر اساس □□ ابط اجتماعي بين مردان بنا شده است (باشگاه‌ها، □□ رزش،

اتحادیه‌ها، رفه‌ها، دانشگاه‌ها، کلیساها، تعلق‌نی‌ها، ارتش) تمامی این محورها باید برای درک پدرسالاری مورد مطالعه قرار گیرند.

سلسله‌مراتب □ همبستگی مردان □ فر □ دست □ اقع شدن زنان به کارکرد جوامع امر □ زی‌گه خورده، به دیگر سخن این ر □ ابط شکل سیستماتیک به خود گرفته‌اند.

ما مسأله‌ی چگونگی ایجاد این ر □ ابط را کنار می‌گذاریم □ می‌پرسیم آیا می‌توان ر □ ابط پدرسالارانه را در جامعه سرمایه‌داری تشخیص داد؟ باید در جوامع سرمایه‌داری آن عهد □ میثاق‌های بین مردان را که دانش‌مند بورژوا □ مارکسیست هر □ ادعا می‌کنند □ جود ندارد یا با اهمیت نیستند، بیابیم. آیا می‌توان بفهمیم چگونه در جوامع سرمایه‌داری این‌گونه ر □ ابط بین مردان توانسته به بقای خود ادامه دهد؟ آیا می‌توانیم راه‌هایی را که پدرسالاری به □ سیله‌ی آن رشد □ تکامل سرمایه‌داری را شکل داده، تعریف کنیم؟

### **شراکت پدرسالاری و سرمایه:**

چگونه می‌توان ر □ ابط اجتماعی پدرسالارانه را در جوامع سرمایه‌داری باز شناخت؟ به‌نظر می‌رسد اگر هر زن فقط از طریق شوهرش مورد ستم □ اقع شود مشکل □ شخصی تلقی می‌شود. ر □ ابط بین مردان □ خانواده جدا □ متلاشی شده به‌نظر می‌رسد. مشکل است که ر □ ابط بین مردان □ بین زنان □ مردان را پدرسالاری سیستماتیک ارزیابی کرد. آنچه ما □ اول آن بحث می‌کنیم این است که اگرچه در جوامع سرمایه‌داری پدرسالاری به عنوان

يك سيستم رابطة بين مردان و زنان وجود دارد در جوامع سرمايه‌داري رابطه‌ي سالم قوي بين سرمايه‌داري پدرسالاري موجود است، اما با درك رشندي از مفهوم پدرسالاري شيوه‌ي توليد سرمايه‌داري مي‌توان فهميد شراكت پدرسالاري سرمايه‌داران اجتناب‌ناپذير نبوده است. علت را مي‌توان چنين توضيح داد كه مردان سرمايه‌داران اغلب علائق متضادي به‌پيژه در رابطه با استفاده از نير ي كار زنان دارند. يكي از راه‌هايي كه بدان سيله مي‌توان تضاد را نشان داد اين است: اكثريت مردان ضرور زنان را در خانه براي دريافت خدمات شخصي ترجيح مي‌دهند، تعداد كم‌تري از مردان كه سرمايه‌دار هستند زنان را ( البته نه زنان خودشان را) براي كار در بازار كار مي‌خواند با تحليل بررسي كشش‌هاي تاريخي بر سر نير ي كار زنان، پايه‌ي مادي رابطة پدرسالارانه در جوامع سرمايه‌داري همچنين پايه‌هاي شراكت سرمايه‌داري پدرسالاري را مي‌توان شناخت.

### **صنعتي‌سازي و رشد و توسعه‌ي درآمد خانوادگي:**

ماركسيست‌ها از گلچين حوادث اجتماعي قرن نوزدهم كه شاهد وقوع آن بودند، استنتاجا بسيار معقولي كردند. اما در نهايت قدر توانايي فشار اجتماعي پدرسالاري سابقاً موجود را كه سرمايه تازه پر بال درآرده بايد با آن رقابت ستيز مي‌كرد در عين حال خود را با آن تطبيق مي‌داد، دست‌كم گرفتند.

انقلاب صنعتی اکثریت قریب به اتفاق مردم □ از جمله زنان □ کودکان را به باز □ ی کار تبدیل کرد، در □ قیقت □ لین کارخانجا □ منحصرأً از کار زنان □ کودکان استفاده کردند.<sup>1</sup> استقلال مالی زنان □ کودکان به علت دریافت دستمزد، اتوریته مردان (همان طور که در بخش □ ل بحث شد) □ سطح دستمزد را پایین نگاه می داشت.

کائوتسکی در سال 1892 این پر □ سه را چنین شرح می دهد:  
همسران □ کودکان مردان کارگر قادر به کسب درآمد مستقل شدند، دستمزد کارگر مرد بدن ترس از کمبود کارگر متقاضی به □ د بر □ ارد نیازهای شخصی کاهش داده شد. علا □ ه بر این کار زنان □ کودکان سودهای دیگری نیز برای سرمایه داران در برداشت. زنان □ کودکان کمتر از مردان توانایی ایستادگی □ مق □ امت داشتند □ تقسیم آن ها به گر □ ه های مختلف کارگری کمیت کاری را که جهت فر □ ش به بازار عرضه می شد به طور ف □ شی افزایش می داد. از این ر □ کار زنان □ کودکان ظرفیت کارگران مرد

---

<sup>1</sup> ضروری است به خاطر داشته باشیم که در دوران ماقبل صنعتی شدن، زنان از طریق کار در کارگاه خانوادگی یا کشاورزی نقش مهمی در تأمین معاش خانواده داشتند. از آغاز دستمزد بابت کار این موقعیت را برای زنان فراهم ساخت که مستقل از مردان در خانواده جایگاهی را کسب کنند. بنابراین نقطه عزیمت این نبود که زنان صاحب درآمد می شوند بلکه این بود که درآمد را تحت کنترل شوهر با پدر کسب می کنند.  
آ. کلارک در کتاب «زندگی کاری زنان در قرن هفدهم سال 1969. به توضیح نقش های اقتصادی زنان در دوران ماقبل صنعتی شدن و تغییر این نقش ها در دوران تکامل سرمایه داری می پردازد. به نظر می رسد مارکس، انگلس و کائوتسکی دقیقاً از نقش اقتصادی زنان در دوران ماقبل سرمایه داری آگاه نبودند.



را براي مقا<sup>۱</sup>مت تقليل داده<sup>۱</sup> بازار را زانير<sup>۱</sup>ي متقاضي كار اشباع مي<sup>۱</sup>کرد، اين موارد علل پايين آمدن دستمزد كارگران را<sup>۱</sup>شن مي<sup>۱</sup>سازد.<sup>۱</sup> تأثير مخرب درآمدهاي ناچيز<sup>۱</sup> شركت اجباري اعضاي خانواده در كار، بر زندگي خانوادگي طبقه كارگر، توسط ماركسيست<sup>۱</sup>ها بررسي شد. كائوتسكي نوشت: سيستم سرمايه<sup>۱</sup>داري در اغلب موارد تنها خانه يك مرد كارگر را خراب نمي<sup>۱</sup>كند بلكه همه چيزش را (البته به جز جنبه<sup>۱</sup>هاي ناخوشايند آن را) مي<sup>۱</sup>چاپد. امر<sup>۱</sup>زه فعاليت زنان در كارخانجا<sup>۱</sup> پي<sup>۱</sup>گيري مي<sup>۱</sup>شود... يعني بار مسئوليت قبلي<sup>۱</sup> با بار جديدي افزايش مي<sup>۱</sup>يابد. اما يك نفر نمي<sup>۱</sup>تواند به<sup>۱</sup> ارباب خدمت كند. خانه مرد كارگر<sup>۱</sup> قتي<sup>۱</sup> زنش بايد دنبال نان<sup>۱</sup> زانه باشد به درستي اداره نمي<sup>۱</sup>شود.<sup>۲</sup>

مردان كارگر همانند كائوتسكي مضرا<sup>۱</sup> كار دستمزد<sup>۱</sup>ي زنان را تشخيص دادند. زنان نه فقط «رقباي ارزان» بودن بلكه همسران<sup>۱</sup>شان بودند كه نمي<sup>۱</sup>توانستند «به<sup>۱</sup> ارباب خدمت كنند» مردان كارگر در مقابل<sup>۱</sup>د زنان<sup>۱</sup> كودكان به بازار كار، از طريق محر<sup>۱</sup>م كردن آنان از عضويت در اتحاديه<sup>۱</sup>هاي كارگري، مقا<sup>۱</sup>مت كردند. در سال 1846 Tenhours advocate مي<sup>۱</sup>نويسد: «ضر<sup>۱</sup>ري است بگويم، تمامي تلاش<sup>۱</sup>ها براي بهبود شرايط فيزيكي<sup>۱</sup> اخلاقي زنان كارگر بد<sup>۱</sup>ن تقليل ساعا<sup>۱</sup> كارشان بي<sup>۱</sup>فايده است. ما<sup>۱</sup> تا مي<sup>۱</sup>گويم زنان متأهل بسيار بهتر است كارهاي خانگي را انجام

<sup>۱</sup> ك. كائوتسكي مبارزه طبقاتي سال 1971 صفحات 25-26.

<sup>۲</sup> ما ممكن است اضافه كنيم، «در خارج از خانه»، منبع شماره 33، صفحه 26 تأكيد از ماست.

دهند تا کار با ماشین‌های خستگی‌ناپذیر را دنبال کنند. ما امید داریم آن روز  
در نباشد که شوهرانه توانایی برآوردن نیازهای همسران خانوادشان را  
داشته باشند. لازم نباشند آن‌ها را برای انجام کارهای طاقت‌فرسا به  
کارخانجات نساجی بفرستند.<sup>1</sup>

در سال 1854 در ایالات متحده اتحادیه ملی چاپ‌گران مقرر داشت استخدام  
زنان مورد تشویق تأیید قرار نگیرد. اتحادیه‌های مردان نمی‌خواستند به  
زنان کارگر مایتهای اتحادیه‌یی بدهند. در عو سععی در حذف آنان  
داشتند در سال 1879 مسئول اتحادیه بین‌المللی سیگارسازان Adolf  
strasser گفت: «ما نمی‌توانیم زنان را از اتحادیه‌ها بیرون کنیم اما  
می‌توانیم سهمیه کاررزانه‌شان را از طریق قوانین کار خانه محدود  
سازیم.»<sup>2</sup>

در حالی که مشکل رقابتی ارزان می‌توانست از طریق سازمان‌دهی زنان  
کودکان مزدبگیر حل شود مشکل از هم گسیختن خانوادگی راه‌لی نداشت.  
مردان مایتهای اتحادیه را برای خود حفظ کردن سخن از، قوانین  
مایتهی کار برای زنان، کودکان، به میان آوردند.<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> اقتباس شده از ن. اسملسر. تغییرات اجتماعی و انقلاب صنعتی. سال 1959 صفحه 301.

<sup>2</sup> مثالها از مقاله‌ی سرمایه‌داری - پدرسالاری و تبعیض جنسی در  
مشاغل «نوشته ه. هارتمن نشریه‌ی Journal of women in Culture and society  
شماره 1 بخش 3 قسمت دوم سال 1976. صفحات 162-163.

<sup>3</sup> همان‌طور که قوانین کارخانجات برای حفظ منافع سرمایه‌داران  
علیه اعتراضات است قوانین حفاظتی برای زنان و کودکان نیز  
توسط دولت و با توجه به امر ادامه بازتولید طبقه کارگر  
تهیه شده‌اند. تنها یک دیدگاه کاملاً ابزارگرایانه از دولت

قوانین □ ماییتی کار □ الی که ممکن بود برخی از بدترین سوءاستفاده‌ها از کار زنان □ کودکان را بهبود بخشد، شرکت زنان بالغ را در بسیاری از مشاغل «مردانه» محدود می‌کرد.<sup>1</sup> مردان می‌خواستند دست‌مزدهای بالا را برای خود □ حفظ کنند □ قوق مردان را عموماً بالا ببرند. آن‌ها خواستار دست‌مزدی که برای □ ماییت □ معاش کل خانواده کافی باشد، بودند. این سیستم دست‌مزد خانوادگی به تدریج به نرُم خانواده‌های طبقه کارگر به اثبات □ در پایان قرن نوزدهم □ آغاز قرن بیستم تبدیل شد.<sup>2</sup>

---

می‌تواند نافی آن باشد که قوانین کارخانجات و قوانین حفاظتی از طریق اعطاء امتیازات انحصاری دولت را توجیه می‌نمایند و به نیازهای طبقه کارگر پاسخ می‌دهند.  
<sup>1</sup> برای بحث کامل‌تری درباره قوانین حفاظتی و زنان به مقاله «قوانین حفاظتی کار برای زنان: مبدأ و تأثیر» نوشته آ.ث. هیل استنسیل سال 1970 چاپ شده در کتاب «تبعیض جنسی و قانون: دلایل و راه‌حل‌ها نوشته ب. باب کوك، س.ث. روز، ا.ه. تورتو و آ. فریدمن سال 1975 هم‌چنین مقاله هارتمن «تبعیض جنسی در مشاغل» صفحات 164-166.

<sup>2</sup> در کتاب آ. کلارك به نام «زندگی کاری زنان» و کتاب ایو. پینچیک «زنان کارگر» اشاره به آن دارند که اضمحلال و حذف تولید در خانه با پروسه تطبیق اجتماعی پی‌گیری شد و موجب پیدایش دست‌مزد خانوادگی به عنوان یک نرُم اجتماعی گردید. هایدی هارتمن در مقاله «سرمایه‌داری و کار زنان در خانه طی سال‌های 1900-1930» (تز دکتری دانشگاه Yal سال 1974) به این بحث می‌پردازد که براساس اطلاعات کیفی، این پروسه در اوایل قرن بیستم در آمریکا رخ داد. کسی باید این فرضیه را به لحاظ کمی نیز مطالعه کند یعنی از طریق محاسبه بودجه خانواده در سال‌های مختلف و محاسبه تناسب درآمد خانواده برای طبقات مختلف با توجه به دست‌مزد خانوادگی احتمالاً در دوران بعد از جنگ دوم جهانی به تدریج پس گرفته شد. کارولین شاول در مقاله «اعانه‌ی زنان مزدبگیر به دست‌مزد خانواده» در نشریه ایسترن اکونومی ژورنال شماره 1 بخش 3 سال 1974 صفحات 201-185 با ارائه اطلاعات بحث می‌کند که اکنون دیگر مردان‌آور اصلی خانواده نیست. این که وضعیت امروزی

ناظران بسیاری هزینه معاش همسران بی‌جیره موجب کارگران مرد را بخشی از دست‌مزد کارگر مرد به حساب می‌آورند.<sup>1</sup> مردان کارگر به جای مبارزه برای دست‌مزد برابر برای زن مرد، خواستار دست‌مزد خانوادگی □ بازگشت همسران‌شان به خانه شدند. اگر پدرسالاری □ جود نداشت طبقه کارگر می‌توانست متحدالشکل با سرمایه‌داری مواجه کند، اما در □ ضرورت □ ابط اجتماعی پدرسالارانه طبقه کارگر شقه شد □ یک بخش (مردان) به هزینه بخش دیگر (زنان) خریداری شد. سلسله‌مراتب موجود بین مردان □ همبستگی بین آنان در پر □ سه این تجزیه تأثیر قطعی داشت. به این ترتیب

---

یا کمی پیش‌تر از این در این قرن، چگونه بوده است با این حال هنوز نرم اجتماعی این بوده و می‌باشد که مرد می‌بایست بتواند خانواده‌اش را به لحاظ مالی تأمین کند نرم بودن به معنای عمومی و همه‌گیر بودن نیست. در واقع تصویری است اگر نرم با ارزشی را طرح کنیم.

با توجه به این امر که در غیاب دست‌مزدهای بالا، اشکال «قانونی» خانواده ناپدید شدند مثلاً در میان مهاجرین در قرن نوزده و آمریکایی‌های جهان سومی امروزی.

اسکار هندلین در کتاب «مهاجرین بوستون» سال 1968، بوستون را در اواسط قرن نوزدهم شرح می‌دهد، زمانی که زنان ایرلندی در کارخانجات نساجی اشتغال داشتند این زنان دست‌مزد نسبتاً خوبی داشتند و اغلب شوهران بیکارشان را حمایت مالی می‌کردند. بحث ساختار خانواده در میان سیاه‌پوستان آمریکایی امروزه همچنان در جریان است. مراجعه کنید به «تمامی خویشاوندان ما استراتژی بقا در یک جامعه سیاه» نوشته س.ب. استاک سال 1974 به ویژه قسمت اول ما می‌خواهیم همچنین که در اغلب خانواده‌ها، نرم‌ها براساس جایگاه زن و مرد در بازار کار تعیین می‌شوند.

<sup>1</sup> هایدی هارتمن در مقاله‌ی کار زنان به این موضوع می‌پردازد که معمولاً زن خانه‌دار به عنوان بخشی از استاندارد زندگی مرد در اوایل قرن بیستم انگاشته می‌شد. صفحه 136 و گرشترین در مقاله «کار خانگی» مطرح می‌کند که کار زن مزدگیر تبدیل به بخشی از ارزش نیروی کار شوهر شد. (صفحه‌ی 121)

دستمزد خانوادگی به عنوان راه حل مشکل کار زنان ارائه شد □ تضادی را که مابین علائق سرمایه‌داری - پرسالاری در آن زمان رخ داد، حل کرد. دستمزد خانوادگی برای بسیاری از مردان بالغ به معنای پذیرش مردان □ تبانی برای دستمزد کمتر برای دیگران یعنی جوانان، زنان یا مردانی که به لحاظ اجتماعی رتبه پایین‌تری داشتند. (ایرلندی‌ها، سیاهان □ غیره □ به طور کلی گر □ ه‌هایی که در هرم سلسله‌مراتب پایین بودند □ منافع □ اصل از پرسالاری را رد می‌کردند) پرداخت دستمزد کمتر به زنان □ کودکان □ مردان رتبه پایین، از طریق ایجاد جدایی □ افتراق در بازار کار تحمیل شد □ به □ سیله اتحادیه‌ها، مدیریت، بنیادهای کمک‌کننده مثل مدارس □ برنامه‌های آموزشی □ □ تا خانواده‌ها □ مایت شد.

جدایی جنسی در کار، با تضمین دستمزد کمتر برای زنان، هم □ ابستگی اقتصادی زن به مرد را تضمین کرد □ هم نظریاً □ درخور □ وزه فعالیت زنان □ مردان را تقویت کرد. برای اغلب مردان توسعه دستمزد خانوادگی پایه مادی تسلط مرد را در □ زمینه تضمین می‌کند. □ ل، مردان کارهایی بهتر را در بازار کار دارند □ دستمزد بالاتری نسبت به زنان دریافت می‌دارند، دستمزد کمتر برای زنان در بازار کار، برتری مردان بر زنان را جابجایی می‌سازد □ در عین □ ال زنان به انتخاب همسر بودن، انجام کار خانگی □ نگهداری □ پوزش کودکان به عنوان شغل تشویق می‌شوند. □ م، زن کار خانگی، نگهداری □ پر □ رش کودکان □ سایر خدماتی که مستقیماً به

نفع مرد است را انجام می‌دهد.<sup>1</sup> مسئولیت‌های زن در خانه جایگاه فر<sup>2</sup> دست  
را در بازار کار تقویت می‌کند.<sup>2</sup> تجزیه‌ی که در ائل قرن بیستم تکامل  
یافت علائق سرمایه‌داران<sup>3</sup> پدرسالاری را تأمین کرد. اغلب<sup>4</sup> بٹ می‌شود  
که در شرایط فوق‌العاده بحرانی<sup>5</sup> ائل قرن نوزده سرمایه‌داران پی بردند که  
خانواده‌های کارگی نمی‌توانند به طور مؤثر خودشان را تکثیر کنند. آن‌ها  
متوجه این امر شدند که زنان خانه‌دار نسبت به زنان<sup>6</sup> همسران مزدبگیر  
کارگران سالم‌تری تولید<sup>7</sup> تربیت می‌کنند<sup>8</sup> کودکان تحصیل کرده نسبت به  
کودکان بی‌سواد کارگران بهتری می‌شوند.

---

<sup>1</sup> اهمیت این واقعیت که زنان در خانه به مردان سرویس می‌دهند هرگز نباید نادیده گرفته شود و همواره باید روی آن تأکید شود. همان‌طور که پت. مایناردی در «سیاست‌های کار خانگی» می‌گوید... میزان ستم روا شده به شما بسته به درجه مقاومت او (شوهرتان) دارد در کتاب «خواهری قدرتمند است» چاپ شده است. ویراستار رابین مورگان سال 1970 صفحه 451 مقاله او (که شاید به اندازه فایرستون در عشق برای‌مان با اهمیت است) تحلیل روابط قدرت بین مردان و زنان مثلاً در رابطه با کار خانگی است.

<sup>2</sup> لیبی سیمرن رابطه عضویت در جایگاه اولیه - ثانویه بازار کار را با ساختار خانواده در نیوانگلند مورد پژوهش قرار داده است. رجوع کنید به «زن در اقتصاد: نمونه مطالعه‌ای از لین - ماساچوست در سال‌های 1974 - 1760» (تز دکترا 1977) باتیا و اینباوم اخیراً در مورد رابطه نقش‌های خانواده و جایگاه آن در بازار کار پژوهشی انجام داده است. رجوع کنید به «باز تعریف مسئله انقلاب» در نشریه Review of Radical Political Economics شماره 9- بخش 3 سال 1977. صفحات 54 و 78 و معاش کنجکاوانه جنبش‌رهای زنان با سوسیالیسم سال 1978 دیگر منابع در رابطه با پیوند سرمایه‌داری - پدرسالاری در مقاله ساختن یک تئوری از سرمایه‌داری پدرسالارانه و برای سوسیالیست - فمینیسم «نوشته‌ی زیلا ایزنشتاین سال 1978».

معامله بر اساس پرداخت دست‌مزد خانوادگی به مردان □ نگهداشتن زنان در خانه، در آن زمان هم برای سرمایه‌داران □ هم برای مردان کارگر مناسب بود. اگرچه کلمه معامله در طول زمان تغییر کرده اما این □ اقعیت هنوز □ جود دارد که کار زن در خانواده به سرمایه از طریق تولید نیر □ ی کار (تولیدمثل) خدمت می‌رساند □ به مردان از طریق ایجاد فضایی که در آن □ ق □ یژه را به کار گیرند. زنان کار می‌کنند تا به مردان □ خانواده‌شان خدمت کنند □ به سرمایه‌داران نیز به عنوان مصرف‌کنندگان خدمت کنند.<sup>1</sup> همان‌طور که فایرستون Firestone مدرسه فرانکفور □ □ بسیاری دیگر تشریح کرده‌اند خانواده محلی برای آموزش تسلط □ انقیاد می‌شود.<sup>2</sup> فرزندان □ رف گوش‌کن کارگران مطیعی می‌شوند، دختران □ پسران نقش‌های مخصوص خود را یاد می‌گیرند. در □ آلی که دست‌مزد خانوادگی نشان می‌دهد که سرمایه‌داری خود را با پدرسالاری منطبق ساخته، تغییر جایگاه فرزندان تطبیق پدرسالاری را با سرمایه‌داری آشکار می‌سازد. کودکان مثل زنان از کار دست‌مزدی منع شدند، □ قتی توانایی آنان برای کسب درآمد کاهش یافت □ ابط قانونی‌شان را با □ الدین نیز تغییر کرد. در

---

<sup>1</sup> مراجعه کنید به «آن سوی چک پرداختی: سرمایه انحصاری و ساختار مصرف.» نوشته آ. برجز. ب. و اینباوم نشریه مانتلی رویو. شماره 28 بخش 3 سال 1976. صفحات 88-103. برای بحث درباره کار مصرف‌گرایانه‌ی زنان.

<sup>2</sup> برای مطالعه مدرسه فرانکفورت رجوع کنید به مقاله «اتوریته و خانواده» در تئوری نقد. نوشته ماکس هورکهایمر و انستیتو تحقیقات اجتماعی فرانکفورت، «خانواده» در وجوهی از جامعه‌شناسی سال 1972.

آغاز صنعتی‌سازی در ایالات متحده برآورده ساختن نیازهای فرزندان به طور قطع برایش پدر بود، پدر در موارد مشاجره، دعوا، بس، توقیف برتری قانونی داشت. زمانی که توانایی کودکان برای همکاری در بهبود اقتصاد خانه کاهش یافت، مادران به عنوان مسئول فرزندان شناخته شدند. حق قانونی در بس، دعوا را به دست آوردند.<sup>1</sup> قتی کودکان جزء تولیدکنندگان بودند با مردان طرف بودند، هنگامی که ق کار از آنان سلب شد مسئولیت‌شان به عهده زنان گذارده شد.

### شراکت در قرن بیستم:

پیش‌گویی مارکسیست‌های قرن نوزدهم مبنی بر این که پدرسالاری هم‌زمان با نیاز سرمایه‌داری به پرلتریزه کردن افراد جامعه پژمرده می‌شود، درست از آب در نیامد. مارکسیست‌ها نه فقط قدر، انعطاف پدرسالاری را دست‌کم گرفتند بلکه در مورد قدر سرمایه نیز غلو کردند. مارکسیست‌ها نیز بی‌جدید اجتماعی سرمایه‌داری را که ابط فئودالی را از هم دریده بود بالقوه قدر مند می‌پنداشتند. ناظران معاصر در جایگاه بهتری برای مشاهده تفاهای تمایلا «سرمایه‌داری خالص» «سرمایه‌داری واقعی» که رزانه با نیزه‌های تاریخی ر بهر می‌شود، قرار دارند. بحث‌های مربوط

---

<sup>1</sup> کارول براون «سرمایه‌داری پدرسالارانه و خانواده‌هایی که تحت اداره زن هستند» نشریه Social Scientist هند، شماره 40 و 41 سال 1975 صفحات 28-39.



به شراکت سرمایه □ دسته‌بندی‌های نژادی □ تقسیم‌بندی‌ها در بازار کار نمونه‌های ر □ شنی هستند که نشان می‌دهند نیر □ های سرمایه‌دار در ر □ یار □ بی با □ اقعیت‌های تاریخی تا چه اندازه «خالص» هستند. از سوی سرمایه‌داری در این پر □ سه انعطاف بسیاری بر □ ز داده شده است. مارکسیست‌هایی که آفریقای جنوبی را مورد مطالعه قرار داده‌اند معتقدند که اگر چه قوانین تبعیض نژادی پر □ لتریزه شدن برابر افراد را امکان‌پذیر نمی‌سازد اما این بدان معنی نیست که تبعیض نژادی از تجمع سرمایه جلوگیری می‌کند.<sup>1</sup>

تحلیل‌گران به شکل مجرد □ انتزاعی می‌توانند درباره اقداماتی که سرمایه‌داران برای کسب ارزش اضافی بیشتر انجام می‌دهند، بحث کنند. با □ جود این که در یک موقعیت اقتصادی خالص، سرمایه‌داران باید نسبت به کنترل اجتماعی، مق □ مت گر □ هی کارگران □ سیستم مداخله □ لت در امور اقتصادی □ عدم □ جود آزادی تجار □، □ ساس باشند. □ لت ممکن است جهت بازتولید در امور اقتصادی مداخله کند، ممکن است لازم باشد برای غلبه بر تمایلا □ بسیار خشن‌تر سرمایه بعضی از سرمایه‌داران را به □ سیله پلیس اداره □ کنترل کند.

---

<sup>1</sup> رجوع شود به «تشکیلات اقتصادی تجاری با یک ساختار رادیکال» نشریه Politics and Society شماره 6 بخش 2، سال 1976 صفحات 213-240 م. بوروای. رنگ طبقه در معادن مس: از ترقی آفریقای تا زامبیایی شدن، نشریات زامبیا. شماره 7 سال 1972.

با توجه به این نکات، سرمایه‌داران عملاً بیش‌ترین سودها را به جیب می‌زنند. اگر سرمایه‌داران به منظور کنترل اجتماعی کار به شیوه خاصی سازمان دهند، باز هم هیچ‌چیز درباره سرمایه به خودی خود روشن نمی‌کند چه کسی بالاترین یا پایین‌ترین رتبه را در دریافت مزد اشتغال می‌کند.

البته این نوع کنترل به سرمایه‌داران کمک می‌کند تا خودشان جزو گروه‌های مسلط جامعه باشند. راسیست‌ها، سکسیست‌ها (Sexist) هم از این نم‌کلاهی بزرگ می‌برند. سرمایه‌داری خصالت‌های نسبی هم از گروه‌های مسلط هم گروه‌های تحت ستم به ارث می‌برد. مباحث جدید درباره تمایل سرمایه مونیپل (انحصاری) به جداسازی در بازار کار با این درک توافق دارد.<sup>1</sup>

هنگامی که سرمایه‌داران هدف جداسازی جنسی نیز می‌کار را پیشه می‌کنند از خصالت‌های نسبی برای ایجاد شکاف بین طبقه کارگر استفاده می‌کنند، این امر قطعاً ناشی از نیاز به کنترل اجتماعی ناشی می‌شود تا نیاز به تجمع به شکل دقیق، ظریف آن. در طول زمان این‌گونه تلاش‌های نفاق‌افکن مفید، موفق، آقع می‌شوند.<sup>2</sup> توانایی سرمایه برای شکل دادن

---

<sup>1</sup> ریچارد ادوارز، دیوید گوردون و مایکل رایس. «تئوری تقسیم‌شدگی بازار کار» نشریه American Economic Review شماره 63 بخش 2. سال 1973 صفحات 359-365 و کتاب ویراستاری شده‌ای با همین نام چاپ سال 1975.

<sup>2</sup> د. گوردون «کارایی سرمایه‌دار و کارایی سوسیالیست» نشریه Monthly Review شماره 28 بخش 3 سال 1976 صفحات 19-39 برای بحث درباره کارایی کیفی (نیازهایی که احتیاج به حمایت اجتماعی دارند) و کارایی کمی (نیازهای ذخیره).

نیرِی کار به چیز بستگی دارد: ل، ضررِ رِ های ظریفِ خاص  
تجمع (برای مثال تولید، به شکلی سازمان داده شده که ارتباط بین کارگران  
ضررِ ریِ تمی است؟ اگر چنین است بهتر است کارگران همه به یک  
زبان صحبت کنند.)<sup>1</sup> م، بر نیرِ های اجتماعی جامعه که سرمایه را به  
انطباق تشویق یا مجبور می‌کنند. (برای مثال، ایجاد اتاق‌های نظافت جداگانه  
در آفریقای جنوبی برای سیاه سفید فقط یک خرج اضافی برای سرمایه‌دار  
است، اما فشار اجتماعی سفیدان مجبورش می‌کند.)

اگر محورِ ل بحث ما درباره‌ی تکامل سرمایه‌داری این است که سرمایه  
آن چنان هم قدرِ مند نیست محورِ م بحث ما این است که سرمایه  
فوق‌العاده انعطاف‌پذیر است. تجمع سرمایه، در رِ یارِ ی با فرم‌های  
اجتماعی سابقاً موجود هم آن‌ها را خراب می‌کند. هم با آن‌ها منطبق  
می‌شود. تطبیق سرمایه را، به عنوان انعکاس قدرِ اشکال اجتماعی سابقاً  
موجود که در محیط جدید در بقای خود استقامت به خرج می‌دهند، می‌توان  
مشاهده کرد این اشکال در عین ادامه بقا غیرقابل تغییر نمی‌مانند. برای مثال  
ایدئولوژی که جنسِ نژاد را امرِ زه تعریف می‌کند قویاً از طریق راه‌های

---

<sup>1</sup> برای مثال کارخانجات Milwaukee کارگران با بنابر تعلق  
قومی‌شان سازمان‌دهی کرده بودند، اما بعدها با تغییر  
تکنولوژی و نیازهای مقتضی همه کارگران زبان انگلیسی را  
آموختند. مراجعه کنید به «صنعتی شدن - مهاجرین و آمریکایی  
شدن»، نگاهی به میلوواکی در سال‌های 1866-1921 نوشته  
گردکورمن سال 1967.

خاصي که تقسيما □ جنسي - نژادي را در پر □ سه تجمع تقويت مي‌کنند، تعريف مي‌شود.

### **خانواده و دست‌مزد خانوادگي در جهان امروز:**

در بالا بحث کردیم که انطباق □ هم‌سازي □ جانبه سرمايه‌داري - پدرسالاري موجب توسعه دست‌مزد خانوادگي در □ ائل قرن بيستم شده است. دست‌مزد خانوادگي پيوند پدرسالاري □ سرمايه را تحکيم کرد. با □ جود افزايش شرکت زنان در کار به □ يژه از زمان جنگ □ م جهاني، دست‌مزد خانوادگي، همچنان سنگ بناي تقسيم جنسي کار در جهان امر □ ز است که در نتيجه آن □ لويت مسئوليت زنان کار خانگي □ □ لويت مسئوليت مردان کار مردي است. دست‌مزد کمتر زنان در بازار کار □ ( □ نياز به پر □ رش □ نگهداري کودک به □ سيله يکي از □ الدين) ادامه □ جود خانواده را به عنوان □ □ د ضر □ ري شراکت دست‌مزدها □ در آمدها تضمين مي‌کند. دست‌مزد خانوادگي □ سيله يي براي کنترل کار زن به □ سيله مردان در داخل □ خارج از خانواده است.

کار زنان با دست‌مزد بالا فشار ر □ □ ي □ ر □ اني در خانواده به □ جود مي □ رد (شبيه فشاري که کائوتسکي □ انگلس در قرن نوزدهم به آن اشاره کرده بودند). اشتباه است اگر فکر کنيم يا نتيجه بگيريم که مفاهيم □ □ اقعيت‌هاي خانواده □ جدائي جنسي در مشاغل به □ دي ناپديد مي‌شوند.

جدایی جنسی در کار در بازار کار مجدداً ظهور می‌کند، زنان به کارهایی گمارده می‌شوند که معمولاً همان کارها را در خانه انجام می‌دهند مثل غذا پختن - خدمت □ سر □ یس - انواع مختلف نظافت - نگهداری □ غیره... تا زمانی که این‌گونه مشاغل □ پایه □ با دست‌مزد نازل □ جود دارد □ ابط پدرسالارانه بکر □ دست نخورده باقی خواهد ماند. هر چند پایه مادی این پدرسالاری از خانواده به سیستم دست‌مزدهای متفلاً □ نظافت □ از پدرسالاری با پایه خانوادگی به پدرسالاری با پایه صنعتی منتقل می‌شود.<sup>1</sup>

□ ابط پدرسالاری که بر پایه صنعت شکل گرفته باشد به طرق گوناگون پیش برده می‌شود. قراردادهای اتحادیه که دست‌مزد کمتر - منافع □ سود کمتر □ امکان □ پیشرفت کمتر را برای زنان به ارمغان می‌آورد؛ فقط باقی مانده از □ ان قدیم نیستند (موردی که گرایش‌های جنس‌گرایانه یا ایدئولوژی برتری مردها به آن استناد می‌کنند)، آن‌ها پایه مادی سیستم پدرسالاری را □ فظ می‌کنند. اگرچه بسیاری آن‌قدر اغراق می‌کنند که فکر می‌کنند پدرسالاری از خانواده □ ذف شده است (برای مثال استوار □ □ ان S.Ewen در کتاب رهبران آگاهی).<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> کارول براون در «سرمایه‌داری پدرسالارانه» مثلاً بحث می‌کند که ما از پدرسالاری «بنا نهاده شده بر اساس خانواده» به سوی پدرسالاری «بنا نهاده شده بر صنعت» در چارچوب سرمایه‌داری در حرکت هستیم.

<sup>2</sup> استوارت سون، فرماندهان آگاهی سال 1976.

دره‌های مصالحه بین سرمایه‌داری و پرسالاری تغییر کرده، وظایف اضافی که سابقاً به ش‌خانواده بود سرمایه‌دارانه شده و جایگاه قدر کار زنان تغییر کرده است.<sup>1</sup>

با این حال، قیقت این است که تفلاً در دست‌مزدها به علت تقسیم کار بر اساس جنسیت، خانواده همراه با آن تقسیم کار در داخل منزل تشویق زنان به ازیداج را تقویت می‌کند.

دستمزد خانوادگی «مطلوب» (که یک مرد با آن می‌تواند معاش همه افراد خانواده را تأمین کند) ممکن است امکان ایجاد درخواست جدیدی را فراهم آورد تا زن مرد هر دو برای به دست آوردن درآمد نقدی خانواده تلاش ورزند. در این‌الت، تفلاً در دست‌مزدها، برای جلدانه کردن پرسالاری کنترل مرد بر قدر کار زن ضرری می‌شود.

تفلاً در دست‌مزدها، در تعریف کار زن به عنوان کار درجه کم کمک می‌کند همزمان ابستگی مالی زن به مرد را ضرری‌تر می‌سازد. تقسیم کار بر اساس جنسیت در بازار کار یا هر جای دیگر باید به عنوان دلیلی

---

<sup>1</sup> جین گاردینر در «کار خانگی زنان» (منبع شماره 10) علت تغییر جایگاه کار زنان را از دیدگاه سرمایه بررسی می‌کند. او توضیح می‌دهد که سرمایه (بنابر سطح واقعی دست‌مزدها، عرضه کار و اندازه بازار) نیاز به مراحل مختلف رشد و چرخه تجاری دارد. به نظر او در دوران جهش‌های سریع کار خانگی جنبه اجتماعی‌تر می‌گیرد و در دوران رکود کار خانگی به جنبه سنتی خود باز می‌گردد. در تلاش برای ارزیابی اقتصاد بریتانیایی گاردینر به ارزیابی نیازهای اقتصادی پرسالاری نمی‌پردازد. ما در این مقاله بحث می‌کنیم که اگرچه برخی پرسالاری و نیز سرمایه‌داری را به حساب می‌آورند اما نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید جهت احتمالی نظام اقتصادی را ارزیابی نمایند.

برای جا دانه شدن پدرسالاری فهمیده شود. بسیاری بحث کرده‌اند که اگرچه پیوند سرمایه پدرسالاری اکنون وجود دارد اما ممکن است در یک رند طولانی این پیوند برای سرمایه‌داری غیرقابل تحمل شود. سرمایه عاقبت رباط خانوادگی پدرسالاری را نابود کند. این بحث تا آنجا منطقی است که می‌گوید، رباط اجتماعی سرمایه‌داری که خانواده تنها نمونه آن نیست تمایل به عمومی شدن دارد، که زن بیش از پیش توانایی کار کسب درآمد پیدا می‌کند. از تسلیم به تابعیت در خانواده سرباز می‌زند. چون خانواده به ویژه نسبت به زن کودکان سرکوبگر است به محض این که آن‌ها پشتوانه‌ی خارج از خانواده به دست می‌آیند نظام آن متلاشی می‌شود.

ما فکر نمی‌کنیم رباط پدرسالاری تنیده شده در خانواده به آسانی بتواند توسط سرمایه‌داری نابود شوند. مدارک اقصیا کمی تلاش نظام خانوادگی را در مال اضر نشان می‌دهد. اگر چه شرکت سیم زنان در بازار کار طلاق را ممکن‌تر ساخته است، لی انگیزه طلاق جنبه غالب ندارد. دست‌مزد زنان به تعداد محدودی از آنان اجازه می‌دهد تا بتوانند خود کودکان‌شان را مستقل شایسته اداره کنند به طور کلی تا در بهترین حالت آمار مدرکی که انحطاط خانواده سنتی را نشان دهند بسیار محدود است.

آمار طلاق چندان افزایش نیافته در عو آمار ازدواج‌های مجدد بسیار بالا است. تا سال 1970 طبق سرشماری سن ازدواج آل نزل تاریخی‌اش را ادامه داد. از سال 1970 مردم دیرتر ازدواج کرده بچه‌دار شده‌اند.

اخيراً نرخ تولد بالا رفته است. البته قیقتی است که بخش سیعی در سال  
اضر در خارج از مرزهای خانواده سنتی زندگی می‌کنند. به یژه جوانان  
الدین را ترك کرده قبل از ازدواج آغاز زندگی خانوادگی سنتی،  
زندگی مستقلی دست پا می‌کنند. مسن‌ترها به یژه زنان پس از رفتن  
فرزندانشان جدایی یا فو شوهر خود را تنها می‌یابند. در هر سال  
اقعییت نشان می‌دهد نسل جدید جوانان مایل است خانواده هسته‌یی را در  
سنین بالاتر (به نسبت بیش‌تری) تشکیل دهند.

گره‌هایی از متولدین 1930 به بعد نسبت به گره‌های سنی قبلی آمار  
بالاتری از ازدواج‌ها بچهدار شدن‌های تمالی دارند. شاید طول زمان  
ازدواج پرورش نگهداری کودک کمتر شده اما هنوز سیعاً جود دارد.<sup>1</sup>  
بحث تلاش خانواده توسط سرمایه به نیرهای اجتماعی که زندگی  
خانوادگی را طلب می‌کنند نادیده می‌گیرد. علی‌رغم انتقاداتی که خانواده  
هسته‌یی را از نظر رانی مخرب می‌داند، در یک جامعه رقابتی، خانواده

---

<sup>1</sup> برای تناسب در خانواده هسته‌ای، رجوع کنید به «گوناگونی‌ها  
مشابه در تجارب چرخه زندگی خانوادگی زنان آمریکایی» نوشته  
پ.الن برگ. نشریه *Journal of Marriage and the Family* شماره 36 بخش 5  
سال 1974 صفحات 292-284.

برای آمار ازدواج مجدد، رجوع کنید به «نگاهی به بازگشت در  
طلاق و ازدواج مجدد در دوره اخیر» آ.جی.نورتون نوشته پاولس  
گلیک. نشریه دموگرافی شماره 10 سال 1974 صفحات 314-301 برای  
طلاق و میزان درآمد رجوع کنید به «ازدواج بی‌ثبات، دیروز -  
امروز - فردا» نوشته پاولس. گلیک و آ.جی.نورتون در نشریه  
*Journal of Social Issues* شماره 32 بخش 1 سال 1976 صفحات 20-5 و نگاه  
کنید به «اینجا بایستید: خانواده‌های آمریکایی در قرن 20»  
نوشته م.ج. بون سال 1976.



هنوز بسیاری از نیازهای افراد را برطرف می‌سازد. این موضوع نه فقط برای از بین بردن اجزای تک همسری طولانی مدتی بلکه تا برای پرورش تربیت کودکان نیز صادق است. <sup>۱</sup>الدین تنها، هم مشکلات مالی هم مشکلات روانی را برایش می‌کشند. به خصوص برای زنان کارگر این مشکلات شرکت مستقل در بازار کار را به یک خیابان تصور تبدیل می‌کند.

اخيراً توسط تحلیل‌گران سیاسی خانواده‌های تک‌الهی به عنوان شکل‌های انتقالی خانواده که با ازدواج مجدد به خانواده <sup>۲</sup>الدینی تبدیل می‌شوند، تفسیر شده‌اند. <sup>۱</sup> تأثیر افزایش شرکت زنان در تولید می‌تواند به جایی طلاق موجب کاهش تقسیم جنسی کار در خانه گردد، مدارک برای این ادعا کم است. آمار درباره این که چه کسی کار خانگی را انجام می‌دهد تا در خانواده‌هایی که زنان کار مزدی دارند تغییر کمی را نشان می‌دهد، زنان هنوز بیش‌ترین کار را انجام می‌دهند. <sup>۲</sup>

از مضاعف برای زن مزدگیر <sup>۳</sup>اقتی است. تعجب‌آور این است که از هنگام تقسیم کار بر اساس جنسیت در کار خانواده بازار کار، <sup>۴</sup>ابستگی مالی زنان به مردان با وجود کسب درآمد مستقل ادامه داشته است. آینده

---

<sup>۱</sup> ج.ل. روس - ایزابل ب. ساوهیل، «زمان حرکت: رشد خانواده‌هایی که توسط زنان اداره می‌شوند» سال ۱۹۷۵.

<sup>۲</sup> مارگارت ای. وودز - ک.ای. والکو، «زمان مصرف شده: اندازه‌گیری تولید خانگی وسایل و خدمات خانواده» سال ۱۹۷۶ و هایدی هارتمن «خانواده امکان مبارزه فمینیستی - طبقاتی و سیاسی: مثال کار خانگی» نشریه *Journal of woman in Culture and Society* شماره ۶ بخش ۳ سال ۱۹۸۱.

پدرسالاری فقط □ ابسته به آینده □ ابط بسته خانوادگی نیست زیرا  
پدرسالاری مثل سرمایه به طور غریبی می‌تواند انعطاف‌پذیر باشد.  
تقسیم پدرسالارانه کار در خارج □ داخل خانواده، نهایتاً برای سرمایه  
تحمل‌ناپذیر خواهد بود، این امر را امر □ زه در شکل‌گیری سرمایه‌داری  
می‌بینیم.

همان‌طور که در ادامه مقاله خواهیم دید، پدرسالاری در عین مشرق □ عیت  
بخشیدن کنترل سرمایه‌داران، بعضی مشکل‌های خاص مبارزه علیه سرمایه  
را غیر مشرق □ ع می‌کند.

#### **ایدئولوژی در قرن بیستم:**

پدرسالاری از طریق ایجاد □ نهادی کردن سلسله مراتب بین مردان (هر  
مردی از هر گروه □ اجتماعی □ داخل چند زن را می‌تواند کنترل کند) سیستم  
کنترل سرمایه‌دارانه را تحکیم می‌کند □ ارزش‌های سرمایه‌دارانه نیز به نوبه  
خود تعابیر پدرسالارانه را تقویت می‌کنند. پدیده‌های □ انی که شولامیت  
فایرستون از آن‌ها یاد می‌کند مثال‌های مشخص از رخ داده‌ها در □ ابط  
□ ابستگی □ تسلط هستند. این مثال‌ها از طریق قدر □ □ اقعی اجتماعی مردان

(که زنان منکر آن هستند) □ با توجه به این □ قیقت که در متن يك جامعه

سرمایه‌داری رخ می‌دهند، □ اقعیت می‌یابند.<sup>1</sup>

خصلت‌های مردان آن‌طور که رادیکال فمینیست‌ها شرح می‌دهند (معقول،

مسلط □ سبقت جوینده □ در □ مال رقابت) به ارزش‌های مسلط در جامعه

سرمایه‌داری شباهت دارند. این انطباق را به □ طریق می‌توان تشریح کرد:

□ لاً، مردان به عنوان مزدبگیران جذب □ ابط اجتماعی سرمایه‌دارانه در

مشاغل خود می‌شوند، به طرف رقابتي که این □ ابط تجویز می‌کند سوق

داده می‌شوند □ صل □ ب ارزش‌های مشابه می‌شوند،<sup>2</sup> توصیف‌های رادیکال

فمینیست‌ها از مردان در جوامع سرمایه‌داری بی‌ربط هم نبوده است.

ثانیاً، □ تا اگر زنان □ مردان طبق الگوهای جنسی تجویز شده در جامعه

سرمایه‌داری رفتار نمی‌کنند، مردان آن خصلت‌های ارزش‌گزار شده در

ایدئولوژی مسلط را مطالبه می‌کنند. مثلاً نویسنده کتاب کریس □ د هیث

Crestwood heights می‌نویسد تا زمانی که مردان متخصص

□ زهایشان را از طریق کنترل زیردستان می‌گذرانند □ از تکنیک‌هایی

استفاده می‌کنند که اغلب با توسل به انگیزه‌های اساساً غیر عقلانی می‌خواند

به رفتارهای موردنظر برسند) به عنوان □ اقع بین شناخته می‌شوند. □ تا

□ قتی زنان قسمت اعظم انرژی‌شان را برای مطالعه علمی □ ش‌های تربیت

---

<sup>1</sup> ر.زنت - جی.کوب «صدمات پنهانی طبقه» سال 1973. در این کتاب به نمود مشابه روان‌شناسانه در چارچوب روابط سلسله مراتبی مردان در محیط کار اشاره می‌شود.

<sup>2</sup> این امر باید نشان دهنده تفاوت‌های طبقاتی در سکسیسم Sexism باشد، که در اینجا امکان پژوهش بیشتر آن نیست.

كودك □ تكامل □ صرف مي‌كنند، انسان‌هاي غير منطقي اما □ ساساتي  
ارزيابي مي‌شوند.<sup>1</sup>

اين تحليل به شناخت شخصيت‌هاي «مرد» □ «زن» □ همچنين شناخت شكل  
□ يژه ايدئولوژي جنسي (Sexist) در جوامع سرمايه‌داري كمك مي‌كند.  
همان‌طور كه اشتغال زنان به هدف □ گانه جا □ دانه ساختن تسلط مرد □ توليد  
سرمايه‌داري ياري مي‌سازند، ايدئولوژي نسي به هدف □ گانه ستايش  
ارزش‌هاي سرمايه‌دارانه / مردانه □ بي‌ارزش كردن نيازهاي اجتماعي /  
زنانه ياري مي‌رسانند. مردان براي فر □ دست قرار دادن □ بي‌قدر □ كردن  
زنان در جوامع ماقبل سرمايه‌داري دلايل متفا □ تي ارائه داده‌اند. فقط در  
جامعه سرمايه‌داري است كه مي‌توان تحقير كردن زن را به عنوان انساني  
□ ساساتي □ غير منطقي توجيه كرد. اين انگ‌ها در □ ران رنسانس مفهومي  
نداشتند. تنها در جامعه سرمايه‌داري است كه اين انگ معنای خود را باز  
مي‌يابند.

---

<sup>1</sup> رجوع كنيد به جی.ا. سيلاي، كرسٲ، وودهايتز، و. اتال سال  
1956 صفحات 382-394.

در حالي كه جاگه مردان با شركت در توليد مشخص مي‌شود اين  
بدان معنا نيست كه جاگه زنان به سادگي در «عدم شركت در  
توليد» ارزيابي شود. وظايف زن نيز به وسيله سرمايه شكل  
داده مي‌شود. كار بدون دستمزد زنان نتيجه‌ي توليد روزمره  
براي مبادله براساس نيازهاي اجتماعي مشخص و تهيه و تدارك  
ارزش‌هاي ضروري در جامعه سرمايه‌داري است (يعني زمينه مصرف  
را فراهم مي‌كند) براي بحث دقيق‌تر رجوع كنيد به بريجز و  
واينباوم، «آن سوي چك پرداختي.» اين واقعيت كه زنان در  
جامعه‌اي كه ارزش‌هاي مبادله مسلط هستند «فقط» ارزش‌هاي  
ضروري توليد مي‌كنند مي‌توانند جهت بدنام كردن زنان  
مورد استفاده قرار گيرد.

در جامعه سرمایه‌داری است که می‌توان از بالا به زن نگاه کرد □ □ را «ابسته» پنداشت. «ابسته» به عنوان یک انگ در جوامع فئودالی معنایی نداشت. شیوه تقسیم کار در جوامع سرمایه‌داری از سویی نقش زنان را به عنوان همسران □ مادران خانواده به تولید مواد ارزش‌مند مربوط ساخت، از سویی دیگر با اعتبار کردن این □ ظایف عدم توانایی سرمایه را در □ بهر □ شدن با یک نیاز مشخص اجتماعی به نمایش گذاشت. سرمایه هم‌زمان با آن که زن را در چشم مرد فر □ مایه نشان می‌دهد، تسلط مرد را معقول □ عقلانی می‌سازد.

برای مثال به آگهی‌های □ پهلوی تلویزیونی نگاه کنید. بیان‌دازید. از طرفی سرمایه‌داری خود را آماده بر □ رده ساختن نیازهای □ زمره اجتماعی نشان می‌دهد □ مثلاً مشکل پودرهای لباس‌شویی □ جنس‌های بنجل از هر قلم که لباس‌ها را خراب می‌کند □ □ ساسیت پوستی می‌آورد را طرح می‌کند، از طرف دیگر دل‌مشغولی به این مسایل را با دیده تحقیر می‌نگرد.

بحث دیگری که پیوند سرمایه‌داری - پدرسالاری را نشان می‌دهد پیرامون تقسیم جنسی مشاغل است. این‌گونه تقسیم جنسی زنان را در شغل‌های کم‌درآمد جای می‌دهد □ □ ظایفی زنانه برای آنان تعیین می‌کند. زنان معلم کارگران بخش رفاهی □ اکثریت کارکنان بخش بهداشت هستند. نقش □ مایه‌ی - پر □ رشی زنان در این شغل‌ها جایگاه فر □ دستی دارد زیرا سرمایه‌داری بر عدم □ ابستگی شخصی تأکید می‌کند □ بر توانایی شخصی برای رفع نیازهای اجتماعی انگشت می‌گذارد، البته این تأکید با ارائه خدمات □ اجتماعی عمومی

در تضاد قرار می‌گیرد. تا زمانی که اهمیت اجتماعی مشاغل «زنانه» با وظایف نظیر نگهداری، ماییت، پرورش درک، روشن نگردد در الویت قرار گرفتن ارزش‌های مبادله‌ی به جای ارزش‌های اجتماعی سودمند از جانب سرمایه، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به این ترتیب، نه فمینیسم بلکه جنس‌گرایی است که در میان طبقه کارگر نفاق جدایی را دامن می‌زند.

### **پیش به سوی یک اتحاد مترقی‌تر:**

مسائل زیادی برای کلاس به جا می‌ماند. پدرسالاری در آن معنی که ما از آن استفاده کردیم بیش‌تر یک اصطلاح توصیفی است تا مقوله‌ی تحلیلی. اگر فکر کنیم مارکسیسم به تنهایی ناکافی است پس نیاز داریم تا مقولاً جدیدی را توسعه دهیم.

آن چه وظیفه‌ی ما را دشوار می‌سازد این است که خصوصیات مثل تقسیم جنسی کار اغلب هم پدرسالاری هم سرمایه‌داری را تقویت می‌کند. در یک جامعه سرمایه‌دارانه - پدرسالارانه جدا کردن ساز کارهای پدرسالاری امری دشوار است. اگر چه این کاری است که باید انجام دهیم. ما به چند مورد برای آغاز کار اشاره کردیم:

بررسی دقیق این که چه کسی از قدر کار زنان سود می‌برد، برداشتن پوشش از پایه مادی پدرسالاری کلاس در ساز کارهای سلسله مراتب هم‌بستگی مردان.

سؤالاتي که باید به آن‌ها پاسخ دهیم بی‌پایان است.  
آیا می‌توانیم از قانون □ رکت نظام پدرسالاری صحبت کنیم؟  
چگونه پدرسالاری موجب مبارزه فمینیستی می‌شود؟  
چه نوع سیاست جنسی □ مبارزه جنسی بین زنان □ مردان، در جوامعی  
غیر از جوامع پیشرفته سرمایه‌داری □ جود دارد؟  
تضادهای نظام پدرسالاری چیست؟ □ چه رابطیهی با تضادهای  
سرمایه‌داری دارد؟  
می‌دانیم □ ابط پدرسالارانه موجب گسترش جنبش فمینیستی □ سرمایه  
موجب جنگ طبقاتی می‌شود. رابطه فمینیسم با مبارزه طبقاتی در مفهوم  
تاریخی آن چگونه بوده است؟  
در قسمت پایانی مقاله سعی می‌کنیم به سوال آخر پاسخ دهیم.

### **فمینیسم و مبارزه‌ی طبقاتی:**

در طول تاریخ □ در □ ان کنونی رابطه فمینیسم □ مبارزه طبقاتی □ جاده  
جدا از هم بوده‌اند (فمینیسم «بورژوازی» در یكسو، مبارزه طبقاتی در سوی  
دیگر) □ یا در چپ تسلط مارکسیسم بر فمینیسم دیده می‌شده است. تسلط  
مارکسیسم بر فمینیسم نتیجه قدر □ تحلیلی مارکسیسم □ قدر □ مردان در  
میان چپ‌ها بوده است. همین امر ستیزهایی را در چپ به □ جود □ رد □  
جایگاه متناقضی برای مارکسیست - فمینیست‌ها ایجاد کرد.

اغلب فمینیست‌هایی که خودشان را رادیکال می‌دانند (ضد نظام - ضد سرمایه‌داری - ضد امپریالیسم - سوسیالیست - کمونیست - مارکسیست...) همگی متفق‌القولند که موج رادیکال جنبش زنان لحظه مناسب را از دست داد در حالی که لیبرال‌ها زمان را دریافتند. هژمونی به دست آن‌ها افتاد. جنبش ما اینک دیگر در «رهن هیجان‌زدگی / انرژی نیست. البته این جنبش سطح آگاهی‌ها را بالا برد، «جوان‌ها را بیدار کرد» زنان بیش‌تری را جذب جنبش کرد. در عین‌حال توانست شفافیت مسائل زنان را در جامعه با به مبارزه طلبیدن «ابط سرمایه‌داری» پدرسالاری مطرح کند. اکنون ما «ساز می‌کنیم بخشی از جنبش به همکاری با سرمایه‌داری تن در داده» فمینیسم علیه زنان استفاده می‌شود. برای مثال در دادگاه‌ها قاضی‌ها «کم می‌دهند: زنانی که از «اج طولانی مد» داشته «کدبانو بوده‌اند نیاز به نفقه ندارند زیرا اکنون زنان آزاد شده‌اند.

شکست در به تصویب رساندن اصلاحیه «قوک برابر در ایالات متحده» «ضور ترس» «اقعی از سوءاستفاده از فمینیسم را ما بین بسیاری از زنان نشان می‌دهند. در عین‌حال نیازی «اقعی ما را» «ادار می‌کند تا «باره به ارزیابی مجدد جنبش‌مان بپردازیم» «علل تن دادن به همکاری به این شکل را از سوی برخی افراد، تحلیل کنیم.

منطقی است برای کمک به ارزیابی مجدد به مارکسیسم بازگردیم زیرا مارکسیسم نظیره مترقی «متکاملی از تغییر» اجتماعی است. نظریه مارکسیسم نسبت به فمینیسم به خوبی تکامل یافته «مارکسیست‌ها برای



استفاده از آن در تلاش هستند، ما گاهی □ قا □ از اهداف فمینیستی منحرف شدیم.

چپ همواره در مورد جنبش زنان □ پهلو برخورد کرده است □ اغلب آن را برای انقلاب سوسیالیستی خطرناک ارزیابی کرده است. □ قتی زنان چپ از فمینیسم □ مایت می‌کنند ممکن است برای مردان چپ به لحاظ شخصی تهدیدآمیز باشد. البته بسیاری از سازمان‌های چپ از فعالیت زنان استفاده می‌برند.

بسیاری از تحلیل‌گران چپ (در هر □ شکل سنتی □ مترقی) به لحاظ نظری □ سیاسی به خود یاری می‌رسانند. آن‌ها می‌خواهند بر زنان نفوذ داشته باشند تا زنان تلاش برای تکامل درک مستقل از □ وضعیت خودشان □ تطبیق آن با تحلیل‌های چپ را رها کنند. در پاسخ به این فشار طبیعی است، همان‌طور که به تحلیل‌های مارکسیستی برگشتیم، سعی کنیم به صنفی که از این ایده (مارکسیسم) الهام می‌گیرد بپیوندیم. در عین □ ال ممکن است به تلاش برای بر □ ق بودن مبارزه‌مان توسط «صنف» پایان دهیم □ در عو □ سعی کنیم □ وضعیت زنان را برای بهبود عمل سیاسی خودمان تحلیل نماییم. به هر □، بسیاری از مارکسیست‌ها به تحلیل‌های مارکسیست سنتی از مسئله زن قانعند. آن‌ها طبقه را به شکل چارچوبی که در آن جایگاه زن قابل درک است، می‌بینند. به نظر آن‌ها زنان باید به عنوان بخشی از طبقه کارگر شناخته شوند، مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری باید بر هر تضادی بین

زن □ مرد □ تضادهای جنسی مقدم باشد □ با همبستگی طبقاً □ منافا □  
نداشته باشد.

در چندساله اخیر که □ وضعیت اقتصادی ایالات □ متحده بدتر شده تحلیل‌گران  
سنٹی مارکسیسم مجدداً به صحنه آمده‌اند. در دهه شصت جنبش مدنی -  
جنبش دموکراتیک دانشجویی - جنبش ضد جنگ - جنبش زنان - جنبش محیط  
زیست □ افزایش جنگجویی □ نزاع طلبی‌گر □ ه‌های □ رفه‌یی □ یقه سفیدها  
سوالا □ جدید را برای مارکسیست‌ها پیش آرد است.

اما اکنون بازگشت به مشکلا □ اقتصادی قابل □ ضوح مثل تورم □ بیکاری  
اهمیت این خواسته‌ها را مجدداً تحت اشعاع قرار داده □ چپ به «بنیادهای»  
سیاست‌های طبقه کارگر بازگشته است فرقه‌های شبه □ زبی مارکسیست -  
لنینیست در □ مال رشد، هم در نظریه □ هم در عمل ضد فمینیست هستند.  
بحث‌های فمینیستی در چپ آکادمیک کاهش یافته است. محلی برای مراقبت  
از کودکان در فرانس‌های چپ‌ها ناپدید شده است. هم‌زمان با مورد قبول  
□ اقع شدن مارکسیسم □ سیاست اقتصادی توسط □ شن‌فکران، شبکه قدیمی  
آکادمیسین‌های لیبرال در شبکه جوان مارکسیست‌ها □ رادیکال □ به افزایش  
است. البته با این تفلاً □ که این بار اعضاء مرد، جوان □ رادیکال هستند.

فشار بر زنان رادیکال برای رها ساختن موضوع □ مقانه‌یی که □ ی آن  
کار می‌کنند (یعنی مسئله زنان) □ تبدیل به انقلابی‌های «جدی» شدن افزایش  
یافته است. کار ما نسبت به کار بر □ ی مسائلی چون تورم □ بیکاری □ قت  
تلف کردن به نظر می‌رسد. از نشانه‌های تسلط مردان یکی این بود که

بيكاري «ما» هيچ وقت بحراني ارزيابي نشد. در آخرين بحران هاي اقتصادي سال هاي 1930 بيكاري سيع به علت ذف زنان از بسياري كارها ل شد (يك دست مزد براي هر خانواده اشغال مردان، سرمايه داري - پدرسالاري از بحران پير ز بير ن آمدند) بحران هاي اقتصادي همان طوري كه از طريق موازنه، عمل كردي يا بخش براي سرمايه داري دارند، به پدرسالاري نيز خدمت مي كنند. سال هاي 1930 زنان را سر جاي ل شان عقب راند. مبارزه عليه سرمايه داري - پدرسالاري بدن مطالعه، بررسي عمل، تلاشي موفق نخواهد بود. مبارزه يي كه فقط عليه ر ابط ستمگر سرمايه داري باشد اگر به م ايت ر ابط پدرسالاري به عنوان پايه آن بي توجه باشد شكست خواهد خورد. تحليل پدرسالاري براي تعريف نوع سوسياليسي مي كه براي زنان سودمند باشد مهم است. زنان مردان در سرنگوني سرمايه داري سهيمند اما هر يك منافع جنس خاصي را نيز دنبال مي كنند. معلوم نيست (از انگاره ما، يا مردان سوسياليس ت از تاريخ) سوسياليسي مي كه براي آن جنگيده شده براي زنان مردان يك سان باشد. براي ساختن يك سوسياليس م انساني بايد بدانيم جامعه جديد چگونه خواهد بود يك انسان سالم چه طور به نظر مي رسد، دقيق تر بگوئيم، نياز هست كه مردان از امتياز ا شخصي چشم پوشي كنند. ما زنان نبايد چون گذشته به خودمان اجازه دهيم از ظايف مهم ياتي مان بگذريم. ما بايد تيز نافذ دقيق تا اگر شده با تهديد بجنگيم. براي رسيدن به اهداف فمينيستي ل استراتژي را پيش نهاد مي كنيم:

1- مبارزه براي استقرار سوسياليسم بايد مبارزه‌يي باشد كه در آن گره‌هاي مختلف با علائق گوناگون متحد شوند. زنان نبايد به مردان اعتماد كنند كه پس از انقلاب آن‌ها را آزاد خواهند ساخت تا دي به علت اين كه هيچ دليلي وجود ندارد كه بلا ر كنيم اين كار را خواهند كرد تا دي به دليل اين كه هيچ نيازي ندارند كه به چنين اقدامي دست بزنند. در قيققت علائق شخصي فوري آنان در ادامه ستم نهفته است. ما بايد سازمان پايه قدر خاص خودمان را داشته باشيم.

2- تقسيم كار بر اساس جنسيت در سرمايه‌داري به ما زنان درسي داده، تا بفهميم نيازهاي انساني ابستگي متقابل انساني چيست. در الي كه مردان عليه سرمايه جنگيده‌اند<sup>1</sup> زنان مي‌دانند براي چه جنگيده‌اند. به عنوان يك قانون عمومي جاگاه مردان در سرمايه‌داري - پدرسالاري موجب مي‌شود كه آنان از درك نيازهاي انسان براي رشد، پرورش تربيت، شراكت نير ي بالقوه مشاهده اين نيازها در يك جامعه غيرسلسله مراتبي غير پدرسالارانه عاجز باشند. مردان ممكن است در مقابل ضررهاي تمالي به منافع بالقوه قانع شوند وضعيت موجود را بپذيرند تا اگر ما آگاهي آنان را بالا ببريم. مردان چيزي بيش از زنجير هایشان از دست مي‌دهند. ما به عنوان سوسياليسست - فمينيست بايد مبارزه علمي را عليه سرمايه‌داري - پدرسالاري سازمان دهيم. ما بايد تأكيد كنيم جامعه‌يي مي‌خواهيم ايجاد كنيم كه ابستگي متقابل، رهائي است نه شرم، پرورش

---

<sup>1</sup> ال. فوگل. «خانواده زميني» به منبع شماره 10 رجوع كنيد.

تربیت عمومی است نه عملی ستمگرانه، جامعه‌ی که در آن زنان به آزادی‌های کاذب رضایت نمی‌دهند □ به امتیاز □ خاص مردان تن نمی‌دهند.

## انتقادهایی بر نظرات هایدی هارتمن

ایریس یانگ سوسیالیست - فمینیست در مقاله‌ی «فراسوی از»<sup>1</sup> ناخشنود، انتقادی به تئوری نظام‌های «گانه»<sup>1</sup> در انتقاد به نظرگاه‌های هارتمن می‌نویسد در «تئوری‌های هارتمن باز هم مارکسیسم» تئوری ربط تولیدی بر تئوری‌های فمینیستی جنسیت غلبه» برتری دارند.» یانگ مخالف این نظر است که شرایط زندگی زنان از طریق «نظام جداگانه» ربط اجتماعی، سرمایه‌داری» پدرسالاری که ساختار - جنبش‌ها» تاریخ متفاتی دارند قابل بررسی است. به نظر یانگ طرح سوسیالیسم - فمینیسم باید از طریق ادغام دیدگاه‌های مارکسیسم» فمینیسم در یک تئوری» از طریق درک سرمایه‌داری پدرسالارانه به عنوان یک نظام» د انسجام یابد. در این تئوری مبحث جدایی مشاغل بر مبنای جنسیت اساس است» از طریق آن» ربط تولیدی با توجه به جنسیت مورد تفسیر» بررسی قرار می‌گیرد.

به نظر یانگ نظام تئوری «گانه» می‌تواند این سوءتفاهم را ایجاد کند که هسته اصلی ستم بر زن، در نظامی غیر از سرمایه‌داری نهفته است. در نتیجه مسئله زنان در» ن جنبش چپ» سوسیالیستی تبدیل به مسئله‌ی «اشیایی می‌شود، مسئله‌ی که فقط مربوط به زنان است» نه مربوط به کل جنبش سوسیالیستی. یانگ به جمله‌ی از باربارا اهنریش اشاره می‌کند که

---

<sup>1</sup> Young سوسیالیست - فمینیست است و در حال حاضر در شهر ماساچوست زندگی می‌کند و استاد دانشگاه Worcester Polytechnic است.

سوسیالیست فمینیست‌ها را چنین تعریف می‌کند «سوسیالیست - فمینیست، سوسیالیستی است که در برابر بیش‌تر به جلسه می‌رد.»<sup>1</sup> می‌گوید شاید این تعریف یاد هم دقیق نباشد اما در حال حاضر عملاً فعالیت فمینیستی بر فعالیت سوسیالیستی مان اضافه شده است. در از دید آج مارکسیسم با فمینیسم ما مثل منشی‌های کرایه‌ی هستیم که بعد از انجام کار زنانه باید به خانه برویم. کارهای خانگی را انجام دهیم. یانگ معتقد است سیاست سوسیالیستی - فمینیستی یعنی سیاستی که در تمامی فعالیت‌های سیاسی سوسیالیستی، دیدگاه فمینیستی‌اش را حفظ کند.

Christine Ridclough سوسیالیست - فمینیست فعال در جنبش لزبین‌ها<sup>2</sup> در رابطه با مقاله هارتمن می‌نویسد، هارتمن توضیح نمی‌دهد که چرا زن است که تحت ستم واقع شده چرا مرد است که مسلط برتر است؟ به نظر Ridclough فمینیسم باید تعریف وسیع‌تری داشته باشد. آزادی جنسی همه مردم از جمله زنان - همجنس‌گرایان مرد - لزبین‌ها را در دستور کارش قرار دهد. به مفهوم «جامعه مدنی» گرامشی اشاره می‌کند تا از این طریق نشان دهد چگونه طبقه - اکم از انواع - اقسام روش‌های نهادینه شده استفاده می‌کند تا هژمونی خود را تثبیت کند. اتحادیه‌ها - مدارس -

---

<sup>1</sup> Working Papers in Socialist feminism. Pamphlet available from The New Muvemen American.  
<sup>2</sup> C.Riddiough معاون کمیسیون سوسیالیستی - فمینیستی جنبش آمریکایی نوین است. اما از اعضای تحریریه نشریه Blazing Star روزنامه فمینیست‌های لزبین در شیکاگو بوده و ده سال است در جنبش‌های زنان - همجنس‌گرایان - لزبین‌ها فعال می‌شاد. او محقق در رشته بهداشت محیط زیست در دانشگاه Illinios است. feminism and Socialism gay-lesbian liberation. (Women and revalntion-Lydia Sargent-1981-South Erd Press-USA).

کلیساها - خانواده‌ها □ نظام ارزش‌گزار، اعتقاد □ اخلاق □ آن‌ها منافع صل □ بان قدر □ را تأمین می‌کند. کنترل جنسیت انسان‌ها یکی از راه‌های مهم □ فظ □ تثبیت هژمونی سیاسی است. بنابراین مبارزه برای آزادی جنسی مبارزه مهمی است. به نظر Ridcliongh بررسی جامعه مدنی به ما امکان می‌دهد بازبینی زنجیرهایی که سرمایه‌داری، خانواده - ستم بر همجنس‌گرایان - ستم بر زنان - را به هم □ صل □ می‌کند □ راه پیوند □ قیقی سوسیالیسم با فمینیسم را نشان می‌دهد.

به نظر Ridcliongh هارتمن به علت آن که به فمینیسم زیاد اهمیت نداده است در برقراری پیوند مارکسیسم با فمینیسم موفق نبوده است. به نظر □ ی ریشه ستم بر زنان به رلهای متفا □ زن □ مرد در تولیدمثل □ خانواده بر می‌گردد. خانواده به عنوان □ □ اساسی □ بنیادین جامع مدنی با سایر مراکز □ رندهای تولید مرتبط است □ بنابراین ستم بر زنان در عرصه‌های گوناگون کاری - سیاسی □ غیره گسترش می‌یابد. گلوریا جوزف Gloria Joseph سوسیالیست - فمینیست انقلابی سیاه‌پوست<sup>1</sup> در رابطه با تئوری‌ها □ نظریا □ هارتمن می‌نویسد: «در این از □ اج جاي يك عضو خالي بود» □ به عدم بررسی مسائل زنان سیاه‌پوست از سوی هارتمن اشاره می‌کند □

---

<sup>1</sup> G. Joseph پرفسور در کالج ماساچوست در رشته علوم اجتماعی است. او سفرهای متعددی به کوبا - چین - هند و آفریقا داشته که دست‌آورد آن‌ها مقالات و نمایشگاه‌های عکس بوده است. آخرین کتاب او درباره اختلاف‌نظرهای فمینیستی: سیاه و سفید است. او خود را سیاه انقلابی فمینیست با اندیشه‌های سوسیالیستی می‌داند.

The Incompatible ménage a trios: Marxism-Feminism and racism. (Women and revalation Lydia Sargent-1981-South End Press-USA)



می‌نویسد اغلب فمینیست‌ها، نژادپرستی را از یاد می‌برند به نظر □ ی هم مارکسیسم □ هم فمینیسم به مسئله نژادی - قومی بی‌توجه بوده است. جوزف Joseph معتقد است تعریف هارتمن از پدرسالاری دقیق نیست زیرا هارتمن همه مردان را در یک گونی می‌ریزد □ آن‌ها را در ستم بر زن شریک می‌داند. □ می‌پرسد مردان برده سیاه‌پوست چه قدر امکان برتری □ غلبه □ تسلط بر زنان را داشته‌اند؟ □ ادامه می‌دهد که بین مردان - زنان سفیدپوست اتحاد بیش‌تری □ جود دارد تا بین مردان سفیدپوست با مردان سیاه‌پوست یا زنان سفیدپوست با زنان سیاه‌پوست. اغلب سفیدپوستان به خاطر سفیدپوست بودن‌شان به هم نزدیک می‌شوند □ نه به خاطر اشتراک □ بیولوژیکی جنسیتی.

جوزف به مقاله هارتمن اشاره می‌کند که می‌گوید: زنان نباید به مردان اعتماد کنند که «بعد از انقلاب» آن‌ها را «آزاد» خواهند کرد چرا که دلیلی □ نیازی □ جود ندارد که مردان این کار را انجام دهند در □ اقع منافع مردان در ادامه ستم بر زنان نهفته است. جوزف می‌نویسد: زنان سیاه‌پوست نیابد به زنان سفیدپوست اعتماد کنند که «بعد از انقلاب» آن‌ها را آزاد خواهند کرد چرا که دلیلی □ نیازی □ جود ندارد که زنان سفیدپوست این کار را عملی سازد در □ اقع منافع زنان سفیدپوست در ادامه ستم نژاد نهفته است. فمینیست‌های سفیدپوست باید یاد بگیرند که در □ اقعیت امر آن‌ها تحت ستم □ اقع‌شدگان ستم‌گر هستند. برای جبران اشتباه □ گذشته باید مبارزه علیه برتری سفیدپوستان □ تسلط مردان بر زنان با مبارزه جهانی برای آزادی

گره بخورد. فمینیست‌های سیاه □ سفید باید گفت □ گو داشته باشند □  
فعالیت‌های مشتری را سازمان‌دهی کنند. آن‌گاه ما می‌توانیم از «طلاق  
پدرسالاری - سرمایه‌داری □ راسیسم» □ از □ تمال □ «ازد □ اج سوسیالیسم  
سیاه انقلابی □ سوسیالیست فمینیسم» سخن بگوییم. کار □ ل اهرلیش  
آناشیسست فمینیست<sup>1</sup> نظرش را درباره مقاله هارتمن این چنین مطرح  
می‌سازد، نظر □ عمل فمینیستی هرگز نمی‌تواند یک همسر یا شریک برابر  
□ فوق در ازد □ اج مارکسیسم - فمینیسم باشد. □ وظیفه فمینیست‌ها استفاده از  
مقوله‌هایی است که مفاهیم پیچیده‌ی مثل طبقه، نژاد، جنسیت، قوم، سن □  
جهت‌یابی جنسی را توضیح می‌دهند. فمینیست‌ها با توجه □ در نظر گرفتن  
تمامی این مفاهیم است که می‌توانند ریشه نابرابری‌های نهادینه شده را در  
رابطه با قدر □ ببینند. □ ابط قدر □ یعنی □ ابطی که در آن فردی امکان  
کنترل اعمال □ رفتار فرد دیگر را می‌یابد. ریشه نابرابری‌های طبقاتی،  
نژادی، جنسیتی به علت سلسله‌مراتبی بودن □ ابط قدر □ □ □ جود ذاتی قهر  
□ اجبار در رابطه با قدر □ است، باید تمامی سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی  
تمرکز را درهم شکست. به‌نظر اهرلیش رادیکال فمینیست‌ها □ آناشیسست‌ها

---

<sup>1</sup> C.Ehrlich نویسنده مقاله «سوسیالیسم، آناشیسسم و فمینیسم»  
است. در تهیه برنامه‌های رادیو برای Great Atlantic radio فعالیت  
داشته، در نشریات آناشیسستی قلم زده، در گروه تحقیقی علوم  
اجتماعی رادیکال و شبکه یادگیری مدرسه Baltimore شرکت داشته  
است. The unhappy marriage of Marxism and Feminism: Can it be saved. (Women and  
revolution-Lydia Sargent-1981-South End Press-USA)

می‌توانند در این زمینه‌ها با هم همکاری داشته باشند چرا که ایده‌های مشترکی دارند.

جوزف توضیح می‌دهد در مقاله اگر فقط به سیاه‌پوستان اشاره کرده منظورش نادیده انگاشتن سایر رنگین‌پوستان یا اقلیت‌های قومی نبوده است بلکه خواسته همه نژادها □ قوم‌ها را با توجه به تفاهات □ های تاریخی - فرهنگی یکسان ارزیابی کند.

ساندرا هاردینگ Sandra Harding فمینیست یک «راه-ل رادیکال»<sup>1</sup> برای مشکل ازداد □ اج مارکسیسم □ فمینیسم ارائه می‌دهد. به نظر □ ی مارکسیسم نه تنها به مسئله‌ی جنسیت توجه نکرده است بلکه □ تا جنس‌گرا (سکسیست) بوده است. پایه مادی پدرسالاری □ سرمایه، فقط در جنبه‌های اقتصادی جدایی جنسی در مشاغل □ وظایف در در □ ن خانواده نهفته نیست. شرایط بیولوژیک - □ انی یک فرد اجتماعی نیز در شکل‌گیری پدرسالاری □ سرمایه نقش دارند. هاردینگ Harding معتقد است برای یک اتحاد □ اقعی □ برابر بین مارکسیسم □ فمینیسم باید «مردان تازه» خلق کنیم، باید جلوی تولید □ باز تولید شخصیت‌های کلیشه‌ی مذکر □ مؤنث را بگیریم. باید نه فقط علیه پدرسالاری بلکه علیه آن منافی که مردان در □ فظ پدرسالاری □ سرمایه‌داری □ در □ فظ □ ابط قدر □ بر پایه آن تسلط دارند، نیز بجنگیم.

---

<sup>1</sup> S.Harding استاد فلسفه علوم اجتماعی و تئوری فمینیسم در دانشگاه Delawave است. او مقالات متعددی در رابطه با تحقیقات فمینیستی خود منتشر کرده است و عضو فعال سازمان‌های فمینیستی آمریکا است.

برای سرنگونی سرمایه‌داری - پدرسالاری - جود سازمان‌های مستقل زنان (که به مسائلی چون طبقه - نژاد - رابطه جنسی مختلف هتر - سکس‌وئل - همجنس‌گرا - لژیون - اشکال مختلف زندگی خانوادگی - نگهداری از کودکان توجه ویژه دارند) ضرر - دارند. امر - زه زنان انقلابی‌ترین قشر جامعه هستند.

عزیزه - ال - هیبن Azizah Al-Hibn رادیکال فمینیست<sup>1</sup> معتقد است تزهایی هارتمن مباحث جدیدی را در رابطه با امکان‌پذیر بودن - رهایی زنان از سرمایه‌داری به عنوان «زن» - نه به عنوان «کارگر» ارائه می‌دهند. به نظر - ی سرمایه‌داری مر - له پیش‌رفته پدرسالاری است - ریشه پدرسالاری از زمانی نشأ - گرفت که مرد دریافت در تولیدمثل - در تدام زندگی نقشی ندارد - میرنده است (سد به ر - م). مرد بر ای این که این نقیصه را جبران کند به کنترل - سلطه بر زن که توانایی تولیدمثل - تغذیه نوزاد را دارد - ی می‌آرد. هیبن به کارهای ارسطو - سقراط - سارتر - نیچه اشاره می‌کند - معتقد است این تمایل به تولیدمثل - تغذیه نوزاد را در کارهای فلسفی - هنری آنان می‌توان دید. مردان از تمایل به کنترل تولیدمثل شرع کردند - به تمایل به کنترل تولید هم رسیدند، به نظر هیبن مارکسیسم

---

<sup>1</sup> A.Al-hibn لبنانی‌الاصل است. امروزه در دانشگاه تکزاس فلسفه تدریس می‌کند. او در رابطه با اسلام و فمینیسم و مبدا تمدن - تکنولوژی کار تحقیقی می‌ند و عضو هیئت تحریریه نشریه «تکنولوژی و امر انسان» است.

(Human Affairs and Technology Capitalism Is and advanced stage of Patriarchy: But Marxism is not Feminism. (Women and revolution-Lydia Sargent-1981-South End Press USA)

برخی مردان را از شر استثمار برخی مردان آزاد می‌کند اما زنان را آزاد نمی‌کند. به لحاظ استراتژیکی، مبارزه علیه سرمایه‌داری - راسیسم - امپریالیسم □ تمامی شیوه‌های ستم باید بر اساس درک پایه طبیعی پدیده‌ها بنا نهاده شود. لیزه فوگل مارکسیست - فمینیست<sup>1</sup> برخلاف همین معتقد است که مارکسیسم سنتی قدر □ خود را به اثبات رسانده است. مشکل اصلی این است که این نظریه‌پردازان مارکسیم را درست نفهمیده‌اند □ از امکان تطابق □ تکامل مارکسیسم با تئوری‌های فمینیستی به اندازه کافی آگاه نیستند فوگل به انتقاد □ هارتمن از مارکسیسم اشاره می‌کند □ معتقد است انتقاد □ هارتمن نقش مهمی در تکامل سنت‌های مارکسیستی دارند. سوسیالیست فمینیست‌ها با استفاده از تئوری‌های اساسی مارکسیستی به درک ماتریالیستی از مسئله ستم بر زن پرداخته‌اند، مثلاً از طریق اشاره به ضعف کارهای انگلس از طریق بررسی استثمار □ گانه زنان از طریق کار دست‌مزدی □ کار خانگی - از طریق توضیح نقش زنان به عنوان مصرف‌کننده □ وظیفه کنونی سوسیالیست فمینیست‌ها این است که تئوری‌های سنتی مارکسیستی را مورد تجزیه □ تحلیل □ تکامل قرار دهند. به نظر فوگل نیازی به ترکیب این با مارکسیسم یا سوسیالیسم با فمینیسم □ جود ندارد، بلکه باید تئوری مارکسیست را تکامل بخشید.

---

<sup>1</sup> L.Vogel در نیویورک زندگی می‌کند و استاد جامعه‌شناسی در کالج Nassau Community است او بیش از پانزده سال در جنبش چپ و جنبش‌های زنان فعالیت داشته است. در زمینه مسائل زنان مقاله‌ای اخیراً به چاپ رسانده تحت عنوان فراسوی کار خانگی. Marxism and Feminism Unhappy marriage Trial Separation, or Something else (Women and revolution-Lydia Sargent-1981-South End Press-USA.)

امیلی هیکت Emily Hicks سوسیالیست - فمینیست معتقد است<sup>1</sup> از دیدگاه مارکسیسم با فمینیسم موجب محدود کردن گستره‌ی کار هر فرد نظریه می‌شود. به نظر او، فمینیسم فرهنگی می‌تواند توده‌سویع‌تری را به جنبش سوسیالیستی بکشاند، توده‌هایی که به لحاظ سیاسی متفرد می‌اندیشند. او می‌گوید چرا اقشار مختلف مردم (زنان کارگر - سیاه‌پوستان - همجنس‌گرایان) با وجود این که به شکل‌های گوناگونی از زندگی در درون سیستم سرمایه‌داری ناراضی هستند از اقدامات فمینیستی آلترناتیوهای رادیکال حمایت نمی‌کنند؟ مارکسیستی که نتواند در تئوری عمل به توده‌ها نزدیک شود، بی‌خاصیت است. به نظر او، ایجاد تشکلاتی وسیع غیرانحصاری برای ایجاد تغییرات ترقی‌خواهانه ضروری است. تمرکز او فقط مارکسیسم یا فقط فمینیسم اشتباه است باید دید بازداشت تا به توان به نیازهای واقعی متفرد انسان‌های ستمدیده گرفتار پاسخ داد.

کارول براون Carol Brown مارکسیست - فمینیست معتقد است<sup>2</sup> زنان باید علیه پدرسالاری سرمایه‌داری مبارزه کنند، گرچه همواره تحت ستم باقی خواهند ماند. او در رابطه با تغییرات در پدرسالاری می‌نویسد،

---

<sup>1</sup> E.Hicks عضو شبکه سوسیالیست - فمینیست‌های لوس‌آنجلس و عضو کمیته مدرسه جامعه سوسیالیست‌ها است. وی در رشته روان‌شناختی و فمینیسم تدریس می‌کند.

<sup>2</sup> C.Briwn دکتری خود را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرده و در دانشگاه Massachusetts تدریس می‌کند. او مارکسیست بوده و بعد فمینیست شده است. او درباره مادران تنها تحقیق می‌کند.

Mother, Father and children: From Private to public Patriarchy. (Women and revolution-Lydia Sargent-1981-South End PRESS-USA)

پدرسالاری در قرن گذشته از □وزه خصوصی به □وزه عمومی راه یافته است. قوانین □ضانت فرزندان - طلاق - □ق پدر - □ق مادر، کودکان تبدیل به مسئولیت‌های تحمیلی پرخرجی شده‌اند □ بنابراین □فظ خانواده‌هایی که از پدر - فرزندان تشکیل می‌شود دیگر به صرف سرمایه‌داری □ پدرسالاری نیست □ □لت اکنون باز تولید نمی‌ی‌کار را از طریق □مایت قانونی از □قوق زنان (به شکل فردی) در مقابل مردان سازمان می‌دهد.

این امر تضادهای استراتژیکی به همراه دارد. اگر ما از پدرسالاری عمومی شده بخواهیم مادران تنها را □مایت کند میدان عمل آن را گسترش داده‌ایم. اگر چنین خواسته‌یی را طرح نکنیم مادران تنها آسیب می‌بینند □ متضرر می‌شوند □ بسیاری از زنان مجبور می‌شوند به شوهران خود □ابسته بمانند □ پدرسالاری خصوصی را تحمل کنند. برای همین است که زنان باید علیه □لت سرمایه‌دار □ پدرسالاری بجنگند.

کات استوار □ Kate Stewart فمینیست معتقد است<sup>1</sup> تنها ارائه یک نظریه ماتریالیستی از پدرسالاری به شیوه هارتمن کافی نیست ما باید رابطه بین طبقه □ سلسله‌مراتب جنسیت را بفهمیم. □ به معنای طبقه □ جنسیت در فرهنگ آمریکایی در □ره‌های متفلاً □ تاریخی اشاره می‌کند □ نتیجه

---

<sup>1</sup> K.Stewart عضو فعال جنبش زنان در ایالات متففاوت آمریکا بوده است و در دانشگاه Michigan در رشته مطالعات زنان تدریس می‌کرده است. او اکنون در ویرجینیا زندگی می‌کند و روی تز دکترایش در رشته انسان‌شناسی کار می‌کند.

The marriage of capitalist and Patriarchal ideologies, Meanings of male bonding and male ranking in U.S. culture. (Women and revolution-Lydia Sargent-1981- South End Press - USA.)

می‌گیرد، در هر دو به جایگاه هویت مردان از طریق کشمکش بر سر این که در کدام سلسله‌مراتب قرار دارند چگونه تسلط خود را اعمال کنند، تعیین شده است. جایگاه هویت مردان نوع تسلطشان بر زنان بسته به نوع طبقه‌یی که از آن بر می‌خاسته‌اند متفاوت بوده است. به نظر می‌آید تحلیل سوسیالیست فمینیست‌ها باید به شناخت رابطه پویای فرهنگی اجتماعی مابین سرمایه‌داری سلسله‌مراتب پدرسالارانه توجه کنند. باید بفهمیم چرا لگدمال‌شدگان جامعه هویت خود را با کمک ایدئولوژی‌های سیاسی آکمان تکامل می‌بخشند - تجارب دانسته‌هایی ما از سلسله‌مراتب باید ما را یاری دهد که دیگرگونه عمل کنیم جنبش‌های زنان مؤثر نظام‌های جدید غیرمراتب اقتصادی - جنسیتی بسازیم.

آن فرگوسن نانسی فولبر سوسیالیست فمینیست‌هایی هستند<sup>1</sup> که به رابطه متضاد سرمایه‌داری - پدرسالاری تأکید دارند. به نظر آن‌ها رابطه اجتماعی سرمایه‌دارانه با اشکال متفاوت پدرسالاری درآمخته اما در عین حال برخی از سنت‌های پدرسالارانه را تضعیف کرده است. فمینیست‌ها باید به نقش زنان در تولید سرمایه‌داری توجه بیشتری مبدل دارند. آنان از نظرات ارائه شده توسط هارتمن استقبال می‌کنند معتقدند هارتمن جایگاه سوسیالیست فمینیست‌ها را به خوبی روشن کرده است: میان مارکسیست‌های ارتدوکس رادیکال فمینیست‌ها با نظریه هارتمن در رابطه با این که

---

<sup>1</sup> N.Folbre دستیار پرفسور در کالج Bowdoin در رشته اقتصاد است. او تئوری در مورد رابطه تولید و تولیدمثل ارائه داده است.



سرمایه‌داری □ پرسالاری □ سیستم نیمه مستقل اما جدا هستند موافقتند. فرگوسن □ فولبر با يك نکته در نظریا □ هارتمن اختلاف نظر دارند □ آن این که به نظر آن‌ها سرمایه‌داری □ پرسالاری در تضاد با يك‌دیگر قرار دارند. علت این که هارتمن به این نکته توجه کافی مبدل نداشته این بوده که □ ی بر نقش زنان در اقتصاد □ تولید کالا متمرکز شده است □ نقش زنان در تولید □ پرورش کودکان □ رابطه جنسی را نادیده انگاشته است. سازمان‌های مستقل زنان با فرهنگ انقلابی - فمینیستی باید به □ مایت زنان برخیزند.

Zilla Eisenstein زیلا ایزنشتاین سوسیالیست - فمینیست<sup>1</sup> در مجموع با نظریا □ هارتمن موافق است اما معتقد است به نفع ما سوسیال فمینیست‌ها است که به لحاظ سیاسی با فمینیست‌های لیبرال - رادیکال □ سوسیالیست گفت □ گو داشته باشیم تا با مارکسیست‌ها، به نظر □ باید جنبش متحد فمینیستی را بر فراز عقاید سیاسی ایجاد کرد. □ می‌گوید، بیایید لیبرال فمینیست‌ها را رادیکال کنیم. □ ی معتقد است فمینیست‌های لیبرال امر □ ه بخش عظیمی از جنبش علنی زنان را می‌سازند از سوی دیگر رادیکال فمینیست‌ها □ سوسیالیست فمینیست‌ها نقاط اشتراك بسیاری دارند تا سوسیالیست فمینیست‌ها □ مارکسیست‌ها. ما باید در □ ن جنبش زنان گفت □ گویی را آغاز کنیم.

---

<sup>1</sup> A.Ferguson پرفسور در رشته فلسفه در دانشگاه Massachusetts است. در جنبش سوسیالیستی - فمینیستی و فمینیست‌های لژبین فعال بوده است. عضو گروه فلاسفه مارکسیست و گروه جنبش سوسیالیستی - فمینیستی آمریکا است.  
The unhappy marriage of patriarchy and capitalism. (Women and revolution-Lydia Sargent-1981 -South End Press-USA)

به نظر می‌آید که این قدم برای ساختن یک جنبش فمینیستی توده‌یی وسیع این است که مباحثاتی را بین نظرگاه‌های متفکر فمینیستی آغاز کرد. سوسیالیست - فمینیست‌ها مارکسیست‌ها دیدگاه‌های طبقاتی مشترکی دارند در حالی که فمینیست‌های سوسیالیست - رادیکال لیبرال خواهان حذف رابطه سلسله مراتب موجود هستند. از آنجا که مبارزه با سلسله مراتب جنسیتی در نهایت سایر نظام‌های سلسله‌مراتب را نیز افشا خواهد کرد بخش بزرگی از زنان رادیکال به جنبش علنی بزرگ موجود یعنی لیبرال فمینیست‌ها می‌پیوندند. فمینیست‌های چپ از طریق پی‌گیری فعالیت‌های لیبرال فمینیست‌ها می‌توانند اهداف سیاست‌های آنان را دریابند به آنان کمک کنند تا نقش ذاتی پدرسالاری نظام سرمایه‌داری را درک کنند. به نظر می‌آید باز می‌چپ جنبش زنان بدون این کار منزه خواهد شد، یعنی درست همان اتفاقی رخ می‌دهد که راست‌های ماکم خواهان آنند.

## جمع‌بندی و پاسخ‌های هارتمن

هارتمن سؤالاً مطرح شده از سوی منتقدین را چنین جمع‌بندی می‌کند:

شکل کشمکش در نی سرمایه‌داری - پدرسالاری چگونه است؟ سرمایه‌داری - پدرسالاری یک یا دو نظام هستند؟ چرا پدرسالاری تغییر شکل می‌دهد اما نابود نمی‌شود؟ چگونه است که تئوری‌های مربوط به نظام را فراموش می‌کنیم؟ نقش رابطه هنر-سکسوال در سرمایه‌داری پدرسالارانه چیست؟ چگونه می‌توان نقش ساختارهای رانی را در بقای راسیسم - پدرسالاری - سرمایه‌داری دریافت؟ چگونه به پدرسالاری مله کنیم؟ راه‌ل‌های امرزی کدام‌ها هستند؟ چگونه مردم را به رکت درآریم؟ نقش انقلابی مردان چیست؟ نقش لیبرال فمینیست‌ها چیست؟

هارتمن می‌نویسد مقاله «از داج ناخشنود» به جود دو نظام جداگانه اما در عین‌ال در هم پیچیده‌ی رابط اجتماعی - سرمایه‌داری - پدرسالاری که هر یک پایه مادی پویایی خاص خود را دارند، اشاره دارد. یونگ، فوگل، هیکت، هیبن معتقدند گانگی بین پدرسالاری - سرمایه‌داری جود ندارند

یک نظام است که رابط جنسیتی اقتصادی جوامع امرزی را تعیین می‌کند. دلایل آن‌ها مرا متقاعد نکرده است. من هنوز هم معتقدم سرمایه‌داری - پدرسالاری دو نظام جداگانه اما مرتبط به هم هستند. مثلاً به نمونه مقامت پدرسالاری در جوامع سوسیالیستی نگاه کنید (من با آن کسانی که می‌گویند اتحاد شوروی - چین - کوبا سوسیالیستی نیستند موافق نیستم - این

کشورها شاید سوسیالیسم به طرز ایده‌آل ما نباشند اما خودشان را سوسیالیستی می‌دانند □ بسیاری هم آن‌ها را سوسیالیستی ارزیابی می‌کنند (مترجم: مقاله قبل از فر □ پاشی اتحاد شور □ ی نوشته شده است.)

یونگ می‌گوید سرمایه‌داری نظام اقتصادی است که از طریق تقسیم کار بر اساس جنسیت زنان را به □ اشیه می‌راند □ به مردان سود می‌رساند □ معتقد است تنها تکامل پدسالارانه سرمایه‌داری به لحاظ تاریخی امکان‌پذیر بود. □ تأکید دارد که ر □ ابط پدسالارانه، ر □ ابط اقتصادی سرمایه‌دارانه را شکل داده است. در این □ االت ما نه به يك دیدگاه □ گانه بلکه به دیدگاهی مضاعف نیاز داریم تا ببینیم چگونه سرمایه‌داری □ پدسالاری در همه‌جا هم‌زمان عمل می‌کنند. این يك یاد □ ری خوبی محسوب می‌شود.

یونگ می‌گوید تقسیم کار بر اساس جنسیت به عنوان يك مفهوم می‌تواند ما را در درك سایر تقسیم‌ها (بر اساس طبقه - قوم - نژاد □ ...) یاری کند. به نظر من توضیح این مفاهیم بیش‌تر جنبه ایستایی دارند. فر □ کنید يك جد □ ل سه بعدی درست کنیم □ مردم را در جعبه‌های آن جا دهیم. مثلاً مردان سیاه کارگر در يك جعبه، زنان سفید طبقه متوسط در جعبه دیگر □ الي آخر. این جد □ ل به ما نشان نمی‌دهد که آدم‌های جایی داده شده در هر جعبه چه جایگاهی در مبارزه دارند □ یا چه متحدانی برای خود انتخاب می‌کنند. تقسیم‌بندی به خودی خود چیزی را به ما نشان نمی‌دهد بلکه زمینه تقسیم‌بندی‌هاست که می‌تواند رهنما باشد. نکته مهم مقاله یونگ در این است که □ تأکید دارد که فمینیسم ضر □ رتاً ضد سرمایه‌داری است چرا که

سرمایه‌داری ذاتاً پدرسالارانه است □ در نتیجه سوسیالیست‌ها در مبارزه‌شان علیه سرمایه‌داری ضرراً برتاً علیه پدرسالاری هم می‌جنگند. بنابراین این مبارزه می‌تواند یکی شود. اشکال نتیجه‌گیری سیاسی □ در این است که این مبارزا □ ذاتاً ضد پدرسالاری نیستند. بسیاری از جنبش‌های سوسیالیستی به □ ابط پدرسالارانه اهمیت نداده‌اند □ بسیاری از جنبش‌های فمینیستی مبارزه ضد سرمایه‌داری را پیش برده‌اند. هیکت معتقد است باید که بطور هم‌زمان طبقه - جنسیت - نژاد را در يك زمینه فرهنگی مورد مطالعه □ پژوهش قرار داد □ به مارکسیسم فرهنگی توجه □ به آن اشاره دارد.

فوگل مفهوم مارکسیستی بازتولید اجتماعی را برای درك ستم بر زن کافی می‌داند. این □ همانند یونگ قصد اصلاح □ شناسی مارکسیسم را دارند. برخی دیگر از نظرا □ در این مجموعه نیز به این موضوعا □ اشاره داشته‌اند که به آن خواهیم پرداخت.

هیبن از دیدگاه رادیکال فمینیستی به قضیه برخورد کرده است □ □ هم معتقد است به یکی بودن □ نظام سرمایه‌داری - پدرسالاری است. پایه بحث نظری □ نیاز مرد به فناپذیری است. به نظر □ ی تولید □ تولیدمثل هر □ ابزارهایی هستند که می‌توانند این نیاز مردان را برطرف کنند. برای فناپذیر بودن مردان، تولیدمثل زنان را تحت کنترل در می‌آیند (چرا که زنان □ م دارند □ می‌توانند تولید نسل کنند □ در □ جود فرزندان‌شان زندگی را ادامه دهند.) عامل تحرك در جامعه، یافتن راه‌های جدید □ مقبولی است

که مردان را مسلطتر کند. عامل تحرك در تاريخ ر□ان مرد بوده است. اين دیدگاه گرچه خيلي ر□ان شناسانه است اما به نظريه مارکسيست - فمينيست ها که رابطه آشکار □ غير مبهمي بين سرمايه داري □ پدرسالاري مي بيند بسيار نزديک است. راديکال فمينيست ها يك سؤال را هم بي پاسخ مي گذارند □ آن اين که قدر □ طلبي □ قدر □ طلبي مردان از کجا نشأ □ مي گيد. البته برخي معتقدند بيولوژيکي است.

هاردينگ مي گويد ريشه قدر □ طلبي مردان در شيوه تربيت فرزندان نهفته است. هيبن سرمايه داري را فرزند پدرسالاري □ هاردينگ آن را هم زاد پدرسالاري مي داند، هاردينگ با کمک گرفتن از نظريا □ نانسي چودر □ ف به بحث هاي مربوط به مادري - تربيت کودکان - الگوهاي رفتاري مي پردازد □ به اين ترتيب رابطه يي نظري بين سرمايه داري - پدرسالاري مي بيند. مقاله □ ي سؤال مهمي را طرح مي سازد: نقش مردان در انقلاب چيست؟

استراتژي درازمد □ پيش نهادي □ ي اين است که تربيت فرزندان بايد با مسئوليت مشترک □ در شرايط اجتماعي - اقتصادي يکسان صور □ گيرد. به نظر من تقسيم مسئوليت براي تربيت کودکان بسيار مهم است □ نقش تربيت در شکل گيري شخصيت □ الگوهاي رفتاري اهميت دارند اما شخصاً فکر نمي کنند مساله تربيت کودکان مهم ترين عرصه تلاش ما براي ايجاد تغيير □ اجتماعي باشد.

استوار □، هنر ایش، جوزف...، به کمبودهای تئوریک «از □ اج ناخشنود» اشاره می‌کنند. Ridiough پیرامون رابطه فمینیسم □ □ فوق همجنس‌گرایان می‌نویسد. □ توجهی به تحلیل‌های تکامل یافته‌تر فمینیستی در رابطه با دیگر جنس‌خواهی ندارد.

هاردینگ دگر جنس‌گرایی را ناشی از شیوه‌های تربیتی کودکان می‌داند که به نوبه خود موجب تسلط مردان می‌شود □ نتیجه‌گیری می‌کند که چالش‌گری با دگر جنس‌خواهی اساساً ضد پدرسالارانه است. تحلیل‌های Ridiough بر عکس تشویق به چالش‌گری با ایدئولوژی طبقه □ اکم می‌کند. به نظر □ پدرسالاری ابزار □ مایت ایدئولوژیک از هژمونی طبقه □ اکم است. تسلط مردان برای □ یعنی تسلط مرد سفیدپوست متعلق به طبقه □ اکم.

Ridiough هم مثل یونگ چارچوب اتحاد را بر اساس تلاقی □ تقاطع منافع (مثلاً هم جنس‌گرایان - فمینیست‌ها) می‌گذارد. در هر صورت □ بحث‌های Rildiough برای مارکسیست - فمینیست‌ها مفید است، آن‌ها باید درباره رابطه پدرسالاری □ دگر جنس‌خواهی بیش‌تر تحقیق کنند.

مقاله جوزف ضرر □ ر □ طرح مسئله راسیسم در نظریه‌های سوسیالیستی - فمینیستی رزا تأکید می‌کند. تفل □ تجارب زنان - مردان سفید یا سیاه باید شناسایی شوند □ نقش اساسی در تئوری اجتماعی داشته باشند. □ از زنان به عنوان یک مقوله صحبت کردن قطعاً راسیستی است. هیچ نظریه درباره تسلط مردان نیست که جایگاه فر □ دست مردان سیاه‌پوست را نادیده انگاشته باشد. جوزف می‌گوید زنان سیاه‌پوست هم نباید اعتماد کنند که زنان

سفیدپوست آن‌ها را آزاد می‌کنند (با اشاره به مسئله درآمدهای مردان سفیدپوست) □ تأکید دارد راسیسم □ سکسیسم را هرگز نمی‌توان به عنوان □ ابط صرفاً اقتصادی تحلیل کرد. بنابراین باید نگاهی هم به مسائل فر اقتصادی انداخت. چهارچوب نظری «از □ اج ناخشنود» باید جرح □ تعدیل گردد □ راسیسم را نیز در بر گیرد تا بتواند برای سیاهپوستان هم مورد استفاده باشد. (منظور از سیاهپوستان همان‌طور که جوزف هم در مقاله‌اش اشاره کرده بود به طور کلی نژادهای دیگر □ اقلیت‌های قومی هستند. مترجم) در بعضی نقاط جزئی با جوزف موافق نیستم اما بحث □ را به طور کلی می‌پذیرم □ باید در مقالا □ بعدی از این راهنمایی مورد اشاره جوزف استفاده کرد.

اهرلیش معتقد است من از تحلیل‌های مهم آنارشیست - فمینیست‌ها در «از □ اج ناخشنود» استفاده نکرده‌ام از جمله ای که سلسله‌مراتب به علت □ جود □ لت ضر □ می‌یابد. □ می‌گوید مارکسیسم □ فمینیسم نمی‌توانند از □ اج کنند اما آنارشیسم □ فمینیسم می‌توانند. آنارشیسم به قدر □ سیاسی نظر ندارد □ از کنار بحث‌های «ریشه مادی» می‌گذرد. برای مثال آنارشیست‌ها معتقدند خشونت علیه زنان که قطعاً یکی از اهرم‌های پدرسالاری است، نه تلاشی برای یک پارچه کردن جایگاه اقتصادی مردان از طریق کنترل زن □ نیر □ ی کار زن، بلکه تمرین قدر □ فقط برای قدر □ است. □ رشن نمی‌کند این نیاز به قدر □ از جانب مردان از کجا ریشه می‌گیرد. البته در جایی به رابطه مسایل □ انی با مسائل مادی اشاره می‌کند.



مقاله استوار □ اشاره به این دارد که مردم چگونه □ زانه پدرسالاری را تجربه می‌کنند □ این تجارب را چگونه ارزیابی می‌کنند. از همه مهم‌تر □ اشاره می‌کند که ایدئولوژی مردم انعکاس ساده منافع عینی □ عقلانی‌شان نیست. استراتژی‌های سیاسی باید هم بر اساس درک مردم از موقعیت □ شرایط زندگی خودشان □ هم بر اساس منافع عینی مادی‌شان باشد. تنها شرایط عینی برای این که مبارزا □ مردمی آغاز شود کافی نیست، سازمان‌دهی نیز ضروری است که هاردینگ، اهرلیش، هیکت، استوار □ تلاش می‌کنند که بحث را گسترده‌تر کنند □ به زیر پایه‌های ماتریالیسم دست بیابند به خصوص در شرایط سیاسی □ اضر، به نظر من بسیار مهم است. طرح سؤالاتی پیرامون آگاهی - درک مردم از شرایط □ موقعیت زندگی خودشان، آگاهی از این که کجای دنیا ایستاده‌اند □ با کدام سرمایه‌گذاری □ انی، تا چه □ د توانایی تغییر □ وضعیت □ شرایط را دارند، سؤالاتی هستند که برای استراتژی‌های سیاسی موفق لازمند.

مقالا □ فولبر، فرگوسن، بر □ ن در مجموع چهارچوب «از □ اج ناخشنود» را قبول می‌کنند □ شیوه‌های تغییر پدرسالاری را در شرایط فعلی توضیح می‌دهند.

فولبر □ فرگوسن درباره نقش کار زنان در خانه، نگهداری از شوهر □ بچه‌ها می‌گویند. در کل بحث آن‌ها این است که کار زنان در خانه کاهش □ در خارج از خانه افزایش یافته است. با تأکید بر تضاد ناشی از این تغییر آن‌ها تأکید دارند که زنان باید از این فرصت استفاده کنند □ تغییراتی برای

کار در خانه (نگهداری کودک - رابطه جنسی با شوهر - کار خانگی) ایجاد کنند. آن‌ها از جمله ایجاد همکاری دسته‌جمعی برای انجام کارهای نگهداری - پرورش را پیشنهاد می‌کنند. بر آن طرح می‌ند که مهم‌ترین تغییر پدرسالاری این بوده که یطه خصوصی به یطه عمومی راه یافته است، از خانه به بنیادهای عمومی - پیشنهاد می‌کند که باید استراتژی‌های جدیدی برای مبارزه با شیوه‌های نوین پدرسالاری به یژه در یطه عمومی بیابیم.

ایزنشتاین پیشنهاد می‌کند که انرژی سیاسی‌مان را ر ی کار با جنبش لیبرال فمینیست‌ها متمرکز کنیم. هدف استراتژیک ما باید گسترش جنبش متحد زنان باشد. به نظر لیبرال - فمینیست‌ها محد دیت موفقیت انجام رفرم در پدرسالاری را نمی‌بینند. به نظر سرنگونی پدر سالاری ضرر رتاً سرنگونی سرمایه‌داری را نیز به همراه دارد. فمینیست‌های مارکسیت باید بر ی این مسائل متمرکز شوند جنبش زنان را به این سو سوق دهند. آن‌ها باید تئوری فمینیستی درباره دلت، نقش دلت در یطه سیستم پدرسالاری محد دیت موفقیت رفرم در چهارجوب نظام نظام موجود ارائه دهند. من با ایزنشتاین آن‌جا که تأکید بر رکت به سوی رادیکالیزه کردن جنبش زنان ارائه تئوری فمینیستی درباره دلت دارد، موافقم اما درباره پایه استدلالا (که بر ضرر ر پیوند سرمایه‌داری - پدرسالاری بر اساس سلسله‌مراتب تأکید دارد) متقاعد نشده‌ام. به نظر من سؤالا نظری که توسط نویسندگان فوق مطرح شده به اندازه استراتژی‌های پیشنهادی مهم

هستند. بسیاری بر انجام تغییرات اصلاحی در تئوری مارکسیستی بر اساس مبانی فمینیستی اشاره داشته‌اند. آن‌ها به درستی اشاره کرده‌اند که هدف «از دید ناخشنود» انجام چنین اصلاحاتی نبود است. هدف آن مقاله این بود که با استفاده از متدولوژی مارکسیستی پدرسالاری را از دیدگاه ماتریالیستی تحلیل کند. مخاطبین مقاله مارکسیست‌هایی بودند که قصد داشتیم به آن‌ها بفهمانیم از مارکسیسم استفاده کنند. پدرسالاری را به عنوان یک نظام روابط اجتماعی که بر اساس کنترل مرد بر نیروی کار زن (در خانه خارج خانه) بنا نهاده شده، ارزیابی کنند. قتی Amy Bridges امی بریجس من کار را از این مبحث را آغاز کردیم در میان مارکسیست - فمینیست‌ها در اقلیت بودیم. این ترما بود که می‌گفت پدرسالاری به اندازه سرمایه‌داری در شکل‌دهی جامعه تأثیر دارد، یعنی جنسیت به اندازه طبقه در زندگی انسان‌ها مهم است. در آن زمان بسیاری فقط به اهمیت طبقه تأکید داشتند.

الابحث 180 درجه برگشته، هیچ‌کدام از نویسندگان فوق (که تعدادی‌شان هم مارکسیست هستند) به کم‌اهمیت بودن پدرسالاری درباره‌ی طبقه نپرداخته‌اند.

اما سؤال‌هایی مطرح شده این که چرا «پایه مادی» بر «ساختارهای ایدئولوژیک» غلبه دارند؟ آن‌ها معتقدند «از دید ناخشنود» یادی ماتریالیستی است، آن‌ها معتقدند «ایدئولوژی - روان‌شناسی یا فرهنگ» جلوتر یا دافل هم‌ارز «پایه مادی» یا بخشی از «پایه مادی» است. این استدلال را

برای درک بهتر پیچیدگی پدرسالاری مطرح می‌سازند. می‌گویند پدرسالاری فقط کنترل بر نیر□ی کار زن نیست بلکه کنترل قدر□ ر□انی زن - ساختارهای شخصیتی زن□... را نیز در بر می‌گیرد. من صددرصد با این نظر□ همسو هستم□ به نظرم این نظرا□ ما را به جهت درستی رهنمون می‌سازد تا از جاده‌ی باریک مارکسیسم اقتصادی فاصله بگیریم.

در رابطه با تز دیگری که داده شده مبنی بر آن که پدرسالاری پای انواع سلسله‌مراتبی است، هنوز چندان متقاعد نشده‌ام. در نظریه رادیکال فمینیست‌ها میل مرد به قدر□ فطری□ بدیهی شمرده می‌شود. در نظریه‌ی که بر اساس ر□ان‌کلی□ی ارائه شده، شیوه‌های فعلی تربیت□ پر□رش کودکان موجب خلق مردان برتری طلب شده است. من قانع نشده‌ام زیرا□لاً هیچ پایه نظری برای آن که ادعا کنم همه مردان قدر□ طلب هستند نمی‌بینم، ثانیاً من بر میزان تأثیر شیوه‌های تربیت□ پر□رش کودکان بر شخصیت انسان‌ها شک دارم.

علا□ه بر آن به نظر من پایه‌های دیگری مثل راسیسم ضر□رتاً ریشه در پدرسالاری ندارند. تئوری مارکسیستی شاید نیاز به مقداری بازنگری در رابطه با ستم جنسی - ستم قومی - نژادی داشته باشند. به□یژه مبحث «پایه مادی» نیاز به اصلاح□اتی دارد.

تحقیق□ مطالعه پیرامون رابطه طبقه - جنسیت - نژاد□ همچنین ر□ان‌شناسی - ایدئولوژی - فرهنگ قطعاً فرازهای نوینی در پویای تحریک□ اجتماعی ایجاد خواهد کرد. تشخیص اهمیت مبحث جنسیت□ راسیسم برای

درک بهتر سرمایه‌داری دست‌آردی مهم است. در عین‌حال کار بر روی  
مبحث راسیسم نقش راسیسم در پدرسالاری - سرمایه‌داری برعکس،  
سرمایه‌گذاری مردان سفیدپوست روی راسیسم، تجارب متفلسف زنان  
سفیدپوست - سیاه‌پوست نیز بسیار اهمیت دارد. همچنین مبحث ستم بر  
همجنس‌گرایان - لژیون‌ها رابطه بین پدرسالاری - دگرجنسی‌خواهی باید  
مورد تحقیق توجه قرار گیرد. از همه اساسی‌تر ما باید بفهمیم تضاد بین  
پدیده‌ها نمونه‌های اجتماعی - ریشه‌های تحریکات جهت تغییرات در  
کجاست. از اشتباهات ناگزیز بیاموزیم مبارزه را تعطیل نکنیم. مقالات این  
مجموعه ما را در جهت اهداف فوق یاری می‌دهد. بیا بید بحث را ادامه دهیم  
فعالیت‌های سیاسی را که به ترقی پیش‌برد این مباحث یاری  
می‌رسانند، دنبال کنیم. مبارزه را ادامه دهیم.

## معرفي

هايدي هارتمن اقتصاددان است □ در آكادمي ملي علوم در آمريكا كار مي‌كند. مقالاتي در رابطه با دست‌مزد مسا □ ي براي كار مسا □ ي - تبعيض در استخدام زنان □ مردان اقليت قومي در دست چاپ دارد. □ عضو هيئت تجريره نشريره معرف □ ف مطالعا □ فمينيستي *Feminist Studies* است.

زيلا ايزنشتاين دستيار پرفسور در كالج *Ithaca* در رشته علوم سياسي است. □ تئوري‌هاي ماركسيسم □ فمينيسم را تدريس مي‌كند □ مقالا □ متعددي به چاپ رسانده است. □ در سازمان‌ها □ جنبش‌هاي زنان فعال بوده □ عضو زنان *Carasa.now* است.